

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فصل نامه علمی - ترویجی

شوش های مهدوی

با رویکرد امامت و مهدویت

سال سیزدهم، شماره ۴۹، بهار ۱۴۰۳ (ویژه نوزدهمین همایش بین المللی دکترین مهدویت)
براساس ماده واحده جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی، نشریات دارای امتیاز حوزوی دارای اعتبار یکسان با مجلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است.
فصل نامه «پژوهش های مهدوی» براساس نامه شماره ۳۷۷۹ مورخه ۱۳۹۳/۵/۵ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای علمی حوزه، از شماره چهارم به بعد دارای درجه علمی - ترویجی است.

هیئت تحریریه براساس حروف الفبا:

حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	حجت الاسلام والمسلمین دکتر آیتی، نصرت الله عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر الهی نژاد، حسین دانشیار و عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی قم	حجت الاسلام والمسلمین دکتر سهرابی، صادق استادیار و عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم
حجت الاسلام والمسلمین پورسیدآقایی، سیدمسعود استاد حوزه علمیه قم	حجت الاسلام والمسلمین سیدرضی، سیدرضی دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، جواد استاد سطوح عالی حوزه علمیه قم	حجت الاسلام والمسلمین هادی زاده، محمدتقی استاد حوزه علمیه قم
حجت الاسلام والمسلمین دکتر جعفری، محمدصابر عضو هیئت علمی مرکز تخصصی آینده روشن (پژوهشکده مهدویت) قم	

مدیر مسئول:	حروف نگار:
سیدمسعود پورسیدآقایی	ناصر احمدپور
سرمدیبر:	صفحه آرآ:
نصرت الله آیتی	علی جواد دهقان
مدیر داخلی و دبیر هیئت تحریریه:	طراح جلد:
مجتبی خانی	ابوالفضل بیگدلی نسب
مترجم چکیده های انگلیسی:	چاپخانه:
گروه ترجمه مؤسسه آینده روشن	بوستان کتاب

دفتر نشریه: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۸۴۰۰۸۰ ۰۲۵ - ۳۷۷۳۸۲۴۰ دوزنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۸۲۴۰
صندوق پستی: ۴۷۱ - ۳۷۱۸۵ کدپستی: ۴۵۶۵۱ - ۳۷۱۳۷
مرکز پخش: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ۲۵، پلاک ۲۷، تلفن: ۳۷۸۴۰۹۰۲
شمارگان: ۱۰۰ قیمت: ۲۹۵۰۰۰ ریال

پست الکترونیک: pajoheshhayemahdavi@yahoo.com - pajoheshhayemahdavy@gmail.com

سایت های دسترسی به نشریه: journals.ayandehroshan.ir

این نشریه در پایگاه استنادی علوم جهان اسلام ISC و نیز پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی SID نمایه می شود



اعتماد و امید نسبت به آینده یکی از ابعاد انتظار است که به واسطه آن، مبارزه در راه خیر و صلاح معنی پیدا می‌کند.
مقام معظم رهبری (دامت برکاته)

فهرست عناوین

-
- ۷..... تربیت عقلانی زمینه اجتماع قلبی و حضور تاریخی.....
صادق سهرابی، یحیی صالح‌نیا
- ۲۵..... تبیین نقش اندیشه انتظار در امیدآفرینی نسل جوان.....
عادل فاطمیان
- ۴۳..... تبیین اندیشه‌ها و اهتمام امامین انقلاب در تربیت نسل جوان انقلابی.....
محمدعلی محسنی خو، سعید بخشی
- ۶۷..... طرح انقلاب اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور.....
محمدصابر جعفری
- ۸۷..... بازتبیین عناصر و کارکردهای جوان منتظر انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.....
محمد رضا برزویی، امیرحسین عرب‌پور
- ۱۰۱..... نقش فرهنگ در تمدن‌سازی به عنوان مقدمه عصر ظهور در اندیشه رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای (حفظه الله).....
عطاءالله بیگدلی
- ۱۱۹..... نگرشی به ایدئولوژی آزادی و عدالت در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب شوروی و فرانسه.....
محمد زمانی، عباس اسدی سیسی
- ۱۴۷..... نقش سواد رسانه‌ای در همراهی جوانان با انقلاب اسلامی.....
فاطمه اکبری، آسیه آخوند، حسین علی‌خادمی

فصل نامه «پژوهش‌های مهدوی» از مقالات ترویجی اساتید محترم حوزه و دانشگاه در موضوع امامت و مهدویت با تمامی روی‌کردهای تخصصی استقبال می‌کند.

راهنمای تدوین مقالات

الف) شرایط تدوین و ارسال مقالات

۱. مقاله ارسالی، به‌طور هم‌زمان به دیگر نشریات ارائه نشده یا قبلاً در هیچ جای دیگری منتشر نشده باشد.
۲. مقاله با مباحث امامت و مهدویت، ارتباط مستقیم داشته باشد.
۳. مقاله دارای نوآوری باشد.
۴. مقاله باید در ۱۵ تا ۲۵ صفحه A4 با فرمت word حروف چینی شده و فایل و پرینت آن به دفتر نشریه ارسال گردد.
۵. ساختار مقاله باید دربرگیرنده این موارد باشد: عنوان مقاله (منعکس‌کننده محتوای مقاله و تا حد ممکن موجز)، چکیده (حداقل یک‌صد و حداکثر دویست کلمه)، واژگان کلیدی (حدود هفت واژه پس از چکیده)، مقدمه، بیان مسئله و ضرورت، سؤال یا فرضیه، روش، داده‌های تحقیق، مباحث تفصیلی، نتیجه‌گیری و پیشنهاد، فهرست منابع (به ترتیب الفبا بر اساس نام نویسنده).
۶. چکیده مقاله دربردارنده مسئله تحقیق، روش تحقیق و نتایج تحقیق باشد.
۷. درج نشانی کامل پستی، شماره تماس، پست الکترونیک نویسنده یا نویسندگان، مقطع تحصیلی (دکتری، یا...)، گرایش تحصیلی (علوم قرآنی، یا...)، رتبه علمی (استاد، دانشیار و...) و تعیین نویسنده مسئول الزامی است.

ب) روش ارجاع به منابع در متن و پایان مقاله

۱. آدرس دهی مقاله باید به روش درون متنی و با ذکر نام مؤلف، سال انتشار، شماره جلد و صفحه‌ای که مطلب مورد نظر از آن نقل شده انجام شود و در داخل پرانتز قرار گیرد.
۲. تنظیم فهرست منابع در پایان مقاله به ترتیب ذیل می‌آید:
برای درج مشخصات کتاب: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، نام کتاب، ترجمه یا تصحیح یا تحقیق: نام و نام خانوادگی مترجم یا مصحح یا محقق، شهر محل انتشار، انتشارات، نوبت چاپ.
برای درج مشخصات نشریات: نام خانوادگی نویسنده، نام نویسنده (سال انتشار درون پرانتز)، «نام مقاله»، نام نشریه، شماره، محل نشر، سازمان یا مؤسسه یا ارگان منتشر کننده.

ج) تذکرات

۱. نظریات مندرج در مقالات، الزاماً بیان‌گر دیدگاه‌های مجله نبوده و مسئولیت آن به عهده نویسنده آن است.
۲. مجله در ویرایش، تلخیص، پذیرش یا رد مقالات آزاد است.
۳. مقالات ارسالی به هیچ وجه پس فرستاده نمی‌شوند و نویسنده محترم می‌تواند پیش از ارسال، از مقاله خود کپی تهیه کند.
۴. نقل مطالب مجله با ذکر مأخذ بلا مانع است.
۵. از نظریات اندیشمندان، جهت ارتقای کیفی مجله استقبال می‌شود.

Intellectual education in the field of heart community and historical presence

Dr. Sadegh Sohrabi¹

Dr. Yahya Salehnia²

Abstract

The subject of historical presence and historical position is one of the topics related to the philosophy of history. This issue can be looked at from different angles. History is lawful and purposeful and has stages and factors of rise and fall and rise and fall, and man is a sovereign being and has the right to choose his destiny and can be a history maker just as history is a man maker. We are trying to observe where we are in history and where is our historical position? Each generation, based on the recognition of the historical position, can recognize and perform the duties corresponding to this historical position. The Age of Absence is a special historical place that the guardians of affairs should try to seize in the rational, revelatory and ideal education of the believers in the Savior and by realizing the heart alliance of the Shiites, lay the ground for the occupation of the guardian of God Almighty in the world of humanity and the final liberation of the world from polytheism and Provide oppression, disbelief and arrogance

Keywords: Historical position, ideal education, intellectual education, revelation education, heart community

1. Member of the faculty of Aindeh Roshan Qom Institute (Responsible Author)

2. Member of the Faculty of Al-Mustafa Al-Alamiya University of Qom

تربیت عقلانی زمینه اجتماع قلبی و حضور تاریخی

صادق سهرابی^۱

یحیی صالح‌نیا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۲۲

چکیده

موضوع حضور تاریخی و جایگاه تاریخی یکی از عناوین مرتبط با فلسفه تاریخ است. از زوایای مختلف می‌توان به این مسئله توجه کرد. تاریخ قانونمند و هدفمند و دارای مراحل و عوامل افت و خیز و ظهور و سقوط است و انسان موجودی مختار و دارای حق انتخاب سرنوشت خویش است و می‌تواند تاریخ‌ساز باشد همان‌گونه که تاریخ هم انسان‌ساز است. ما درصدد رصد کردن این موضوع هستیم که در کجای تاریخ قرار داریم و جایگاه تاریخی ما کجاست؟ هر نسلی براساس شناخت جایگاه تاریخی، می‌تواند وظایف متناسب با این جایگاه تاریخی را شناخته و انجام دهد. عصر غیبت، یک جایگاه تاریخی ویژه است که اولیاء امور باید با اغتنام آن در تربیت عقلانی، و حیانی و آرمانی معتقدان به منجی بکوشند و با تحقق ائتلاف قلبی شیعیان، بستر را برای تصرف ولی الله الاعظم در جهان بشریت و خلاصی نهایی عالم از شرک و ظلم و کفر و استکبار فراهم کنند.

واژگان کلیدی

جایگاه تاریخی، تربیت آرمانی، تربیت عقلانی، تربیت و حیانی، اجتماع قلبی.

مقدمه

موضوع جایگاه تاریخی یکی از عناوین مرتبط با فلسفه تاریخ است. از زوایای مختلف می‌توان به این مسئله توجه کرد. در نگاه کلان ما به لحاظ ادوار تاریخی در دوران عصر غیبت به سر می‌بریم که خود یک سنت الهی و راهبردی برای تحقق مهم‌ترین هدف الهی و حاکمیت حق در سراسر هستی است.

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن قم (نویسنده مسئول).

۲. عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه قم.

یعنی از درون این غیبت براساس اعتقاد به امامت حجت و انتظار ظهورش جریان حاکمیت الهی شکل می‌گیرد. عصر غیبت ویژگی‌های خاص خود را دارد و فرایند خاصی در آن طی می‌شود تا به عصر ظهور و طلوع خورشید ولایت درآئیم.

اساساً معبر تاریخ از گذرگاه انسان و نفس آدمی می‌گذرد. انسان است که با انتخاب خود تسویل نفس یا تغییر نفس را بر می‌گزیند. براساس آن ارتباط خودش را با دیگران و طبیعت و هستی رقم می‌زند و صحنه‌های تاریخی را به بوجود می‌آورد. تا طرفداران جبهه حق به تربیت عقلانی، و حیانی و آرمانی و در نتیجه ائتلاف قلبی نرسند نمی‌توان به روابط متکامل انسان‌ها با خدا و هستی و همدیگر دست یافت و بشر هم‌چنان باید در حسرت فعلیت یافتن بسیاری از ظرفیت‌های بالقوه خود به سر خواهد برد.

بنابراین ما درصدد رصد کردن این موضوع هستیم که در کجای تاریخ قرار داریم و جایگاه تاریخی ما کجاست؟ چرا که هر نسلی براساس شناخت جایگاه تاریخی، می‌تواند وظایف متناسب با این جایگاه تاریخی را شناخته و انجام دهد و به طور مشخص در مقاله حاضر مضامین ذیل تحقیق و اثبات می‌شود:

- تاریخ قانونمند و هدفمند است؛
 - تاریخ دارای مراحل و عوامل افت و خیز و ظهور و سقوط است؛
 - آمد و شد جوامع تاریخی طبق سنت‌های مشخصی است؛
 - انسان موجودی مختار و دارای حق انتخاب سرنوشت خویش است؛
 - انسان مختار باید براساس موازین عقلی، و حیانی و آرمانی تربیت شود؛
 - این تربیت‌ها انسان‌های مؤمن و تربیت شده را به اجتماع قلبی سوق خواهد داد.
- نتیجه این مقدمات این است که انسان می‌تواند تاریخ‌ساز باشد همان‌گونه که تاریخ هم انسان‌ساز است و مرحله نهایی تاریخی هم با فرایند تربیت عقلانی، و حیانی و آرمانی به ظهور انسان کامل و تصرف و تدبیر آن بزرگوار در عالم منتهی خواهد شد. روش این تحقیق توصیفی و تحلیلی و روش گردآوری مطالب کتابخانه‌ای می‌باشد.

جایگاه تاریخی مردم عصر غیبت

غیبت یک جایگاه تاریخی است که عده‌ای در آن زیست می‌کنند. در توصیف افراد این زمانه چنین آمده است:

إن أهل زمان غيبته القائلين بإمامته المنتظرين لظهوره أفضل أهل كل زمان لأن الله تعالى ذكره أعطاهم من العقول والأفهام والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة وجعلهم في ذلك الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله ﷺ بالسيف أولئك المخلصون حقا وشيعتنا صدقا والدعاة إلى دين الله سرا وجهرا وقال انتظار الفرج من أعظم الفرج (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۱۲۲).

ابی حمزه ثمالی از ابو خالد کابلی روایت می کند که امام زین العابدین علیه السلام فرمودند:

غیبت به وسیله دوازدهمین از جانشینان رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان بعد از او ممتد می شود. ای ابو خالد مردم زمان او که معتقد به امامت وی می باشند و منتظر ظهور او هستند، از مردم تمام زمان ها بهترند، زیرا خداوند عقول و افهام و معرفتی به آنها داده که غیبت در نزد آنها حکم مشاهده را دارد! خداوند آنها را در آن زمان مثل کسانی می داند که با شمشیر در پیش روی پیغمبر - علیه دشمنان دین - پیکار کرده اند، آنها مخلصان حقیقی و شیعیان راستگوی ما هستند که مردم را به طور آشکار و نهان به دین خدا می خوانند و فرمود: انتظار فرج بزرگ ترین فرج است.

نکته ای که در این روایت وجود دارد این است که عقول و افهام به صورت جمع به کار رفته است. لذا اهل زمان غیبت غیر از عقل شخصی از خرد جمعی هم بهره می گیرند و غیر از فهم خویش از یافته های دیگران نیز استفاده می کنند.

این نظام سنجشی فعال آنها را به برداشت های علمی و معرفتی گسترده رسانده و آنها را دارای یک نظام معرفتی منسجم نموده است و نتیجه این نظام معرفتی و عمل در سایه سار آن اهل زمان غیبت را به افضل اهل زمان تبدیل کرده است.

این صیوروت بینشی، غیبت را برای آنها به منزله مشاهده کرده است به گونه ای که گویا در زیر خیمه امام زمان علیه السلام نشسته اند و از آن حضرت دستور می گیرند و در سایه این حضور به جایی رسیده اند که گویا پیشاپیش رسول خدا صلی الله علیه و آله در حال جهاد با شمشیر با دشمنان خدا هستند.

تبیین جایگاه برتر اهل زمان غیبت

- ۹ همان گونه که با بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله دین جدید شکل گرفت با حرکت این مجاهدان در سایه سار این بینش و نظام معرفتی گویا امر جدیدی در حال تولد است. این مجاهدان خالصان حقیقی و شیعیان راستین و دعوتگران به دین در نهان و آشکار و مجاهدان پیوسته در عرصه جهاد تبیین هستند. چنین انتظار فرجی خود از اعظم فرج است چرا که علت موجهه فرج است

و علت موجهه فرج نمی‌تواند خود کمتر از فرج باشد چرا که خود علت آن است.

این فرایند پویایی است که چند نقطه کلیدی دارد:

- نکته اول این که ما اهل زمان غیبتیم؛

- نکته دوم این که می‌توانیم افضل اهل همه زمان‌ها باشیم.

مؤید نکته دوم آن روایت رسول خداست که به اصحاب خود فرمود: شما اصحاب من هستید ولی برادران من در آخرالزمان خواهند آمد چرا که شما مرا دیدید و ایمان آوردید ولی آنها به سیاهی روی سفیدی و نوشته‌ای بر کاغذ ایمان آورده‌اند بدون این که مرا دیده باشند.

عن أبي بصير، عن أبي جعفر عليه السلام، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله ذات يوم وعنده جماعة من أصحابه: اللهم لقني إخواني. مرتين، فقال من حوله من أصحابه: أما نحن إخوانك يا رسول الله؟ فقال: لا، إنكم أصحابي، وإخواني قوم في آخر الزمان آمنوا ولم يروني، لقد عرفنيهم الله بأسمائهم وأسماء آبائهم من قبل أن يخرجهم من أصلاب آبائهم وأرحام أمهاتهم، لأحدهم أشد بقية على دينه من خطر القتاد في الليلة الظلماء، أو كالتقابض على جمر الغضا، أولئك مصابيح الدجى، ينجيهم الله من كل فتنة غيراء مظلمة (مجلسي، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۱۲۴):

روزی رسول خدا صلى الله عليه وآله در بین جمعی از اصحاب خود نشسته بودند و در این حال فرمودند خدایا برادرانم را به من نشان بده. (دوبار) ای رسول خدا! شما دعا کردی که خدا توفیق دیدار برادران تان را به شما عنایت کند، آیا ما که به تو ایمان آوردیم و تو را یاری کردیم برادران تو نیستیم؟ پیامبر فرمود: شما یاران من هستید، اما برادران من کسان دیگری هستند، آنهایی که در "آخرالزمان" می‌آیند و به من ایمان می‌آورند در حالی که مرا ندیده‌اند، به خدا قسم من آنها را به نام‌های شان می‌شناسم، آنها برای حفظ دین خود با مشکلات زیادی روبرو می‌شوند، به راستی که آنها چراغ‌هایی هستند که مردم را هدایت می‌کنند و خداوند آنها را از فتنه‌های بسیاری نجات می‌دهد، ای کاش من آنها را می‌دیدم.^۱

۱. روایات فراوانی با همین مضمون از طریق سنی و شیعه از رسول خدا صلى الله عليه وآله روایت شده است مانند: طوبی لمن أدرك قائم أهل بيتي وهو مقتد به قبل قيامه، يأتيهم به وبأئمة الهدى من قبله، ويبرأ إلى الله عزوجل من عدوهم، أولئك رفقاءى وأكرم امتى على حدیث (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ۲۸۶)؛ عن سدیر عن الإمام الصادق عليه السلام، وذكره أيضا نحوه عن أبي حمزة عن الإمام الباقر عليه السلام (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۵۶-۴۶۶) نحوه عن رفاعة بن موسى ومعاوية بن وهب عن الإمام الصادق عليه السلام، وراجع (راوندی، ۱۴۰۹ق: ج ۳، ۱۱۴۸، ۵۷).

پیامبر خدا صلى الله عليه وآله: خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت را درک کند و پیش از قیامش به او اقتدا نماید، از او و از امامان هدایتگر پیش از او پیروی کند و از دشمنان آنان به خدای عزوجل پناه و بیزارى جوید، اینان رفیقان من و گرامی‌ترین افراد امت من در نزد من هستند.

تربیت آرمانی

در چنین زمان مهمی با این نظام معرفتی شکل گرفته برای اهل دوران غیبت، خدای متعال درصدد تحقق یک آرمان بزرگ برای بشریت است.

لذا موسی بن جعفر علیه السلام فرمود شیعیان ما با آرمان‌ها تربیت می‌شوند. این روایت ممکن است بدین معنا باشد که در هر زمان و در هر جایگاه تاریخی شیعه دنبال رسیدن به یک آرمان و پیمودن یک پله است و در نهایت تا رسیدن به آرمان نهایی و ظهور دولت حق و استیلای موعود بر بشریت، این آرمان خواهی باید ادامه پیدا کند. امام کاظم علیه السلام به علی بن یقظین فرمود:

الشیعة تربي بالاماني منذ مائتي سنة (نعمانی، ۱۴۲۲ق: ۳۰۵)؛
شیعه در طول دویست سال با انتظار و آرزو تربیت شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: طوبی لمن أدرك قائم أهل بيتی و هو یأتم به فی غیبتة قبل قیامة و بتولی أولیاءه و یعادى أعداءه ذاك من رفقاءى و ذوی مودتى و أكرم أمتی علی یوم القیامة؛ خوشا به حال کسی که قائم خاندان ما را درک کند، در حالی که قبل از قیامتش و در روزگار غیبتش او را امام خود گرفته است و با دوستان او دوستی و با دشمنان او دشمنی ورزیده، که چنین کسی، از همراهان و دوستان من و گرامی‌ترین امتم نزد من در روز قیامت خواهد بود (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱، ۷۲).

و نیز: عنه صلی الله علیه و آله: و الذی بعثنی بالحق بشیرا، إن الثابتین علی القول به فی زمان غیبتة لأعز من الکبریت الأحمر. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سوگند به آن که به حق مرا نوید دهنده برانگیخت، آنان که در روزگار غیبت او بر اعتقاد به او استوار بمانند از کبریت احمر کمیاب‌ترند. (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ج ۷، ۲۸۸).

و نیز: علی بن ابی طالب علیه السلام عن النبی صلی الله علیه و آله فی وصیة طویلة قال: یا علی أعجب الناس إیماناً و أعظمهم یقیناً قوم یكونون فی آخر الزمان لم یلحقوا النبی و حجب عنهم الحجة فآمنوا بسواد علی بیاض.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای علی! بدان، که مردمی در آخر الزمان خواهند آمد، که دارای شگفت‌انگیزترین ایمان‌ها و استوارترین یقین‌ها هستند، مردمی که پیامبر را ندیده‌اند، و حجت خدا نیز از نظر آنان پنهان است، با این وجود، از راه نوشته و کتاب (خطی سیاه بر کاغذی سفید)، ایمان می‌آورند (و بر ایمان خود به دین اسلام ثابت می‌مانند) (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۱۲۵) و نیز: عن عوف بن مالک، قال: قال رسول الله صلی الله علیه و آله ذات یوم: یا لیتنی قد لقیتم إخوانی، فقال له: أبوبکر و عمر: أو لسننا إخوانک؟ أمنا بک وهاجرنا معک؟! قال: قد آمنتهم وهاجرتم، ویا لیتنی قد لقیتم إخوانی. فأعادا القول، فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: أنتم أصحابی، ولكن إخوانی الذین یأتون من بعدکم، یؤمنون بی ویحبوننی وینصروننی و یصدقوننی، وما رأونی، فیا لیتنی قد لقیتم إخوانی (أمالی مفید، ۶۳؛ روضة الواعظین، ۳۰۴؛ بحار الأنوار، ج ۲۲، ۴۵۱؛

ج ۵۲، ۱۳۲؛ کنز العمال، ج ۱۲، ۱۸۳؛ الدر المنثور، ج ۱، ۲۶؛ فتح القدير، ج ۱، ۳۵؛ تاریخ مدینة دمشق، ج ۳، ۱۳۸)؛ إن أشد أمتی حبا له قوم یأتون من بعدی یؤمنون بی (مسند أحمد، ج ۲، ۴۱۷؛ صحیح مسلم، ج ۸، ۱۴۵؛ صحیح ابن حبان، ج ۱۶، ۲۱۴؛ الجامع الصغیر، ج ۲، ۵۴۲؛ کنز العمال، ج ۱۲، ۱۶۳؛ فیض القدير، ج ۱۱، ۶؛ سیر أعلام النبلاء، ج ۱۲، ۵۲۶؛ سبل الهدی والرشاد، ج ۱۱، ۴۳۰)، أتدرون أی أهل الإیمان أفضل إیماناً... أقوام یأتون من بعدی فیؤمنون بی ولم یرونی (کنز العمال، ج ۱۲، ۱۸۲).

پیمودن هر پله در هر زمان و گذاشتن آجری بر آجر قبلی و بالا بردن دیوار آرمان خواهی زمینه‌ای بوده برای رسیدن به آرمان نهایی و بدین وسیله شیعیان هر زمان با انجام وظایف خود در هر جایگاه تاریخی مربوط به خود غیر از رها شدن از بند ناامیدی زمینه را برای خلاصی نهایی از زنجیرها جهل و ظلم و شرک و کفر آماده می‌سازند.

با این شناخت و آرمان خواهی لوابس، مشتبهات و شبهات بر شیعیان کارگر نبوده آنها را در پیچ‌های تاریخی دچار خطاهای استراتژیک نکرده است و مرحله به مرحله به سلامت از گذرگاه‌های تاریخی عبور داده است.

تربیت عقلانی

یکی از مسیرهای رسیدن به اجتماع قلبی در جامعه شیعی، تربیت عقلانی است. این مهم با استناد به آیات اولیه سوره مبارکه حشر قابل استفاده است. آن جا که علت تشتت و پراکندگی قلبی جوامع را نبود عقل ورزی و دم تعقل عنوان می‌کند:

﴿لَا يِقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قَرْيٍ مَحْصَنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ جُدُرٍ بَأْسُهُمْ شَدِيدٌ تَحْسِبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكُمْ بَأْنَهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ﴾ (حشر: ۱۴)؛
 آنها (قوم یهود) همگی جز در دژهای محکم یا از پشت دیوارها با شما نمی‌جنگند. پیکارشان در میان خودشان شدید است، [اما در برابر شما ضعیف]! گمان می‌کنی آنها متحدند، درحالی‌که دل‌های‌شان پراکنده است؛ این به خاطر آن است که آنها گروهی هستند که تعقل نمی‌کنند.

این امر اختصاص به قوم یهود ندارد و یک سنت جاری در همه جوامع بشری است. مؤید این عمومیت تفسیر امام موسی بن جعفر علیه السلام از این آیه شریف و مشابیهات آن در قرآن کریم است:

عن الكاظم علیه السلام: يا هشام إن الله تبارك و تعالی بشر أهل العقل و الفهم فی کتابه ... ثم ذم الذین لا یعقلون فقال و مثل الذین کفروا کمثل الذی ینعق بما لا یسمع إلا دعاء و نداء صم بکم عمی فهم لا یعقلون و منهم من یستمع إلیکم ... لا یقاتلونکم جمیعاً إلا فی قری محصنة أو من وراء جدر بأسهم بینهم شدید تحسبهم جمیعاً و قلوبهم شتی ذلک بأنهم قوم لا یعقلون (کلینی، ۱۳۶۲: ش: ۱، ج: ۱۳؛ حرانی، ۱۳۶۳: ش: ۳۸۳)؛

هشام بن حکم گوید: امام کاظم علیه السلام به من فرمود: ای هشام! بعد از این آنان را که عقل ندارند، مذمت فرموده و فرموده است: مثل [تو در دعوت] کافران مانند کسی است که

[گوسفندان و حیوانات را برای نجات از چنگال خطر] صدا می‌زند ولی آنها چیزی جز سروصدا نمی‌شنوند. [این کافران] در واقع کرولال و نایینا هستند از این رو چیزی نمی‌فهمند (بقره: ۱۷۱). گروهی از آنان، به سوی تو گوش فرا می‌دهند [اما گویی هیچ نمی‌شنوند و کردند]! آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش کران برسانی، هرچند نفهمند؟! (یونس: ۴۲) و فرمود: آنها (قوم یهود) همگی جز در دژه‌های محکم یا از پشت دیوارها با شما نمی‌جنگند. پیکارشان در میان خودشان شدید است، [اما در برابر شما ضعیف]! گمان می‌کنی آنها متحدند، درحالی‌که دل‌های‌شان پراکنده است؛ این به خاطر آن است که آنها گروهی هستند که تعقل نمی‌کنند (حشر: ۱۴).

فرایند عقل‌ورزی

قرآن کریم در آیات دیگری یک نمونه از فرایند عقل‌ورزی را در قالب داستانی از حضرت ابراهیم علیه السلام ضمن آیات ۵۱ تا ۶۷ سوره مبارکه انبیاء تشریح کرده است.

﴿ولقد آتینا ابراهیم رشده من قبل وکنا به عالمین إذ قال لأیبه وقومه ما هذه التماثیل التي أنتم لها عاکفون قالوا وجدنا آباءنا لها عابدين قال لقد کنتم أنتم وآباؤکم فی ضلال مبین ... وتالله لأکیدن أصنامکم بعد أن تولوا مدبرین فجعلهم جذاذا إلا کبیرا لهم لعلهم إلیه یرجعون ... قالوا أنت فعلت هذا بالهتنا یا ابراهیم قال بل فعله کبیرهم هذا فاسألوهم إن کانوا ینطقون فرجعوا إلی أنفسهم فقالوا إنکم أنتم الظالمون ... قال أفتعبدون من دون الله ما لا ینفعکم شیئا ولا یضرکم ... أفلا تعقلون﴾ (انبیاء: ۵۱-۶۷)؛

ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم، و از (شایستگی) او آگاه بودیم. آن هنگام که به پدرش (آزر) و قوم او گفت این مجسمه‌های بی‌روحي را که شما همواره پرستش می‌کنید چیست؟ گفتند: ما پدران خود را دیدیم که آنها را عبادت می‌کنند! گفت: مسلما شما و هم پدران تان در گمراهی آشکاری بوده‌اید. گفتند: تو مطلب حقی برای ما آورده‌ای یا شوخی می‌کنی؟! گفت: (کاملاً حق آورده‌ام) پروردگار شما همان پروردگار آسمان‌ها و زمین است که آنها را ایجاد کرده و من از گواهان این موضوعم. و به خدا سوگند نقش‌های برای نابودی بت‌های تان در غیاب شما طرح می‌کنم. سرانجام (با استفاده از يك فرصت مناسب) همه آنها - جز بت بزرگ‌شان را - قطعه قطعه کرد، تا به سراغ او بیایند (و او حقایق را بازگو کند). گفتند: هر کس با خدایان ما چنین کرده قطعاً از ستمگران است (و باید کیفر ببیند)! (گروهی) گفتند: شنیدیم جوانی از (مخالفت با) بت‌ها سخن می‌گفت که او را ابراهیم می‌گفتند (عده‌ای) گفتند: او را در برابر چشم مردم بیاورید تا گواهی دهند (هنگامی که ابراهیم را حاضر کردند) گفتند تو این کار را با خدایان ما کرده‌ای، ای ابراهیم؟! گفت: بلکه بزرگ‌شان کرده باشد! از آنها سؤال کنید اگر سخن می‌گویند!! آنها به

وجدان خود بازگشتند و (به خود) گفتند: حقا که شما ستمگرید. سپس بر سرشان واژگون شدند (و حکم وجدان را به کلی فراموش کردند و گفتند: تو می‌دانی که اینها سخن نمی‌گویند! (ابراهیم) گفت: آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زیانی می‌رساند (که به سودشان چشم دوخته باشید یا از زیان‌شان بترسید). اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا پرستش می‌کنید، آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟!

در ضمن آیات فوق از ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام به عنوان فردی رشید و دارای قوه تعقل یاد می‌شود. او با کشیدن نقشه‌ای ماهرانه و طرح برنامه‌ای زیرکانه، در مواجهه با قومش پایه‌های اعتقاد جاهلانۀ آنها را در پرستش مجسمه‌های بی‌روح با دعوت به تفکر و یا یک سؤال از ماهیت بت‌ها به هم می‌ریزد؟ قوم ابراهیم تنها استدلال‌شان برای حقانیت بت‌ها تقلید از پدران خویش است. در مرحلۀ بعد ابراهیم مشروعیت اعتقاد پدران و نیز تقلید از آنها را زیر سؤال می‌برد. قوم ابراهیم کم کم به صورت جدی به جواب این سؤالات فکر می‌کنند. در این مرحله ابراهیم پاسخ‌های صحیح را در مورد معبود حقیقی عالم در اختیار آنها می‌گذارد. او با فراتر می‌گذارد و به کشیدن نقشه‌ای برای فرو ریختن اوهام قوم خود می‌پردازد. او سرانجام (با استفاده از يك فرصت مناسب) همه آنها - جز بت بزرگ‌شان را - قطعه قطعه می‌کند. قوم وی که هنوز از اوهام خود به دلیل طول گمراهی خارج نشده‌اند درصدد کیفر ابراهیم بر می‌آیند. در این مرحله با پاسخی جدلی به این سؤال که چه کسی بتها را قطعه قطعه کرده ابراهیم آنها را مجبور می‌کند که در صحت پاسخ وی تأمل و تفکر و تعقل کنند. با رشد بذر تعقل آنها به وجدان خود بازگشتند و (به خود) گفتند: حقا که شما ستمگرید. و چاره‌ای نداشتند جز این که با دست خالی از استدلال جواب ابراهیم را قبول کنند و بگویند تو می‌دانی که اینها سخن نمی‌گویند! این جاست که (ابراهیم) با شکل گرفتن اولین پایه تعقل و شکل گرفتن اولین نتیجه، نتایج بیشتری را از فرایند تعقل شروع شده به بار می‌نشانند و می‌گویند: آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که نه کمترین سودی برای شما دارد، و نه زیانی می‌رساند (که به سودشان چشم دوخته باشید یا از زیان‌شان بترسید). اف بر شما و بر آنچه غیر از خدا پرستش می‌کنید، آیا اندیشه نمی‌کنید (و عقل ندارید)؟! و این چنین باز آنها را به ادامه فرایند تعقل می‌کشاند و در ادامه نیز امدادهای غیبی حرف‌های حق این انسان رشید را به کرسی می‌نشانند.

همین‌گونه شیعه در پرتو آرمان‌هایش به یک تربیت عقلانی دست می‌یابد و به عمق و گستره «العقل حفظ التجربة» (نهج البلاغه، نامه ۳۱) راه می‌یابد. تجربه تاریخی را در دستگاه

سنجش خویش به تحلیل می‌کشاند و مسیرهای انتخابش را هموار می‌سازد و با چنین نقبی که به تاریخ می‌زند و گام‌های سه‌گانه تاریخی «اعمال»، «اخبار» و «آثار» گذشتگان را با «نظر»، «تفکر» و «سیر» ژرف‌اندیشی و واکاوی می‌نماید.

بینش تاریخی و نظر در اعمال گذشتگان و فکر در اخبار آنها و سیر در آثارشان است که انسان را از شمار آنان می‌گرداند و انسان یکی از آنها محسوب می‌شود. این بینش است که حضور تاریخی را فراهم می‌سازد به گونه‌ای که گویا انسان در کنار آنها زیسته و حضور داشته است.

دوگانه عقل‌ورزی و جهل‌ورزی در آیات مختلفی از قرآن مورد تأکید قرار گرفته و به آثار شگرف هر یک از آنها به صورت مستوفای پرداخته شده است. نمونه‌های زیادی از این دست مربوط به سرنوشت قوم بنی‌اسرائیل است که اتفاقاً بسیاری از عمکردها و سرنوشت‌های مردم در آخرالزمان به ایشان تمثیل و تنظیر و تشبیه شده است. چه در حوزه کامیابی‌ها و پیروزی‌ها و چه در حوزه شکست‌ها و ناکامی‌ها.

﴿وجاوزنا بنی اسرائیل البحر فأتوا علی قوم یعکفون علی أصنام لهم قالوا یا موسی اجعل لنا إلهاً کما لهم آلهة قال إنکم قوم تجهلون﴾ (اعراف: ۱۳۸)؛

و بنی‌اسرائیل را از دریا گذراندیم. آنان به قومی رسیدند که به پرستش بت‌هایشان گرد آمده بودند. گفتند: ای موسی! برای ما نیز خدایی بساز چنان‌که آنها دارند. گفت: واقعا که شما قومی نادانید.

از آیه شریفه استفاده می‌شود که جمعیت و گروهی که از تربیت عقلانی محروم باشند با هر جریان فرهنگی مواجه بشوند اثر پذیرند و دچار ارتجاع می‌شوند ولو این‌که معجزات بزرگی را دیده باشند و جایگاه تاریخی موجود ما هم در همین راستا و با همین سنت‌ها قابل بررسی، تحلیل، فرمول‌سازی و نتیجه‌گیری است.

به عنوان نمونه انقلاب اسلامی ایران با این عظمت و آثار فرهنگی و سیاسی که در جهان و منطقه داشته و دارد و علیرغم این‌که از مراحل سخت اعجازگونه عبور کرده است و مردم عزیز ایران بسیاری از این اعجازها و آثار را به چشم خود دیده‌اند، ولی در عین حال وقتی مواجه با هجمه رسانه‌ای، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی غرب می‌شوند برخی از ایشان به شکل‌های مختلفی مرعوب و مسحور می‌شوند. به تعبیر دیگر وقتی مواجهه تمدن‌ها و فرهنگ‌ها صورت می‌گیرد تأثیرپذیری و نمودهای جهل‌ورزی را در برخی افراد مشاهده می‌کنیم. این حکایت از

آن دارد که ما نیاز به تربیت جمعی داریم تا این خلا پر بشود.

این تربیت جمعی جامعه را از جهل‌ورزی نجات می‌دهد. مشابه این وضعیت در اقوام متعددی وجود داشته است. کما این‌که در مورد قوم لوط این فرایند اتفاق افتاده و قرآن به روشنی سرنوشت آنان را برای بهره‌گیری مردم پیامبر آخرالزمان به تصویر کشیده است:

﴿لوطا إذ قال لقومه أتأتون الفاحشة وأنتم تبصرون أنکم لتأتون الرجال شهوة من دون النساء بل أنتم قوم تجهلون﴾ (نمل: ۵۴-۵۵)؛

و لوط را که به قومش گفت: آیا به فحشا رو می‌آورید و خود می‌نگرید؟ آیا از سر شهوت به جای زنان، به سراغ مردان می‌آئید؟ حقا که شما مردمی جاهلید.

آیه اول نشان می‌دهد که اینها بصیرت داشتند و در عین حال قومی جهل‌ورز بودند. یعنی در عین بصیرت به زشتی کار، نمی‌خواهند از هواپرستی و هوسرانی دست بکشند و دنبال خوشی‌ها هستند و نه خوبی‌ها.

و همچنین قوم هود:

﴿قال إنما العلم عند الله وأبلغکم ما أرسلت به ولكنی أراکم قوما تجهلون﴾ (احقاف: ۲۳)؛
 هود گفت: این را تنها خدا می‌داند، و من آنچه را بدان فرستاده شده‌ام به شما می‌رسانم، اما شما را مردمی جاهل می‌بینم.

این آیات با عنایت به عبارت «تجهلون» که صیغه جمع مضارع و حاکی از استمرار است بیانگر آن است که اقوامی براساس جهل‌ورزی و دوری از عقل‌ورزی سبک زندگی خود را تعیین کرده‌اند و در نتیجه دچار سرنوشت شوم و رقت‌انگیز و هلاکت و خسران گردیده‌اند و همین سرنوشت‌ها در انتظار همه اقوامی است که جهل‌ورزی کنند و عقل‌ورزی را کنار بگذارند. به بیان دیگر برخی از اقوام در سایه جهل‌ورزی دنبال هوا بوده‌اند و نه دنبال هدی و دنبال خوشی‌ها بوده‌اند و نه خوبی‌ها و همین بیراهه رفتن سرنوشت تلخی برای آنها رقم زده است.

تربیت و حیانی

برای این‌که انسان به بهترین زیست و به بالاترین بهره‌وری برسد، شناخت خود، ظرفیت‌ها و فرصت‌هایش اولین کاری است که باید انجام دهد. در گام دوم، انسان نیازمند انتخاب درست هدف است. سومین نکته این است که خود را از کشش‌ها و از آنچه پای او را به بند کشیده رها کند؛ این فرایند تربیت انسان را شکل می‌دهد.

نیازها برخاسته از فطرت انسان و برای قرار گرفتن در جایگاه خود در هستی است. اولین نیازی که برای او مطرح می‌شود نیاز به «شناخت» است؛ او باید جایگاه خودش را در هستی بشناسد و در گام بعد برای تحقق آنچه شناخته و انتخاب کرده است، تلاش کند.

از طرف دیگر انسان از ابتدای تاریخ تا امروز در دوره‌های مختلف، بن بست‌هایی را تجربه کرده است و در نتیجه رفتار انزواها و گوشه‌نشینی‌ها شده یا به ناچار به تغییرها و به تنوع روی آورده است چرا که طبیعتا با خواسته‌هایی همراه است و برای این خواسته‌ها تلاش‌هایی را شروع می‌کند خواسته‌هایی که ممکن است لذت‌ها، هیجان‌ها یا وسعت‌ها باشد قدرت‌ها دانش‌ها یا شهرت‌ها باشد. نهایت این تلاش‌ها در بهترین صورت کامیابی بوده است، ولی بشر همیشه به دنبال کامیابی‌ها با تجربه قانع نشدن، سیراب نشدن و خستگی مواجه می‌شود و با تکرار این تجربه‌ها به بن بست می‌رسد؛ و تجربه بن بست را با «تنوع‌طلبی» درمان می‌کند، این قانع نشدن در ذات بشر است و همین است که خسته می‌شود به تنوع روی می‌آورد و به بن بست می‌رسد. بشر می‌خواهد تجربه بن بست‌ها را با تنوع‌طلبی درمان کند، ولی این تنوع‌طلبی خیلی که بتواند جواب دهد در گستره یکی دو نسل است. تنوع‌ها هم به بن بست می‌نشیند و بن بست عمیق‌تری را تجربه می‌کند. این داستان تکرارهای زندگی بشر است (اقتباس از هادی زاده، ۱۴۰۲، گفتار دوم).

دومین محور تجربه تاریخی بشر تجربه مصائب و رنج‌هاست. داستان زندگی پر بوده است از ناسازگاری‌ها و تحول‌ها؛ انسان از همان کودکی‌اش و در نوجوانی‌اش سطحی از دشواری‌ها و رنج‌ها را تجربه می‌کند و بزرگ‌تر می‌شود سطح بالاتر و سنگین‌تری را مواجه می‌شود و با این درک و دریافت همراه می‌شود که زندگی همیشه با مصائب و رنج‌ها همراه است. در فرایند تربیت باید انسان را با تحول‌ها و تغییرها سازگار کنیم یا او را به بهره‌مندی از این وضعیت برسانیم؛ تربیت در نگاه و حیانی رهاسازی انسان از لذت‌ها، از تنوع‌طلبی‌ها، از قدرت‌جویی‌ها و از لذت‌طلبی‌ها و از ایستایی‌هاست (همان).

مسیر تحقق تربیت و حیانی در انسان

راه رسیدن به مفهوم تربیت در هر موجودی شناخت ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و ساخت آن موجود است. در این راستا محور اول فزونی استعدادها و ظرفیت‌های انسان در مقایسه با خواسته‌ها و دغدغه‌هایی است که دارد. فزون‌تر بودن استعدادها و ظرفیت‌ها را هر انسانی

می‌تواند در بیقراری‌ها و در رنج‌های خودش دریابد. هر کدام از ما تمام دغدغه‌مان این است که به لذتی یا به راحتی و امنیت و رفاهی برسیم؛ اما همه اینها تا در دسترس ما نیستند برای‌مان بزرگ هستند و آرامش را در دست یافتن به آنها جستجو می‌کنیم؛ اما وقتی آنها را به دست می‌آوریم باز هم ناآرامی را تجربه می‌کنیم و اگر هم آرامشی باشد آرامشی پایدار نیست. این تجربه‌ها، نشان می‌دهد که ما بیش از این دغدغه‌ها و خواسته‌ها ظرفیت داریم. علاوه بر این که انسان در کنار هر لذت و قدرت و ثروتی فکر مرگ و رنج جدا شدن از لذت زندگی و قدرت و ثروت را دارد. از طرف دیگر کوتاه بودن عمر مطلوب‌ها انسان را رنج می‌دهد؛ و این رنج او را به این نتیجه می‌رساند که وجود او و ظرفیت‌های او بیش از این مقام‌ها و موقعیت‌ها و فرصت‌هاست.

محور دوم شناخت ناسازگاری‌های وجودی انسان است. انسان می‌بیند که دائم در تعارض‌ها گرفتار است غرایز و کشش‌های ناسازگاری در وجود او فعال است و همیشه به ناچار باید از چیزی چشم‌پوشد تا به چیز دیگری برسد. غریزه ما را به سمتی می‌کشاند ولی غالباً فکر پیامدهایی را نشان می‌دهد و عقل مقایسه‌هایی را برای ما مطرح می‌کند که ما را از آن سمت و سو باز می‌دارد.

محور سوم شناخت بندها و اسارت‌هایی است که انسان را گرفته‌اند. انسان‌ها حتی اگر درست بشناسند و درست انتخاب کنند در مقام عمل با موانعی مواجه‌اند و چه بسیار انسان‌هایی که زمین‌گیر شده‌اند و به آنچه شناخته و انتخاب کرده‌اند دست نیافته‌اند.

محور چهارم، شناخت ساخت و سامانه وجودی انسان است. اگر این ساخت و سامانه فعال شود و به کار بیفتد انسان در هر حوزه‌ای به نتیجه شگرفی می‌رسد. در انسان یک ساخت و سیستمی وجود دارد که اگر فعال شود، بر تعارض‌ها و ناسازگاری‌ها غلبه پیدا می‌کند. پس اگر ما این ساخت و فطرت را بشناسیم و به کار بگیریم می‌توانیم از ناسازگاری‌ها و تعارض‌ها بهره بگیریم (همان).

تربیت و حیانی را می‌توان در چهار محور ذیل خلاصه کرد:

- تربیت رهاسازی انسان از محدودنگری‌هاست. درک بیشتر بودن استعدادها و ظرفیت‌های انسان در مقایسه با خواسته‌هایش باعث می‌شود انسان خودش را محدود به مرگ نبیند و فراتر از شرایط و تحول‌ها ببیند؛

- تربیت حل ناسازگاری‌های درونی انسان است؛

- تربیت رهاسازی از پابندها و اسارت‌هایی است که نمی‌گذارد انسانی که هدف و آرمانی یافته برای آن آرمان حرکت و تلاش کند؛
- تربیت یعنی به کارگیری ساخت و فطرت که در وجود انسان نهاده شده است (همان).

فرایند تحقق اجتماع قلبی در سایه تربیت عقلانی و وحیانی

حضور تاریخی و جایگاه تاریخی انسان در عصر غیبت، حضوری جبری نیست، بلکه حضور ارادی و مبتنی بر درک و اندیشه است و عناصر فلسفی تصور و تصدیق و میل و شوق و عزم در آن جلوه دارد. تصور و تصدیق پایه این حضور است. ما باید به درستی حقیقت حضور و ظهور و غیبت را فهم کنیم و به آن تصدیق و باور داشته باشیم تا خود را آماده حضور تاریخی بکنیم. حضور تاریخی از سه شاخص «نظرت فی اعمالهم» و «فکرت فی اخبارهم» و «سرت فی آثارهم» برخوردار است. گویا تاریخ و عناصر تاریخ عبارتند از «اعمال»، «اخبار» و «آثار» که نیازمند «نظر» «تفکر» و «سیر» می‌باشند. در پرتو همین حضور تاریخی، جایگاه تاریخی برای انسان مشخص می‌شود و وظایف ویژه آن شناخته می‌گردد و انسان می‌تواند نقش خود را فهمیده و ایفا کند.

أی بنی، إنی و إن لم أکن عمرت عمر من کان قبل فقد نظرت فی أعمالهم و فکرت فی أخبارهم و سرت فی آثارهم حتی عدت كأحدهم، بل کأنی بما انتهى إلی من أمورهم قد عمرت مع أولهم إلی آخرهم (نهج البلاغه، نامه ۳۱)؛

ای فرزندان، اگرچه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام، ولی در کارهایشان نگریسته‌ام و در سرگذشتشان اندیشیده‌ام و در آثارشان سیر کرده‌ام، تا آن جا که، گویی خود یکی از آنان شده‌ام. و به پای مردی آنچه از آنان به من رسیده، چنان است که پنداری از آغاز تا انجام با آنان زیسته‌ام.

فهم جایگاه تاریخی، انسان‌های آرمان طلب را به پیوند آمال و آرزوهای قلبی با فهم و تعقل و عقل‌ورزی و رفتار عقلانی و بهره‌گرفتن از عقل در فرایند رشد و تربیت سوق می‌دهد. این جاست که گزاره‌های وحیانی هم به مدد عقل که حجت باطنی است می‌آیند و حلقه‌های مفقوده را برای عقل نسبی و علم ناقص بشری روشن می‌سازند و توضیح می‌دهند.

مؤید این مطلب آن است که در مضامین دینی به صورت فراوانی به تأثیر و تأثر عقل و قلب و تبیین رابطه آنها پرداخته شده است. برخی از روایات عقل را چراغ قلب عنوان کرده‌اند که بدون آن قلب ظلمتکده‌ای بیش نخواهد بود:

... فيقع في قلب هذا الإنسان نور فيفهم الفريضة و السنة و المجيد و الردى. ألا و مثل العقل في القلب كمثل السراج في وسط البيت (ابن بابويه، ۱۳۹۷ق: ۹۸، ح ۱).
 آن‌گاه در قلب این انسان (بالغ) نوری می‌افتد که در نتیجه آن، فريضة و سنت و خوب و بد را می‌فهمد. آگاه باشید که عقل در قلب، مانند چراغ در وسط اتاق است.

طبق مضمون برخی آیات قرآنی کار قلب عقل‌ورزی است و کسی که فهم و تعقل ندارد در واقع کور دل است:

﴿أفلم يسيروا في الأرض فتكون لهم قلوب يعقلون بها أو آذان يسمعون بها فإنها لا تعمى الأبصار ولكن تعمى القلوب التي في الصدور﴾ (حج: ۴۶)؛
 آیا در زمین نگردیدند تا صاحب دل‌هایی شوند که با آن بیندیشند یا گوش‌هایی که با آن بشنوند؟ البته [تنها] چشم‌ها کور نمی‌شود، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست کور می‌شود.^۱

حال که انسان با پای عقل و وحی یعنی حجت باطنی و حجت ظاهری به بالاترین مراتب عقل‌ورزی و تربیت و رشد و تکامل فردی رسیده است نوبت آن است که اجتماع قلبی عقلا هم شکل بگیرد چرا که دیگر دلیلی برا تشنت در اجتماعات و قلب‌ها وجود ندارد و ریشه تشنت که جهل‌ورزی است از میان رفته است.
 همان‌گونه که پیش از این اشاره شد دلیل واضح این نتیجه‌گیری بیان نورانی قرآن کریم است. آن‌جا که قرآن کریم تشنت در اجتماع را ناشی از بی‌عقلی می‌داند:

﴿لا يقاتلونكم جميعا إلا في قري محصنة أو من وراء جدر بأسهم بينهم شديد تحسمهم جميعا وقلوبهم شتى ذلك بأنهم قوم لا يعقلون﴾ (حشر: ۱۴)؛
 (یهودان از ترس) بر جنگ با شما جمع نمی‌شوند مگر در قریه‌های محکم حصار یا از پس دیوار (دشمنی مکر و حيله و جاسوسی)، کارزار بین خودشان سخت است، شما آنها را جمع

۱. مشابه این مضمون در آیات دیگری نیز تکرار شده است: ﴿وإذا ما أنزلت سورة نظر بعضهم إلى بعض هل يراكم من أحد ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم بأنهم قوم لا يفقهون﴾ (توبه: ۱۲۷)؛ و چون سوره‌ای نازل گردد، به یکدیگر نگاه کنند که آیا کسی شما را می‌بیند؟ سپس [مخفیانه] باز می‌گردند. خدا نیز دل‌های شان را باز گرداند، زیرا آنها قومی نفهمند.

﴿ولقد ذرأنا لجهنم كثيرا من الجن والانس لهم قلوب لا يفقهون بها ولهم أعین لا يبصرون بها ولهم آذان لا يسمعون بها أولئك كالأنعام بل هم أضل أولئك هم الغافلون﴾ (اعراف: ۱۷۹)؛ همانا بسیاری از جن و انس را برای دوزخ آفریده‌ایم، [زیرا] دل‌هایی دارند که با آن نمی‌فهمند و چشمانی که با آن نمی‌بینند، و گوش‌هایی که با آن نمی‌شنوند. آنها چون چهارپایانند بلکه گمراه‌ترند، هم اینانند غافلان.

و متفق می‌پندارید در صورتی که دل‌هاشان سخت متفرق است، زیرا آن قوم دارای فهم و عقل نیستند.

می‌توان از مفهوم مخالف این آیه شریفه چنین برداشت کرد که اجتماع قلبی لازمه عقل‌ورزی است. از مجموع این بیان قرآنی چنین به دست می‌آید که جامعه عقلانی که در پرتو تربیت عقلانی شکل می‌گیرد دارای اجتماع قلبی است و این همان چیزی است که در توقیع شریف زمینه و بستر ظهور عنوان شده است.

قال مولانا الامام المهدي عجل الله تعالي فرجه الشريف: «ولو ان اشياعنا - وفقهم الله لطاعته - على اجتماع من القلوب في الوفاء بالعهد عليهم لما تاخر عنهم اليمين بلقائنا، ولتعجلت لهم السعادة بمشاهدتنا على حق المعرفة وصدقها منهم بنا، فما يحبسنا عنهم الا ما يتصل بنا مما نكرهه ولا نؤثره منهم (طبرسی، ۱۳۹۳ق: ج ۲، ۳۱۵)؛

اگر شیعیان ما (که خداوند توفیق طاعتشان دهد) در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما؛ علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آنچه از کردار آنان به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم.

این جملات، قسمتی از نامه‌ای است که از ناحیه مقدس امام زمان عجل الله تعالي فرجه الشريف برای شیخ مفید رحمته الله عليه فرستاده شده است. حضرت در این نامه، بعد از سفارش‌های لازم به شیخ مفید رحمته الله عليه و دستورهایی به شیعیان، نبود یکدلی در بین شیعیان را سبب استمرار غیبت خود می‌شمرد.

نتیجه‌گیری

براساس تربیت عقلانی، وحیانی و آرمانی، نظام معرفتی شکل می‌گیرد و این نظام معرفتی منجر به شناخت جایگاه تاریخی و حضور تاریخی شیعه در بزنگاه‌هایی می‌شود که سرنوشت اقوام و ملل در آنها دچار تغییرات اساسی می‌گردد. در مرحله عمل نظام معرفتی منتهی به شکل‌گیری سه عنصر قلب تسلیم، رای تابع، نصرت آماده می‌شود و این روند به احیای دین توسط امام عصر عجل الله تعالي فرجه الشريف منتهی می‌گردد.

وقلبي لكم مسلم ورأيي لكم تبع و نصرتي لكم معدة حتى يحيي الله تعالى دينه بكم (مفاتيح الجنان، زیارت جامعه کبیره)؛
و دلم تسلیم شما و رأی من نیز تابع (رأی) شماست و یاریم برایتان آماده است تا آن که

خدای تعالی دینش را به وسیله شما زنده کند.

با ظهور امام تربیت عقلانی مردم به حد کمال می‌رسد و وجوه و ابعاد و مراحل از تربیت عقلانی که در نبود امام معصوم علیه السلام در دسترس مردم قرار نداشته، توسط شخص امام به آنها اعطا می‌شود.

عن ابن ابی یعفر، عن مولی لبنی شیبان عن أبی جعفر علیه السلام قال: «إذا قام قائمنا، وضع الله يده على رؤوس العباد، فجمع بها عقولهم وكملت به أحلامهم» (کلینی، ۱۳۶۲ش: ج ۱، ۵۶، ح ۲۱)؛

امام باقر علیه السلام فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، دستش را بر سر بندگان می‌نهد و عقل‌های ایشان را با آن، جمع می‌کند و خرده‌های شان با او کامل می‌شود.

و همین تربیت عقلانی که براساس «العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان» (همان: ج ۱، ۱۱) باعث و منشأ عبودیت است با رسیدن به اوج خود در زمان ظهور معصوم علیه السلام، زمینه عبادت و عبودیت خالص که براساس آیه شریفه «وما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون» (ذاریات: ۵۶) هدف از خلقت انسان بوده فراهم خواهد شد و همه مظاهر شرک رنگ خواهند باخت.

«وعد الله الذين آمنوا وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الأرض كما استخلف الذين من قبلهم وليمکن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم من بعد خوفهم أمنا يعبدونني لا يشركون بي شيئاً» (نور: ۲۴)؛

خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر علیه السلام) ایمان آرند و نیکوکار گردند وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافت‌شان دهد چنان که امم صالح پیامبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود، و دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه شرک و ریا پرستش کنند.

منابع

قرآن كريم

مفاتيح الجنان

نهج البلاغه

- ابن بابويه، محمد بن على (١٣٩٥ق)، *كمال الدين وتمام النعمة*، تهران: اسلاميه، دوم.
- ابن بابويه، محمد بن على (١٣٩٧ق)، *علل الشرايع*، ترجمه: سيد محمد جواد ذهني تهراني، بيروت: انتشارات علويون.
- حراني، حسن ابن شعبه، تحف العقول، قم. مؤسسة النشر الإسلامي - ١٣٦٣ هـ. ش، ١٤٠٤ هـ. ق طبرسي، احمد بن على (١٣٩٣ق)، *احتجاج*، تهران: انتشارات برگا.
- طوسي، محمد بن حسن (١٤١٥ق)، *رجال*، تحقيق: جواد قيومي اصفهاني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، اول.
- كيني رازي، محمد بن يعقوب (١٣٦٢ش)، *الاصول من الكافي*، تهران: اسلاميه، دوم.
- مجلسي، محمد باقر (١٤٠٣ق)، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بيروت: مؤسسة الوفاء.
- مفيد، محمد بن محمد بن نعمان (١٤١٤ق)، *الارشاد في معرفة حجج الله على العباد*، تحقيق: مؤسسة آل البيت عليه السلام لتحقيق التراث، بيروت: دارالمفيد للطباعة والنشر والتوزيع.
- نجاشي اسدي كوفي، احمد بن على (١٤١٦ق)، *فهرست اسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي*، تحقيق: سيد موسى شبيري زنجاني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، پنجم.
- نعماني، محمد بن ابراهيم (١٤٢٢ق)، *الغيبة*، تحقيق: فارس حسون كريم، قم: انوار الهدى، اول.
- هادي زاده، محمد تقى (١٤٠٢ش)، *فقه تربيت؛ مفهوم تربيت وحياني*، قم: مؤسسه اخلاق و تربيت.

Explaining the idea of waiting in creating hope for the young generation

Adel Fatemian ¹

Abstract

Expectation is a driving and powerful engine in the Shia school and plays a significant role in reforming the individual and society. In order to reach perfection, the human system must move with the weapon of hope and expectation, so that in their shadow hope for the future and striving to move towards perfection will be realized in the waiting person. In the progressive Mahdavi culture, hope is the main focus of this great cycle, which by keeping alive the sense of commitment and responsibility and creating a spiritual bond with the waiting Imam? With a positive view, movement towards progress and excellence is brought to man. The main question in this article, which was compiled by descriptive-analytical method; Investigating the capacity of the thought of waiting in creating hope for the young generation. Unfortunately, in recent years, we have seen that the enemy has been trying to disappoint different sections of the society, especially the youth, with many attacks. Therefore, by using the verses and narrations related to hope for youth, we have tried to summarize the contents, the most important of which include: the spread of justice, the hope of meeting the Imam, the hope of the spread of universal justice and the establishment of security in the society

Keywords: Waiting, hope, young generation, creating hope

1. The fourth level of Mahdavit specialized center of Qom seminary(adel.fatemi1363@gmail.com)

تبیین نقش اندیشه انتظار در امیدآفرینی نسل جوان

عادل فاطمیان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۳

چکیده

انتظار موتور محرک و پرتوان در مکتب تشیع است و نقش به‌سزایی در اصلاح فرد و جامعه دارد. نظام انسانی برای رسیدن به کمال باید با سلاح امید و انتظار حرکت کن تا در سایه آنها امید به آینده و تکاپویی برای حرکت به سوی کمال در شخص منتظر محقق می‌شود. در فرهنگ مترقی مهدوی امید محور اصلی این چرخه باعظمت است که با زنده نگه داشتن حس تعهد و مسئولیت‌پذیری و ایجاد پیوند روحی با امام منتظر عجل الله تعالی فرجه الیه با نگاه مثبت‌اندیش، حرکت به سوی پیشرفت و تعالی در انسان به ارمغان می‌آید. سؤال اصلی در این مقاله که با روش توصیفی - تحلیلی گردآوری شده؛ بررسی ظرفیت اندیشه انتظار در امیدآفرینی برای نسل جوان است. متأسفانه در سال‌های اخیر شاهد این بودیم که دشمن با هجمه‌های زیاد درصدد ناامید کردن اقشار مختلف جامعه مخصوصاً جوانان بوده است. لذا تلاش شده با بهره‌گیری از آیات و روایات مربوط به انتظار نسبت به امیدآفرینی برای جوانان به جمع‌بندی محتوایی برسیم که اهم آنان شامل: گسترش عدالت، امید به لقاء امام، امید به گسترش عدالت فراگیر و برقراری امنیت در جامعه بوده است.

واژگان کلیدی

انتظار، امید، نسل جوان، امیدآفرینی.

مقدمه

انسان‌ها در مسیر حرکت از ضعف به کمال نیاز به برخی عناصر درونی مانند صبر، توکل، هدایت و امید دارد. امید یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه خدا در تعالی بخشیدن به انسان قرار دادن روح امیدواری و امیدآفرینی در انسان است. این ویژگی در عصر مدرن بحث امید به آینده است. که بازتاب آن در زندگی روزمره افراد نقش مهم و جریان‌ساز دارد. در سایه

۱. سطح چهار مهدویت مرکز تخصصی موعود حوزه علمی قم (adel.fatemi1363@gmail.com).

امید است که مولفه‌های افزایش کیفیت زندگی نقش‌آفرین شده و موجب وقوع رویدادهای مثبت در آینده و در نتیجه سلامت روانی او می‌گردد. زیرا امید داشتن و امیدآفرینی در فرد و جامعه مسیر تعالی و پیشرفت را هموار و حرکت به سوی آینده را سرعت می‌بخشد.

در همه ادوار داشتن روحیه امید به عنوان یک عنصر فرهنگی - اجتماعی مورد توجه انسان بوده است. داشتن روحیه امیدواری و امیدآفرینی موهبتی تکوینی از سوی خدا به انسان بوده تا هیچ‌گاه از تلاش باز نایستد و با قوت بیشتر مسیر زندگی را طی کند تا به تعالی و رشد برسد. در سایه امید و ناامیدی است که انسان خود را در پیشرفت، رکود و یا توقف جامعه نشان می‌دهد. حدیث نبوی در این باره چنین آمده:

الأمل رحمة لأمتی و لولا الأمل ما وضعت والدة ولدها و لا غرس غارس شجرة (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۸، ۱۷۳)؛

امید و آرزو رحمتی است برای امت من و اگر آرزو نبود ما در بچه‌اش را شیر نمی‌داد و باغبان نهالی نمی‌کاشت.

امید ممدوح و ستوده شده امید فعال و پیشران است نه امید منفعل و بی‌تلاش، که از سوی بزرگان دین نیز نفی شده است:

لا تکن ممن یرجو الآخرة بغير عمل، و یرجى التوبة بطول الأمل؛ یقول فی الدنيا بقول الزاهدین (نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰)؛

همانند آن کس مباحث بی‌آن‌که کاری کرده باشد به آخرت امید می‌بندد و به آرزوی دراز خود توبه را به تأخیر می‌افکند.

نقش‌آفرینی امید در فرد به حدی حائز اهمیت است که به عنوان ودیعه‌ای الهی و فطری در نهاد انسان یاد شده و مورد توجه قرآن و روایات قرار گرفته و به دفعات متعدد و به شیوه‌های مختلف، بیان شده است. قرآن این نسخه شفابخش الهی که بنا به تصریح خود، کتاب هدایت و راهنمایی سلوک انسانیت و مربی نفوس و شفای امراض قلبیه (یونس: ۵۷) بارها انسان‌ها را به امید داشتن و امیدواری تشویق و ترغیب نموده است.^۱ به نحوی که در روایات اسلامی امید را جزء صفات عقل برشمرده‌اند (کلینی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۲۱). لذا می‌توان گفت وجود امید در تفکر و اندیشه هر فردی به نوعی انگیزش در حرکت برای رسیدن به پیشرفت‌ها و کمالات بوده فلذا

۱. ر.ک: فاتحه: ۵؛ آل عمران: ۱۳۹ و ۱۵۹؛ رعد: ۳؛ حدید: ۴؛ زمر: ۵۳؛ ق: ۱۶؛ طلاق: ۳.

دارای اهمیت اساسی است.

مفهوم‌شناسی

در این بخش از مقاله به مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی می‌پردازیم:

الف) انتظار

انتظار از مادهٔ نظر به معنای چشم به راه بودن، چشمداشت، درنگ کردن، مهلت خواستن و دقت و تأمل کردن در مورد چیزی است (ابن منظور، ۱۴۰۲ق: ج ۵، ۲۱۵؛ معین، ۱۳۶۲ش: ۳۶۴). ضد آن ایستایی و بیخیال بودن است و در اصطلاح: «حالت نفسانی و روحی است که موجب آمادگی برای آنچه آنچه انتظارش را می‌کشند گردد فلذا هر مقدار انتظار شدیدتر باشد آمادگی نیز بیشتر است» (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۸ش: ج ۲، ۲۳۵). برخی قائلند: «انتظار حالت ناخرسندی انسان از وضع موجود و امید به مرتفع شدن این حالت و رسیدن به وضع مطلوب حکایت دارد» (سبحانی‌نیا، ۱۳۹۸ش: ۱۱۵) اما در واقع انتظار و آینده‌نگری به حالت شخصی اطلاق می‌شود که نسبت به وضع موجود ناراحت و برای ایجاد وضع بهتر و مطلوب تلاش می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶ش: ۱۰۱). انتظار واقعی و پویا را می‌توان حقیقتی دانست که از ترکیب ایمان و اعتقاد به خدا و مبانی دین و نیز اشتیاق به ظهور موعود الهی شکل گرفته تا به کمک امدادهای الهی، حکومت قسط و عدل را در جهان گسترش داده و همه را تحت فرمان یکتاپرستی درآورد. در سایه این انتظار پویا هست که شخص هرگز ناامید نشده و دست از تلاش برای ظهور برنمی‌دارد.

ب) امید

امید متضاد یأس به معنای آرزو، انتظار، چشم‌داشت و توقع حصول امر آمده است (ابن منظور، ۱۴۰۲ق: ج ۱۴، ۳۰۹). از آن جا که روح حاکم بر تمام فعالیت‌های روحی و شخصیتی انسان امید است لذا به عنوان نیاز مشترک فطری برای مرتفع شدن مشکلات و برای رسیدن به وضعیت مطلوب حاکی از مبارزه با یأس و ناامیدی است. امیدوار بودن به این معناست که فرد در هر لحظه به صورت پویا آماده و منتظر چیزی باشد که هنوز زمان ظهور آن فرا نرسیده و در عین حال اگر چنین رخدادی در طول زندگی اش محقق نشود فرد هرگز ناامید و ناخرسند نشود. لذا فرد منتظر هر آن میل و شوق درونی در مسیر دستیابی به خواسته‌اش را دارد (نبی‌اللهی،

۱۳۹۸ش: ۳۱). در سایه امید است که انتظار مفهوم پیدا کرده و فرد منتظر ناملايمات را تحمل کرده تا هویت و حیات اجتماعی خویش را از دست نداده تا بتواند به زندگی ادامه دهد (رضایی، ۱۳۸۳ش: ۳۶). امام صادق علیه السلام فرمودند: «من رجا شیئا عمل له؛ کسی که امید به چیزی دارد برای آن تلاش نموده و اقدام می‌کند، رجاء از عمل جدا نیست، امید که باشد حرکت و عمل هم به دنبال آن است. و اگر کسی از چیزی بترسد از آن می‌گریزد پس اگر نگریخت معلوم می‌شود، ترسی از آن ندارد، اگر عمل نکرد و پیش نرفت، به آن شیء رجاء و امیدی ندارد، واژگانی که با امید قرابت معنایی داشته در ذیل ذکر نموده تا مفهوم جامع و کاملی از این واژه برای خواننده ارائه دهیم:

- «رجاء»: گمان وقوع خیری ممکن‌الحصول در آینده که با معنای امید متناسب است (راغب، ۱۴۰۴ق: ۳۴۶) و چون امید هم ممکن‌الحصول است لذا این قرابت معنایی وجود دارد.

- «امل»: به معنای امید به چیزی که مورد توقع باشد و برای چیزی که حصولش بعید و دور می‌باشد استعمال شده است (مهیار، ۱۳۷۶ش: ۷۴۴) این واژه در استعمال فارسی خود به معنای آرزو دور به کار رفته است (فراهیدی، ۱۴۰۸ق: ج ۸، ۳۴۷).

- «عسی»: در لغت به معنای باشد و شاید استعمال شده و از اخوات (کاد) برای ترجی استعمال می‌شود (مهیار، ۱۳۷۶ش: ۶۰۹).

- «لعل» واژه دیگری که با امید قرابت معنایی دارد، راغب قائل است هر کجا لعل درباره خدا به کار رود به معنای تعلیل و هر جا درباره انسان استعمال شود به معنای رجاء و شاید است که محل شاهد ما همان معنای دوم است. (راغب، ۱۴۰۴ق: ۷۴۲).

- «تمنی» هم در معنای تقدیر و اندازه‌گیری کردن (راغب، ۱۴۰۴ق: ۷۷۹) خواستن و آرزو کردن استعمال شده (مهیار، ۱۳۷۶ش: ۲۶۱) و به حصول امر همراه با تقدیر آن اشاره دارد.

ج) جوان

در تعریف جوان باید دید از چه رویکردی به او پرداخته می‌شود: از نظر رویکرد روان‌شناسی جوانی مرحله‌ای از زندگی یک انسان است که پس از دوران کودکی و پس از طی دوران نوجوانی (بلوغ) محقق می‌گردد و به مشخصه‌ها و ویژگی‌های روانی او اشاره دارد (لطف‌آبادی، ۱۳۷۹ش: ۱۶).

از نظر جامعه‌شناسی جوانی یک فرایند و ساختار اجتماعی است. مناسب‌ترین زمان برای شکوفا کردن استعدادها، کسب مهارت و دانش‌اندوزی دوران جوانی است؛ به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد دوران جوانی، فرصتی طلایی و در عین حال کوتاهی است که اگر به موقع مورد استفاده قرار گیرد عاملی برای خودشناسی و کمال‌یابی و سعادت است. داشتن ویژگی‌های فکری و روحی مثبت داشتن قلب پاک «أنت مقبل العمر و مقتبل الدهر ذو نية سليمة و نفس صافية» (نهج البلاغه ۲۵۰) آرزومندی، آرمان‌گرایی، امیدآفرینی و منفی همچون غرور، جهالت و... از جوان معجونی از تعارضات صفات ساخته است.

امید مطلوب

اساساً دین در معنادهی و جهت‌دهی به حیات دنیوی انسان تأکید بسیار داشته و یکی از متغیرهای موثر بر کیفیت زندگی و شادابی جامعه و افراد هدفدار نمودن زندگی در قالب امید به آینده مطلوب می‌داند (ملکیان، ۱۳۹۹ ش: ۴، ۱۸۵). تشویق به امید و نفی ناامیدی از جمله موضوعات مورد توجه دین بوده و اسلام برای پویایی فرد و جامعه همواره دعوت به امید و امیدآفرینی نموده، تا روح امیدواری را در دل‌های‌شان زنده دارد. قرآن ناامیدی از رحمت خدا را نهی و جزء ویژگی‌های کافران برشمرده است: «ولا تياسوا من روح الله إنه لا يياس من روح الله إلا القوم الكافرون» (یوسف: ۸۷)؛ و از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمی‌شوند. زیرا ناامیدی پیامدهای منفی زیادی از قبیل افسردگی، سرخوردگی، تسلیم در برابر شرایط موجود، ایستایی و فروپاشی انسجام اجتماعی و از بین رفتن روحیه نشاط و شادابی به دنبال دارد (نبی‌اللهی، ۱۳۹۸ ش: ۳۱).

در فرهنگ مترقی مهدوی امید محور اصلی بوده و هدف انتظار زنده نگهداشتن روح نشاط و امید و اعتقاد به آمدن منجی در آخر الزمان دانسته شده است. امید مطلوب به انتظار انسان جهت می‌دهد. مراد از مطلوب بودن یعنی: «خرسند نبودن به وضع فعلی و خواستن وضعیت مطلوب است» زیرا شخص منتظر و امیدوار به دلیل گرایش به کمال‌خواهی و آرمان‌گرایی همواره در تلاش است تا با مشکلاتی که در مسیر رسیدن به اهدافش پیش می‌آید مقابله کرده و به خواسته‌هایش برسد.

در تقسیم‌بندی‌های ارائه شده امید به دو قسم تقسیم شده: ۱. امید واقعی؛ ۲. امید واهی. مراد از امید واهی آن امید است که شخص را در آرزوها و آرمان‌های دست‌نیافتنی سیر

می‌دهد به گونه‌ای که هیچ‌گونه رشد، حرکت و تحولی در شخص ایجاد نمی‌کند. برخلاف امید واقعی که بر پایه و اساس منطقی استوار شده و ریشه در باورها، اندیشه‌ها و ارزش‌های دینی مبتنی بر وحی دارد و اعتقاد به منجی و مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف از قسم امیدهای واقعی و مطلوب به حساب آمده که به دلیل عالی بودن هدف یکی از ارزشمندترین و عالی‌ترین مبانی شیعه محسوب می‌گردد (شرفی، بی تا: ش ۳۸، ۲۳). جوان منتظر در سایه امید مطلوب و واقعی برای ظهور و تحقق وعده الهی به حرکت و تکاپو پرداخته و برای مهیا کردن مقدمات ظهور تلاش می‌کند.

ارتباط انتظار با امیدآفرینی در روحیه جوان منتظر

جوانان مهم‌ترین سرمایه هر کشور معرفی شده (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۶) و نقش آنان در هر حکومتی بسیار مهم و راهبردی است که بدون استفاده از ظرفیت‌های آنان کشورها راه پیشرفت را طی نخواهند کرد. حضور تأثیرگذار جوان در حوزه‌های مختلف مدیریتی، اقتصادی، سیاسی، امنیتی و دفاعی و... هر کشوری تحول شگرفی در تمام عرصه‌ها به وجود می‌آورد. ابزار توانمندی جوان در این فعالیت‌های فزاینده و رو به جلو چیزی جز ایمان و امید به آینده نیست. زیرا امید فرایندی است که طی آن افراد: ۱. هدف‌هایشان را تعیین می‌کنند؛ ۲. استراتژی‌های خاصی را جهت رسیدن به آن هدف‌ها توسعه می‌دهند؛ ۳. انگیزه‌های الزم برای اجرای آن هدف‌ها را به وجود می‌آورند (عزمی، ۲۰۰۷: ۲۰). جوانان در انتظار پویا و فعالی که ایجاد کرده‌اند با برنامه‌ریزی و تدبیر دقیق اهداف آینده و با طراحی مسیر درست تلاش می‌کنند تا به آن اهداف عالی برسند و در این راه از هیچ سرزنشی ملول نمی‌شوند «ولا یخافون لومة لائم» (مائده: ۵۴) و با هجمه‌ها و شبهات دشمن ستیز می‌کنند.

جوانی که امید به آینده دارد و در اجتماع زندگی می‌کند هرگز دچار یاس و ناامیدی نمی‌شود زیرا شخص امیدوار زندگی‌اش را به برکت همین روحیه امیدواری و امیدبخشی تکاپو بخشیده و در پرتو امید به سوی آینده‌ای روشن حرکت می‌کند.

کانت فیلسوف غربی امید را از ویژگی‌های انسان‌های هوشیار برشمرده و قائل است برای انسان هوشیار سه سوال مطرح می‌شود یک این که؛ چه می‌توانم بدانم؟ دوم این که؛ چه باید بکنم؟ سوم این که؛ چه امید و انتظاری می‌توانم داشته باشم؟ (فروغی، ۱۳۶۷: ج ۲، ۲۸۳). این که یک انسان چه امید و انتظاری را می‌تواند دنبال کند تا از این طریق به اهداف خود در

زندگی برسد باید با اندیشه سالم و بدون نقص باشد.

امام خمینی رحمته الله علیه معتقد بودند؛ «القاء ناامیدی، شگرد دشمن است»، در همین زمینه می-فرمایند:

اختلافات موجوده در بین سران دول اسلامی - که میراث ملوک الطوائفی و عصر توحش است و با دست اجانب برای عقب نگاه داشتن ملت‌ها ایجاد شده است، مجال تفکر در مصالح را از آنها سلب نموده است. روح یأس و ناامیدی که به دست استعمار در ملت‌ها حتی در رهبران اسلامی دمیده شده است آنها را از فکر چاره‌جویی بازداشته است. امید است طبقه جوان که به سردی‌ها و سستی‌های ایام پیری نرسیده‌اند، با هر وسیله‌ای که بتوانند ملت‌ها را بیدار کنند؛ با شعر، نثر، خطابه، کتاب و هر ابزار دیگر (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ش: ج ۸، ۸۴۳).

ایشان نخبگان جامعه را به تزریق امید در جامعه توصیه می‌کنند و می‌فرمایند: باید یک فکری همه بکنند. آنهایی که اهل فکرند. اهل قلم‌اند. آنهایی که صالح‌اند. این صلحا باید بنشینند و درصدد این باشند که امید بدهند به این جامعه. این مردم احتیاج به امید دارند. دیگران دارند اینها را ناامید می‌کنند (همان: ج ۱۴، ۱۹).

نقش امید در تعالی بخشی جوان معاصر

همان‌طور که اشاره شد داشتن روحیه امید یکی از نیازهای اساسی انسان است و در پرتو امید پویایی و تحرک در جامعه رخ می‌دهد. اعتقاد به انتظار و مهدویت روح امیدواری در تمام مسلمانان تجلی پیدا می‌کند. همواره انسان‌های منتظر چشم انتظار روزها و آینده‌ای روشن‌اند. یکی از اصول مهم و بنیادین انتظار گسترش روحیه امیدبخشی در جامعه است که با حرکت به سوی هدف همراه است برخلاف آرزوها که حرکت به سوی هدف وجود ندارند (جعفری، ۱۳۷۸ش: ج ۲۷، ۲۸۵). اعتقاد به انتظار موعود باید از قسم امیدهای واقعی و مثبت باشد زیرا این قسم امید است که به دنبال اهداف عالی شخص منتظر را به حرکت و پویایی و امید دارد و ارزش امید به آن هدفی است که به سوی آن هدف در حرکت است ارزش آن را بسته و هدفی است که آن را دنبال می‌کند تعیین می‌کند از این رو هرچه هدف عالی تر باشد امید به آن هدف نیز عالی تر و مقدس تر می‌شود.

امید به معنای توانایی باور به داشتن وضعیت بهتر در آینده است. امید با نیروی نافذ خود ایجادکننده و تحریک‌کننده فعالیت فرد است. طوری که امید به عنوان نیروی سازگاری با مشکلات و حتی بیماری‌های صعب‌العلاج در نظر گرفته می‌شود (عبادی و فقیهی، ۱۳۸۹).

جوان با ویژگی‌های خاص بینشی، گرایشی و کنشی که دارد در شکل‌دهی آینده مطلوب جامعه انسانی مؤثر و نقش‌آفرین است لذا این نسل دارای اهمیت و حساسیت مضاعف بوده تا بتوانند در کنار بینش به امامت و منجی با شور و احساس به تعالی بخشی مسیر حق و حقیقت پیش روند (مرادی، ۱۳۹۳: ش: ۲۹).

امید دارای کارکردهای مختلف فردی و اجتماعی بوده و به منزله یکی از کارکردهای اجتماعی انتظار در جامعه مهدوی که هدف اجتماعی و آرمان بشری است قوت می‌گیرد. اما باید توجه داشت روح امید در عرصه فردی و اجتماعی خود به خود محقق نمی‌شود بلکه این قدرت انتظار است که روحیه امید و امیدواری را در جامعه می‌گستراند و عامل اصلی جلوگیری از یاس و ناامیدی و افسردگی در میان انسان‌هاست.

این انتظار است که با ایجاد حرکت و پویایی در جامعه منتظر دشواری‌ها و سختی‌ها را انسان‌ها تحمل می‌کند زیرا برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های مهدوی نیازمند انگیزه‌ای عالی و افراد نیرومند هست تا جوان را در شکل‌دهی آینده مطلوب به حرکت وادارد. انتظار مهدی چنین ظرفیت و انرژی را دارد که برای منتظر امیدواری و خوش‌بینی نسبت به آینده ایجاد کند، تا به پشتوانه قطعی خدا به پیروزی مستضعفان و فرمانروایی صالحان و نیک فرجامی پرهیزکاران سبب زنده نگه داشتن یاد حضرت در قلوب مردم گردد.

عوامل امیدآفرینی در عصر غیبت

از ویژگی‌های مهم عصر غیبت حیرت و سرگردانی آن است و هر چه به زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الکریم نزدیک‌تر می‌شویم بر شدت آن افزوده می‌شود. در این دوران انسان‌ها به دلیل پنهان بودن رهبر الهی خویش در تحیر و برخی نیز در گمراهی به سر خواهند برد (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق: ج: ۱، ۳۵۳). براساس برخی روایات این حیرت به خود حضرت نسبت داده شده به نحوی که خدای متعال امر او را یک شبه اصلاح نموده و او را از حیرت و غیبت به روشنایی ظهور و فرج درمی‌آورد (همان: ۱۵۲). انتظار به ظهور و فرج امام زمان عجل الله تعالی فرجه الکریم خون تازه به شریان منتظران جاری نموده و بنابر دیدگاه برخی اولین کارکرد انتظار خوش‌بینی نسبت به آینده است (مطهری، ۱۳۸۲: ش: ۶۴). به نحوی که اندیشه مهدویت را بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوش‌بینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده بدانیم و هرگونه عنصر بدبینی نسبت به پایان کار بشر را که براساس برخی نظریه‌ها بسیار

تاریک و ابتر دانسته شده طرد کنیم (همان: ۱۳-۱۴). بر این اساس باید با هر نوع عامل ناامیدی و یأس مبارزه کرد و براساس آیات و روایات به جنبه‌های امیدبخشی و امیدآفرینی پرداخت تا موجب تقویت روح امیدبخشی در اندیشه‌ی منتظران شد. بر همین اساس با استفاده از آیات و روایات به برخی از گزاره‌های امیدبخش و امیدآفرین اشاره نموده تا علاوه بر زدودن ناامیدی از قلوب منتظران نسبت به تقویت روح امید در اندیشه آنان کمکی کرده باشیم:

۱. تشکیل دولت کریمه و تثبیت حاکمیت الهی در مبارزه با ظلم

اندیشه انتظار در حوزه مهدویت ظرفیتی بس عظیم در به حرکت درآوردن جوامع دارد لذا این اندیشه علاوه بر ایجاد پیوند با معرفت نسبت به امام غائب، موجب هدف‌گذاری در زندگی شده و عاملی برای رسیدن به نقطه سکون و آرامش در فرد می‌گردد. ظهور و قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تشکیل دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که از ضروریات مذهب به حساب می‌آید با توجه به ظرفیت و پتانسیل خاصی که در او قرار دارد امید همه مستضعفان عالم بوده و ما را امر به انتظار در هر صبح و شام می‌کند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۴، ۱۷۸). انتظار نسبت به حضور فردی که با حضورش بسیاری از این مشکلات را حل کرده و همه مصادیق و عوامل ظلم و ستم را نابود می‌کند خود عامل اصلی در حرکت منتظران به سوی افقی روشن خواهد بود.

امید به تشکیل جامع‌ترین دولت که تاریخ بشریت نظیرش را هم ندیده که به نام دولت صالحان و مستضعفان و دولت حق و عدل نام‌گذاری می‌شود. دولتی که بر محور کرامت دور می‌زند راستی و درستی این دولت به حدی است که اثری از کذب و ظلم در آن دیده نمی‌شود. دولتی که با همه مظاهر ظلم و ستم مبارزه کرده و به عنوان آخرین دولت با بهترین شیوه حکومت می‌کند.^۱ درک این ظرفیت عظیم از توانمندی در دولت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای مقابله با دشمنان و ایجاد صلح، امنیت و آرامش برای تمامی انسان‌ها روح مبارزه و امیدآفرینی را در انسان تقویت می‌کند.

۱. الإمام الباقر عجل الله تعالی فرجه الشریف: دولتنا آخر الدول، ولم يبق أهل بيت لهم دولة إلا ملوكوا قبلنا، لئلا يقولوا إذا رأوا سيرتنا: إذا ملكتنا سرنا مثل سيرة هؤلاء! وهو قول الله عزوجل: ﴿والعاقبة للمتقين﴾ [اعراف: ۱۲۸؛ قصص: ۸۳]؛ امام باقر عجل الله تعالی فرجه الشریف: دولت ما آخرین دولت است و هیچ خاندان دارای حکومتی باقی نمی‌ماند، مگر این که قبل از ما، به حکومت می‌رسد تا این که وقتی شیوه (حکومت) ما را دیدند نگویند: اگر ما به حکومت می‌رسیدیم، به همین شیوه اینان رفتار می‌کردیم! و این فرموده خدای عزوجل است که: «و عاقبت، از آن پرهیزگاران است» (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۷۲-۴۹۳).

وجود ناامنی‌ها و جنگ‌ها در بین مردم و استمرار منازعات و خصومات و بی‌ثباتی پیمان‌ها نشان از ناکامی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الملل دارد. شکل‌گیری یک دولت فراگیر و امت واحده و حس مشترک جمعی مستلزم رشد فکری و اخلاقی مردم است که در عصر ظهور کاملاً مشخص می‌شود:

قال أمير المؤمنين عليه السلام يا مالك بن ضمرة كيف أنت إذا اختلفت الشيعة هكذا و شيبك أصابعه و أدخل بعضها في بعض فقلت يا أمير المؤمنين ما عند ذلك من خير قال الخیر كله عند ذلك يا مالك عند ذلك يقوم قائمنا فيقدم سبعين رجلا يكذبون على الله و على رسوله ص فيقتلهم ثم يجمعهم الله على أمر واحد (نعمانی، ۱۳۷۸ق: ۲۰۶).

همان‌طور که در این روایت هم به آن اشاره شده اختلافی بین شیعه ایجاد می‌شود که در آن زمان با قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف همه اختلافات برطرف شده و خدا به برکت ظهور حضرت همه مردم را بر یک امر واحد جمع می‌کند و بین‌شان الفت و انس ایجاد می‌کند: یجمع الله الكلمة و یؤلف بین قلوب مختلفة (ابن بابویه، ۱۴۰۴ق: ج ۲، ۶۴۷) و کینه از قلوب مردم می‌رود همان‌طور که در روایت اشاره شده است؛ امام علی عليه السلام:

و بنا يدفع الله الزمان الكلب ... و لو قد قام قائمنا لذهبت الشحنا من قلوب العباد، و اصطلحت السباع و البهائم حتى تمشي المرأة بين العراق الى الشام ... على رأسها زينتها لا يهيجها سبع و لا تخافه (صافی گلپایگانی، ۱۴۲۲ق: ج ۱، ۴۷۴)؛

به دست ما (حکومت ما) روزگار سختی‌ها و تشنه‌کامی‌ها سپری گردد... و چون قائم ما قیام کند کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود، حیوانات نیز باهم سازگاری کنند.

در آن روزگار، زن، با همه زیور خویش، از عراق درآید و تا شام برود و از هیچ چیز نترسد. آیا همه اینها در سایه دولت کریمه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف محقق نمی‌شود؟ آیا درک آن زمان آرزوی هر انسان آزاده و دلسوخته او نیست تا این‌که هرچه زودتر آن را درک کرده و خدمت‌گذار او باشد؟

۲. امید به لقاء امام

از جلوه‌های مهم و امیدبخش در دولت کریمه حضرت که برای تمام منتظران روحیه امیدواری به دنبال دارد می‌توان امید به لقاء امام را برشمرد؛ زیرا که با دیدن جمال مبارک ایشان غم و اندوه از دل‌های عاشقان و منتظران خواهد رفت. زیرا هر شخص منتظری انتظار دیدار و لقاء امام خویش را دارد حتی امیرالمؤمنین هم در کلامی این شوق دیدار را مطرح کرده و آن را به تصویر می‌کشد:

آه آه شوقا الی روئیتہ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۱، ۱۱۵).

۳. گسترش و اجرای عدالت جهانی

از آرزوهای مهم بشر این بوده که روزی شاهد اجرای عدالت و گسترش آن در همه عرصه - های فردی و اجتماعی باشد و این امید و آرزو در ادیان الهی به صورت اعتقاد تجلی پیدا کرده است. انتظار برای ظهور منجی برای تشکیل دولت فراگیر و اجرای عدالت در عالم، موجب تمام شدن ظلم‌ها و تاریکی‌ها از تمامی عالم شده و با اجرای عدالت فراگیر غبار خستگی‌ها را از تن منتظران دور خواهد کرد. امید به اجرای عدالت بارزترین و مهم‌ترین پی‌آمد و نتیجه دولت کریمه مهدوی است که شخص منتظر را همواره امیدوار نگه می‌دارد. در روایات چنین آمده که: با ظهور حضرت زمین پر از عدل و قسط می‌گردد همان‌طور که با ظلم و جور پر شده است:

يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأَتْ جُورًا وَ ظُلْمًا (خصیبي، ۱۴۰۴ق: ۴۹).

انتظار در سایه تحقق این شعار عامل امیدآفرینی در شخص شده و او را نسبت به آینده ثابت قدم می‌دارد. همچنین در روایت دیگری به طور صریح آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه بالقرین و مبارزه ایشان برای اجرای عدالت و مبارزه با ظلم بشارت داده شده است:

قال رسول الله ﷺ أبشركم بالمهدى يبعث في أمتي على اختلاف من الناس و زلزال يملأ الأرض عدلاً و قسطاً كما ملئت جوراً و ظلماً (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۷۸).

همچنین در روایت چنین آمده:

... فإذا عجل الله خروج قائمنا يملأ الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت جوراً و ظلماً (نعمانی، ۱۳۷۸ق: ۲۷۴)؛

وقتی خداوند، ظهور قائم ما را برساند، جهان را پر از قسط و عدل خواهد کرد، چنان‌که پر از ظلم و ستم شده است.

۴. امید به پیروزی و نصرت الهی

نصرت و یاری مظلومان عالم و وعده پیروزی و نصرت الهی برای انسان‌های وارسته و پاک در امیدآفرینی و حرکت به سوی جلو برای اندیشه یک جوان منتظر بسیار راهگشا خواهد بود. در آیه ۱۱۰ سوره یوسف به این موضوع که نصرت الهی هنگام ناامیدی به انسان می‌رسد اشاره می‌کند:

حتى إذا استيأس الرسل وظنوا أنهم قد كذبوا جاءهم نصرنا فنجي من نشاء؛

زمانی که پیامبران [از ایمان آوردن اکثر مردم] مأیوس شدند و گمان کردند که به آنان [از سوی مردم در وعده یاری و حمایت] دروغ گفته شده است. [ناگهان] یاری ما به پیامبران رسید.

۵. رشد و تکامل عقل، فرهنگ، دانش و ارتباطات

پیشرفت و تکامل دانش همچنین گسترش آن در عصر حضور امام در حوزه‌های مختلف پزشکی، صنعتی و تکنولوژی‌های فوق پیشرفته از برکات ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه است که هر انسان دلباخته و منتظری را برای درک حضور ایشان و بهره‌گیری از آن دولت کریمه حضرت ترغیب می‌کند. آنچه که باعث ترغیب شخص منتظر به آینده می‌شود امید به گسترش دانش و فن‌آوری در زمان ظهور حضرت است که به کمک آن علاوه بر رفع نیازهای مادی عاملی برای تقویت و گسترش دین الهی هم خواهد بود. امام باقر علیه السلام اوضاع عصر ظهور را این‌گونه تشریح می‌کند:

اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤس العباد فجمع بها عقولهم و كملت به احلامهم (کلینی، ۱۴۱۳ق: ج ۱، ۶۸)؛
هنگامی که قائم ما قیام کند خدا دست او را بر سر بندگان می‌گذارد و عقل آنان را متمرکز می‌کند و افکارشان را تکامل می‌بخشد.

سهولت در برقراری ارتباطات بین مردم از شرق تا غرب عالم، امنیت راه‌ها و خود موجب گسترش و ترویج دستورات دین نیز خواهد شد که در سایه دولت کریمه شاهد آن خواهیم بود؛ ان شاء الله.

۶. امید به گسترش امنیت در جامعه

از دیگر عوامل امیدآفرین برای یک جوان و هر انسان منتظر دیگر که در سایه انتظارش محقق می‌شود امید به گسترش امنیت در جامعه در ابعاد مختلف آن است. به طوری که هیچ حقی از دیگری ضایع نمی‌گردد. جوان منتظر در سایه چنین امنیتی پیشرفت‌های مادی و معنوی زیادی را کسب خواهد کرد لذا با تمام قوا و به امید رسیدن به جامعه ایده‌آل تلاش می‌کند و لذا چون امید انسان را بع حرکت و تکاپو برمی‌انگیزاند لذا نیل رسیدن به امنیت در او حاصل و درک حضور حضرت ایجاد می‌شود و او را مشتاق لقاء حضرت می‌گرداند و برای رسیدن به این مقام تلاش می‌کند. شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید چرا به ظهور امام زمان علیه السلام امید

داشته باشیم؟ حضرت فرمود: آیا دوست نداری که ایشان در جهان عدالت بگسترانند؟ در راه‌ها امنیت برقرار باشد و با ستم‌دیده منصفانه رفتار نماید و به او یاری رساند؟ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۵۲، ۱۴۴).

۷. دشمن ستیزی

از دیگر ابعاد انتظار که برای یک جوان می‌تواند حرکت در مسیر ظهور حضرت ایجاد کند مبارزه با دشمنان ایشان است. مهیا بودن بستری برای دشمن‌شناسی و دشمن‌ستیزی می‌تواند انگیزه‌ای برای شخص منتظر ایجاد کند تا قدمی برای ظهور حضرت بردارد. روح انتظار به انسان تعلیم می‌دهد تا در راه خیر و صلاح مبارزه کند. زیرا تا انتظار و امید نباشد، مبارزه و جهاد برای رسیدن به حق و حقیقت معنا ندارد و اگر اطمینان به آینده هم نباشد، انتظار معنی ندارد. انتظار واقعی با اطمینان و اعتماد ملزم است. رهبری در رابطه با انتظار و امید چنین می‌نویسد:

ما ملتی منتظر هستیم، ملتی که به امید پیشرفت و موفقیت، اقدام و تلاش و انقلاب کرد و موفق شد. ما امروز برای انتظار، باید باب بخصوصی در زندگی خود باز کنیم. حقیقتاً ملت ما باید روح انتظار را به تمام معنا در خود زنده کند «ما منتظریم» یعنی این امید را داریم که با تلاش و مجاهدت و پیگیری، این دنیایی که به وسیله دشمنان خدا و شیاطین، از ظلمات جور و طغیان و ضعیف‌کشی و نکبت حاکمیت ستمگران و قلدران و زورگویان پر شده است، در سایه تلاش و فعالیت بی‌وقفه ما، یک روز به جهانی تبدیل خواهد شد که در آن، انسانیت و ارزش‌های انسانی محترم است و ستمگر و زورگو و ظالم و قلدر و متجاوز به حقوق انسان‌ها، فرصت و جایی برای اقدام و انجام خواسته و هوی و هوس خود، پیدا نخواهد کرد، این روشنایی، در دیدگاه ما نسبت به آینده وجود دارد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۵ش: ۲۱).

این امیدی که در دل ملت ایران وجود داشت و در سایه آن توانست این کارهای بزرگ را انجام بدهد، ملت‌های ضعیف و مظلوم دنیا، امروز به این امید احتیاج دارند؛ آنها هم باید این امید را پیدا کنند. اگر پیدا کردند و نور امید در دل ملت‌ها تابید، کارهای دنیا اصلاح خواهد شد و مشکل ملت‌های مظلوم - اگر نگوئیم به صورت کامل - به صورت معتنا بهی - ولو در طول چند سال - حل خواهد شد. اما اگر این امید در دل‌ها نتابید و همان طوری که شیطان‌ها خواستند مردم مایوس باشند، ملت‌ها مایوس بمانند، روز به روز وضع بدتر خواهد شد (همان).

نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله به آن پرداخته شد بررسی نقش انتظار در امیدآفرینی برای نسل جوان نسبت به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بود. برای یک جوان مخصوصاً جوانی که منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است امید نقش حیاتی و بینشی قوی دارد. لذا تشویق به امید و نفی ناامیدی از جمله موضوعات مهم و مورد توجه دین در این حوزه و سایر حوزه‌ها بوده است. اسلام همواره برای پویایی فرد و جامعه اقشار مختلف را به امید و امیدآفرینی دعوت نموده، تا روح امیدواری را در دل‌های‌شان زنده کند و از افول و نابودی آن پیشگیری به عمل آورد. لذا امید براساس حس موفقیت و برنامه‌ریزی فرد برای دستیابی به اهداف عالی تعیین شده است.

امید یکی از احساسات دورنی انسان است. در لغت به معنای آرزو، انتظار، چشم داشت و توقع حصول امر آمده و در اصطلاح به این معناست که فرد در هر لحظه به صورت پویا آماده و منتظر چیزی باشد که هنوز زمان ظهور آن فرا نرسیده و در عین حال اگر چنین رخدادی در طول زندگی‌اش محقق نشود فرد هرگز ناامید و ناخرسند نشود. خدا در تعالی بخشیدن به انسان روح امیدواری و امیدآفرینی در وجودش قرار داده تا بازتاب آن در زندگی روزمره افراد نقش مهم و جریان‌ساز دارد.

یافته‌های این مقاله درحوزه امیدآفرینی انتظار برای منتظران خاصه نسل جوان شامل: ۱. تشکیل دولت کریمه و تثبیت حاکمیت الهی؛ ۲. امید به لقاء امام؛ ۳. گسترش و اجرای عدالت جهانی؛ ۴. رشد و تکامل عقول و فرهنگ و دانش؛ ۵. گسترش امنیت در جامعه؛ ۶. دشمن‌ستیزی و... است. البته می‌توان به موارد دیگری نیز دست یافت اما مجال این مقاله نبود.

منابع

قرآن کریم نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۴ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، قم: جامعه مدرسین.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۲ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.
۳. توسلی، غلام عباس (۱۳۸۵ش)، *نظریه های جامعه شناسی*، بی جا: نشر سمتا.
۴. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۸ش)، *شرح و ترجمه و تفسیر نهج البلاغه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۵. حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۸۵ش)، *آفتاب در سایه*، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، سوم.
۶. حسینی خامنه ای، سید علی (۱۳۹۶ش)، *بیانیه گام دوم انقلاب*، تهران: دفتر حفظ و نشر آثار مقام معظم رهبری.
۷. حمدان خصیبی، حسین بن (۱۴۰۴ق)، *الهدایة الکبری*، بیروت: مؤسسة البلاغ.
۸. رضایی، محمد علی (۱۳۸۳ش)، *امید*، قم: نشر قدس رضوی، قم.
۹. سبحانی نیا، محمد تقی (۱۳۹۸ش)، *مهدویت و آرامش روان*، قم: انتشارات جمکران.
۱۰. شرفی، محمدرضا (بی تا)، «مقدمه ای بر آثار تربیتی و روان شناختی انتظار»، *ماهنامه موعود*، شماره ۳۸.
۱۱. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۲۲ق)، *منتخب الاثر فی امام الثانی عشر*، قم: نشر مولف.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *کتاب الغیبه*، قم: دارالمعارف.
۱۳. عبادی، ندا؛ فقیهی، علی نقی (۱۳۸۹ش)، «بررسی اثربخشی آموزش مثبت نگری در افزایش امید به زندگی زنان بدون همسر شهر اهواز با تاکید بر قرآن»، *مجله روان شناسی دین*، شماره ۳.
۱۴. فروغی، محمد علی (۱۳۶۷ش)، *سیر حکمت در اروپا*، تهران: نشر زوار.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۳ق)، *اصول کافی*، بیروت: دار الاضواء.
۱۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الانوار عن الدرر الاخبار*، بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

۱۷. مرادی، اعظم (۱۳۹۳ش)، «پیش بینی میزان انتظار فرج براساس امید، خوش بینی و منبع کنترل در دانشجویان»، فصل نامه مشرق موعود، شماره ۲۹.
۱۸. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲ش)، قیام و انقلاب حضرت مهدی عجّل الله تعالی ترحمه الشريف، تهران: صدرا.
۱۹. معین، محمد (۱۳۶۲ش)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶ش)، حکومت جهانی مهدی عجّل الله تعالی ترحمه الشريف، قم: نسل جوان.
۲۱. موسوی اصفهانی، محمدتقی (۱۳۸۸ش)، مکیال المکارم فی الفوائد الدعا للقائم عجّل الله تعالی ترحمه الشريف، ترجمه: محمد مهدی حائری قزوینی، قم: بی نا.
۲۲. نبی الهی، علی (۱۳۹۸ش)، «زمینه های یاس از ظهور و راهکارهای زدودن آن از دیدگاه قرآن کریم»، فصل نامه پژوهش های مهدوی، شماره ۳۱.
۲۳. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۸ق)، الغیبة، تحقیق: علی اکبر کلانتری، تهران: مکتبة الصدوق.



ISSN: 2423 - 7655



Pajoheshha- e Mahdavi

A Research Quarterly in Mahdaviyyat
Thirteenth year, No 49, spring 2024

Explanation of the thoughts and efforts of the Imams of the revolution in the education of the revolutionary young generation

Mohammad Ali Mohseni Kho ¹

Dr. Saeid Bakshi ²

Abstract

According to the orders of the Imams of the Revolution, the youth are the capitals and future builders of the country and the Islamic Revolution. Therefore, their Islamic-Iranian education is very important. A revolutionary young believer has characteristics such as: self-aware and God-aware, enjoining what is good and forbidding what is bad, orderly and waiting, and the effective factors in the education of such a young person are: family, school, university and seminary, media, social environment and expectation. The emergence and harms that threaten the revolutionary youth are: turning your back on the revolution, despair, excesses, enemy influence and being a negative revolutionary. Considering the statements of the Imams of the revolution and the fact that the government is the Islamic Republic and the young people consider the clerics to be the representative of Islam, it should be said that the most important factor in the education of young believers in the revolution is the seminary and the clerics.

Keywords: Education, youth, revolution, expectation, clergy, Imam Khomeini, Supreme Leader

1. Bachelor of Laws, Level 3 of Qom Seminary (Responsible Author)

2. Assistant professor, faculty member of Allameh Tabataba'i University

تبیین اندیشه‌ها و اهتمام امامین انقلاب در تربیت نسل جوان انقلابی

محمدعلی محسنی خوا^۱

سعید بخشی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۰

چکیده

طبق فرمایشات امامین انقلاب، جوانان سرمایه‌ها و آینده‌سازان کشور و انقلاب اسلامی هستند؛ بنابراین تربیت اسلامی - ایرانی آنها از اهمیت زیادی برخوردار است. جوان مؤمن انقلابی دارای خصایصی از جمله: خودشناسی و خداشناسی، امر به معروف و ناهی از منکر، منظم و منتظر بودن است و عوامل مؤثر در تربیت چنین جوانی عبارت از: خانواده، مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه، رسانه، محیط اجتماعی، انتظار ظهور و آسیب‌هایی که جوان انقلابی را تهدید می‌کند عبارت از: پشت کردن به انقلاب، ناامیدی، افراط و تفریط، نفوذ دشمن و انقلابی منفی بودن است. با توجه به فرمایشات امامین انقلاب و این‌که حکومت، جمهوری اسلامی است و جوانان، روحانیون را نماینده اسلام می‌دانند، باید گفت که مهم‌ترین عامل در تربیت جوان مؤمن انقلابی، حوزه علمیه و روحانیون هستند.

واژگان کلیدی

تربیت، جوان، انقلاب، انتظار، روحانیت، امام خمینی علیه السلام، مقام معظم رهبری.

مقدمه

جوانان هر کشور، آینده آن کشور را می‌سازند و ضامن بقای نظام حکومتی آن هستند. در این چهل و اندی سال که از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران می‌گذرد، همواره یکی از دغدغه‌های امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری (حفظه الله) تربیت نسل جوانی بوده که آگاه به معارف اسلامی، آگاه به نیازهای جمهوری اسلامی و کوشا در حفظ و پیشرفت آن باشند.

۱. کارشناسی حقوق و طلبه سطح ۳ حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول) (mohammad.ali.mohseni9711@gmail.com).

۲. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی (saeidbakhshy@atu.ac.ir).

همان‌طور که تأثیرگذاری جوانان در جامعه بیش از سایر اقشار است، تأثیرپذیری آنها نیز بیشتر است زیرا آنها در سنی قرار دارند که شخصیت‌شان در حال شکل‌گیری است، بنابراین دغدغه امامین انقلاب به حق است و نیاز به تألیف مقاله‌ای در این زمینه کاملاً حس می‌شود.

گرچه کتاب‌ها و مقالاتی در رابطه با اندیشه امامین انقلاب در مورد تربیت جوانان انقلابی نوشته شده است از جمله کتاب *جوانان از دیدگاه امام خمینی* از مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، کتاب *دغدغه‌های فرهنگی* از مرکز صهبا و کتاب *ما منتظریم* از حسن ملایی، اما این تألیفات به نقل فرمایشات امامین انقلاب و گاه کمی توضیح اکتفا کرده‌اند و تبیین اندیشه ایشان و تطبیق آن با کتاب و سنت نپرداخته‌اند.

شیوه این نوشتار این‌گونه است که با مطالعه فرمایشات امامین انقلاب در مورد جوانان، نکات کلیدی برداشت و با زبان ساده به صورت نوشتار درآمده است؛ در مواردی که فرمایشات ایشان نیاز به توضیح داشت، به تبیین مطلب با زبانی ساده پرداخته‌ایم. مهم‌ترین ویژگی این مقاله، عبارت است از این که همراه با بیان فرمایشات امامین انقلاب، آیات و روایات شریفه به عنوان مؤید ذکر شده‌اند و در موارد ضرورت به تبیین آن آیه یا روایت نیز پرداخته‌ایم، تا مخاطب بداند که توصیه‌های امامین انقلاب نظر شخصی ایشان نبوده، بلکه ایشان دستورات کتاب و سنت را با زبانی ساده برای عموم مردم بیان کرده‌اند.

این مقاله در سه عنوان کلی و پانزده عنوان فرعی تنظیم شده است، در عنوان اول به ویژگی‌های جوانان انقلابی، در عنوان دوم به عوامل مؤثر در تربیت جوانان انقلابی و در عنوان سوم به آسیب‌شناسی جوانان انقلابی پرداخته‌ایم.

ویژگی‌های جوانان انقلابی

در این مبحث ویژگی‌های محوری جوان انقلابی که در بیانات امامین انقلاب مورد تصریح و تأکید قرار گرفته‌اند که عبارت از خودشناسی، خداشناسی، آمر به معروف و ناهی از منکر، محصل، مهذب و ورزشکار، منظم و منتظر بودن است، تبیین شده است.

۱. خودشناسی و خداشناسی

جوان مؤمن انقلابی باید از توانایی‌ها و ظرفیت‌های خودش آگاه باشد تا جایگاه مناسب با خود را در اجتماع برای خدمت به نظام جمهوری اسلامی پیدا کند، وگرنه چه بسیار انسان‌های نیک هستند که به دلیل این که در جایگاه اشتباهی قرار گرفته‌اند علاوه بر این که استعداد‌های

آنها هدر می‌رود، موجب بدبینی مردم به این نظام نیز می‌شوند. جوان تا وقتی که خودش را شناسد نمی‌تواند عقاید و اعمالش را اصلاح کند و با اسلام تطبیق دهد (شریفی نیا، ۱۳۸۰ش: ۱۳۱). امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

کسی که خودش را بشناسد، پروردگارش را نیز می‌شناسد (آمدی، ۱۳۹۵ش: ج ۱، ۵۸۸).

پس از خودشناسی، باید خدا را نیز بشناسد، زیرا کسی که خدای خود را شناسد نمی‌تواند به خلق خدا خدمت کند. آیا نیرویی غیر از ایمان راسخ به خداوند یگانه و معاد می‌تواند مانع مادی‌گرایی و تجاوز به حقوق مردم برای کسب منافع مادی شود؟

تلاش او برای خدمت به خلق خدا و این نظام اسلامی برای خدا است. انتظار ندارد که دیگران نزد او بیایند و از او تقدیر کنند (شریفی نیا، ۱۳۸۰ش: ۱۳۳). عملش برای خداست، به خدا توکل می‌کند و پاداشش را از خدا می‌خواهد. از آثار مهم توکل به خدا، ایجاد اعتماد به نفس است. جوانی که توانایی‌های خود را می‌شناسد، خدای خود را نیز می‌شناسد و می‌داند که «الله علی کل شیء قدیر» (آل عمران: ۱۸۹)؛ خداوند بر هر چیزی تواناست، با توکل بر قادر متعال می‌تواند به اسلام و ملتش خدمت کند و هیچ نیرویی نمی‌تواند سد راهش شود و در برخورد با هیچ مشکلی، ناامید نمی‌شود.

مقام معظم رهبری به جوانان انقلابی توصیه می‌کنند که اگر دیدند دشمنان از همه طرف آنها را احاطه کرده‌اند و دوستان از او روی گردانیده‌اند، ناامید نشوند بلکه طبق آیه ۱۲۹ سوره مبارکه توبه «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»؛ پس (ای رسول) هرگاه مردم روی گردانیدند بگو: خدا مرا کافی است که جز او خدایی نیست، من بر او توکل کرده‌ام و او پروردگار عرش بزرگ است، به خدا توکل کنند. البته معنای توکل این نیست که دست از تلاش بکشد و منتظر بماند که خدا برایش گشایشی ایجاد کند، بلکه باید تمام تلاشش را بکند، اما نتیجه را از خدا بخواهد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان نظام، ۱۳۹۵/۲/۱۶).

۲. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از بزرگ‌ترین واجبات الهی هستند که به وسیله این دو واجب، سایر واجبات نیز برپا می‌شوند (ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۸ش: ۱۶۶). امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد اهمیت این واجب الهی می‌فرماید:

تمام کارهای نیک در برابر آن مانند دمینی به دریای موج است (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۴).

هر انقلابی پس از پیروزی نیاز به نیروی انسانی مهذب دارد، برای تأمین چنین نیرویی باید در جامعه داعیان به نیکی و بازدارندگان از بدی وجود داشته باشند تا در جامعه بستر مناسبی برای رشد نیروی مهذب فراهم شود. این دو واجب الهی دارای دو سطح فردی و حکومتی هستند (ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۸ ش: ۱۶۷). سطح فردی آن یک وظیفه عمومی است، اما جوان مؤمن انقلابی به طور ویژه مکلف به آن است، زیرا یکی از اهداف انقلاب اسلامی اجرای معروف و جلوگیری از منکر در جامعه است. اولین فایده‌اش این است که نیکی همچنان نیکی بماند و گناه در نظر مردم همیشه گناه بماند و تبدیل به ثواب نشود (بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۷۹/۹/۲۵).

از جمله کارکردهای آن تعادل در نظام اجتماعی و حفظ نظام است، زیرا انحرافات در جامعه، تعادل را برهم می‌زند و نظام اسلامی رو به نابودی می‌رود. از دیگر کارکردهای آن حاکمیت نیکان و عدم استیلاي بدان است. امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید:

امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشرار بر شما مسلط خواهند شد سپس هر چه دعا کنید مستجاب نمی‌گردد (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

از انگیزه‌های ترک امر به معروف و نهی از منکر، ترس از تمسخر، رسیدن ضرر خفیف، طمع برای تشویق توسط منحرفان و تعلق به اجتماع برای همرنگی و طرد نشدن از جامعه منحرف است. جوان مؤمن انقلابی موظف به تلاش برای حفظ نظام اسلامی و حاکمیت خوبان است، که این دو امر محقق نمی‌شود مگر با امر به معروف و نهی از منکر، پس نباید انگیزه‌های ترک این دو واجب الهی در او موجود باشد و باید نسبت به اجرای این دو واجب در جامعه اسلامی اهتمام ورزد (ربانی خوراسگانی، ۱۳۸۸ ش: ۱۷۵).

۳. تحصیل، تهذیب و ورزش

دوره جوانی، دوره توانایی است. این توانایی باید عمدتاً در تحصیل علم، ایجاد صفای نفس و تقوا و ایجاد نیروی جسمانی به کار رود. به طور خلاصه یک جوان انقلابی باید تحصیل، تهذیب و ورزش را دنبال کند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان به مناسبت هفته جوان، ۱۳۷۹/۲/۷).

جوان مؤمن انقلابی آینده‌ساز کشور است، ساختن آینده کشور و پیشرفت آن نیاز به تحصیل علم دارد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:
دوست ندارم جوانی از شما را جز بر دو گونه ببینم: دانشمند یا دانشجو (طوسی، ۱۳۹۴ ش: ۳۰۳).

علم بدون تقوا موجب انحراف و اضرار به دیگران می‌شود، پس جوان انقلابی در کنار تحصیل علم باید به تهذیب نیز بپردازد. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:
ای گروه جوانان! تقوا پیشه کنید (مجلسی، ۱۳۸۶ ق: ج ۲۴، ۲۴۶).

امام خمینی رحمته الله علیه نیز می‌فرمایند:
تحصیل همراه تهذیب و تعهد و اخلاق فاضله انسانی است که می‌تواند ما را به حیات انسانی برساند و می‌تواند کشور را از وابستگی‌ها نجات بدهد (باهنر، ۱۴۰۰ ش: ۱۱۴).

تحصیل علم و تهذیب نفس نیاز به سلامت جسمانی دارد پس باید به تندرستی و ورزش نیز اهمیت دهد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند:
به فرزندان تان شنا و تیراندازی (دو نمونه از ورزش‌های رایج عصر پیامبر صلی الله علیه و آله) را آموزش دهید (پاینده، ۱۳۹۰ ش: ۵۶۷).

امام خمینی رحمته الله علیه نیز می‌فرمایند:
وقتی قوه جسمانی با قوه روحانی باهم شد، خیلی ارزش پیدا می‌کند. قوه جسمانی برای خدمت و قوه روحانی برای هدایت است. این دو قوه وقتی مجتمع شد، یک انسان، به تمام معنا انسان می‌شود (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ ش: ۳۴۵).

۴. نظم و برنامه‌ریزی

عمر جوانان بزرگ‌ترین سرمایه آنهاست. جوان مؤمن انقلابی باید از این سرمایه در جهت تحقق آرمان‌های اسلامی، انقلابی و ملی استفاده کند. بدون داشتن نظم و برنامه‌ریزی این سرمایه هدر می‌رود و قابل جبران نیست. امام خمینی رحمته الله علیه علاوه بر این که خودش منظم بود، از این که شاگردانش به صورت بی نظم در درس حاضر شوند ناراحت می‌شد و می‌فرمود:
من نمی‌گویم به درس من نیائید، ولی اگر می‌خواهید بیائید، منظم بیائید (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴ ش: ۱۳۴).

ایشان به جوانان توصیه می‌کردند که هرچه هست در جوانی است، در پیری از لحاظ جسمی و ذهنی توانی برای تحصیل، تهذیب و عبادت ندارید. از حیل‌های شیطان این است

که به جوانان وعده اصلاح در زمان پیری را می‌دهد تا جوانی با غفلت از دست برود و به پیران وعده طول عمر می‌دهد، در نتیجه تا لحظه آخر عمر با وعده‌های پوچ انسان را از یاد خدا بازمی‌دارد تا مرگش فرا رسد (دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴ ش: ۱۲۱). این‌که امیرالمومنین علیه السلام می‌فرماید:

سفارش می‌کنم شما حسن و حسین را به تقوای الهی و نظم در کارهای‌تان (نهج البلاغه، نامه ۴۷).

نظم را در کنار تقوا بیان کرده‌اند، وجهش این است که کسی که نظم ندارد و گاهی عبادت را در اول وقت و گاهی در آخر وقت انجام می‌دهد و گاهی هم انجام نمی‌دهد، به تدریج شیطان در او نفوذ کرده و او در انجام واجبات و ترک محرمات سست تر می‌شود.

۵. انتظار آینده روشن

انقلاب اسلامی ایران، مقدمه ظهور است، زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای تحقق حکومت صد در صد عادلانه می‌آید. بنابراین باید قبل از ظهور، حکومتی شصت یا هفتاد درصد عادلانه تشکیل شده باشد تا مقدمات تحمل حکومت صد در صد عادلانه در مردم ایجاد شده باشد (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ ش: ۱۴۲).
از آیات ۱۷۱ تا ۱۷۳ سوره مبارکه صافات که می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ * إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ * وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ﴾

وعده ما درباره بندگانی که به رسالت فرستادیم از پیش قطعی شده است * که آنان بر دشمنان شان حتما پیروز می‌شوند * و سپاه ما قطعاً غالب می‌شود.

می‌توان نتیجه گرفت که اولاً در نهایت تاریخ بشریت دورانی خواهد آمد که آرمان‌های پیامبران محقق خواهد شد؛ ثانیاً رسیدن به آن دوران به کمک سپاهیان خدایی خواهد بود؛ ثالثاً انقلاب اسلامی ایران، ما را یک مرحله به ظهور حضرت مهدی علیه السلام نزدیک تر کرده است؛ زیرا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمینه مساعد ظهور خواهند کرد، یعنی در جریان جنگ‌های پس از ظهور، کسی که می‌کشد می‌داند چرا می‌کشد و کسی که کشته می‌شود می‌داند که چرا کشته می‌شود، یعنی مردم عدالت واقعی را شناخته‌اند و بر آنها اتمام حجت شده است. انقلاب اسلامی یکی از جنود الهی بود تا مردم با عدالت واقعی و معارف قرآن آشنا شوند (مؤسسه

پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ش: ۱۴۵ و ۱۵۱).

این که در بعضی روایات مانند این روایت از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام که می‌فرمایند:
هر پرچمی که قبل از قیام قائم برافراشته شود، پس صاحب آن پرچم طاغوت
است (کلینی، ۱۳۸۷ش: ج ۸، ۲۹۵).

وارد شده که هر علمی که قبل از ظهور حضرت بلند بشود، علم باطل است. مقصود این
نیست که هر حکومتی در عصر غیبت تشکیل شود، باطل است؛ بلکه مقصود روایات این است
که هرکس در عصر غیبت علمی بلند کند با ادعای این که مهدی موعود است، باطل است و
باید تکذیب شود (هدایتی، ۱۳۸۷ش: ۱۵۱؛ ملایی، ۱۳۹۶ش: ۲۱۳).

بنابراین با توجه به این که انقلاب اسلامی ایرانی زمینه‌ساز ظهور است، جوان مؤمن انقلابی
باید یک جوان منتظر باشد؛ انتظار یعنی آماده باش، یعنی اگر امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام امروز ظهور
بکند جوان منتظر آمادگی ظهور را دارد. این که در زیارت آل یاسین می‌خوانیم «و نصرتی لکم
معه» انتظار یعنی همین آماده بودن برای یاری حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام. امام جواد عَلَيْهِ السَّلَام
می‌فرمایند:

همانا قائم از ماست، او مهدی است، کسی که باید در دوران غیبتش، منتظر او باشند و در
هنگام ظهورش مطیع او باشند (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق: ج ۲، ۳۷۷).

اطاعت در هنگام ظهور بدون آمادگی برای اطاعت در عصر غیبت ممکن نیست، پس
مقصود امام از انتظار، آمادگی برای ظهور است.

جوان انقلابی منتظر فرج است، یعنی به وضع موجود بشریت قانع نیست و امید به
تحقق گشایش دارد، به همین دلیل برای رسیدن به وضع مطلوب تلاش می‌کند، که این وضع
با فراهم کردن زمینه ظهور برای اتصال انقلاب اسلامی با حکومت حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام
محقق می‌شود (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ش: ۴۳ و ۴۵). به تعبیر امام
خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ، نظام جمهوری اسلامی امانت الهیست و جوان مؤمن انقلابی که آینده‌ساز
جمهوری اسلامی ایران است، باید این امانت را به صاحبش که حضرت مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام
است برساند (هدایتی، ۱۳۸۷ش: ۲۴۵). همچنین ایشان می‌فرمایند:

جمهوری اسلامی باید جمهوری‌ای باشد که امام زمان عَلَيْهِ السَّلَام آن را بپذیرد و منتهی به
ظهور امام عصر عَلَيْهِ السَّلَام بشود (همان: ۲۳۹ و ۲۵۳).

بنابراین هدف از انقلاب اسلامی ایران زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر عَلَيْهِ السَّلَام و

اتصال حکومت جمهوری اسلامی به حکومت ایشان است و به تعبیر امام خمینی رحمته الله علیه یکی از وظایف منتظران تلاش برای پیشبرد انقلاب اسلامی است (همان: ۱۳۹)؛ پس نتیجه می‌گیریم انقلابی بودن و منتظر بودن دو روی یک سکه هستند.

عوامل مؤثر در تربیت جوانان انقلابی

در این مبحث عوامل مؤثر در تربیت جوانان انقلابی که در بیانات امامین انقلاب مورد تصریح و تأکید قرار گرفته‌اند که عبارتند از خانواده، مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیّه، رسانه، محیط اجتماعی و انتظار ظهور است، تبیین شده است.

۱. خانواده

مهم‌ترین، قدیمی‌ترین، کوچک‌ترین و اولین نهاد اجتماعی که انسان در آن رشد و نوپیدا می‌کند خانواده است. هسته اولیه آن از مرد و زن تشکیل شده و سپس با آمدن فرزندان گسترش پیدا می‌کند. خانواده نقش مهمی در پرورش و شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی فرزندان و سوق دادن آنها به سوی اهداف اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اخلاقی و تربیتی دارد (ملکی‌راد، ۱۳۹۷ش: ۱۳۳-۱۳۴). شخصیت جوانان در محیط خانواده شکل می‌گیرد. کودکان رفتاری را که از اعضای خانواده سر می‌زند، احساساتی که در امور مختلف ابراز می‌شود و اعتقاداتی که بر آن تأکید می‌گردد می‌بینند، به خاطر می‌سپارند و براساس آن عمل می‌کنند و به تدریج جزء شخصیت‌شان می‌سازند. همواره رفتار، تصمیمات و افکار والدین در معرض دید و مشاهده کودکان است و در صورتی که رفتار کودک مطابق رفتار والدین باشد مورد تشویق قرار می‌گیرد. بنابراین کودک و نوجوان خانواده را الگوی خود قرار می‌دهد و مطابق با این الگو شخصیتش تا جوانی به طور کامل شکل می‌گیرد (شریفی‌نیا، ۱۳۸۰ش: ۱۴۲). حضرت امام خمینی رحمته الله علیه می‌فرمایند:

اسلام آمده تا راه تربیت را به ما نشان دهد و بانوان باید فرزندان خود را به شیوه اسلامی تربیت کنند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش: ۲۸۴).

مقام معظم رهبری می‌فرمایند:

تربیت فرزند به وسیله مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست، بلکه با رفتار است، با عاطفه است، با نوازش است، با زندگی کردن است (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مداحان، ۱۳۹۹/۲/۱۱).

پیامبر اکرم ﷺ می فرمایند:

به فرزندان خود احترام کنید و با آداب پسندیده با آنها معاشرت کنید (مجلسی، ۱۳۸۶ق:

ج ۲۳، ۱۱۴).

این که والدین نقش مهمی در تربیت جوان انقلابی منتظر دارند بر کسی پوشیده نیست، زیرا اولین جامعه‌ای که انسان وارد آن می شود و بیشترین تأثیر را از آن می پذیرد و شاکله شخصیتش شکل می گیرد خانواده است. اما نکته مهمی که هم در روایات و هم در بیانات امامین انقلاب به آن اشاره شده است، تربیت فرزندان با عمل است. زیرا والدین الگوی فرزندشان هستند و فرزند رفتار آنها را زیر نظر دارد و از آنها تقلید می کند. اگر والدین صرفاً با زبان فرزندشان را به اسلام، انقلاب و انتظار ظهور تشویق کنند اما در عمل به آنها اعتقاد نداشته باشند و عمل شان خلاف گفتارشان باشد، والدین باعث ایجاد دافعه در فرزندشان نسبت به اسلام، انقلاب و انتظار ظهور می شوند و فرزند جوانشان به تأثیرپذیری از الگوهای خارج از خانواده به خصوص الگوهای غربی که در فضای مجازی تبلیغ می شوند، سوق داده می شود. بنابراین والدین باید در گفتار و رفتارشان فرزند جوان شان را به پایبندی به اسلام و انقلاب تشویق کنند و معارف اسلامی و انقلابی را به او آموزش دهند.

۲. مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه

مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه مکان هایی هستند که کودکان، نوجوانان و جوانان بیشتر وقت خود را پس از خانه و خانواده در آن جا سپری می کنند. مدرسه نخستین مکانی است که کودک را از محیط محدود خانواده جدا و به عرصه اجتماع که محیطی گسترده تر است می برد (شریفی نیا، ۱۳۸۰ش: ۱۳۸). انسان ها در سنی که شخصیت و مبانی فکری شان در حال شکل گیری است وارد محیط مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه می شوند، بنابراین یک نظام آموزشی هدفمند متناسب با اهداف اسلامی، انقلابی و ملی می تواند در آینده، یک جوان خادم به اسلام و میهنش به جامعه تحویل دهد. متون درسی باید ارزش های اسلامی، انقلابی و ملی را به کودکان، نوجوانان و جوانان آموزش دهند و معلم ها و اساتید نیز باید آگاه به این ارزش ها باشند تا بتوانند این ارزش ها را در محصلین خود نهادینه کنند و به شبهات آنان پاسخ دهند، نه این که خودشان برای محصلین شبهه زا باشند. این که در آیه ۷۸ سوره مبارکه حج خداوند خطاب به مؤمنین می فرماید:

«ملة أییکم ابراهیم»:

از آئین پدرتان ابراهیم پیروی کنید.

و پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

پدران سه دسته‌اند: پدری که تو را به دنیا آورد و پدر همسرت و پدری که به تو علم آموخت (نراقی، ۱۴۰۰ش: ج ۳، ۱۴۰).

و «ای علی من و تو پدران این مردم هستیم» (مجلسی، ۱۳۸۶ق: ج ۴۰، ۴۵). دال بر این است که معلم مانند پدر می‌تواند در شخصیت، مبانی فکری و اعتقادی محصلش تأثیر بگذارد و همچنین باید مانند یک پدر دلسوز باشد و محصلش را مانند فرزندش بداند و دغدغه‌اش تربیت او و ایجاد آینده‌ای درخشان برایش باشد.

مدرسه نباید صرفاً به آموزش بپردازد، بلکه باید آموزش و پرورش همراه هم باشند. معلم‌ها باید جوانان را مستقل و با اعتماد به نفس بار بیاورند. اگر تربیت جوانان به دست معلم‌ها اسلامی و ملی نباشد در آینده کشور مستعمره شرق یا غرب می‌شود. معلم‌ها باید ابتدا خودشان مهذب شوند و به تعلیمات اسلام که برای آدم‌سازی است عمل کنند و سپس به تربیت جوان‌ها بپردازند و مراکز آموزشی را تبدیل به مکان آدم‌سازی بکنند، زیرا فطرت جوانان پاک‌تر است و به ملکوت نزدیک‌ترند، در نتیجه تأثیرپذیری آنها بیشتر است. مراکز آموزشی باید عاری از معلمان شرقی یا غربی شود، زیرا شعار جمهوری اسلامی نه شرقی و نه غربی است. قدرت‌های استعمارگر دانستند که جوانان به خاطر ایمانی که به اسلام داشتند توانستند دستشان را از منابع ملی قطع کنند، لذا با آلوده کردن محیط مدارس و دانشگاه‌ها به فساد و فحشا درصد این هستند که جوانان را از اسلام جدا کنند، تا دوباره بتوانند بر منابع ملی مسلط شوند. در رژیم پهلوی به دانشجویان تلقین کرده بودند، که اگر برای ادامه تحصیل به غرب نروند نمی‌توانند به جایی برسند، دانشگاه‌های غربی دانشجویان ایرانی را غریزه بار می‌آوردند، لذا مسئولین باید شرایط ادامه تحصیل را در داخل کشور برای جوانان فراهم کنند. دوستی و همکاری دانشجویان با طلاب توطئه دشمن در جدایی دین از سیاست و متنفر کردن جوانان از اسلام را نابود می‌کند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸ش: ۲۸۶-۳۳۵).

یکی از راه‌هایی که دشمنان جمهوری اسلامی برای براندازی نظام به آن متوسل شده‌اند، نفوذ دادن افراد منحرف و ضد اسلام در حوزه‌های علمیه است (ابراهیمی‌فر، ۱۳۸۰ش: ۲۱۵). مقام معظم رهبری به اسلام فقه‌ای معتقد و ملتزم است. یعنی اسلام ناب محمدی که بر

خلاف اسلام متحجر با تکیه بر آموزه‌های دینی، درگیر جنبه‌های عملی زندگی مردم می‌شود، بنابراین روحانیون نباید خودشان را کنار بکشند، بلکه باید در تربیت نسل جوان کوشا باشند (غفاری، ۱۳۹۵ش: ۵۶).

حوزه‌های علمیه محل تعلیم، تربیت و رهبری مسلمانان است. روحانیون مظهر اسلام، مبین قرآن و جانشین انبیا هستند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴ش: ۶۵-۶۸). وظیفه حوزه‌های علمیه این است که طلاب عالم و مهذب تربیت کنند، زیرا طلبه بدون تهذیب نفس، تبدیل به روحانی نمایی می‌شود که ابزار دست دشمنان اسلام قرار می‌گیرد و جوانان را از اسلام و انقلاب منحرف می‌کند (همان: ۴۹۹). علمای حوزه علمیه و اساتید دانشگاه‌ها باید در نزدیک کردن هر چه بیشتر حوزه‌ها و دانشگاه‌ها تلاش نمایند، زیرا ارتباط دانشجویان جوان با روحانیون عالم و مهذب سبب آگاهی و علاقه آنها به اسلام و انقلاب خواهد شد (همان: ۱۵۲). روحانیون باید برای علاقه مند کردن جوانان به اسلام و انقلاب به شهرهای مختلف برای تبلیغ بروند، اما باید بدانند سؤال جوان چیست تا خودشان را برای پاسخ به شبهات آنها آماده بکنند. این که امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «قلم علما برتر از خون شهداست» (ابن بابویه، ۱۳۸۷ق: ج ۴، ۳۹۹) به این دلیل است که یک عالم می‌تواند یک انسان متعالی و یک جوان مؤمن و ملتزم به اسلام و کشورش بسازد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۸/۹/۲۳). بهترین مخاطبان برای تبلیغ، جوانان هستند، زیرا طول عمرشان بیشتر است و سال‌های بیشتری در زندگی‌شان تأثیر می‌گذارد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نمایندگان ولی فقیه در دانشگاه، ۱۳۷۶/۷/۱۶). بنابراین با توجه به این که جوانان خارج از خانواده، بیشتر عمرشان را در محیط مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه می‌گذرانند و از معلمان، اساتید و روحانیون الگوگیری می‌کنند، پس این سه محیط در تربیت آنها بسیار موثر است. باید گفت به دلیل این که حکومت، جمهوری اسلامی است و جوانان، روحانیون را نماینده اسلام می‌دانند، جامعه روحانیت با گفتار و کردارشان بیشترین تأثیر را در جذب یا دفع جوانان از اسلام و انقلاب دارند.

پیش از پیروزی انقلاب اسلامی رژیم دست‌نشانده پهلوی می‌خواست از طریق تلویزیون، سینما، روزنامه و مجلات جوانان را به فحشا بکشاند، زیرا جوان ایرانی‌ای که غرق در فحشا

شده باشد، دیگر به فکر اصلاحات اجتماعی نمی‌افتد و در نتیجه این رژیم که دست‌نشانده استعمارگران شرقی و غربی بود به عمرش ادامه می‌دهد. امروز نیز با توجه به این که رسانه‌ها، خصوصاً فضای مجازی قدرت جذب و تأثیر بیشتری در جوانان دارد، استعمارگران تمرکزشان را روی تهاجم فرهنگی از طریق رسانه‌ها گذاشته‌اند تا فرهنگ اسلامی را در ذهن جوان ایرانی متحجر و قدیمی جلوه دهند و او را از آینده اسلام و انقلاب ناامید کنند و در مقابل، فرهنگ شرقی یا غربی استعمارگرانه را در ذهن جوانان، فرهنگی مترقی و تنها راه پیشرفت یک کشور نشان دهند.

بالاترین خدمت به کشور، رشد نیروی انسانی است، این وظیفه بر عهده رسانه‌هاست که جوانان را به اسلام، انقلاب و آینده کشورشان امیدوار کنند. رسانه‌ها باید معارف اسلامی را به جوانان بیاموزند. جوان‌های هر نسلی می‌تواند جوان‌های نسل بعدی را تربیت کند، رسانه‌ها به دلیل جذابیتی که دارند تأثیر زیادی روی جوانان دارند، بنابراین محتوای رسانه‌ها باید طوری باشد که جوانان را معتقد به اسلام، امیدوار به آینده کشور و انقلاب، مستقل از گرایش‌های شرقی و غربی بار بیاورد (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴ ش: ۳۳۹-۳۴۴).

مقام معظم رهبری در مورد تهاجم فرهنگی می‌فرمایند:

امروزه جنگ، جنگ نظامی نیست بلکه جنگ فرهنگی است. آثارش مانند بمب شیمیایی نامحسوس است. هدف اصلی تهاجم فرهنگی جوانان هستند و ابزار اصلی آن رسانه‌ها هستند. استعمارگران از طریق رسانه‌ها به ذهن جوان ایرانی این باور را تزریق می‌کنند که تو نمی‌توانی بدون پیروی از غرب پیشرفت کنی. می‌خواهند ریشه‌های خود باوری علمی، فرهنگی و ملی را در جوانان بخشکانند. تبادل فرهنگی یعنی به انتخاب خودمان آموزه‌های نیک را از ملت‌های دیگر فرا بگیریم تا فرهنگ مان کامل شود، این پسندیده است. اما تهاجم فرهنگی یعنی دشمن می‌خواهد فرهنگ ما را ریشه‌کن کند و فرهنگ مطلوب خودش را جایگزین کند، در برابر تهاجم فرهنگی نباید منفعل باشیم. تبادل فرهنگی مانند این است که ما به انتخاب خودمان دارویی را برای درمان بخریم و به خود تزریق کنیم، اما تهاجم فرهنگی مانند این است که کسی که خودش بیمار است و دشمن ماست، برخلاف میل ما بیماریش را به ما تزریق کند. قرن‌ها پیش در اندلس با تشویق جوانان به شهوترانی جنسی و شراب‌خواری، جوانان مسلمان را فاسد کردند و حکومت را از مسلمین گرفتند، امروز نیز از طریق رسانه می‌خواهند با جوانان مؤمن انقلابی این کار را انجام دهند. در مقابل تهاجم فرهنگی باید موضع هجومی داشته باشیم نه دفاعی. مسئولین باید به آثار هنری جوانان مؤمن انقلابی اعتنا کنند، زیرا جوان بی‌تجربه است

وقتی ببیند که یک دستگاه رسمی کشور به اثر او که دارای محتوای اسلامی، انقلابی و ملی است بی‌اعتنایی می‌کند و او را تحقیر می‌کند، سرخورده و منزوی می‌شود (غفاری، ۱۳۹۵ش: ۱۱۱-۱۱۶؛ مرکز صهبا، ۱۳۹۰ش: ۱۱۴-۱۲۳).

سبک زندگی جوان مؤمن انقلابی؛ اسلامی - ایرانی است. یعنی سبک خانواده، خوراک، پوشاک، زبان، تحصیل و تفریحات او اسلامی - ایرانی است. در طول تاریخ هویت ملی ما با اسلام درهم آمیخته است و قابل تفکیک نیست. رسانه‌ها وظیفه دارند این سبک زندگی را به جوانان نشان دهند، تا جوانان از خودباختگی در مقابل بیگانگان به این خودباوری برسند که نیاز به تقلید ندارند بلکه خودشان دارای فرهنگ اصیل اسلامی - ایرانی هستند (غفاری، ۱۳۹۵ش: ۱۳۰-۱۳۲؛ ابادری، ۱۳۸۸ش: ۱۰۷-۱۲۳).

رسانه ملی باید به فکر و فرهنگ عمومی جامعه و به خصوص نسل جوان جهت اسلامی - ایرانی بدهد و با پاسخ به شبهات از فرهنگ جامعه آسیب‌زدایی کند. استحکام بنیان‌های اعتقادی و دینی، آشنایی با معارف اسلام و قرآن، شناخت تاریخ کشور و افتخارات ملت بزرگ ایران، شناخت امام خمینی رحمته‌الله علیه، انقلاب اسلامی و دفاع مقدس از جمله مهم‌ترین مصادیق فرهنگ اسلامی - ایرانی است. جهت‌گیری محتوایی آن، وحدت در عین کثرت است، یعنی اندیشه‌های گوناگون می‌توانند نظرات خود را در چهارچوب قوانین جمهوری اسلامی بیان کنند. هدف از تأسیس رسانه ملی انسان‌سازی و هدایت تمام اقشار جامعه و به خصوص قشر جوان به ارزش‌های اسلامی، انقلابی، ملی و ترویج خودباوری، امید نسبت به آینده نظام جمهوری اسلامی، وحدت ملی، مبارزه با شایعه‌پراکنی از طریق اطلاع‌رسانی اخبار مطابق با واقع، احیای امر به معروف و نهی از منکر و تهاجم در برابر رسانه‌های بیگانه که به تحمیل فرهنگ استکباریشان می‌پردازند است (باهنر، ۱۴۰۰ش: ۸۶-۱۰۸).

۴. محیط اجتماعی

انسان موجودی اجتماعی است. بخشی از شخصیت جوانان با تأثیر از جامعه شکل می‌گیرد. جوان برای این که از سوی همسالانش طرد نشود، هم‌رنگ آنها می‌شود. یکی از اهداف استعمارگران برای بقای حکومت دست‌نشانده خود، فاسد کردن جامعه است. زیرا جوانی که سرگرم فحشا شده است نسبت به اصلاحات اجتماعی و آینده‌کشورش بی‌تفاوت می‌شود. پیش از انقلاب رژیم پهلوی با همکاری قدرت‌های شرقی و غربی به نام آزادی و تمدن با ایجاد مراکز فساد جنسی، شراب‌خواری، ترویج ابتذال جنسی از طریق سینما، ترویج عقاید باطل از طریق

روزنامه‌ها و کتاب‌ها و توزیع گسترده مواد مخدر، جوانان را به فساد جنسی، عقیدتی و اعتیاد می‌کشاند، تا بقای عمرش تضمین شده باشد. امروز نیز استعمارگران با ترویج بی‌بند و باری جنسی، قبح‌شکنی محرمات شرعی مانند روزه خواری در ملاء عام و ترویج عقاید باطل ضداسلامی سعی در مسموم کردن محیط جامعه جمهوری اسلامی ایران را دارند، تا جوانان به گونه‌ای بار بیابند که نه غیرت دینی داشته باشند و نه غیرت ملی، بلکه نسبت به اسلام و میهن خود بی‌تفاوت باشند.

به تعبیر امام خمینی رحمته‌الله علیه آزادی‌ای که کشورهای بیگانه برای جوانان ما می‌خواهند، آزادی استعماری است. یعنی با سرگرم کردن جوانان به فحشا، فکرشان را از آنها بگیرند تا جوان دیگر نتواند به اصلاح جامعه فکر کند، هر بلایی سرش بیاورند بی‌تفاوت باشد و در خدمت تحقق اهداف استعمارگران باشد. آنها تبعیت از فرهنگ غرب را نماد آزادی، تمدن و روشنفکری قرار دادند (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۴ ش: ۴۹-۵۰). مقام معظم رهبری می‌فرماید: تهدیدات درونی مهم‌تر از تهدیدات بیرونی است، اگر ما تهدیدات درونی را خنثی کنیم، تهدیدات بیرونی مشکلی برای ما ایجاد نمی‌کند. آیه ۵۳ سوره مبارکه انفال می‌فرماید:

﴿بأن الله لم يك مغيرا نعمة أنعمها على قوم حتى يغيروا ما بأنفسه﴾؛

خدا بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرده است تغییر دهد، تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند.

پیش از انقلاب اسلامی روشنفکری در ایران به معنای بی‌اعتنایی به ارزش‌های ملی و اسلامی بود و جوانی که معتقد به این ارزش‌ها باشد را متحجر و عقب‌مانده می‌دانستند. روشنفکر برای فرهنگ اسلامی - ایرانی ارزشی قائل نبود و پیشرفت را در پیروی از فرهنگ غرب می‌دانست. امروز نیز در جامعه ما روشنفکری این‌گونه معنا می‌شود و موجب شده است جوانان برای این که برچسب تحجر نخورند، از فرهنگ اسلامی - ایرانی برگردند و به تبعیت از فرهنگ غربی بپردازند تا در جامعه به آنها روشنفکر بگویند. اما این تفکر در جامعه باید اصلاح شود، زیرا روشنفکر به معنای کسی که به آینده نگاه می‌کند، می‌تواند مانند شهید مطهری معتقد به ارزش‌های اسلامی و سنت‌های ملی باشد (مرکز صهبا، ۱۳۹۰ ش: ۵۵، ۶۵ و ۹۴).

یکی از اهداف انقلاب اسلامی، ایجاد یک محیط اسلامی - ایرانی بود. جوان در چنین محیطی می‌تواند معتقد به ارزش‌های اسلامی - ایرانی بار بیابد. پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: بدانید که همه شما مسئولید و همه شما نسبت به زیردستان خود بازخواست می‌شوید.

فرمانروای مردم، مسئول مردم است و نسبت به زیردستانش بازخواست می‌شود. مرد، سرپرست خانواده است و نسبت به آنان، بازخواست می‌شود. زن، مسئول خانه شوهر و فرزندان اوست و در برابر آنان، بازخواست می‌شود (دیلمی، ۱۳۹۵ش: ج ۱، ۱۸۴).

یعنی همه مردم نسبت به وضع جامعه مسئول هستند (سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت رحلت امام، ۱۴۰۰/۳/۱۴). مقدمه تشکیل جامعه اسلامی - ایرانی، تشکیل دولت اسلامی - ایرانی است. تحقق این جامعه اسلامی - ایرانی برای تربیت جوانان مؤمن انقلابی ممکن است، زیرا خداوند در آیه ۷ سوره مبارکه محمد می‌فرماید:

﴿إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ﴾؛

اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند.

یاری کردن خداوند یعنی اگر در جهت تشکیل جامعه اسلامی و تحقق احکام الهی گام بردارید، خداوند نیز شما را یاری می‌کند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۱).

امام خمینی رحمته الله علیه در مورد ضرورت پاکسازی محیط اجتماعی می‌فرماید:

اگر بخواهیم حکومت مان اسلامی باشد، باید محتوای جامعه را اسلامی کنیم، نه این‌که انواع محرمات مانند رباخواری و گرانفروشی در بازار رواج داشته باشد (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۹ش: ج ۹، ۱۸-۱۹).

۵. انتظار آینده روشن

انتظار ظهور از عوامل مؤثر در تربیت یک جوان مفید برای کشور و انقلاب اسلامی است، زیرا انتظار موجب پدید آمدن خصوصیات در جوان می‌شود که او را به انقلاب اسلامی جذب می‌کند؛ این خصوصیات عبارتند از:

یکم. نپذیرفتن وضع موجود: جوان منتظر به وضع موجود قانع نیست و روز به روز بیشتر تلاش می‌کند تا کشورش در تمام جنبه‌های علمی، اقتصادی، صنعتی، فرهنگی و معنوی و... پیشرفت کند تا به جامعه آرمانی ای که مطلوب حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الیه است نزدیک تر شود و زمینه ظهور حضرت فراهم تر شود. بنابراین انتظار باعث می‌شود جوان به وضعیت موجود جمهوری اسلامی قانع نباشد و ظرفیت آن را بالاتر بداند، زیرا اعتقاد دارد که حکومت جمهوری اسلامی زمینه ساز ظهور است؛ پس باید در جهت حفظ جمهوری اسلامی و پیشرفت آن کوشید (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ش: ۴۵؛ ملایی، ۱۳۹۶ش: ۱۶۷).

دوم. امید به فرج و رهایی از پوچی: جوان منتظر نسبت به آینده انقلاب اسلامی و میهنش امیدوار است و مانع تراشی‌های دشمنان او را مأیوس نمی‌کند زیرا به ظهور حضرت و اتصال جمهوری اسلامی به حکومت ایشان ایمان دارد. جوانی که دارای یک هدف متعالی است هرگز در برابر زورگویی‌های مستکبرین تسلیم نمی‌شود، بلکه همیشه به آینده درخشان جمهوری اسلامی و اتصالش به حکومت مهدوی امید دارد. هیچ نیرویی نمی‌تواند مانع جوانی شود که نه تنها نابودی ظلم در سراسر جهان را ممکن بلکه آن را حتمی می‌داند (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ ش: ۴۶-۴۹ و ۱۱۲؛ ملایی، ۱۳۹۶ ش: ۱۶۷-۱۶۸، ۱۷۲ و ۲۰۸).

سوم. مسئولیت‌پذیری و تلاش: جوان منتظر نسبت به آینده انقلاب اسلامی بی‌تفاوت نیست، زیرا حکومت جمهوری اسلامی را زمینه‌ساز حکومت مهدوی می‌داند، بنابراین نسبت به آینده آن احساس مسئولیت می‌کند. وقتی خداوند در آیات ۱۰۵ و ۱۰۶ سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید:

﴿ولقد كتبنا في الزبور من بعد الذكر أن الأرض يرثها عبادي الصالحون * إن في هذا لبلغا لقوم عابدين﴾؛

و همانا ما پس از تورات در زبور نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث می‌برند * همانا در این وعده پیام روشنی است برای عبادت‌کنندگان.

کسانی که اهل عبادت هستند می‌فهمند که نسبت به زمینه‌سازی برای تحقق این وعده الهی تکلیف دارند و باید مسئولیت‌پذیر باشند، زیرا انتظار حرکت است، نه سکون. منتظر بودن معنایش این نیست که صبر کنیم تا حضرت ظهور کند و دنیا را پر از عدل و داد کند، بلکه یعنی منتظر انجام وظیفه باشیم، امروز وظیفه یک جوان منتظر تلاش برای پیشرفت جمهوری اسلامی است (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ ش: ۵۶-۵۵؛ ملایی، ۱۳۹۶ ش: ۱۷۱).

چهارم. خواهان قدرت سیاسی: جوان منتظر می‌داند که عدالت در سطح جهانی با موعظه کردن محقق نمی‌شود، بلکه نیاز است که انسان‌های عادل قدرت را در دست داشته باشند و با زبان قدرت با زورگویان حرف بزنند. آغاز دعوت پیامبران با نصیحت بود اما سپس خود را تجهیز کردند و با دشمنان توحید با زبان اقتدار حرف زدند. این که خداوند در آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید بلافاصله پس از ﴿ليقوم الناس بالقسط﴾ تا مردم قیام به عدالت کنند می‌فرماید: ﴿وأنزلنا الحديد فيه بأس شديد ومنافع للناس﴾ و آهن را نازل کردیم که در آن نیروی شدید و

منافعی برای مردم است. یعنی پیامبران علاوه بر این که با زبان نصیحت سخن می‌گویند، در برابر زورگویان مجهز به سلاح هستند و مبارزه می‌کنند (مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۹۸ش: ۵۹-۵۸). بنابراین زمینه‌سازی برای ظهور و تشکیل حکومت عادلانه جهانی، بدون تشکیل حکومت اسلامی ممکن نیست. در نتیجه جوان منتظر همان طور که برای تحقق انقلاب اسلامی تلاش کرده بود، امروز برای تداوم آن نیز تلاش می‌کند.

آسیب‌شناسی جوانان انقلابی

در این مبحث آسیب‌های محوری جوانان انقلابی که در بیانات امامین انقلاب مورد تصریح و تأکید قرار گرفته‌اند که عبارت از پشت کردن به انقلاب، ناامیدی، افراط و تفریط، نفوذ دشمن و انقلابی منفی بودن است، تبیین شده است.

۱. پشت کردن به انقلاب

راه انقلاب، راهی است که به عزم، ایمان و ثبات قدم نیاز دارد. کسی که در میان راه از انقلابی بودن برمی‌گردد مانند کسی است که از اول انقلابی نبوده زیرا تمام اعمال سابقش حبط می‌شود. بنابراین جوانی که سال‌ها انقلابی بوده اما پس از مدتی خسته می‌شود و سازش با دشمن و هم‌رنگ جماعت شدن را ترجیح می‌دهد، انگار از ابتدا انقلابی نبوده است. خداوند در آیه ۲۱۷ سوره مبارکه بقره می‌فرماید:

«من یرتدد منکم عن دینه فیمت وهو کافر فأولئک حبطت أعمالهم فی الدنیا والآخرة»؛ کسی که از آئینش برگردد، و در حال کفر بمیرد، تمام اعمال نیک (گذشته) او، در دنیا و آخرت، نابود می‌شود.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

آن کسانی که از راه انقلاب برگردند، مثل کسانی هستند که در تابستان روزه گرفته‌اند و تا اواخر روز، روزه را حفظ می‌کنند، اما یک ساعت به غروب، طاقت‌شان تمام می‌شود؛ افطار می‌کنند. این مثل همان کسی است که از اول روز، روزه نگرفته است. بنابراین او از ابتدا انقلابی نبوده است (بیانات مقام معظم رهبری در مراسم نوزدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۷/۰۳/۱۴).

۲. ناامیدی

خداوند در آیه ۸۷ سوره مبارکه یوسف می‌فرماید:

﴿لَا تَيْأَسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ﴾؛

از رحمت خدا ناامید نشوید زیرا کسی از رحمت خدا ناامید نمی‌شود مگر گروه کافران.

بنابراین جوان مؤمن انقلابی باید از القائاتی که او را به ناامیدی نسبت به آینده درخشان انقلاب اسلامی می‌کشاند بپرهیزد. دشمن نیز با علم به استعداد جوانان انقلابی در پیشرفت کشور، از طریق رسانه و فضای مجازی، بذر ناامیدی را در دل جوانان می‌کارد که بهترین راه برای مبارزه با آن، انس با قرآن کریم و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیه است تا به رحمت خدا و فرج امید پیدا کنیم.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

جوانان عزیز! دشمن روی شما سرمایه‌گذاری‌های زیادی می‌کند. یأس، بزرگ‌ترین آفت جوان است. جوان‌ها بدانند که متأسفانه یأس به روح جوان زودتر راه پیدا می‌کند؛ هم‌چنان که امید این‌گونه است. در مقابل یأسی که دشمن می‌خواهد به جوان‌ها تلقین کند، خودتان را مصونیت بدهید (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و دانش‌آموزان به مناسبت سیزدهم آبان‌ماه، ۱۳۶۸/۰۸/۱۰).

۳. افراط و تفریط

افراط و تفریط دو لبه یک قیچی هستند و هر دو به یک اندازه موجب دور شدن جوان از آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌شود، بنابراین جوان انقلابی باید از فرمایشات امامین انقلاب پیروی کند تا از مسیر انقلاب اسلامی خارج نشود. خداوند در آیه ۲ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: ﴿جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا﴾؛ شما را امتی میانه (معتدل و بدون افراط و تفریط) قرار دادیم. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

نادان را نمی‌بینی مگر افراط‌گر یا تفریط‌گر (نهج البلاغه، حکمت ۷۰).

مقام معظم رهبری (حفظه الله) می‌فرماید:

از افراط و تفریط بایستی پرهیز کرد. جوان‌های انقلابی بدانند؛ همان‌طور که کناره‌گیری و سکوت و بی‌تفاوتی ضربه می‌زند، زیاده‌روی هم ضربه می‌زند (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار طلاب، فضلا و اساتید حوزه علمیه قم، ۱۳۸۹/۰۷/۲۹).

۴. نفوذ دشمن

جوان انقلابی باید هوشیار باشد و مانع نفوذ افکار و افراد دشمن به صف جوانان انقلابی شود، زیرا دشمن از طریق رسانه‌ها و فضای مجازی یا افراد نفوذی، در تلاش است تا جوانان

انقلابی را از مسیر انقلاب منحرف و مردم را نسبت به آنها بد بین کند، تا متایل به افراد شرق‌گرا یا غرب‌گرا شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
 زیرک و باهوش و هشیار است (مجلسی، ۱۳۸۶ق: ج ۶۷، ۳۰۷).

مقام معظم رهبری می‌فرماید: «یکی از ضربه‌هایی که جوامع بشری می‌خورند، از ناحیه نفوذ دشمنان‌شان است، که این در آیه «اشداء علی الکفار»، آیه ۲۹ سوره مبارکه فتح» وجود دارد. «اشداء» به معنای شدت عمل نیست. «اشداء» به این معنا که ما در فارسی [به آن] شدت عمل می‌گوئیم، نیست؛ «اشداء» یعنی سخت بودن، محکم بودن، غیرقابل نفوذ بودن؛ این معنای «اشداء» است. اشداء علی الکفار؛ نگذارید در جامعه شما نفوذ پیدا کنند. معنای نفوذ دشمن، نفوذ بیگانه و بدخواه این است که شما از خودتان اختیاری ندارید؛ او می‌آید و در جامعه شما، مثل انسان بی‌هوشی که هرچه می‌خواهند به او تزریق می‌کنند، تصرف می‌کند» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴۰۱/۱۱/۲۹).

۵. انقلابی منفی

یکی از تعبیرات بدیع مقام معظم رهبری، انقلابی مثبت و منفی است که یکی از آفت‌هایی است که بعضی انقلابیون پس از پیروزی انقلاب اسلامی دچارش شدند. ایشان می‌فرمایند:
 ما از اول انقلاب دوگونه انقلابی داشتیم... بعضی از انقلابیون، انقلابیون مثبت بودند؛ بعضی از انقلابیون هم انقلابیون منفی بودند. در اوایل انقلاب، انقلابی منفی به آن انقلابی‌ای می‌گفتیم که از میدان کار و تلاش و حرکت، آن جایی که دردسری داشت، عقب می‌کشید. انقلابی بود، اما انقلابی و جاهت طلب و راحت خواه؛ انقلابی‌ای که می‌گفت من مبارزه‌ام را قبل از انقلاب کرده‌ام، اکنون دیگر می‌خواهم احترام شوم... یک عده هم انقلابی مثبت بودند. حاضر بودند آبروی‌شان را هم خرج کنند... انقلابی منفی، خودش را از کار کنار می‌گیرد؛ اما اگر یک وقت کاری هم به دستش افتاد، مثل آدم‌هایی که هیچ کاری در دست‌شان نیست، حالت منفی بافی و شکل اپوزیسیون به خودش می‌گیرد؛ گانه در هیچ کاری مسئولیت ندارد! انقلابی مثبت حتی اگر هیچ‌کاره هم باشد، خودش را مسئول‌ترین فرد می‌داند (بیانات مقام معظم رهبری در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹).

نتیجه‌گیری

همواره فرمایشات امامین انقلاب بر اهمیت دادن و تقدیر از جوانان بوده است، تا جوانان خود را در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی سهیم بدانند و در نتیجه در حل مشکلات جمهوری اسلامی ایران کوشا باشند. مسئولین نیز باید شرایط را برای شکوفایی استعداد جوانان و خدمت‌شان به میهن و انقلاب فراهم کنند.

ایشان به تبیین نیازهای جوانان پرداختند تا هم جوانان از نیازهای حقیقی خود آگاه شوند و هم مسئولین در جهت رفع نیازهای جوانان اقدامات لازم را انجام دهند. همچنین ویژگی‌های جوان مؤمن انقلابی را هم در دیدار با جوانان و هم در دیدار با مسئولین بیان کردند تا هم جوانان خود را متخلص به این ویژگی‌ها کنند و هم مسئولین جوانان دارای این ویژگی‌ها را به کار گیرند.

امامین انقلاب، خانواده را به عنوان اولین محیط رشد و تشکیل شخصیت جوانان، مدرسه، دانشگاه و حوزه علمیه را به عنوان محیطی که بیشتر وقت جوانان در خارج از خانه در آنجا سپری می‌شود، رسانه را به عنوان ابزار تبلیغی‌ای که بیشترین تأثیر را در قشر جوان دارد، محیط اجتماعی را به دلیل این‌که بشر فطرتاً اجتماعی است و از محیط زندگی‌اش تأثیر می‌پذیرد و انتظار ظهور را به عنوان عامل امید، حرکت، مسئولیت‌پذیری و اقتدار سیاسی جوانان، در تربیت جوان مؤمن انقلابی مؤثر می‌دانند. باتوجه به فرمایشات امامین انقلاب و این‌که حکومت، جمهوری اسلامی است و جوانان روحانیون را نماینده اسلام می‌دانند، باید گفت که مهم‌ترین عامل در تربیت جوان انقلابی، حوزه علمیه و روحانیون هستند.

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. اباذری، عبدالرحیم (۱۳۸۸ش)، *عصر شکوفایی (مقایسه قبل و بعد از انقلاب اسلامی در نگاه مقام معظم رهبری)*، قم: فرهنگ اهل بیت، اول.
 ۲. ابراهیمی فر، عبدالجواد (۱۳۸۰ش)، *شرح وصیت‌نامه امام خمینی*، قم: ظفر، اول.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۷ق)، *من لایحضره الفقیه*، تهران: دارالکتب اسلامی، هفتم.
 ۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، *کمال‌الدین و تمام النعمه*، قم: دارالحدیث، پنجم.

۵. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۹۵ق)، *غررالحکم و درر الکلم*، قم: دارالحدیث، هشتم.
۶. باهنر، ناصر (۱۴۰۰ش)، *دین و رسانه و کودک از دیدگاه امام راحل و رهبر معظم انقلاب*، تهران: اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، اول.
۷. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۹۰ش)، *نهج الفصاحه*، تهران: بدرقه جاویدان، پنجم.
۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۳۹۴ق)، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: ذوی القربی، دهم.
۹. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (۱۳۸۵ش)، *ره توشه راهیان نور ویژه جوانان*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول.
۱۰. دیلمی، حسن بن محمد (۱۳۹۵ش)، *إرشاد القلوب الی الصواب المنجی من عمل به من الیم العقاب*، قم: دارالحدیث، دوم.
۱۱. ربانی خوراسگانی، محمدصادق (۱۳۸۸ش)، *بررسی کارکردهای اجتماعی انتظار حضرت مهدی در ایران معاصر*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته، اول.
۱۲. شریفی نیا، محمد (۱۳۸۰ش)، *جوانی و تربیت از دیدگاه امام خمینی*، قم: نشریه مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، پنجم.
۱۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۳۹۱ش)، *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، قم: کتاب جمکران، اول.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۴ق)، *الامالی*، قم: اندیشه هادی، دوم.
۱۵. غفاری، مصطفی (۱۳۹۵ش)، *از نیمه خرداد (طرحی از اندیشه و رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای)*، تهران: نهضت نرم‌افزاری، اول.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۷ق)، *الکافی*، قم: دارالحدیث، چهارم.
۱۷. گروه مطالعات مدیریت راهبردی (۱۳۹۰ش)، *دولت زمینه‌ساز ظهور (راهبردهای فرهنگی انتظار)*، تهران: دانشگاه عالی دفاع ملی، اول.
۱۸. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶ق)، *بحار الانوار الجامع لدرر اخبار الائمه الاطهار*، تهران: اسلامیه، چهارم.
۱۹. مرکز صهبایا (۱۳۹۰ش)، *دغدغه‌های فرهنگی (شرح مزجی بیانات مقام معظم رهبری)*، تهران: مؤسسه ایمان جهادی، اول.

۲۰. ملایی، حسن (۱۳۹۶ش)، *ما منتظریم (خورشید مهدویت در منظومه فکری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای)*، قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشريف، دوم.
۲۱. ملکی راد، محمود (۱۳۹۷ش)، *کارکردهای اجتماعی اعتقاد به مهدویت*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۲۲. مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی (۱۳۹۸ش)، *نگاهی به نظریه انتظار در اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای*، تهران: مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، اول.
۲۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۷۸ش)، *جوانان از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، دوازدهم.
۲۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۸۴ش)، *روحانیت و حوزه‌های علمیه از دیدگاه امام خمینی*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، سوم.
۲۵. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (۱۳۹۹ش)، *صحیفه نور*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، بیستم.
۲۶. نراقی، محمدمهدی (۱۴۰۰ش)، *جامع السعادات*، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اول.
۲۷. هدایتی، ابوالفضل (۱۳۸۷ش)، *مهدویت در منظر امام خمینی*، تهران: عروج، اول.
۲۸. سایت مقام معظم رهبری: Khamenei.ir

The plan of the Islamic revolution to lay the groundwork for the emergence

Dr. Mohammad Saber Jafari ¹

Abstract

The Islamic Revolution is the most important goal that it seeks to achieve; This article is among the various goals that have been stated for the Islamic revolution; It is the ultimate goal and the practical realization of all the goals of the prophets and divine saints. The imams of the revolution clearly emphasized this issue and stated that neglecting it is a great danger. To realize the emergence, a plan has been presented and moved based on it. Emergence requires preliminary steps, and the Islamic Revolution is a big step on this path, and it can be achieved by following the steps after the Islamic Revolution, that is, the Islamic system, the Islamic state, the Islamic society, the Islamic Ummah, the new Islamic civilization, and the resurrection of the oppressed

Keywords: Islamic revolution, foundation, emergence, civilization

1. Member of the faculty of Aindeh Roshan Qom Institute(Jafarimsaber@yahoo.com)

طرح انقلاب اسلامی برای زمینه‌سازی ظهور

محمدصابر جعفری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۱۷

چکیده

انقلاب اسلامی مهم‌ترین هدفی را که به دنبال تحقق آن است؛ زمینه‌سازی ظهور و آمادگی برای آن است. این مطلب در میان اهداف مختلفی که برای انقلاب اسلامی بیان شده؛ قله و هدف غایی است و تحقق عملی تمام اهداف انبیاء و اولیای الهی است. امامین انقلاب به صراحت بر این موضوع تأکید کرده و غفلت از آن را خطری بزرگ بیان می‌دارند. برای تحقق ظهور، طرحی ارائه شده و براساس آن حرکت شده است. ظهور مقدماتی لازم دارد و انقلاب اسلامی گام بزرگ این راه بوده و با طی مراحل پس از انقلاب اسلامی یعنی نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، امت اسلامی و تمدن نوین اسلامی و رستاخیز مستضعفان، دست یافتنی است.

واژگان کلیدی:

انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی، ظهور، تمدن.

مقدمه

انقلاب اسلامی، به دنبال تحقق اهداف انبیاء و امامان و الگوبرداری از آنان، حاکمیت اسلام و تحقق جامعه‌ای پیشرو است. الگوسازی ایران (دولت و مردم) جهت تحقق تمدن نوین اسلامی با شاخصه پیشرفت در تمام ابعاد و بالاخره زمینه‌سازی ظهور بوده است. در سخنان امامین انقلاب و در شعارها و آرمان‌های مردم و نص قانون اساسی جمهوری اسلامی (نظیر اصل دوم)، ابعاد مختلف این اهداف به روشنی قابل رویت است. برای رسیدن به تمدن نوین

۱. عضو هیئت علمی مؤسسه آینده روشن قم (Jafarimsaber@yahoo.com).

اسلامی و زمینه‌سازی ظهور مراحلی بیان شده است. تبیین این مراحل و رابطه هر کدام از آنان با دیگری چیست؟

اهداف انقلاب اسلامی

تلاش برای حاکمیت اسلام بر جامعه و رواج ارزش‌های دینی در کشور، استقلال خواهی (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۰۲/۱۱) و قطع هر نوع وابستگی (بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۰۲/۲۳؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ۸۱)، آزادی (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ۱۹۱)، عدالت و رفع تبعیض‌ها (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ۳۳۷؛ بیانات رهبری، ۱۳۷۹/۲/۲۳)، احیای کرامت انسانی و نقش داشتن مردم در حاکمیت بر تعیین سرنوشت خود (بیانات رهبری، ۱۳۸۲/۰۷/۲۲ و ۱۳۷۹/۰۲/۲۳)، ساختن ایرانی پیشرو در دستاوردهای بشری، دارای تکامل انسان و عروج انسانی (بیانات رهبری، ۱۳۸۷/۰۲/۱۴)، پیشرفت مادی و گسترش رفاه (بیانات رهبری، ۱۳۷۷/۰۷/۱۵؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش: ج ۵، ۲۴۵-۲۴۶)، زمینه‌سازی برای رشد و تکامل انسان‌ها در جامعه و حذف عوامل فساد (بیانات رهبری، ۱۳۷۰/۰۸/۰۱؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش: ج ۱، ۱۰۵) و... نمونه‌هایی از شعارها و خواسته‌های مطرح شده انقلاب بوده است.

مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند:

در عصر غیبت حکومت دینی به دنبال تحقق اهداف اسلام و بسترسازی تشکیل حکومت مهدوی و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت است حتی توجه به حکومت حضرت مهدی عج خود الگویی است برای حکمرانی.

تحقق اهداف انبیاء و اولیاء و پیروی و الگوبرداری از آنان

امام راحل با توجه به این که «اگر آمال انبیاء در يك كشوري تحقق پیدا بکند آن - ولو بعض آمال انبیاء - آن کشور رو به اصلاح می‌رود» (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش: ج ۱۶، ۱۶۳)، هدف انقلاب اسلامی را تبعیت از اهداف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیان می‌داشته و می‌فرماید:

... انبیاء برای سعادت بشر مبعوث شده‌اند؛ یعنی سعادت همه جانبه بشر: سعادت دنیای بشر، سعادت حیات دیگر بشر. آنها می‌خواستند که انسان‌ها را به کمال لایق به انسانیت برسانند. بشر زیر این بار بسیاری‌شان نمی‌روند و نرفتند. ما هم به تبع نبی اکرم صلی الله علیه و آله قیام کردیم برای این که این ملت محروم را به کمال لایق خودش برسانیم (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ش: ج ۵، ۵۴۴-۵۴۵).

امام خمینی رحمته الله علیه تلاش برای پیروی و الگوبرداری از انبیاء و اولیاء را یکی از مهم‌ترین اهداف و برنامه‌های انقلاب اسلامی بیان می‌دارد:

ما به پیروی از انبیای عظام از صفر شروع کردیم. انبیاء برای دعوت و قیام بر ضد طاغوت از صفر شروع می‌کردند، ملت مستضعف ما، به تبعیت از تعلیمات اسلام و قرآن کریم، دعوت اسلامی را لیبیک گفت و هرچه رنج و زحمت دید مصمم‌تر و هرچه شهید داد مصمم‌تر شد (همان: ج ۷، ۲۴۱).

حیات طیبه

از مهم‌ترین اهداف انقلاب اسلامی، تحقق حیات طیبه است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

انقلاب اسلامی به وجود آمد تا به ملت ایران، حیات طیبه بدهد. حیات طیبه، یعنی آن چیزی که قرآن می‌فرماید: «فلنحیینه حیاة طیبة». این ثمره و هدف نهایی این انقلاب است. حیات طیبه، یعنی یک ملت، هم از لحاظ مادی، زندگی روزمره، رفاه، امنیت، دانش، سواد، عزت سیاسی، استقلال اقتصادی، رونق مالی و اقتصادی برخوردار باشد و هم از جهت معنوی، انسان‌های مؤمن، خدانشناس، پرهیزکار و برخوردار از اخلاق والای الهی در آن زندگی کنند. این حیات طیبه است (بیانات رهبری در دیدار با مردم ساری، ۱۳۷۴/۷/۲۲).

تمدن‌سازی و رهائی از جهان بینی ظالمانه و فاسد تمدن غرب

یکی دیگر از موارد مهم در اهداف نظام اسلامی، ایجاد تمدن نوین اسلامی است. پیشرفت کشور، عدالت اجتماعی در کشور، اقتدار کشور، تشکیل جامعه اسلامی در کشور و در نهایت رسیدن به تمدن نوین اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی؛ هدف‌های انقلاب اینهاست (بیانات رهبری در ارتباط تصویری با مردم آذربایجان شرقی، ۱۴۰۰/۱۱/۲۸).

امام خمینی رحمته الله علیه در این باره با عنوان تمدن محمدی و تمدن رسول اللهی می‌فرمود:

همه مکلفیم که حفظ کنیم این را. با این نهضت اسلامی ما تا این جا آمدیم و قدرت‌ها را عقب زدیم؛ با این نهضت اسلامی باید سازندگی کنیم از حالا به بعد. یعنی همه با هم، همه با هم به جلو برویم. همه با هم به [سوی] یک تمدن صحیح، نه «تمدن محمد رضایی»! تمدن الهی، تمدن رسول اللهی: آن که همه اقشار بشر را، سیاه و سفیدش را هیچ فرق نمی‌گذارد مگر این که به تقوا: إن أكرمکم عند الله أتقیکم. میزان تقوا است، میزان انسانیت است (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ ش: ج ۶، ۳۴۳).

هدف تمدن‌سازی با شاخصه‌های پیشرفت همه‌جانبه، آرمان‌خواهی و جهت‌گیری تمدنی، تبدیل جامعه به جامعه مطلوب، الگودهی، همراهی ملت‌ها، تشکیل امت بزرگ اسلامی، رستاخیز مستضعفان جهان بر علیه مستکبران و ظالمان در بیانات امامین انقلاب به ویژه مقام معظم رهبری به روشنی دیده می‌شود.

«یک عنصر دیگری که لازم است برای این حرکت، این است که این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد می‌کنیم و مطرح می‌کنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه اسلامی یا تمدن اسلامی است؛ یعنی می‌خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به این جا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته اسلامی برساند» (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۸).

«هدف عبارت است از ساختن کشوری که بتواند در دنیا الگو باشد؛ «لتكونوا شهداء على الناس». آن چنان بالا قرار گیرید که بتوانید ناظر بر همه عالم باشید؛ بر همه روش‌ها، بر همه تمدن‌ها و مدنیت‌ها» (بیانات رهبری در دیدار پاسداران، جانبازان، دانشجویان و دانش‌آموزان، ۱۳۷۹/۸/۱۱).

«تمدن اسلامی می‌تواند با شاخصه‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه رهائی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غربند، باشد» (بیانات رهبری در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹).

زمینه‌سازی

یکی از مهم‌ترین، بلکه اصلی‌ترین اهداف انقلاب اسلامی، زمینه‌سازی برای حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه است؛ حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه فرمود:

شما باید زمینه را آماده کنی، تا آن بزرگوار بتواند بیاید و در آن زمینه آماده، اقدام فرماید. از صفر که نمیشود شروع کرد! جامعه‌ای می‌تواند پذیرای مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه باشد که در آن آمادگی و قابلیت باشد، و الا مثل انبیاء و اولیاء طول تاریخ می‌شود. چه علتی داشت که بسیاری از انبیای بزرگ اولی‌العزم آمدند و نتوانستند دنیا را از بدی‌ها پاک و پیراسته کنند؟ چرا؟ چون زمینه‌ها آماده نبود. چرا امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب عجل الله تعالی فرجه در زمان خودش؛ در همان مدت کوتاه حکومت با آن قدرت الهی، با آن علم متصل به معدن الهی، با آن

نیروی اراده، با آن زیبایی‌ها و درخشندگی‌هایی که در شخصیت آن بزرگوار وجود داشت و با آن توصیه‌های پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره او نتوانست ریشه بدی را بخشکاند؟ آن وقت اگر امام زمان علیه السلام در یک دنیای بدون آمادگی تشریف بیاورند، همان خواهد شد! باید آمادگی باشد. این آمادگی چگونه است؟ این، همانی است که شما نمونه‌هایی از آن را در جامعه خودتان مشاهده می‌کنید. امروز در ایران اسلامی چیزهایی از درخشندگی‌های معنوی وجود دارد که در هیچ جای دنیا نیست. تا آن جایی که ما خبر و گزارش و اطلاع داریم؛ از قضایای دنیا بی‌خبر هم نیستیم (بیانات رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت میلاد حضرت مهدی علیه السلام، ۱۳۷۶/۹/۲۵)

در بیانی دیگر می‌فرمایند:

انقلاب اسلامی ایران با تأیید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش است و انشاءالله با گسترش آن قدرت‌های شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد و حکومت مستضعفان برپا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخرالزمان مهیا خواهد شد (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ ش: ج ۱۵، ۲۱۲).

مقام معظم رهبری در این باره می‌گویند:

در عصر غیبت حکومت دینی به دنبال تحقق اهداف اسلام و بسترسازی تشکیل حکومت مهدوی و زمینه‌سازی برای ظهور آن حضرت است حتی توجه به حکومت حضرت مهدی علیه السلام خود الگویی است برای حکمرانی.

طراحی، مراحل وصول تمدن و ظهور

با مطالبی که گذشت، سخن در این است که برای رسیدن به اتفاق ظهور و زمینه‌سازی برای آن؛ طبیعی است نیاز به طرح و برنامه و سیاست‌گذاری است؟ آیا امامین انقلاب برای این اهداف؛ طرحی مدنظر قرار داده و بیان کرده‌اند؟ این طرح دارای چه مراحل و گام‌هایی است؟ امام خامنه‌ای؛ پنج گام را تا تمدن نوین اسلامی بیان می‌دارد؛ انقلاب اسلامی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی، امت اسلامی یا تمدن نوین اسلامی. در چهلمین سالگرد انقلاب اسلامی ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب، حاصل تلاش‌ها و هدف تلاش‌ها را تحقق تمدن نوین و در کنار آن بر زمینه‌سازی تحقق دولت عظمای ولایت تصریح می‌کنند.

انقلاب اسلامی و امامین آن علاوه بر اهدافی که برای کشور ایران بیان می‌دارند. برای امت مسلمان بلکه برای مستضعفان و بشریت اهداف و راه و مسیری را می‌گشایند. نه تنها مسلمانان را بر احیای دوباره اسلام و امت اسلامی و تمدن نوین اسلامی ترغیب می‌کنند که مستضعفان را

بر رستاخیز علیه مستکبران می‌خوانند.

به عبارتی برای تحقق زمینه‌های ظهور سه مرحله اصلی باید رخ نماید: انقلاب اسلامی؛ امت اسلامی یا تمدن اسلامی؛ همراهی مستضعفان جهان. امام برای رسیدن به ظهور، سه گام را بیان می‌داشت. این موضوع را آقای عسگر اولادی در سال ۱۳۴۱ از گفت‌وگوی خود با امام خمینی رحمته‌الله علیه چنین بیان می‌دارد:

امام به من فرمودند: «از این جا که رفتید به برادران مان بگوئید حداقل مبارزه ما ۳۰ سال است هر کس می‌تواند بماند و هر کسی نمی‌تواند در کناری باشد و وظایفی که می‌تواند انجام بدهد». بعد فرمودند: «خیال نکنید بعد از ۳۰ سال آن را اسلامی کرده‌ایم یا دنیای اسلام را نجات داده‌ایم خیال نکنید که ما در ظرف ۳۰ سال همه‌مان زنده می‌مانیم ممکن است که ما در درگیری با کفار بین‌المللی بکشیم و کشته شویم.» بعد از آن مکثی کردند و فرمودند: «شما بدانید که مبارزه ما سه مرحله دارد اول اسلامی کردن ایران، دوم اسلامی شدن کشورهای اسلامی، سوم اسلامی شدن جهان. آن روز است که به مولا عرضه می‌کنیم مولا جهان منتظر قدم مبارک شماست»^۱.

گام‌های رسیدن به تمدن نوین و آمادگی برای دولت عظمای ولایت

زمینه‌سازی برای ظهور و تحقق دولت ولایت عظمای اهل بیت علیهم‌السلام؛ غایت و هدف غایی و آرمان بزرگ انقلاب اسلامی است و از طریق تحقق تمدن نوین اسلامی قابل حاصل است. بنابراین آرمان خواهی و جهت‌گیری تمدنی، پیشرفت همه‌جانبه، تبدیل جامعه و حکمرانی به جامعه و حکمرانی مطلوب، الگودهی، همراهی ملت‌ها، تشکیل امت بزرگ اسلامی نکات مهم و اصلی است.

مراحل زمینه‌سازی تمدنی

امام خامنه‌ای راه رسیدن به تمدن نوین را طی مراحل، طراحی و راهبری نموده‌اند. در بیانیه گام دوم آن را در کنار آمادگی برای دولت عظمای ولایت بیان کرده‌اند. در بیانات دیگر نیز از زمینه‌سازی سخن فراوان گفته‌اند. در سخنان امام راحل مطلب دیگری آمده است که از جنبش مستضعفان بر علیه حاکمان و مستکبران و حزب مستضعفان جهان سخن گفته‌اند.

۱. بازنویسی بخشی از سخنرانی آقای عسگر اولادی در مدرسه حقانی قم به تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۸۳ که به روایت ایشان رسید و مورد تایید قرار گرفت (نقل از استاد پورسیدآقایی، فصل‌نامه انتظار، شماره ۱۴ و کتاب باجاری انتظار، ۲۱۲-۲۱۳).

جمع این مطالب گام‌های زمینه‌سازی تمدن مهدوی را از منظر امامین انقلاب روشن می‌سازد: ما یک انقلاب اسلامی داشتیم، بعد نظام اسلامی تشکیل دادیم، مرحله بعد تشکیل دولت اسلامی است، مرحله بعد تشکیل کشور اسلامی است، مرحله بعد تشکیل تمدن بین‌المللی اسلامی است. ما امروز در مرحله دولت اسلامی و کشور اسلامی قرار داریم؛ باید دولت اسلامی را ایجاد کنیم... این اساس کار ماست و به شما عرض کنم، در آن صورت کارآمدی جمهوری اسلامی هم مضاعف خواهد شد؛ چون مشکل اساسی‌ای که ممکن است برای نظام اسلامی پیش بیاید، کارآمدی در نگاه جهانی است؛ بگویند آیا توانستند این کار را بکنند، توانستند آن کار را بکنند؟ اگر ما قدم به قدم تحول درونی خود را جدی بگیریم و پیش ببریم و پایبندی خود را به ارزش‌ها و اصول خود عملاً نشان دهیم، کارایی و توفیقات ما هم بیشتر خواهد شد (بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۳/۸/۶).

علاوه بر این بیان ایشان طراحی الگوی اسلامی ایرانی را از نخبگان کشور خواستار شده و به دلیل ذیل اهتمام ورزیدند:

طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در واقع ارائه محصول انقلاب اسلامی و طراحی یک تمدن جدید و پیشرفته در همه عرصه‌ها بر مبنای تفکر و اندیشه اسلام است. بنابراین افق کار باید بلندمدت و همراه با افزایش عمق دیده شود (دیدار با اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴).

مراحل تحقق زمینه‌های تمدن مهدوی در بیانات امامین انقلاب این‌گونه آمده است:

انقلاب مقدمه لازم و گام بزرگ

قیام بر علیه طاغوت و دشمنان دین و بشریت، وظیفه‌ای است که در آیات و روایات به شکل‌های مختلف بیان شده است.

آیات فراوانی که از لزوم برپایی توحید و اجتناب طاغوت و لزوم جهاد و قیام سخن می‌گوید (یوسف: ۴۰) مهم‌ترین رسالت پیامبران و اوصیای آنان، مبارزه با شرک و دعوت به بندگی خالصانه خداوند است:

﴿و لقد بعثنا فی کل أمة رسولا أن اعبدوا الله و اجتنبوا الطاغوت﴾ (نحل: ۳۶).

علاوه بر توحید، تسلیم در برابر دستورات الهی اطاعت از پیامبر و این‌که سخن او و راه او دستورالعمل و معیار قرار گیرد (نساء: ۶۴). دفاع از دین اسلام و سعی و تلاش برای گسترش آن و مبارزه با طاغوت‌ها یا جامعه مؤمن را از تسلیم‌پذیری در مقابل کفار و تسلط ایشان (نساء: ۱۴۱) ممنوع می‌دارد یا به پیامبر، جهاد و مبارزه با کافران و منافقان و شدت گرفتن بر آنان را دستور

می‌دهد (تحریم: ۹) علاوه بر آن به پیامبر و رهبر الهی دستور می‌دهد مؤمنان را نیز بر این جهاد و قیام، همراه و ترغیب کن (انفال: ۶۵) در آیاتی بر عزت مؤمنان (منافقین: ۸؛ فاطر: ۱۰؛ نساء: ۱۳۹) تأکید می‌کند یا بر جامعه مؤمنان جهاد برای نجات مستضعفان را وظیفه لازم بیان می‌دارد. جامعه مؤمنان مورد نقد قرار گرفته که چرا به یاری مستضعفان بر نمی‌خیزید که راهی برای نجات نداشته و از خدا نجات خود و نصرت و سرپرستی را می‌خواهند (نساء: ۷۵). استمرار جهاد و مبارزه، تا از بین رفتن فتنه‌ها و این‌که دین و... همه الهی (انفال: ۳۹) گردد بیان شده است. حتی سعادت‌مندی و وصول و نیل به بهشت در گرو جهاد و صبر و استقامت در این ره است (آل عمران: ۱۴۲).

در کنار آیات و در تبیین آن، روایات فراوانی است که بر این موضوع تأکید دارد؛ روایت‌هایی که وظیفه عالمان را براساس پیمان الهی، عدم سکوت و تحمل در ظلم ظالمان و شکم‌باره‌گی ظالمان و گرسنگی مظلومان بیان کرده است:

و الذی فلق الحبة و برأ النسمة لولا حضور الناصر و قیام الحجة و ما أخذ الله تعالی علی العلماء أن لا یقروا علی کظة ظالم و لا سغب مظلوم لألقت حبلها علی غارها و لسقیت آخرها بکأس أولها و لألفیتم دنیاکم أهد عندی من عطفة عنز (نهج البلاغه، ۵۰)؛
به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید سوگند که اگر دعوت و حضور این انبوه بیعت‌کنندگان نبود، و اگر آمادگی یاران، حجت را بر من تمام نمی‌نمود، و اگر خدا از دانشمندان و اصلاح‌گران و روشنفکران پیمان نگرفته بود تا ستم‌کاران شکم‌باره را برنتابند و به یاری و نجات ستم‌بیدگان و گرسنگان بشتابند، بی‌گمان هم چنان رشته کار را وامی‌نهادم و پایانش را بسان آغازش می‌انگاشتم.

امام راحل در سال ۱۳۲۳ برنامه قیام خویش را براساس آیه «قل إنما أعظکم بواحدة أن تقوموا لله مثنی وفرادی...» (سبأ: ۴۶)؛ قیام و انقلاب بیان می‌دارد (موسوی خمینی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۱).

مقام معظم رهبری نیز وراثت از انبیاء را مبارزه با طاغوت بیان می‌دارد:

«إن العلماء ورثة الانبیا». ما اگر در کسوت عالم دین قرار گرفتیم - چه زن مان، چه مردمان، چه سنی مان، چه شیعه مان - ادعای بزرگی را با خودمان داریم حمل می‌کنیم. ما می‌گوئیم «نحن ورثة الانبیا». این وراثت انبیاء چیست؟ مبارزه با همه آن چیزی است که مظهر آن عبارت است از طاغوت؛ با شرک، با کفر، با الحاد، با فسق، با فتنه؛ این وظیفه ماست. ما نمی‌توانیم آرام بنشینیم، دل مان را خوش کنیم که ما چند تا مسئله گفتیم. با

این، تکلیف برداشته نمی‌شود(بیانات مقام معظم رهبری در دیدار روحانیون و طلاب تشیع و تسنن کردستان، ۲۳/۲/۱۳۸۸).

با این نگاه و طرح کلی اندیشه‌ای امام خامنه‌ای، نقش انقلاب اسلامی در ظهور را تسریع بخش ظهور بیان می‌دارد:

امروز با انقلاب اسلامی ما که در خط ایجاد عدالت در سطح جهان است، انقلاب حضرت مهدی(ارواحنا فداه) یک گام بزرگ به هدف خود نزدیک شد. نه فقط به وجود آمدن حکومت اسلامی آن عاقبت موعود را به عقب نمی‌اندازد بلکه، آن را تسریع هم می‌کند و این است معنای انتظار... هر قدمی که در راه استواری این انقلاب اسلامی برمی‌دارید یک قدم به ظهور مهدی نزدیک‌تر می‌شوید(امام خامنه‌ای، ج ۳، ۲۵۰).

در بیانی دیگر این‌گونه می‌فرمایند:

انقلاب ما در راه آن هدفی که امام زمان برای تأمین آن هدف مبعوث و ظاهر می‌شود، یک مقدمه لازم و یک گام بزرگ است. ما اگر این گام بزرگ را بر نمی‌داشتیم، یقیناً ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه به عقب می‌افتاد. شما مردم ایران و شما مادران شهید داده و پدران داغدار و افرادی که در طول این مبارزه زحمت کشیدید، و شما ای امام بزرگوار امت، بدانید - که بهتر از همه ما می‌دانید - شما موجب پیشرفت حرکت انسانیت به سوی سرمنزل تاریخ و موجب تسریع در ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه شدید. شما یک قدم این بار را به منزل نزدیک‌تر کردید و با این انقلاب، مانع را که همان دستگاه و نظام پلید ظلم در این گوشه دنیا بود و سرطان بسیار خطرناک و موذی و آزاردهنده‌ای بود، کندید و قلع و قمع کردید(بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه تهران به مناسبت نیمه شعبان، ۶/۴/۱۳۵۹).

نظام اسلامی

طبیعی است پس از هر انقلابی، دستورالعمل‌ها براساس اهداف و هویت آن انقلاب تنظیم گردد. هویت انقلاب اسلامی براساس اسلام است و لذا باید براساس اسلام همه امور تعریف گردد. قرآن از مراجعه به طاغوت و حل مشکل و اختلاف را براساس غیر اسلام منع کرده و می‌فرماید:

﴿ألم تر إلى الذين يزعمون أنهم آمنوا بما أنزل إليك و ما أنزل من قبلك يريدون أن يتحاكموا إلى الطاغوت و قد أمروا أن يكفروا به و يريد الشيطان أن يضلهم ضلالاً بعيداً﴾ (نساء: ۶۰):

آیا ننگری به حال آنان که به گمان (و دعوی) خود ایمان به قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آورده‌اند، چگونه باز می‌خواهند داوری به طاغوت برند در صورتی که

مأمورند که به طاغوت کافر شوند؟! و شیطان خواهد که آنان را گمراه کند گمراهی دور(از هر سعادت).

نوشتن قانون اساسی، تنظیم قانون‌ها و قراردادهای و تبیین معیار و ملاک اجرا در همه امور اگر مطابق انقلاب و اهداف آن صورت نگیرد از هویت انقلاب فقط اسمی باقی مانده و خیلی زود منحرف شده و مضمحل می‌گردد.

انقلاب اسلامی ایران نیز مطابق اهداف انقلاب و دلایل و عوامل و انگیزه‌های تحقق آن؛ نظیر عدم تسلط کفار، استقلال، آزادی، نجات از ظلم، عدالت و...؛ جز با تقنین و چارچوب‌سازی اسلام قابل تحقق نیست. قوانین حزب‌ها و مدعیان متأثر از ابرقدرت‌ها که بسیاری مخالف اسلام است قابل تحقق نبوده بلکه جریان انقلاب را به انحراف می‌برد. بنابراین بایستی، بلافاصله پس از انقلاب اسلامی، نظام اسلامی شکل گیرد. نظام اسلامی یعنی منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور؛ اسلام باید باشد. مقام معظم رهبری می‌فرماید:

نظام اسلامی پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد. شورش انقلابی و نهضت انقلابی می‌توانست انجام بگیرد، اما نظام غیراسلامی تشکیل شود. خیلی جاها این‌طور شده؛ در الجزایر همین‌طور بود. در الجزایر، نهضت، اسلامی بود. اصلاً پایگاه نهضت و رهبران نهضت، مسلمان‌ها بودند؛ اما بعد از آن که نهضت به نتیجه رسید، کسانی که اعتقادی به مبانی تفکر اسلامی نداشتند، آمدند قدرت را در دست گرفتند. این‌جا هم همین کارها داشت می‌شد. در همان روز ۲۱ بهمن و ۲۲ بهمن و ۲۳ بهمن از این کارها داشت می‌شد. بنده از نزدیک در جریان برخی از کارها بودم؛ داشتند حرکت می‌کردند که به اصطلاح خودشان یک جنبش کارگری و یک حرکت کارگری را بر این حرکت عمومی تغلیب کنند و همان فرمولی که در روی کار آمدن نظام‌های سوسیالیستی در دنیا معمول است - یعنی انقلاب طبقه کارگر - تحقق بدهند و بعد هم یک چند نفر سر کار بیایند؛ منتها امام را محاسبه نکرده بودند؛ یعنی این گوهر خدشه‌ناپذیر شکست‌ناپذیر را در محاسبات‌شان ندیده بودند؛ لذا سخت ضربه خوردند. حتی روز سوم بعد از پیروزی انقلاب راه افتادند آمدند جلوی بیت امام در مدرسه علوی و تظاهرات کردند و مطالبات به اصطلاح سوسیالیستی و کارگری را مطرح کردند. ولی نظام اسلامی تشکیل شد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

«نظام اسلامی یعنی چه؟ یعنی منبع تقنین و معیار و ملاک اجرا و ارکان تصمیم‌گیری در کشور معلوم شد چیست؛ ارکان حکومت - قوه مجریه، قوه مقننه، رهبری، قوه قضائیه و دیگر

ارکان - چیده شد و قانون اساسی آمد همه اینها را تثبیت کرد؛ لذا پایه‌گذاری‌های اصولی انجام گرفت» (بیانات رهبری در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

ایشان در بیانی دیگر در توصیه به شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان اسلام، خطر عدم تشکیل نظام اسلامی را پس از انقلاب و بیداری اسلامی می‌فرماید:

بیداری اسلامی را { باید } آسیب‌شناسی کنید. در کنار آسیب‌شناسی‌ها، تبیین هدف‌هاست. اگر هدف‌ها تبیین نشد، سردرگمی به وجود می‌آید، آشفتگی به وجود می‌آید. باید هدف‌ها تبیین شود. یکی از مهم‌ترین هدف‌های این بیداری، رهائی از شر سلطه استکبار جهانی است؛ این را باید صریح گفت ... یکی دیگر از هدف‌ها، نظام‌سازی است. اگر در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی نشود، آنها را خطر تهدید می‌کند. در همین کشورهای شمال آفریقا ما یک تجربه‌ای داریم مربوط به شصت هفتاد سال پیش؛ اواسط قرن بیستم. در همین تونس انقلاب شد، نهضت شد، کسانی آمدند سرکار؛ در همین مصر انقلاب شد، کودتا شد، نهضت شد، کسانی آمدند سرکار - در جاهای دیگر هم همین‌طور - اما نتوانستند نظام‌سازی کنند؛ نظام‌سازی که نکردند، این موجب شد که نه فقط آن انقلاب‌ها از بین رفت، بلکه حتی آن کسانی که به نام آن انقلاب‌ها سرکار آمده بودند، خودشان از این رو به آن رو شدند، صد و هشتاد درجه جای‌شان را عوض کردند؛ خودشان هم خراب شدند. هم در تونس این اتفاق افتاد، هم در مصر این اتفاق افتاد، هم در سودان آن روز این اتفاق افتاد. حدوداً در سال‌های ۱۳۴۳ یا ۱۳۴۴ یا ۱۳۴۵، من و چند نفر از دوستان در مشهد رادیوی صوت‌العرب را گرفته بودیم و گوش می‌کردیم - که صوت‌العرب مصر از قاهره پخش می‌شد - آن‌جا سخنرانی جمال عبدالناصر و معمر قذافی و جعفر نمیری را که هر سه در یک جا جمع شده بودند، با هم پخش می‌کرد. ما در مشهد زیر فشار استبداد و دیکتاتوری له میشدیم، اما از این حرف‌های تند و آتشین به هیجان می‌آمدیم و لذت می‌بردیم. خب، عبدالناصر که از دنیا رفت، دیدید جانشین‌هایش چه کردند؛ قذافی هم دیدید چه جوری شد؛ نمیری هم که وضعش معلوم بود چه جوری شد. خود آن انقلاب‌ها هم عوض شدند؛ هم فکر نداشتند، هم نتوانستند نظام‌سازی کنند. باید در این کشورهایی که انقلاب کردند، نظام‌سازی شود؛ باید یک قاعده مستحکم به وجود بیاید. این هم یکی از مسائل مهم است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۹/۲۱).

ایشان تشکیل نظام اسلامی را، هم هدف انبیاء الهی بیان داشته و هم مقدمه تمدن اسلامی و تشکیل حکومت عدل مهدوی بیان می‌دارند: معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: «لیقوم الناس بالقسط». اقامه قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی (سخنرانی در دیدار با اعضای جامعه روحانیت مبارز و مجمع روحانیون مبارز تهران در آستانه ماه محرم،

۱/۵/۱۳۶۸)؛ با آمدن پیغمبر یک نظام سیاسی به وجود می‌آید، یعنی هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید - حالا این که کدام پیغمبر توفیق پیدا کرد این کار را بکند و کدام توفیق پیدا نکرد بحث دیگری است، لکن هدف این است که یک نظام سیاسی به وجود بیاید - که بتواند این اهداف (بعثت) را با تشکیل برنامه‌ها و مناسبات اجتماعی و مناسبات گوناگون بشری تحقق ببخشد. در این نظام سیاسی، آئین حکمرانی از کتاب خدا گرفته می‌شود و از آنچه خدای متعال بر پیغمبر نازل می‌کند، که می‌فرماید: فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكُتُبَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ؛ «لِيَحْكُمَ» یعنی «لِيَحْكُمَ كِتَابٌ»؛ این کتاب حکم کند بین مردم در آنچه باید انجام بدهند، و حاکم او است در همه تنظیم‌های اجتماعی (بیانات رهبری در سخنرانی تلویزیونی به مناسبت عید مبعث، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱).

تشکیل نظام جمهوری اسلامی یکی از مقدمات این حرکت عظیم تاریخی (تشکیل حکومت عدل مهدوی) است. هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست (بیانات رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است... این آینده برای نظام اسلامی، یک آینده قطعی و اجتناب‌ناپذیر است (بیانات رهبری در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

دولت اسلامی

نظام اسلامی نیازمند کارگزاری مومن و معتقد است که آن را عملاً تحقق بخشند. کارگزاری که رفتار فردی و رابطه با مردم و... اسلامی و براساس معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا مردم هم همراهی نمایند.

در روایتی از امیرمؤمنان حضرت علی ع آمده است که فرمودند:

الناس بأمرائهم أشبه منهم بأبائهم (ابن شعبه حرانی، ج ۱، ۲۰۸)؛

شباهت مردم به امیران و حکمفرمایان شان بیشتر از شباهت به پدران شان است.

مردم براساس رفتار حاکمان شکل می‌گیرند و اگر حاکمان و مدیران و دولت‌مردان و کارگزاران عرصه‌های مختلف نظام اجرایی، قضایی، قانون‌گذاری و فرهنگی و... اگر مطابق اسلام عمل نکنند؛ باعث گمراهی و دوری از دین‌اند.

در روایتی دیگر عمر گوید: پیامبر خدا ص ریشم را گرفته و در حالی که اندوه در چهره‌اش

هویدا بود؛ فرمود:

انا لله و انا اليه راجعون. جبرئیل نزد من آمد و گفت: انا لله و انا اليه راجعون. گفتم بله انا لله و انا اليه راجعون. چه شده جبرئیل؟ جبرئیل گفت: امت تو، بعد از مدت کمی پس از تو دچار گمراهی و فتنه می گردند. گفتم: فتنه کفر یا ضلال؟ گفت: همه اینها. گفتم: چگونه وقتی من در میان شان قرآن را می گذارم؟ گفت: به وسیله کتاب خدا گمراه می شوند. آغاز این هم از قبل حاکمان و قاریان است. حاکمان مردم را از حقوق شان منع می کنند و به آنان نمی دهند پس آنان را در فتنه و کشت و کشتار می افکند. قاریان نیز از هوی و هوس این حاکمان پیروی کرده و آنان را به راه ضلالت و گمراهی می کشند و هیچ کوتاهی نمی کنند.^۱

مقام معظم رهبری می گویند:

این نظام اسلامی فقط شکل نیست؛ محتوایی دارد؛ یعنی کارهایی باید در واقعیت زندگی مردم انجام بگیرد. تحقق این واقعیت ها در زندگی مردم، مردان و عناصر مؤمن و معتقد به خودش را - که دارای صفات و خصوصیات لازم هم باشند - می طلبد؛ این می شود دولت اسلامی (بیانات رهبری در دیدار با اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

«دولت اسلامی شامل همه کارگزاران نظام اسلامی است؛ نه فقط قوه مجریه؛ یعنی حکومت گران و خدمت گزاران عمومی. اینها باید جهت گیری ها و رفتار اجتماعی و رفتار فردی خود و رابطه شان با مردم را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به آن اهداف برسند. بعد هم باید آن جهت گیری ها را در مد نگاه خودشان قرار دهند و به سرعت به سمت آن جهت گیری ها حرکت کنند؛ این می شود دولت اسلامی» (بیانات رهبری در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

«معنای شعار دولت اسلامی این است که ما می خواهیم اعمال فردی، رفتار با مردم، رفتار بین خودمان، و رفتار با نظام های بین المللی و نظام سلطه امروز جهانی را به معیارها و ضوابط

۱. عن عمر بن الخطاب، قال: أخذ رسول الله ﷺ بلحيّتي وأنا أعرف الحزن في وجهه، فقال: يا عمرا! إنا لله وإنا إليه راجعون، أناني جبرئيل أنفا فقال: إنا لله وإنا إليه راجعون، فقلت: أجل، إنا لله وإنا إليه راجعون، فم ذاك يا جبرئيل؟ قال: إن أمتك مفتتنة بعدك بقليل من الدهر غير كثير. فقلت: فتنه كفر أو فتنه ضلالة؟ قال: كل سيكون. فقلت: و من أين ذلك وأنا تارك فيهم كتاب الله؟ قال: بكتاب الله يضلون، وأول ذلك من قبل أمرائهم وقرائهم، يمنع الأمراء الحقوق فيسأل الناس حقوقهم فلا يعطونها فيفتتنوا و يقتتلوا، و يتبعوا القراء هوى الأمراء فيمدونهم في الغي ثم لا يقصرون. فقلت: يا جبرئيل! فبم يسلم من يسلم منهم؟ قال: بالكف والصبر، إن أعطوا الذي لهم أخذوه وإن منعوه تركوه (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۳۱، ۱۴۶).

اسلامی نزدیک‌تر کنیم» (بیانات رهبری در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸). ایشان در بیانی دیگر تأکید می‌کنند که داشتن اسم دولت اسلامی اهمیتی ندارد واقعا باید اسلامی بود:

اسم ما که دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ والا قبل از ما چند دولت جمهوری اسلامی دیگر در منطقه ما و آفریقا و جاهای دیگر وجود داشته و الان هم هست. قبل از انقلاب، در جایی دولتی تشکیل شد که ما شوخی می‌کردیم و می‌گفتیم جمهوری اسلامی امریکایی فلان جا! آن دولت با نام جمهوری اسلامی هم بود. بنابراین اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهت‌گیری ما اسلامی باشد. اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پویانده‌ای که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار نکث می‌شود و طبعا کار عقب می‌افتد. البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد؛ ان شاء الله. خوشا به حال کسانی که آن روز را درک می‌کنند. همه ما انسان‌های ناقصی هستیم. ما به قدر توان و تلاش خود می‌خواهیم مجموعه کارگزاران حکومت را - که خودمان هم جزو آنها هستیم - به نقطه‌ای برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند (بیانات رهبری در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

در بیانی دیگر افت و خیزهای تحقق دولت اسلامی را بدین صورت می‌فرماید:

تلاش و اقدام برای تشکیل دولت اسلامی از روز اول شروع شد؛ منتها افت و خیز داشته؛ پیشرفت و عقب‌گرد داشته؛ در جاهایی موفق بودیم، در برهه‌ای موفق نبودیم. بعضی از ماها وسط راه پای مان لغزید؛ بعضی از ماها در اصل هدف مردد شدیم؛ بعضی از ماها نتوانستیم خود را نگه داریم؛ دلیسته به رفتارهای طاغوتی شدید (بیانات رهبری در دیدار اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

در گام بعدی تحقق دولت اسلامی و اندیشه‌ورزی تحقق آن را از مسئولیت‌های حوزه علمیه بیان شده است:

امروز هم که بحمدالله نظام اسلامی به وجود آمده، تشکیل شده، ما منتظریم که دولت اسلامی به معنای واقعی و سپس جامعه اسلامی به معنای واقعی و سپس تمدن اسلامی به معنای حقیقی به وجود بیاید، حوزه علمیه مسئولیت‌های متناسب با این کار بزرگ را دارد، باید انجام بدهد. چه کار باید بکنید؟ باید بنشینید فکر کنید دیگر؛ اینها جزو آن موضوعات و مباحث فکری شماسست (بیانات رهبری در دیدار طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۸/۲/۱۸).

جامعه اسلامی

پس از تحقق دولت اسلامی، جامعه اسلامی محقق خواهد شد. رهبر معظم انقلاب در این باره می‌گویند:

اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد. اگر من و شما در معاشرت مان، در رفتارمان، در طلب مالمان، در مجاهدت مان، نتوانستیم خود را به حد نصاب برسانیم، از آن دانشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده‌های پائین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بی‌خود ملامت می‌کنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم؛ «لوموا انفسکم».

اول، ما اسلامی می‌شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «کونوا دعاة الناس بغير الستکم»؛ آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولت مردان اسلامی اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولت مردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد. البته شیطان نمی‌میرد؛ شیطان زنده است. همیشه عده‌ای، جریانی، مجموعه‌هایی هستند که تسلیم شیطان بشوند؛ اما شکل کلی، اسلامی خواهد شد (بیانات رهبری در دیدار با اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

امت اسلامی

با شکل‌گیری دولت و جامعه اسلامی؛ ملت‌های اسلامی از آن الگو گرفته و امت بزرگ اسلامی و مدنیت اسلامی شکل خواهد گرفت. امام خامنه‌ای در این باره چنین می‌گویند:

وقتی که ملت ایران توانست خود را به آن نقطه‌ای برساند که بتواند به عنوان یک ملت مسلم به معنای حقیقی کلمه خود را به دنیا نشان بدهد، این بزرگ‌ترین تبلیغ اسلام است؛ ملت‌های دیگر هم روانه همین طرف خواهند شد و تشکیل امت بزرگ اسلامی که مایه عزت و مایه ترویج اسلام در سراسر جهان است، اتفاق خواهد افتاد؛ آن مدنیت اسلامی که انتظارش را داریم که بتواند بر مدنیت مادی گمراه‌کننده و فاسد غربی غلبه پیدا کند، آن روز تحقق پیدا خواهد کرد؛ مقدمه‌اش این جاست؛ مقدمه‌اش این است که ما ملت ایران بتوانیم به سمت الگو شدن پیش برویم، همه باید همت کنند؛ هم مسئولین باید همت کنند، هم آحاد مردم باید همت کنند. این قضیه هم قضیه یک سال و دوسال نیست، قضیه بلندمدت است؛ زمان می‌برد (بیانات رهبری در دیدار با اقشار مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱).

از سوی دیگر برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی، اجتماع ظرفیت‌های کشورهای اسلامی لازم و ضروری است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

هدف نهائی نمی‌تواند چیزی کمتر از «ایجاد تمدن درخشان اسلامی» باشد. امت اسلامی با همه ابعاد خود در قالب ملت‌ها و کشورها، باید به جایگاه تمدنی مطلوب قرآن دست یابد... (بیانات رهبری در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹).

«اگر ظرفیت‌های کشورهای اسلامی - ظرفیت عراق، ظرفیت ایران، ظرفیت کشورهای دیگر منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا - بر روی هم مجتمع بشود، اگر این ظرفیت‌ها به هم برسند، این دست‌ها در هم گره بخورند، آن وقت امت اسلامی نشان خواهد داد که عزت الهی یعنی چه؛ تمدن عظیم اسلامی را به جوامع عالم نشان خواهند داد» (بیانات رهبری در دیدار با جمعی از موکب‌داران عراقی، ۱۳۹۸/۶/۲۷).

امام راحل نیز ظهور را منوط به اجتماع مسلمانان بیان داشته و می‌فرماید: شما باید زمینه را فراهم کنید برای آمدن او. و فراهم کردن این‌که مسلمین را با هم مجتمع کنید. همه با هم بشوید. ان شاء الله ظهور می‌کند ایشان (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ ش: ج ۱۸، ۲۶۹).

با تحقق امت اسلامی و تلاش آن نوبت طراحی و ثمر رسیدن تمدن نوین اسلامی است. در این باره هم مقام معظم رهبری می‌فرماید:

امت اسلامی با یک تلاش مجاهدانه و مجدانه می‌تواند تمدن اسلامی باب این دوران را طراحی کند، شالوده‌ریزی کند، به ثمر برساند و آن را در مقابل بشریت قرار بدهد (بیانات رهبری در دیدار با مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۸/۸).

قابل ذکر است که تحقق تمدن نوین اسلامی لزوماً وابسته به تحقق امت اسلامی نیست. ممکن است نقطه‌ای کانون شکل‌گیری تمدن باشد؛ هرچند تحقق کامل و در همه ابعاد آن در جهان نیازمند میدان وسیعی به عنوان امت اسلامی است. چنان‌که برای زمینه‌سازی نیازمند تحقق امت اسلامی است؛ همچنین نیازمند همراهی مستضعفان جهان نیز خواهد بود.

رستاخیز مستضعفان جهان

امام راحل زمینه‌ساز ظهور را شوریدن مستضعفان جهان بر علیه مستکبران می‌داند و همراهی، همدلی، وحدت و همکاری‌شان می‌داند. حتی پیشنهاد تشکیل حزب مستضعفان جهان را برای ملت‌ها بیان می‌دارد:

انقلاب اسلامی ایران با تأیید خداوند منان در سطح جهان در حال گسترش است، و ان شاء الله با گسترش آن، قدرت‌های شیطانی به انزوا کشیده خواهند شد و حکومت مستضعفان برپا و زمینه برای حکومت جهانی مهدی آخرالزمان - عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارواحنا لتراب مقدمه الفداء - مهیا خواهد شد. همان ای مستضعفان جهان، بر مستکبران آدمخوار بشورید و حق خود را از آنان بگیرید که خداوند با شماست و وعده او تخلف ناپذیر است. از خداوند قادر متعال پیروزی اسلام را خواهانم (موسوی خمینی، ۱۳۸۴ ش: ج ۱۵، ۳۴۹).

«امید آن است که مسلمانان و مستضعفان جهان به به پا خیزند و داد خود را از مستکبران بگیرند و مقدمات فرج آل محمد علیهم السلام را فراهم نمایند» (همان: ج ۱۸، ۴۶۲).

در بیانی دیگر با بیان ظلم‌ها و ستم‌های مستکبران و بت‌های حاکم بر جهان می‌فرمایند: امروز چاره چیست و برای شکستن این بت‌ها چه تکلیفی متوجه مسلمانان جهان و مستضعفان می‌باشد؟ يك چاره که اساس چاره‌هاست و ریشه این گرفتاری‌ها را قطع می‌کند و فساد را از بن می‌سوزاند، وحدت مسلمانان، بلکه تمامی مستضعفان و دربند کشیده شدگان جهان، است. و این وحدت، که اسلام شریف و قرآن کریم بر آن پافشاری کرده‌اند، با دعوت و تبلیغ دامنه‌دار باید به وجود آید. و مرکز این دعوت و تبلیغ مکه معظمه در زمان اجتماع مسلمین برای فریضه حج است، که ابراهیم خلیل الله و محمد حبیب الله شروع، و در آخرالزمان حضرت بقیة الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - تعقیب می‌کند (همان: ج ۱۸، ۹۱).

و چنان که گفتیم این گونه پیشنهاد می‌دهند:

و من یک پیشنهادی در چند روز پیش از این کردم که اگر این پیشنهاد را عمل بکنند، این اسباب این می‌شود که روابط ان شاء الله کم‌کم پیدا بشود. و او ایجاد يك «حزب مستضعفین»، تمام مستضعفین دنیا، اعم از مسلم و غیر مسلم - این دولت‌های غیر اسلامی که به مردم ظلم می‌کنند؛ ملت‌ها این طور نیستند. ملت مثلاً امریکا، ملت فرانسه، آنها که ظلمی نمی‌خواهند بکنند. این که ظلم می‌کند، آن که خلاف می‌کند، دولت‌ها هستند. آنها هم مستضعفین‌شان گرفتار مستکبرین است - اگر یک حزبی در عالم پیدا بشود، یک حزب عالمی، حزب مستضعفین، که همان «حزب الله» است، این مشکل رفع بشود. با رفع این دو اشکال، تمام مشکلات مسلمین رفع می‌شود؛ هیچ قدرتی با این قدرت‌ها نمی‌تواند مقابله بکند (همان: ج ۹، ۳۳۱).

ایشان روز قدس را مقدمه تحقق این حزب می‌داند و می‌فرماید:

روز قدس یک روز اسلامی است، و یک بسیج عمومی اسلامی بود. و من امیدوارم که این

امر مقدمه باشد از برای یک «حزب مستضعفین» در تمام دنیا. و من امیدوارم که یک حزب به اسم «حزب مستضعفین» در تمام دنیا به وجود بیاید، و همه مستضعفین با هم در این حزب شرکت کنند، و مشکلاتی که سر راه مستضعفین است از میان بردارند، و قیام در مقابل مستکبرین و چپاولگران شرق و غرب کنند و دیگر اجازه ندهند که مستکبرین بر مستضعفین عالم ظلم کنند، و ندای اسلام را و وعده اسلام را - که حکومت مستضعفین بر مستکبرین است و «وراثت ارض» برای مستضعفین است - متحقق کنند. تاکنون مستضعفین متفرق بودند، و با تفرقه، کاری انجام نمی‌گیرد. اکنون که نمونه‌ای از پیوند مستضعفین در بلاد مسلمین تحقق پیدا کرد، این نمونه باید به یک سطح وسیعتری، در تمام قشرهای انسانهای تاریخ، تحقق پیدا کند به اسم «حزب مستضعفین»، که همان «حزب الله» است و موافق اراده خدای تبارک و تعالی است که مستضعفین، وارث ارض باید بشوند. ما از جمیع مستضعفین عالم دعوت می‌کنیم که با هم در «حزب مستضعفین» وارد بشوند، و مشکلات خودشان را با دست جمع و اراده مصمم عمومی رفع کنند؛ و هر مسئله‌ای که در هر جا و در هر ملتی پیش می‌آید به وسیله «حزب مستضعفین» رفع بشود (همان: ج ۹، ۲۸۱).

لازم است متذکر شویم که رستاخیز مستضعفان جهان، لزوماً پس از تحقق تمدن نوین نخواهد بود. ممکن است چنان که امروزه شاهدیم در مناطق مختلف مستضعفانی بر علیه مستکبران و ظالمان و بر علیه تمدن غرب برخاسته و قیام کنند اما با تحقق تمدن نوین اسلامی، جنبش مستضعفان و برگشت و بی‌اعتنایی به مادیت و تمدن غرب و پذیرش راه نوین یعنی تمدن اسلام و آمادگی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام تحقق یافتنی‌تر است. به بیان دیگر، با تحقق تمدن نوین اسلامی و همبستگی مستضعفان جهان، با تبلور اسلام و ارائه الگوی موفق آن و تحقق تمدن نوین اسلامی؛ آمادگی برای ظهور و تمدن مهدوی، در جهان اسلام و مستضعفان پدید خواهد آمد.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی؛ به دنبال تحقق اهداف انبیاء و اولیای الهی و تلاش برای حاکمیت اسلام، رواج ارزش‌های دینی در کشور، استقلال و قطع وابستگی‌ها، آزادی، عدالت و رفع تبعیض‌ها و...؛ تمدن نوین اسلامی، الگوسازی برای مسلمانان و ایجاد امت اسلامی و همراه ساختن مستضعفان جهان و در نهایت آمادگی برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام و زمینه‌سازی است. تحقق این امر آغاز به عنوان یک آرمان به هیچ وجه نباید مورد غفلت قرار گرفته و باید

سمت و سو و جهت همهٔ امور براساس آن باشد. مراحلی که در طرح امامین انقلاب به ویژه مقام معظم رهبری آمده است: پس از تحقق انقلاب اسلامی و تحقق نظام اسلامی؛ دولت اسلامی و جامعه اسلامی و امت اسلامی است. مقام معظم رهبری به این مراحل تأکید کرده و حرکت منطقی مدنظر را چنین می‌فرماید: نظام اسلامی در هر مرحله‌ای یکی از این اهداف را دنبال می‌کند، برای پیشرفت، برای رسیدن به نقطهٔ تعالی و اوج، برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی؛ باید سعی کند به این هدف در این مرحله برسد. البته مرحله‌گذاری است، قطعه‌قطعه است. راهنمایان و هادیان و متفکران و مسئولان مربوط، این قطعات را معین می‌کنند، هدف‌گذاری می‌کنند، حرکت جمعی آغاز می‌شود. همه باید تلاش کنند که هر حرکتی در هر مرحله‌ای به اهداف خودش برسد. این آن نظام صحیح حرکت منطقی است (بیانات رهبری در دیدار با پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

ایشان مسئولیت بزرگ حوزه‌های علمیه را فکر و تأمل و اندیشه‌ورزی در این باره بیان می‌دارد (بیانات رهبری در دیدار با طلاب حوزه‌های علمیه، ۱۳۹۸/۲/۱۸).

منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه

۱. حرانی، ابن شعبه (۱۴۰۴ق)، *تحف العقول عن آل الرسول ﷺ*، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۲. مجلسی محمدباقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء.
- مرکز صهبا (۱۳۹۱ش)، *ولایت و حکومت (بیانات مقام معظم رهبری دربارهٔ ولایت و حکومت)*، تهران: مؤسسهٔ جهادی مرکز صهبا.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۴ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول.



ISSN: 2423 - 7655



Pajoheshha- e Mahdavi

A Research Quarterly in Mahdaviyyat
Thirteenth year, No 49, spring 2024

Reinterpreting the elements and functions of young people waiting for a revolution in the statement of the second step of the Islamic Revolution

Dr. Mohammad Reza Borzooei ¹

Amirhossein Arabpour ²

Abstract

In the opinion of the Supreme Leader, the young and efficient human force with deep and authentic faith and religion is considered the most important promising capacity of the country for the creation of a new Islamic civilization and preparation for the sunrise of the Supreme Province. It can be claimed that forming an Islamic government and implementing the religion as much as possible is part of the duties of those who are waiting. The revolutionary and civilization-building expectation that was raised after the victory of the Islamic Revolution in Iran was the establishment of a new Islamic civilization with the aim of laying the groundwork for the emergence of Hazrat Wali Asr considered as its goal. This research seeks to explain the role of young people waiting for a revolution in the statement of the second step of the revolution. The research method of this article is descriptive-analytical and has used library resources. Finally, the article came to the conclusion that the active expectation of a revolution with the special presence of young people can be a strategy for building a new Islamic civilization

Keywords: New Islamic civilization, expectation, youth, statement of the second step of the Islamic revolution

1. Associate Professor and member of the Department of Culture and Civilization of Imam Sadegh University (Responsible Author)
2. Doctoral student of business and strategic management of Tehran University

بازتبیین عناصر و کارکردهای جوان منتظر انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

محمد رضا برزویی^۱

امیرحسین عرب پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۳

چکیده

در اندیشه مقام معظم رهبری، نیروی انسانی جوان و کارآمد با زیربنای ژرف و اصیل ایمانی و دینی مهم‌ترین گنجایش امیدبخش کشور برای ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافاده) به شمار می‌آید. می‌توان چنین ادعا کرد که تشکیل حکومت اسلامی و اجرایی کردن دین در حد امکان، جزئی از وظایف منتظران به شمار می‌آید. انتظار انقلابی و تمدن‌ساز که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران مطرح گردید، تأسیس تمدن نوین اسلامی را با هدف زمینه‌سازی برای ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به عنوان هدف خود در نظر گرفته است. این پژوهش به دنبال تبیین نقش جوان منتظر انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب است. روش تحقیق این مقاله توصیفی - تحلیلی بوده و از منابع کتابخانه‌ای بهره برده است. در نهایت، نوشتار به این نتیجه رسید که انتظار فعال انقلابی با حضور ویژه جوانان می‌تواند راهبرد ساخت تمدن نوین اسلامی باشد.

واژگان کلیدی

تمدن نوین اسلامی، انتظار، جوانان، بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی.

مقدمه

صدور بیانیه «گام دوم انقلاب» از جانب رهبر معظم انقلاب، تجدید مطلعی است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و جوانان محور اصلی این بیانیه هستند. ایشان به

۱. دانشیار و عضو گروه فرهنگ و تمدن دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول) (Borzooei@isu.ac.ir).

۲. دانشجوی دکتری مدیریت بازرگانی و راهبردی دانشگاه تهران (aharabpour@ut.ac.ir).

نسل جوان اعتماد و اعتقاد ویژه‌ای دارند و معتقدند که آینده انقلاب و ایران با تلاش و کوشش این قشر رقم می‌خورد و محور تحقق نظام پیشرفته اسلامی جوانان هستند. نکته مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم‌نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت متصدیان تاکنون بی‌استفاده یا کم‌استفاده مانده است. همت‌های بلند و انگیزه‌های جوان و انقلابی، خواهند توانست آنها را فعال و در پیشرفت مادی و معنوی کشور به معنی واقعی جهش ایجاد کنند.

نقش مهم جوانان در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

همزمان با ورود انقلاب اسلامی به دهه پنجم خود، رهبری در بیانیه مهمی گام دوم انقلاب اسلامی را ترسیم کردند که در آن به نقش مهم جوانان در پیشرفت انقلاب تأکید شده است. حرکت عمومی منضبط، پرسرعت و همراه با پیشرفت محسوس و با محوریت جوان متعهد و حزب الهی مورد توجه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در بیانیه گام دوم است که با حضور تأثیرگذار جوانان در نظام مدیریتی تحول عظیمی در همه عرصه‌ها به وجود می‌آید. نقش جوانان در بیانیه گام دوم انقلاب بسیار مهم و راهبردی است و بدون استفاده از ظرفیت‌های آن کشور راه پیشرفت را طی نخواهد کرد. رهبری به خوبی و ظرافت کامل به نقش مهم جوانان در پیشبرد اهداف جامعه اشاره و جوانان را مهم‌ترین سرمایه کشور معرفی کرده است تا با حضور تأثیرگذار جوان در نظام مدیریتی کشور تحول شگرفی در تمام عرصه‌ها به وجود آید. در همین راستا، سخنان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، درباره نقش جوانان در بیانیه گام دوم در جدول زیر آورده شده است.

ردیف	سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره نقش جوانان در بیانیه گام دوم
۱	بیانیه گام دوم انقلاب تجدید مطلق است خطاب به ملت ایران و به‌ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. دهه‌های آینده دهه‌های شما جوانان است و شما باید کارآموده و پیرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنافداه) است، نزدیک کنید.
۲	اینک در آغاز فصل جدیدی از زندگی جمهوری اسلامی، این بنده ناچیز مایلیم با جوانان عزیزم، نسلی که پا به میدان عمل می‌گذارد تا بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ را آغاز کند، سخن بگویم.
۳	در طول دوران پهلوی‌ها لجن‌زاری از آلودگی اخلاقی غربی به درون زندگی مردم متوسط و بخصوص جوانان کشانده شده بود، ولی رویکرد دینی و اخلاقی در جمهوری اسلامی، دل‌های مستعد و نورانی به ویژه جوانان را

ردیف	سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی درباره نقش جوانان در بیانیه گام دوم
	مجنوب کرد و فضا به سود دین و اخلاق دگرگون شد.
۴	مجاهدتهای جوانان در میدانهای سخت از جمله دفاع مقدس، با ذکر و دعا و روحیه برادری و ایثار همراه شد و ماجراهای صدر اسلام را زنده و نمایان در برابر چشم همه نهاد.
۵	نماز و حج و روزه داری و پیاده روی زیارت و مراسم گوناگون دینی و انفاقات و صدقات واجب و مستحب در همه جا به ویژه میان جوانان رونق یافت و تا امروز، روزه روز بیشتر و باکیفیت تر شده است.
۶	در تمام این چهل سال، تسلیم ناپذیری و صیانت و پاسداری از انقلاب و عظمت و هیبت الهی آن و گردن برافراشته آن در مقابل دولتهای متکبر و مستکبر، خصوصیت شناخته شده ایران و ایرانی به ویژه جوانان این مرز و بوم به شمار میرفته است.
۷	راه طی شده فقط قطعه ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود.
۸	مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه میدان های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه ها و عبرت های گذشته بهره گیرند، نگاه انقلابی و روحیه انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته اسلامی بسازند.
۹	انبوه جوانانی که با روحیه انقلابی رشد کرده و آماده تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ اینها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته مادی با آن مقایسه نمی تواند شد.
۱۰	گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت های استفاده نشده طبیعی و انسانی در رتبه اول جهان است. بی شک شما جوانان مؤمن و پرتلاش خواهید توانست این عیب بزرگ را برطرف کنید.
۱۱	شما جوانان باید پیشگام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه ای ترین جهاد شماست.
۱۲	مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید.
۱۳	جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه راه حل ها در داخل کشور است.
۱۴	این جانب به جوانان عزیزی که آینده کشور، چشم انتظار آنها است صریحا میگویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می شده و بشود، دارای فاصله ای ژرف است.
۱۵	اگر زمام اداره بخش های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد.

جدول ۱. سخنان حضرت آیت الله خامنه ای درباره نقش جوانان در بیانیه گام دوم

آنچه از کلیات بیانیه گام دوم انقلاب مشخص است بخش اعظم بار دومین مرحله خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی بر دوش جوانان است و آنها هستند که باید شانه زیر بار مسئولیت ها در میدان های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین المللی و نیز در عرصه های اخلاقی و معنویت و عدالت داده و انقلاب را به آرمان های خود نزدیک کنند.

مفهوم انتظار

انتظار در لغت به معنای «ماندن در جایی یا صبر کردن تا زمانی معین برای آمدن کسی یا روی دادن اتفاقی» آمده است (انوری، ۱۳۸۱ش: ۵۶۰-۵۸۹). در منابع شیعه، انتظار را به حالتی قلبی و روحی تعریف کرده‌اند که «معنای انتظار عبارتست از یک حالت قلبی و روحی که از آماده شدن برای چیزی که در انتظارش هستی، بر می‌آید. پس هر قدر انتظار شدیدتر باشد، آماده شدن هم بیشتر می‌شود. آیا نمی‌بینی وقتی مسافری داشته باشی که منتظر آمدنش هستی، هر چه زمان آمدنش نزدیک‌تر شود، آمادگی تو هم برای این امر بیشتر می‌شود» (موسوی اصفهانی، ۱۳۸۱ش: ج ۲، ۱۵۲). انتظار امری است که شیعیان در زمان غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید به آن پایدار بمانند؛ به این معنا که باید منتظر ظهور حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشند و هر لحظه را به یاد حضرتش بگذرانند. تا جایی که یکی از شرط‌های پذیرفته شدن اعمال و رفتار شیعیان، انتظار فرج امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است (کلینی، ۱۴۰۵ق: ح ۱۳؛ النعمانی، ۱۳۸۷ق: باب ۱۱، ح ۱۶). مفهوم مذهبی انتظار، امید به آینده است؛ آینده‌ای که در آن، مردم جهان از زور و فشار و استبداد و تسلط نظام‌های استکباری نجات یابند و رژیم‌های ضد بشری از میان بروند و زندگی پر فراز و نشیب انسان‌ها، سرشار از صلح و امنیت شود و حق دوستان، پیروز و باطل‌گرایان نابود شوند.

آنچه از مجموع آیات و روایات اسلامی و مفهوم کلمه انتظار استفاده می‌شود، این است که انتظار، در همه جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی، عامل رشد و اصلاح، مقاومت و بیداری و حرکت و از عقاید انقلاب آفرین و ریشه اصلی قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است. امام سجاد عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره ایشان می‌فرماید: «منتظران ظهور، برترین مردمان همه روزگارانند (طبرسی، ۱۴۱۱ق: ج ۲، ۵۰) که خداوند به ایشان اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد عطا می‌کند (قندوزی حنفی، ۱۴۱۶ق: ج ۳، ۱۶۴). آنان به مجاهدان پیکارگری می‌مانند که پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و با شمشیر نبرد می‌کنند» (ابن بابویه، ۱۳۷۷ق: ج ۱، ۳۱، ح ۲). در واقع، انتظار به حالت کسی گفته می‌شود که از وضع موجود ناراحت است و برای ایجاد وضع بهتری تلاش می‌کند. برای مثال، بیماری که انتظار بهبودی می‌کشد با پدری که در انتظار بازگشت فرزندش از سفر است، از بیماری و فراق فرزندش، ناراحت است و برای وضع بهتر می‌کوشد، همچنین تاجری که از بازار آشفته ناراحت است و در انتظار فرو نشستن بحران اقتصادی است، این دو حالت را دارد؛ بیگانگی با وضع موجود و تلاش برای وضع بهتر. بنابراین، مسئله انتظار

حکومت حق و عدالت مهدی و قیام مصلح جهانی شامل دو عنصر است؛ عنصر نفی که همان بیگانگی با وضع موجود است و عنصر اثبات که همان خواستن بهترین وضع است. اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه دار خواهد شد (جدید بناب، ۱۳۹۴ش: ۷۹). این دو رشته اعمال عبارتند از: ترک هر گونه همکاری و هماهنگی با عوامل ظلم و فساد و حتی مبارزه با آنها از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی های جسمی، روحی، مادی و معنوی برای شکل گرفتن آن حکومت واحد جهانی و مردمی. بنابراین انتظار یک نیروی فعال برای منتظران ظهور آخرین منجی عالم بشریت است که جامعه را در جهت نزدیکی بیشتر به تمدن مهدوی هدایت می کند.

انتظار فعال انقلابی

منظور از انتظار فعال انقلابی، نگاه جامع و کاربردی به مقوله انتظار است. در این نوع نگاه، نه تنها اراده، تلاش و خواست جمعی، نقش مؤثر و تعیین کننده در تسریع ظهور دارد، بلکه اساساً انتظار بدون توجه به سازوکارها و اقدامات زمینه ساز، امری نامعقول و بی معناست. خوشبختانه این نگاه مثبت و کاربردی به مفهوم انتظار، امروزه به یک نگرش غالب در میان پژوهشگران معاصر تبدیل شده است. در این نگرش که ارزیابی دقیق اوضاع گذشته و تلاش برای تغییر وضعیت موجود، جزو الزامات تفکر انتظار محسوب می شود، تکالیف فردی و اجتماعی شخص منتظر نیز تا حدی روشن می گردد. این نوع انتظار، تعهدآور، تحرک بخش و نیروآفرین است و شناخت، تعهد و تلاش برای فراهم سازی مقدمات ظهور از راه ایجاد آمادگی های فکری، روحی و جسمی برای کسب ورع و پاکی، تلاش در جهت گسترش فضیلت های اخلاقی و زدودن مظاهر ظلم و پلیدی در جامعه جوهر اصلی آن است (صمدی، ۱۳۸۸ش: ۱۲۳) و حیات مجدد اسلام در ابعاد مختلف، همان تمدن اسلامی است که آرمان انقلاب اسلامی ایران نیز است. در واقع، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، متناسب با شرایط جدید، مفهوم جدیدتری از انتظار بیان گردید که در آن بر اجرای همه دستورات و امور دینی - فردی یا اجتماعی، قضایی یا سیاسی - تأکید می شد. دلیل این نگاه هم این بود که قرار گرفتن در عصر غیبت، در عمل به وظیفه تأثیری نمی گذارد و مهم آن است که مسئله دین باشد و در این صورت، تا آن جا که ممکن است باید اجرایی شود. تنها آنچه را ما نمی توانیم انجام دهیم، به عصر ظهور وا می گذاریم تا به دست با کفایت امام زمان علیه السلام پدیدار شود. ما نمی توانیم همه

جهان را مسلمان کنیم و همه دین را در بین آنان به طور کامل عینیت بخشیم، ولی قادریم از کشور خود آغاز کنیم و در مرحله بعد، جهان اسلام را پوشش دهیم و به همین ترتیب به مقداری که برایمان ممکن است پیش برویم.

این دیدگاه که امام خمینی رحمته‌الله‌علیه آن را مطرح نمود، با طراحی ۵ مرحله تمدن‌سازی از انقلاب اسلامی تا رسیدن به تمدن نوین اسلامی توسط حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، نگاهی حکومتی بلکه «تمدنی» و «راهبردی» به مسئله انتظار را ایجاد کرد. ربط آن با انتظار در این است که اولاً این دیدگاه، ردی است بر برخی نگاه‌ها به انتظار که در عصر غیبت باید به دین حداقلی که همان دین فردی است، بسنده کرد و عملی کردن کامل دین را باید به عصر ظهور وا گذاشت. ثانياً براساس این نگاه، عملی کردن هرچه بیشتر دین در همه جنبه‌های آن، در واقع چیزی جز زمینه‌سازی برای ظهور نیست. این کار، زمینه رشد سربازانی را فراهم می‌آورد که امام و دین خدا را می‌شناسند و حاضرند برای تحقق دین خدا در رکاب امام عجله‌الله‌الیهم تلاش و جان فشانی کنند؛ در غیر این صورت و اگر قرار باشد اثری از دین در بین مردم و در زندگی آنان نباشد و در نتیجه، در سطح جامعه، ارزش‌ها، باورها و هنجارهای غیر یا ضد دینی رواج یابد، در این شرایط، چگونه امکان رشد گروهی زنده در بین مردم جهان برای مهدی‌یآوری فراهم می‌آید؟ اساساً آیا خداوند، دین را برای معطل ماندن و صرفاً برای دوران پایانی حیات بشر و آخرالزمان فرستاده است یا دین برای همه دوره‌هاست و تنها در آخرالزمان، شاهد کامل‌ترین شکل آن و تشکیل جامعه آرمانی اسلامی خواهیم بود؟ این دیدگاه که نتیجه آن، تاسیس تمدن جدید اسلامی و عرضه جهانی با هدف زمینه‌سازی برای ظهور و تشکیل تمدن جهانی اسلام در پایان تاریخ است، به روشنی در گفتار و سیره مقام معظم رهبری می‌توان مشاهده کرد.

بیانات مقام معظم رهبری درباره مفهوم انتظار و رسیدن به آرمان تمدن نوین اسلامی پس از جستجو در سایت Khamenei.ir در جدول ذیل آمده است که به روشنی دلالت بر ارجحیت بالای «انتظار فعال انقلابی» دارد.

شاخص‌های محوری	سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره انتظار فعال انقلابی
نگاه کلان و راهبردی به بهبود زندگی کل بشر	۱. «امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه ظلم و جور را که همه بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکنند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسان‌ها بوزاند، تا انسان‌ها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه می‌کند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. این معنای انتظار است. انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت‌بن‌الحسن، مهدی صاحب زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> تحقق پیدا خواهد کرد. باید خود را به عنوان یک سرباز، به عنوان انسانی که حاضر است برای آن چنان شرایطی مجاهدت کند، آماده کنیم» (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۷).
قانع نبودن به وضع موجود و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب	۲. «هر اقدامی در جهت استقرار عدالت، یک قدم به سمت آن هدف والاست. انتظار معنایش این است. انتظار حرکت است؛ انتظار سکون نیست؛ انتظار رها کردن و نشستن برای اینکه کار به خودی خود صورت بگیرد، نیست. انتظار حرکت است. انتظار آمادگی است. این آمادگی را باید در وجود خودمان، در محیط پیرامون خودمان حفظ کنیم. و خدای متعال نعمت داده است به مردم عزیز ما، به ملت ایران، که توانسته‌اند این قدم بزرگ را بردارند و فضای انتظار را آماده کنند. این معنای انتظار فرج است. انتظار فرج یعنی کمر بسته بودن، آماده بودن، خود را از همه جهت برای آن هدفی که امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> برای آن هدف قیام خواهد کرد، آماده کردن. آن انقلاب بزرگ تاریخی برای آن هدف انجام خواهد گرفت. و او عبارت است از ایجاد عدل و داد، زندگی انسانی، زندگی الهی، عبودیت خدا؛ این معنای انتظار فرج است» (همان).
حرکت کردن و ایجاد آمادگی در خود و محیط پیرامون	۳. «ما مأمور به انتظاریم؛ انتظار یعنی چه؟ انتظار به معنای مترصد بودن است. در ادبیات نظامی یک چیزی داریم به نام «آماده باش»؛ انتظار یعنی «آماده باش»! باید «آماده باش» باشیم. انسان مؤمن و منتظر، آن کسی است که در حال «آماده باش» است. اگر امام شما که مأمور به ایجاد عدالت و استقرار عدالت در کل جهان است، امروز ظهور بکند، باید من و شما آماده باشیم. این «آماده باش» خیلی مهم است؛ انتظار به این معنا است. انتظار به معنای بی‌صبری کردن و پا به زمین کوبیدن و چرا دیر شد و چرا نشد و مانند اینها نیست، انتظار یعنی باید دائم در حال آماده باش باشید» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۶).
تلاش برای ایجاد عدل، زندگی الهی و گسترش عبودیت خدا در دوران غیبت	۴. «این انتظار دارای ارزش زیادی است. این انتظار به معنای آن است که وجود ظلم و ستم در عالم، چشمه امید را از دل‌های منتظران نمی‌زداید و خاموش نمی‌کند. اگر این نقطه امید در زندگی جمعیتی نباشد، چاره‌ای ندارد جز این که به آینده بشریت بدبین باشد» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰، الف).
مترصد بودن و تقویت حالت آماده باش	۵. «انتظار ظهور امام زمان <small>عجل الله تعالی فرجه</small> به معنای انتظار برای پر شدن جهان از عدل و داد و

شاخص‌های محوری	سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره انتظار فعال انقلابی
انتظار برای جهانی پر از عدل و رفع ظلم	عدالت برای همه انسان‌ها، انتظار رفع ظلم از صحنه زندگی بشر و انتظار فرارسیدن دنیایی برتر از لحاظ معنوی و مادی است. انتظار به معنی اشتیاق انسان برای دسترسی به وضعی برتر و بالاتر است و این حالتی است که بشر همیشه باید در خود حفظ کند و پیوسته در حال انتظار فرج الهی باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵).
امید داشتن و عدم تسلیم در برابر وضع موجود (استکیارستیزی)	۶. «انتظار از امید جدا نیست و انتظار در جایی است که امید وجود دارد. امروز بسیاری از روشنفکران و حتی علمای مذهبی در کشورهای مسلمان، بر اثر ناامیدی، تسلیم وضع موجود شده‌اند و به ننگ و فضاحتی که آمریکا بر زندگی آنها تحمیل می‌کند تن می‌دهند و آن را تحمل می‌کنند» (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳).

جدول ۲. سخنان حضرت آیت الله خامنه‌ای درباره «انتظار فعال انقلابی»

در این عبارت و عباراتی مشابه که در آن به مسئله انتظار در عصر غیبت می‌پردازند، نگاه امام خامنه‌ای (مدظله) به انتظار و ارتباط میان آن و تشکیل حکومت در عصر غیبت روشن می‌شود که تشکیل حکومت اسلامی و اجرایی کردن دین در حد امکان، جزئی از وظایف منتظران به شمار می‌آید. این معنا، فاصله زیادی با معنای انفعالی و حتی دیگر معانی فعال از انتظار دارد. مع الوصف با توضیحات فوق پیرامون انواع انتظار و بیانات مقام معظم رهبری، به صورت تلویحی باید پذیرفت که رویکرد مورد قبول انقلاب اسلامی رویکردی «فعال انقلابی و تمدن‌ساز» است که می‌بایست «زمینه‌ساز ظهور» بشود. در حقیقت، نمونه‌های ذکر شده گویای ظرفیت و دلالت تمدنی انتظار انقلابی است. با نظر به آن که تفکر انتظار انقلابی، دارای ظرفیتی است که می‌تواند در شکل دادن به تمدن و هویت بخشی به آن، نقش آفرین باشد؛ واکاوی این موضوع نیازمند توجه به نقش جوانان در ترویج فرهنگ انتظار انقلابی برای تمدن‌سازی نوین اسلامی است.

جوانان و انتظار انقلابی

همان‌گونه که قبلاً نیز اشاره شد برای ساختن تمدنی بزرگ علاوه بر جنبه‌های نظری آن، نیازمند افرادی توانا در این زمینه هست؛ افرادی که در عین باور به استعدادها و امید به ایجاد تمدن اسلامی، جرأت و شجاعت ورود به این کار را داشته باشند و در میان نیروهای انسانی، جوانان هر کشور با ویژگی‌های برجسته شور و نشاط و قدرت جوانی و روحیه جسارت، بهترین گزینه برای انجام همه کارهای بزرگ و از جمله تمدن‌سازی هستند (ملایی، ۱۳۹۴: ش: ۴۲۰). علت توجه امام خامنه‌ای در سال‌های مختلف مسئولیت در ایران اسلامی به همین علت

است؛ ایشان در یکی از بیانات خویش درباره جایگاه ویژه جوانان فرمودند:

جوان در هر جامعه و کشوری، محور حرکت است. اگر حرکت انقلابی و قیام سیاسی باشد، جوانان جلوتر از دیگران در صحنه اند. اگر حرکت سازندگی یا حرکت فرهنگی باشد، باز جوانان جلوتر از دیگرانند و دست آنها کارآمدتر از دست دیگران است (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰).

همچنین ایشان در بیانات دیگری درباره توجّه جدی به جوانان فرمودند:

عقیده من این است که اگر چنانچه نیروی جوانی، یعنی قدرت فکری و بدنی، و اگر نشاط و روحیه و حالت تحرک، و همچنین جسارت، یعنی خط شکنی ها، که در جوان ها به عنوان خصیصه وجود دارد، نباشد، ما به آرمان ها دست پیدا نخواهیم کرد. لذا جوان ها در زمینه دسترسی به آرمان ها و تحقق آرمان های انقلاب و آرمان های اسلامی، دارای مسئولیت های بزرگی هستند و کارآمدی بسیار بالایی هم دارند. هرکسی که در پی تحقق آرمان هاست، باید نقش جوان ها را جدی بگیرد؛ و بدانید بنده نقش جوان ها را جدی می گیرم.

ایشان حتی به همین نگاه راهبردی کلی به جوانان اکتفا نکرده و بلکه در موضوع ساخت

تمدن نوین اسلامی به صورت خاص از جوانان دعوت نموده و فرمودند:

ملت ایران به فضل پروردگار، با هدایت الهی، با کمک های معنوی غیبی و با ادعیه زاکیه و هدایت های معنوی ولی الله الاعظم (ارواحنا فداه) خواهد توانست تمدن اسلامی را بار دیگر در عالم سربلند کند و کاخ با عظمت تمدن اسلامی را برافراشته نماید. این، آینده قطعی شماست. جوانان، خودشان را برای این حرکت عظیم آماده کنند. نیروهای مؤمن و مخلص، این را هدف قرار دهند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶).

این همه توجه از سوی مقام معظم رهبری نشانگر جایگاه ویژه جوانان در ساخت تمدن اسلامی بوده و همه کسانی که دغدغه تمدن سازی دارند باید به این قشر تأثیرگذار جامعه توجه و برای آنها برنامه ریزی دقیقی در جهت رسیدن به این آرمان بلند داشته باشند و از آنان همانند دوران دفاع مقدس مجاهدان و مبارزاتی بسازند که در میدان مقدس ایجاد تمدن اسلامی نیز حماسه آفرینی کنند؛ زیرا به فرموده ایشان:

حتی در حرکت انببای الهی هم از جمله حرکت صدر اسلام محور حرکت و مرکز تلاش و تحرک، جوانان بودند (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰).

بنابراین با این همه تأکیدها و ارزش گذاری هایی که بر اهمیت توجه به جوان شده است، به جاست که تمامی جوانان ایران زمین کمر همت بسته و با پرورش در مدرسه انتظار فعال

انقلابی، با کسب روحیه جهادی به سوی ساخت تمدن اسلامی زمینه‌ساز ظهور گام بردارند و یقین داشته باشند:

این جوان‌های مؤمن ما که در میدان‌های مختلف چه در میدان معنویت و عبادت و معرفت، چه در میدان کار و تلاش، چه در میدان مبارزه و سیاست، چه در میدان جهاد؛ آن روزی که جهاد مورد احتیاج بود این‌طور از خودشان اخلاص و شادابی نشان می‌دهند، امام زمان عجله را خرسند و خوشحال می‌کنند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شده است به بازتبیین نقش جوان منتظر انقلابی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی پرداخته شود. در همین راستا پس از بیان اهمیت جایگاه جوانان در بیانیه گام دوم، ارتباط این مفهوم با انتظار انقلابی در چارچوب اندیشه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای بررسی گردید. نتایج پژوهش حاضر نشان داد که ترویج انتظار انقلابی در میان جوانان قابلیت و ظرفیت احیای تمدن اسلامی را دارد. چراکه باور به ظهور منجی موعود که وعده قرآن به جهانیان و به‌ویژه مسلمانان جهان است، انتظار او را به دنبال دارد و این امید به آینده آرمانی و مطلوب در آنها نیروی مضاعفی ایجاد می‌کند و آنها را در رسیدن به اهداف شان مجتمع می‌سازد. چنین تحولی پیش از هر چیز به جوانان آماده نیازمند است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشند و به همین دلیل انتظار فعال انقلابی برای مصلح جهانی به معنای آماده باش کامل فکری و اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح جهان است.

در واقع، دستیابی به تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی برای ظهور امام زمان عجله از مهم‌ترین وظایف جوان انقلابی امروز است. در مراحل و برهه‌های حساس انقلاب اسلامی هرگاه از نیروهای جوانان مؤمن و انقلابی در کشور استفاده شده است، دستیابی اهداف نزدیک‌تر و سهل‌تر شده است. بر این اساس مسئولان و هم‌ارکان نظام می‌بایست به این نیروی عظیم انسانی کشور توجه کنند و جوانان مؤمن و انقلابی نیز خود را بیش از پیش برای نقش‌آفرینی و خدمت به نظام مقدس اسلامی آماده کنند.

منابع

۱. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (۱۳۷۷ق)، *اکمال الدین و اتمام النعمه*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: انتشارات اسلامی.
۲. انوری، حسین (۱۳۸۱ش)، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران: سخن.
۳. جدید بناب، علی (۱۳۹۴ش)، «نقش انتظار در تحقق امت واحده»، *فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی*، شماره ۱۴.
۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۰ش)، *بیانات در دیدار با مردم قم*.
۵. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۳ش)، *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در سالروز میلاد امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف*.
۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۴ش)، *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*.
۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۵ش)، *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم*.
۸. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۶ش «الف»)، *بیانات در دیدار کارگزاران نظام*.
۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۶ش «ب»)، *بیانات در دیدار ایثارگران*.
۱۰. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷ش)، *بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان*.
۱۱. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۰ش)، *بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی*.
۱۲. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۱ش)، *بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی*.
۱۳. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲ش «الف»)، *بیانات در دیدار با دانشجویان*.
۱۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۲ش «ب»)، *بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی*.
۱۵. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۳ش)، *بیانات در دیدار پژوهشگران و کارکنان مؤسسه دارالحدیث و پژوهشگاه قرآن و حدیث*.
۱۶. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴ش)، *بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی*.
۱۷. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۶ش)، *بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام*.

حسین علیعلیه السلام.

۱۸. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷ش «الف»)، بیانات در دیدار پژوهشگران عرصه تمدن.
۱۹. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷ش «ب»)، بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران.
۲۰. صمدی، قنبرعلی (۱۳۸۸ش)، «آموزه انتظار و زمینه‌سازی ظهور»، فصل‌نامه مشرق موعود، شماره ۱۱.
۲۱. طبرسی، ابومنصور احمد بن علی (۱۴۱۱ق)، الاحتجاج علی اهل اللجاج، تحقیق: ابراهیم البهادری و محمدهادی به، تهران: دارالاسوه.
۲۲. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، نایب الموده لذوی القربی، تحقیق: علی جمال اشرف حسینی، تهران: دارالاسوه.
۲۳. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۵ق)، الاصول من الکافی، ترجمه: سیدجواد مصطفوی، تصحیح: علی اکبر غفاری، بیروت: دارالاضواء.
۲۴. ملایی، حسن (۱۳۹۴ش)، «جایگاه و کارکردهای آموزه مهدویت و انتظار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، از دیدگاه امام خامنه‌ای (دام‌الله)»، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت، جلد اول.
۲۵. موسوی اصفهانی، سید محمدتقی (۱۳۸۱ش)، مکیال المکارم، ترجمه: مهدی حائری، قم: ایران نگین.
۲۶. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۸۷ق)، الغیبه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

The role of culture in civilization building as a prelude to the era of emergence in the thought of Supreme Leader of the Revolution Imam Khamenei

Dr. Ataollah Bigdeli ¹

Abstract

The issue of the forward research is the question of the main and most effective social sphere in the civilizational movement of the Islamic Revolution in the thought of the supreme leader of the Islamic Revolution, Ayatollah Khamenei. This research led to the finding that the field of culture, in a general sense, is the main priority of the Islamic Republic for its civilizational movement. From his point of view, culture mainly finds its meaning in the field of behavior, but behavior that is rooted in people's opinions, thoughts and moods. Among the sub-branches of culture, the main cultural field that gives meaning to the entire movement of the Islamic revolution is "Mahadvit" (including concepts such as constructive expectation, laying the groundwork for emergence, etc.). Without strengthening the culture of expectation, the existence of the Islamic revolution and the movement towards the new Islamic civilization will be meaningless. Therefore, the cultural policymaker should consider strengthening the culture of expectation as the key and most central element of civilization in all his planning. The research method was searching in the statements and works of the Supreme Leader and analyzing the contents of the found works and analyzing and identifying the implications and identifying the priorities from his perspective

Keywords: Culture, the culture of expectation, the thought of the leader of the revolution, the cultural context of emergence, studies of the Islamic revolution and Mahdism

1. Assistant Professor of the Department of Law, School of Cultural and Social Studies, Imam Hossein University, Tehran (ataollah.bigdeli@ihu.ac.ir)

نقش فرهنگ در تمدن‌سازی به عنوان مقدمه عصر ظهور در اندیشه رهبر معظم انقلاب امام خامنه‌ای (حفظه الله)

عطاءالله بیگدلی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۶

چکیده

مسئله پژوهش پیش‌روی، پرسش از اصلی‌ترین و مؤثرترین حوزه اجتماعی در حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای است. این پژوهش به این یافته رهنمون شد که حوزه فرهنگ به معنای عام، اصلی‌ترین اولویت جمهوری اسلامی برای حرکت تمدنی خویش است. از منظر ایشان، فرهنگ عمدتاً در حوزه رفتار معنا می‌یابد اما رفتاری که ریشه در عقاید، فکر و خلیات افراد دارد. از میان زیرشاخه‌های فرهنگ؛ اصلی‌ترین حوزه فرهنگی معنا بخش به کل حرکت انقلاب اسلامی «مهدویت» (شامل مفاهیمی چون انتظار سازنده، زمینه‌سازی برای ظهور و...) است. بدون تقویت فرهنگ انتظار اصل وجود انقلاب اسلامی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی بی‌معنا می‌شود. لذا سیاست‌گذار فرهنگی در تمامی برنامه‌ریزی‌های خود باید تقویت فرهنگ انتظار را به عنوان کلیدی و محوری‌ترین عنصر تمدن‌سازی در نظر بگیرد. روش پژوهش جستجو در بیانات و آثار مقام معظم رهبری و تحلیل مضمون آثار یافت شده و تحلیل و دلالت‌یابی و تشخیص اولویت‌ها از منظر ایشان بود.

واژگان کلیدی

فرهنگ، فرهنگ انتظار، اندیشه رهبر انقلاب، زمینه‌سازی فرهنگی ظهور، مطالعات انقلاب اسلامی و مهدویت.

مقدمه

رهبری معظم انقلاب اسلامی در میان اولویت‌های فراوان ممکن، هدف اصلی و جهت حرکت انقلاب اسلامی را رسیدن به تمدن نوین اسلامی می‌دانند:

۱. استادیار گروه حقوق دانشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی دانشگاه جامع امام حسین (ع) تهران (ataollah.bigdeli@ihu.ac.ir).

خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ این سؤال را در يك جمله ادا کنیم، خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۴/۱۴)

از منظر ایشان تمدن آرمان انقلاب (بیانات در ارتباط تصویری با نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، ۱۳۹۹/۹/۲۸) جهت‌گیری کلی آن (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۸/۳/۱) وحدت‌دهنده همه کارهای انقلاب (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۸/۸/۲۴) هدف کلی تمام ملت‌های اسلامی (بیانات در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی، ۱۳۹۸/۶/۲۷) و آماده‌کننده جهان اسلام برای ظهور (بیانیه گام دوم؛ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲) می‌دانند. رهبر انقلاب معتقدند ایجاد تمدن نوین اسلامی وظیفه اصلی و ایجادکننده فضا و راه جدیدی برای بشر است (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۴/۱۰/۸). هر چند این کار دشوار و مورد دشمنی بسیاری به ویژه صهیونیست‌ها خواهد بود (بیانات در دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۳/۱۱/۲۹) اما کاری ممکن است (بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی، ۱۳۹۸/۱۰/۸). تمدنی که در آن اسلام حاکمیت خواهد یافت (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۹۴/۸/۲۰) و پیشرفت همه جانبه محقق شده (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳) و پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن را شاهد خواهیم بود (پیام به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷). این تمدنی خودی و بومی انسجام‌بخش مجموعه‌های پراکنده خواهد بود (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۱۳۸۴/۵/۲۸) تمدن اسلامی تمدنی است که منجر به شکوفائی استعدادهای ملت (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۷۷/۱/۲۷) و موجب نجات دیگران خواهد بود (پیام به مناسبت حلول سال شمسی، ۱۳۷۳/۱/۱) خلاصه آن‌که هدف نهائی تمامی اقدامات هر مسلمانی باید تشکیل تمدن نوین اسلامی باشد، چنانچه هدف نهائی جمهوری اسلامی و تمامی ارکان آن تشکیل تمدن اسلامی است.

تمدن با این جایگاه محوری در اندیشه رهبری دارای چه عناصر اصلی است و فرهنگ در ایجاد این تمدن، به مثابه مقدمه تمدن مهدوی چیست؟ این پرسش‌ها مسئله اصلی مقاله حاضر را تشکیل می‌دهند.

پیشینه

ملاشاهی (۱۳۹۴) در مقاله پژوهشی خود «اقتضائات تحقق تمدن نوین» به تحلیل استلزامات و اقتضائات در سه بعد اساسی یعنی: عقلانی، اخلاقی و معنوی تمدن سازی پرداخته و در هر کدام نسبت و رابطه سه عنصر مذکور را با موضوع تمدن بررسی می‌کند. در بعد اخلاقی تمدن سازی اسلامی مؤلفه‌های متعددی از قبیل: حس کرامت، اصالت اخلاقی، پرهیز از خودستایی، مدارا و سعه صدر، مهرورزی و در بعد عقلانی مؤلفه‌های: اجتهاد پویا، مدیریت کارآمد، اهتمام به دانش بومی، عبرت‌گیری و همچنین در بعد معنوی مؤلفه‌های: نگرش توحیدی، مقابله با عناصر معنوی کاذب و تبیین درست مؤلفه‌های معنوی، مشخص شده و به شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی تجزیه و تحلیل شده‌اند. رجبی دوانی و خزاعی (۱۳۹۴) در مقاله پژوهشی خود، عناصر تمدن نوین اسلامی را عقل‌گرایی، عدالت‌گرایی، علم‌گرایی، جامع‌گرایی، جهان‌گرایی، آسان‌گیری اخلاق‌گرایی معرفی کرده‌اند و از الزامات تمدن سازی نوین اسلامی به این موارد اشاره کرده‌اند: توجه به علوم و معارف قرآنی، تلاش مجددانه با اعتقاد راسخ، تدوین نقشه راهبردی و کلان تربیت انسان متعالی، رعایت ارزش‌های اخلاقی در بعد علمی و عملی، بومی‌سازی علمی و فرهنگی، اصلاح سبک زندگی و رعایت ارزش‌های اخلاقی. جهان‌بین و معینی‌پور (۱۳۹۳) در مقاله پژوهشی خود تحت عنوان «فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای» ضمن بررسی مفهوم تمدن اسلامی در اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی و مراحل پیشروی انقلاب، از بیانات ایشان به این نتیجه رسیده‌اند که برای تحقق سه مرحله از زنجیره تمدن نوین اسلامی (دولت اسلامی، جامعه اسلامی و تمدن اسلامی) پیمودن چهار گام لازم است که عبارتند از: تولید نظریه توسط حوزه علمی، تولید علم توسط دانشگاه، کاربرست در سطح خرد توسط گروه‌های خودجوش نخبگانی و گفتمان سازی.

حسینی (۱۳۹۴) با اشاره به نظریه الگار و فوکو در مورد انقلاب اسلامی، توجه به مهدویت را از بنیان‌های انقلاب و حرکت بعدی آن یعنی تمدن اسلامی ارزیابی کرده است.

غلامی (۱۳۹۵) یکی از مهم‌ترین پایه‌های تمدن نوین اسلامی را در حوزه فکری - فرهنگی، عقلانیت اسلامی که منظومه‌ای فراتر از فلسفه اسلامی است توصیف نمود.

فرم‌پینی فراهانی (۱۳۹۵) نشان داده است فرهنگ یکی از مؤثرترین مؤلفه‌های تحقق تمدن نوین اسلامی است.

نصر اصفهانی (۱۴۰۰) معتقد است برای تحقق تمدن اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، سرمایه اجتماعی اصلی‌ترین قوه محرکه تمدن است و هسته اصلی حرکت سرمایه اجتماعی فرهنگ است.

حیدری خراسانی و جوان (۱۴۰۰) در پژوهشی نشان داده‌اند اولاً باور به مهدویت از بنیان‌های روی کرد تمدنی در اندیشه رهبری انقلاب است و سپس مستنداً شرح داده‌اند که ابعاد فرهنگی و نرم‌افزاری تمدن به ویژه معنویت، عقلانیت و علم از پایه‌های تمدن نوین اسلامی است، همین روی کرد کلی نیز در اندیشه استاد جوادی آملی قابل رهگیری است. قربانی و دارا (۱۳۹۸) ابعاد فرهنگی مؤثر بر ایجاد تمدن نوین اسلامی را برشمردند و نشان داده‌اند این محورهای به ویژه محور معنویت و اخلاق، در ایجاد تمدن نوین اسلامی بسیار مؤثر هستند.

محمدی پویا و ترکاشوند (۱۳۹۹) نیز به نقش مهم فرهنگ و اثر تربیت بر آن بر تمدن‌سازی از منظر رهبری پرداخته‌اند.

کرد فیروزجایی (۱۳۹۹) مبانی کلامی طرح تمدن نوین اسلامی را در اندیشه رهبری واکاوی نموده و نتیجه گرفته است قائل بودن به دین حد اکثری، عقلانیت، کرامت انسان و همراهی اهل بیت (اشاره غیرمستقیم به مهدویت) از پایه‌های اندیشه تمدنی رهبر انقلاب است. فرزانه و خطیاط (۱۳۹۷) نیز بر نقش مهم فرهنگ بر تمدن‌سازی در اندیشه رهبری تأکید دارند.

روش

روش مقاله حاضر، رجوع به بیانات مقام معظم رهبری مبتنی بر کلیدواژگان مرتبط و تقسیم این بیانات براساس مضامین اصلی و ارائه گزارشی از مضامین اصلی اثبات‌کننده ادعای مقاله است.

اولویت‌های حرکت تمدنی

رهبر معظم انقلاب، در بیانات فراوانی برای حرکت تمدنی انقلاب اسلامی اولویت‌هایی را مورد اشاره قرار داده‌اند، به عبارتی برخی حوزه‌های تمدنی نسبت به دیگر حوزه‌ها دارای اولویت هستند، البته این اولویت گاه ذاتی و موضوعی است، یعنی اصولاً هدف حرکت تمدنی انقلاب تحقق آن است و گاه ابزاری و طریقی یعنی تحقق آن پیش شرط تحقق اولویت‌های اصیل است.

شاید بتوان از این سنخ دوم به جای واژه اولویت از واژه «اولیت» بهره برد. مروری بر منظومه اندیشه رهبری معظم انقلاب نشان می‌دهد ایشان قائل به اولویت فوری اقتصاد، ضرورت امنیت و اصالت و نقش بی‌بدیل فرهنگ در حرکت تمدنی انقلاب هستند:

اولیت فوری اقتصاد، ضرورت امنیت

ایشان در سال‌های متوالی بر او دو مؤلفه تصریح نموده‌اند از جمله:

مسئله اقتصاد، مسئله اولویت‌دار کشور است؛ نه فقط امسال، که چند سال است این مسئله در رأس اولویت‌های فوری کشور قرار دارد... اولویت امروز ملت ایران، مسئله اقتصادی است و توجه کنید که اولویت دشمن هم مسئله اقتصادی است... (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۶/۱/۱).

به نظر ما، امروز مسئله اول کشور، مسئله اقتصاد و مسائل اقتصادی و مشکلات و گره‌های اقتصادی است که اینها بایستی حل بشود (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۵/۶/۳) و....

چنانچه به جایگاه امنیت اشاره نموده‌اند:

این که می‌گوئیم امنیت یکی از مهم‌ترین بخش‌هاست، به خاطر این است که هر پیشرفت دیگری متوقف به امنیت است. اگر امنیت نباشد پیشرفت علمی هم نیست، پیشرفت صنعتی و اقتصادی هم نیست؛ اگر امنیت نباشد، آرامش و اطمینان و سکینه روحی در مردم وجود ندارد. در فضای ناامن، آرزوهای بزرگ و آرمان‌های درخشان، در ذهن‌ها فراموش می‌شود؛ همه به فکر حفظ امنیت جان خود هستند. وقتی در کشور امنیت هست، آن وقت این یک عرصه‌ای است، یک بستری است برای رشد همه عناصر رشد یک کشور و عناصر پیشرفت یک کشور مسئله اقتصاد و معیشت مردم است، اشاره کنم که اقتصاد هم نیازمند امنیت است؛ بنای اقتصادی کشور هم بایستی بر یک بنیاد امنی نهاده بشود. این جمله را در این جا گفتیم به خاطر این که ولو محیط نظامی، محیط اقتصادی نیست، اما اهمیت امنیت برای همه بخش‌ها معلوم بشود؛ حتی برای مسئله اقتصاد (بیانات در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش، ۱۳۹۶/۱/۳).

اما سخن آن است که هر دوی این مؤلفه‌ها طریقت داشته و برای رسیدن به اهداف فرهنگی انقلاب به عنوان مقدمه و ابزار تحلیل می‌شوند.

اولویت اصیل فرهنگ در تمدن نوین اسلامی

پیوند تنگاتنگ آغازین بین دو واژه فرهنگ و تمدن در پاره‌ای زبان‌ها و در میان برخی جوامع و نیز پیوستگی و درهم‌تنیدگی معنایی این دو واژه با یکدیگر موجب شده تا گروه بسیاری از تمدن‌پژوهان و نظریه‌پردازان تمدنی، فهم و تعریف خود از تمدن را در پیوند و نسبت با فرهنگ و با عنایت به تفاوت‌ها و تشابهات مفهومی میان آن دو بیان نمایند. گروهی براین باورند که دو واژه، فرهنگ و تمدن به حوزه معناشناختی واحدی تعلق داشته و تا اندازه‌ای مفاهیم یکسانی را بازتاب می‌دهند؛ در این پیوند، ادوارد تایلور در کتاب فرهنگ اولیه از جمله شخصیت‌هایی است که فرهنگ و تمدن را به یک معنا به کار برده است. گروهی براین باورند که دو واژه، فرهنگ و تمدن به حوزه معناشناختی واحدی تعلق داشته و تا اندازه‌ای مفاهیم یکسانی را بازتاب می‌دهند.

به نظر می‌رسد با توجه به تفاوت معنایی فرهنگ و تمدن، هم‌معنا دانستن این دو واژه با هر دو تفسیر آن سخنی مخدوش و ناپذیرفتنی است از دیگر سو تمدن تجلی‌بخش و پدیدآورنده فرهنگ در گستره جامعه است؛ یعنی ارزش‌ها، باورها و اعتقادات برای نهادینه شدن و فراگیری خود؛ نیازمند به سازوکارها و بسترهای عینی مناسبی هستند که آن را تمدن می‌نامند؛ افزون بر این که پیشرفت تمدن و ثبات آن پایه‌های فرهنگ را استوار می‌سازد، زوایای آن را می‌گستراند و در آفرینندگی آن نقشی ژرف و گسترده داشته، حرکت فرهنگی پرتوان و پرهیمنه‌ای در جامعه پدید می‌آورد و در فرایند متقابل هریک سبب بالندگی و پیشرفت دیگری می‌شود؛ درحقیقت پس از پدید آمدن تمدن، فرهنگ و تمدن در داد و ستد با یکدیگر پیش می‌روند فرهنگ در تمدن شکوفا، شکوفا می‌شود و رشد می‌کند و هم تمدن در دامن فرهنگی قوی، توانا و بالنده در مسیر تکامل قرار می‌گیرد.

اولویت بسیار مهم کشور، فرهنگ است. فرهنگ از ادبیات و هنر تا سبک زندگی تا فرهنگ عمومی تا اخلاق تا رفتار اجتماعی، شامل همه اینهاست؛ ما در این زمینه‌ها تکلیف داریم، مسئولیت داریم؛ دستگاه‌های فرهنگی ما واقعا مسئولیت دارند در این زمینه فرهنگ با جوهر دین، با جوهر انقلاب، اساس کارهای ماست که بایستی واقعا به آن بپردازیم (بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۹۵/۶/۳).

از منظر رهبری معظم انقلاب سیاست و فرهنگ دو عنصر در هم تنیده هستند:

مسجد، [هم] پایگاه مقاومت است، هم [پایگاه] رشد فعالیت‌های فرهنگی و هدایت

فرهنگی و بصیرت فرهنگی [است]؛ در دل فرهنگ، سیاست هم هست. این را هم عرض بکنیم که معنای سیاست فقط این نیست که انسان طرفدار زید و مخالف عمرو باشد یا بعکس؛ سیاست یعنی نگاه به حرکت عمومی جامعه که کدام طرف داریم می‌رویم؛ آیا به سمت هدف‌ها داریم حرکت می‌کنیم یا زاویه گرفته‌ایم و داریم از هدف‌ها دور می‌شویم؟ معنای واقعی سیاست این است. آن وقت در خلال این نگاه، تکلیف آدم‌ها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب و جریان‌ها روشن می‌شود که آیا داریم به سمت عدالت اجتماعی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت استقلال واقعی دینی می‌رویم؟ آیا داریم به سمت ایجاد تمدن اسلامی می‌رویم، یا داریم به سمت وابستگی به غرب و وابستگی به آمریکا و تحت تأثیر قرار گرفتن نسبت به بافته‌ها و یافته‌های بی‌مغز غربی‌ها حرکت می‌کنیم؟ این خیلی مسئله مهمی است که سبک زندگی ما، ما را به کدام طرف دارد می‌کشاند؛ این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بینید از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه به حوادث جامعه باید نگاه کرد (بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران، ۱۳۹۵/۵/۳۱).

به این ترتیب، حتی سیاستی که مدنظر معظم‌له می‌باشد، سیاست برآمده از دل فرهنگ و در تناسب و نسبت با آن است.

تعریف فرهنگ در اندیشه رهبر انقلاب

رهبر معظم انقلاب تاکنون، تعاریف، متعددی از فرهنگ ارایه نموده‌اند. از منظر ایشان، فرهنگ عبارت است از:

فرهنگ به معنای خاص برای یک ملت، عبارت از ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمان‌ها، باورها، سنت‌ها، آداب و ذخیره‌های فکری و ذهنی است (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار عالمان و روحانیون تبریز، ۱۳۷۲/۵/۵).

چنانچه ایشان قائل‌اند فرهنگ «ذهنیت‌های حاکم بر وجود انسان است» (۱۳۷۸/۹/۲۳) و: بخش عمده فرهنگ، همان عقاید و اخلاقیات یک فرد یا یک جامعه است. رفتارهای جامعه هم که جزء فرهنگ عمومی و فرهنگ یک ملت است، برخاسته از همان عقاید است. در واقع، عقاید یا اخلاقیات، رفتارهای انسان را شکل می‌دهند و به وجود می‌آورند. خلقیات اجتماعی، رفتارهای اجتماعی را به وجود می‌آورند. بنابراین، درست است که مقوله فرهنگ در موارد زیادی شامل رفتارها هم می‌شود، اما اساس و ریشه فرهنگ، عبارت است از عقیده، برداشت و تلقی هر انسانی از واقعیات و حقایق عالم و نیز خلقیات فردی و خلقیات اجتماعی و ملی. بنده چند نمونه از خلقیات اجتماعی و ملی را که برای یک ملت تعیین‌کننده است، در اینجا عرض می‌کنم. مثلاً عزم و اراده، غرور ملی، احساس

توانایی، احساس قدرت بر اقدام و عمل و سازندگی، انضباط، نشاط، همکاری و مشارکت. اگر فرض کنیم ملتی همراه با ایمان و عقیده‌ای که دارد، این اخلاقیات را هم دارا باشد، خواهیم دید که چقدر در رسیدن به اهداف و آرمان‌هایش، به او کمک خواهد کرد. بنابراین، به نظر ما، مقوله فرهنگ از نظر تأثیرش در آینده یک ملت و یک کشور، با هیچ چیز دیگری قابل مقایسه نیست. اهمیت مقوله فرهنگ از این جاست (بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۹/۹/۱۹).

«فرهنگ، شاخص‌های مصداقی دارد. شاخص‌های مصداقی‌اش عقائد است، اخلاق است، آداب است» (۱۳۹۰/۳/۲۳). در این تعریف، عقاید ناظر به عقل انسان است، اخلاق ناظر به قلب انسان است و آداب نیز ناظر به جسم انسان است. در نظر مقام معظم رهبری، فرهنگ اصولاً ناظر به رفتار است اما رفتاری که ریشه در عقاید و فکر (تفکر) دارد.

نقش فرهنگ در تمدن‌سازی

از منظر رهبر انقلاب، مؤلفه‌های فرهنگی نقشی تعیین‌کننده در تمدن‌سازی انقلاب اسلامی دارند به گونه‌ای که رعایت نگاه فرهنگی شرط اصلی تحقق تمدن اسلامی است، در یک استقراء از مضامین بیانات ایشان، اصلی‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی - تمدنی که وجهی بنیادین نیز دارند به شرح زیر قابل استخراج است:

محوریت فرهنگ توحید، ولایت و ایمان (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۶/۱۲/۲۴؛ بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۹/۲؛ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳؛ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳؛ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۱۳۹۱/۵/۲۲؛ بیانات در دیدار جمعی از نخبگان حوزوی، ۱۳۸۲/۱۰/۲۹؛ بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۱/۷/۳؛ بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان، ۱۳۷۳/۸/۱۱ و ...)

محوریت اخلاق (بیانات در دیدار جمعی از شاعران و ذاکرین اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۰/۳/۳؛ بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۴/۲۹؛ بیانات در دیدار بسیجیان، ۱۳۸۵/۱/۶؛ بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۹/۱۹ و ...)

محوریت فرهنگ عدالت (گزیده‌ای از بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۸/۵/۳؛ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷؛ بیانات در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۷/۲۲ و ...)

محوریت فرهنگ عبودیت و معنویت (بیانات رهبری در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳؛ بیانات در دیدار قاریان، ۱۳۹۱/۴/۳۱؛ بیانات در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۱۳۸۵/۸/۱۸؛ بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱ و...)

محوریت فرهنگ مجاهدت،^۱ مقاومت و اخلاص (بیانات در جمع هیئت‌های دانشجویی در روز اربعین حسینی، ۱۳۹۶/۸/۱۸؛ بیانات در دیدار خانواده‌های شهدای هفتم تیر و جمعی از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، ۱۳۹۵/۴/۵؛ بیانات در دیدار جمعی از مداحان، ۱۳۹۲/۵/۱۱؛ بیانات در دیدار جمعی از ایثارگران و خانواده‌های شهدا، ۱۳۷۶/۵/۲۹ و...)

محوریت فرهنگ نفی سکولاریسم؛ فهم دین به مثابه برنامه زندگی (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰؛ بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۴/۱۲/۲۰؛ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۴/۲۰ و...)

محوریت فرهنگ استقلال، آزادی، نظام انقلابی (پویائی و پایائی یا نوگرایی نظام‌مند) (سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۹/۱/۳؛ بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)

محوریت فرهنگی عزت‌مداری و اتحاد (بیانات در دیدار جمعی از موکب‌داران عراقی، ۱۳۹۸/۶/۲۷؛ بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۸/۴/۱۲؛ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۷/۳/۲۵ و...)

۱. در بیان مقام معظم رهبری، واژه مجاهدت واژه‌ای استراتژیک است که با توجه به آثار عمیق آن در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی، در مناسبت‌های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده‌اند. ایشان با استناد به آیه «والذین جاهدوا فینا لنهیدینهم سبلنا وإن الله لمع المحسنین» (عنکبوت: ۶۹) معتقدند که در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و دریافت تأییدات الهی قطعی است. در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مجاهدت فوق با تلاش معمولی بسیار تفاوت دارد که اصلی‌ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق، موضوع مهم اخلاص است (بیانات، ۱۳۸۳/۳/۲۲ و ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). در آیه فوق با توجه به قید «فینا» و تأکید «لنهدینهم» به صراحت درباره همه امور جهادی که در جهت رضای الهی باشد، وعده موفقیت قطعی و نصرت الهی داده شده است. بنابراین به اعتقاد معظم له، مجاهده یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن اسلامی است. ایشان معتقدند برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی باید جهاد کرد. جهاد اکبر، مبارزه با نفس و جهاد اصغر، مبارزه با دشمن خارجی و استکبار جهانی است. مقام معظم رهبری با مطرح کردن جهاد سیاسی، جهاد اقتصادی و جهاد علمی، مسلمانان را تشویق به مجاهدت می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه آن حضرت، جهاد در همه زمینه‌ها موجب پیشبرد اهداف متعالی می‌شود و در مقابل دشمن عقب‌نشینی نمی‌شود. ایشان در دیدار مسئولان کشور در روز عید مبعث در سال ۱۳۹۰ در خصوص مجاهدت و می‌فرمایند: «اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه‌هایی که پیغمبر گذاشتند - پایه ایمان، پایه عقلانیت، پایه مجاهدت، پایه عزت - پایه‌های اصلی جامعه اسلامی است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۴/۹ و ۱۳۹۲/۸/۲۹).

محوریت فرهنگ خردورزی و پرهیز از تحجر (بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۴/۲۹؛ بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۱۳۸۸/۴/۲۹؛ بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی، ۱۳۸۳/۷/۵ و...) (۱)

فرهنگ مردم‌سالاری دینی^۱ (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۶/۳/۱۷؛ بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله علیه، ۱۳۹۵/۳/۱۴؛ بیانات در جمع خانواده‌های شهدا و ایثارگران کرمانشاه، ۱۳۹۲/۷/۲۱ و...)

فرهنگ توجه به علم اقتدار و عزت‌آفرین^۲ (بیانات، ۱۳۹۰/۱۱/۱۴؛ بیانات در دیدار جمعی از

۱. در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مردم نقشی بی‌بدیل در تمدن اسلامی دارند. ایشان ضمن تبیین شاخصه‌های بارز مکتب سیاسی امام خمینی رحمته‌الله علیه از مردم به عنوان عامل شاخص یاد می‌کند که مورد توجه تام امام بوده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، هویت انسانی، هم‌ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. از این رو، مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام که از متن اسلام گرفته شده است، مردم‌سالاری حقیقی است. مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت امام را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوائل انقلاب می‌دانند و معتقدند که رأی مردم تعیین‌کننده است و این به دلیل کرامت آن‌هاست که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنان واگذار شده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است. از «امرهم شوری بینهم» (شوری: ۲۸) و «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است (بیانات، ۱۳۸۳/۸/۱۴).

ایشان در بخشی از کتاب طرح کلی می‌فرمایند:

از عوامل دیگر تحقق تمدن نوین اسلامی، مقتضیات، شرایط و امکانات و توانایی‌هاست. مقتضیات و شرایط مربوط به فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه است. برای مثال، تا زمانی که در مردم اراده حرکت به پیش و تحول به وجود نیاید، امکان حرکت به سوی تمدن نیست؛ یعنی تا زمانی که مردم شرایط موجود را به خوبی درک نکنند و آمادگی رهایی از چنین وضعی را نداشته باشند، ساخت تمدن ممکن نخواهد بود. تحقق تمدن نوین اسلامی و حکومت اسلامی، ارتباط مستقیم با مردم و مردمی بودن دارد. حکومت اسلامی و تمدن نوین اسلامی، بهترین وسیله برای دخالت مردم در اداره امور است و در حکومت اسلامی، حرکت اصلی به دوش مردم و تابع اختیار آنهاست (طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن) - برای تفصیل سخنان ر.ک:

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=7667>

۲. در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردای بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. به اعتقاد ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فروگذار نمی‌کند و بنابراین، باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است.

نخبگان علمی، ۱۳۸۳/۷/۵؛ بیانات در دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲ و...)
 فرهنگ دشمن‌شناسی و استکبارستیزی (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در مسابقات
 بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۷/۲/۶؛ بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۳۹۷/۱۲/۷؛ بیانات در
 دیدار مردم آذربایجان شرقی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۹ و...)

فرهنگ امید به آینده و باور به «ما میتوانیم» و نیروهای داخلی (بیانات در دیدار مردم قم،
 ۱۳۹۷/۱۰/۱۹؛ بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در کنگره «نقش شیعه در پیدایش و گسترش
 علوم اسلامی»، ۱۳۹۷/۲/۲۲؛ بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲؛ بیانات در دیدار جمعی از
 دانشجویان، ۱۳۹۵/۲/۸؛ بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی رحمته‌الله،
 ۱۳۹۵/۳/۱۴؛ بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹؛ بیانات در
 دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۸/۲۹)

فرهنگ جامع‌نگری (بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۸/۴/۱۲؛ بیانات در دیدار اقشار
 مختلف مردم، ۱۳۹۵/۵/۱۱؛ بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی،
 ۱۳۹۴/۶/۲۵؛ بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و
 فناوری، ۱۳۹۴/۸/۲۰؛ بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹؛ بیانات در
 دیدار دانشجویان، ۱۳۹۲/۵/۶؛ دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی
 پیشرفت با رهبر انقلاب، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ و...)

تمامی این مؤلفه‌ها از مؤلفه‌های ضروری فرهنگ هستند که نقشی بی‌بدیل در حرکت به
 سمت تمدن نوین اسلامی خواهند داشت و بدون توجه به آنها این حرکت ابر خواهد ماند؛ اما
 شاید از میان این مؤلفه‌ها هیچ مؤلفه‌ای مانند فرهنگ مهدوی و توجه هب بحث مهدویت
 مؤثر در این حرکت نباشد:

به اعتقاد ایشان، ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون
 معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی
 توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید. تأکید رهبر
 معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد،
 عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. بر عکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در
 خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا
 از فناوری بالایی هسته‌ای در قتل و عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناگازاکی است (بیانات، ۱۳۸۵/۸/۲۰).

نقش فرهنگ مهدوی در تمدن‌سازی

از منظر رهبر معظم انقلاب، فرهنگ مهدوی، چشم‌انداز انقلاب اسلامی و موجه‌کننده تمامی حرکات انقلاب است، آینده روشن برای بشریت در اندیشه مقام معظم رهبری، همان تمدن اسلامی است که مصداق کامل آن در زمان ظهور و تشکیل حکومت و تمدن جهانی مهدوی خواهد بود و از آن تعبیر به مهدویت نیز می‌شود. اساس تحقق تمدن نوین اسلامی، زمینه‌سازی ساختاری و زیربنایی، به صورت فکری و عملی برای ظهور حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف و بنای نظام اصیل اسلامی است؛ بنابراین غایت تمدن‌سازی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران، اتصال به قیام بقیة الله و نهضت مهدوی است.^۱ ایشان امید به چنین آینده‌ای را از آموزه‌های همه ادیان و مذاهب اسلامی می‌دانند و معتقدند:

اصل امید به یک آینده روشن برای بشریت و ظهور یک موعود، یک منجی، یک دست عدالت‌گستر در سرتاسر جهان، تقریباً مورد اتفاق همه ادیانی است که در عالم سراغ داریم (بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۸/۲۵).

ایشان قائل به وضعیتی نابه سامان در جامعه جهانی کنونی هستند آن را منطبق بر پیش‌بینی‌های امامان معصوم در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف می‌دانند و معتقدند:

مسئله، مسئله گره در کار شخص من و شخص شما نیست. امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف برای این که فرج برای همه بشریت به وجود بیاورد، ظهور می‌کند که انسان را از فروبستگی نجات بدهد؛ جامعه بشریت را نجات بدهد؛ بلکه تاریخ آینده بشر را نجات بدهد. این معنایش این است که آنچه را که امروز وجود دارد؛ این نظم بشری غیرعادلانه، این نظم بشری‌ای

۱. این آموزه، ریشه در اندیشه ناب اسلامی حضرت امام خمینی رحمته الله علیه دارد:

همه ما انتظار فرج داریم و باید در این انتظار، خدمت کنیم. انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه بشود. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵ ش: ج ۷، ۲۵۵)

امیدوارم که این انقلاب یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیة الله - ارواحنا له الفداء - باشد. (همان: ج ۱۶، ۸۸)

ان شاء الله اسلام را آن طور که هست در این مملکت پیاده کنیم و مسلمین جهان نیز اسلام را در ممالک خودشان پیاده کنند... و مقدمه باشد برای ظهور ولی عصر - ارواحنا له الفداء - (همان: ج ۱۵، ۱۷)

خداوند بر ما منت بنه و انقلاب اسلامی ما را مقدمه فرو ریختن کاخ‌های ستم‌جباران و افول ستاره عمر متجاوزان در سراسر جهان گردان و همه ملت‌ها را از ثمرات و برکات وراثت و امامت مستضعفان برخوردار فرما (همان: ج ۲۰، ۱۱۸)

«مستولان ما بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست، انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچم داری حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد» (همان: ج ۲۱، ۳۲۷).

که در آن انسان‌های بی‌شماری مظلوم واقع می‌شوند، دل‌های بی‌شماری گمراه می‌شوند، انسان‌های بی‌شماری فرصت عبودیت خدا را پیدا نمی‌کنند، مورد رد و اعتراض بشری است که منتظر ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه است. انتظار فرج یعنی قبول نکردن و رد کردن آن وضعیتی که بر اثر جهالت انسان‌ها، بر اثر اغراض بشر بر زندگی انسانیت حاکم شده است. این معنی انتظار فرج است. امروز شما به اوضاع دنیا نگاه کنید، همان چیزی که در روایات مربوط به ظهور ولی عصر عجل الله تعالی فرجه وجود دارد، امروز در دنیا حاکم است؛ پر شدن دنیا از ظلم و جور. امروز دنیا از ظلم و جور پر است. در روایت و ادعیه گوناگون و زیارات مختلف مربوط به ولی عصر عجل الله تعالی فرجه دارد که «یملأ الله به الأرض قسطاً و عدلاً كما ملئت ظلماً و جوراً»؛ هم‌چنانی که یک روزی همه عالم از ظلم و جور پر بوده است - در روزگاری ظلم و جور، وضع حاکم بر بشر بوده است - همان‌طور خدای متعال در زمان او عدل و داد را وضع حاکم بر بشریت قرار خواهد داد... امروز همین است؛ امروز ظلم و جور حاکم بر بشریت است. زندگی بشر امروز زندگی مغلوب و مقهور دست ظلم و استبداد در همه دنیا است. در همه جا این جور است. بشریت، امروز بر اثر غلبه ظلم، غلبه اغراض و هواهای نفسانی دچار مشکلات فراوان اند. دو میلیارد گرسنه در دنیای امروز، وجود میلیون‌ها انسانی که در نظام‌های طاغوتی مغلوب هوای نفس قدرتمندان طاغوتی هستند، حتی فشار بر مؤمنین و مجاهدین فی سبیل الله و مبارزان راه حق و ملتی مثل ملت ایران که توانسته است در یک مجموعه محدودی، در یک فضای معینی، پرچم عدل و داد را بلند بکند و فشار بر مجاهدان فی سبیل الله، همه نشانه سیطره ظلم و جور بر دنیا است. این، انتظار فرج را با وضعیت کنونی زندگی انسان در دوره‌های مختلف معنا می‌کند. امروز ما انتظار فرج داریم. یعنی منتظریم که دست قدرتمند عدالت‌گستری بیاید و این غلبه ظلم و جور را که همه بشریت را تقریباً مقهور خود کرده است، بشکند و این فضای ظلم و جور را دگرگون کند و نسیم عدل را بر زندگی انسان‌ها بوزاند، تا انسان‌ها احساس عدالت کنند. این نیاز همیشگی یک انسان زنده و یک انسان آگاه است؛ انسانی که سر در پیله خود نکرده باشد، به زندگی خود دل خوش نکرده باشد. انسانی که به زندگی عمومی بشر با نگاه کلان نگاه می‌کند، به طور طبیعی حالت انتظار دارد. این معنای انتظار است. انتظار یعنی قانع نشدن، قبول نکردن وضع موجود زندگی انسان و تلاش برای رسیدن به وضع مطلوب، که مسلم است این وضع مطلوب با دست قدرتمند ولی خدا، حضرت حجت بن الحسن، مهدی صاحب زمان عجل الله تعالی فرجه تحقق پیدا خواهد کرد (دیدار اقشار مختلف مردم در روز نیمه شعبان، ۱۳۸۷/۵/۲۷).

ما آن وقت می‌توانیم حقیقتاً منتظر به حساب بیائیم که زمینه را آماده کنیم. برای ظهور مهدی موعود (ارواحنا فداه) زمینه باید آماده بشود؛ و آن عبارت از عمل کردن به احکام اسلامی

و حاکمیت قرآن و اسلام است... اولین قدم برای حاکمیت اسلام و برای نزدیک شدن ملت‌های مسلمان به عهد ظهور مهدی موعود (ارواحنافداه و عجل‌الله فرجه)، به وسیله ملت ایران برداشته شده است؛ و آن، ایجاد حاکمیت قرآن است (بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۷۰/۱۱/۳۰). «شما موظفید این نظام را به شکل پیراسته، سالم و خالص حفظ کنید به همان شکلی که بشود به حضرت ولی عصر عجل‌الله تعالی فرجه الشریف تحویل داد» (بیانات، ۱۳۷۷/۱۱/۶) و...^۱ بنابراین در منظر ایشان مهدویت همان چشم‌انداز نهایی و نقطه مطلوب حرکت به سوی ساخت تمدن اسلامی است. اما توجه به این نکته بسیار مهم است که «البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران ظهور حضرت بقیه‌الله (ارواحنافداه) است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد. بعضی کسان خیال می‌کنند دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، آخر دنیاست! من عرض می‌کنم دوران ظهور حضرت بقیه‌الله، اول دنیاست؛ اول شروع حرکت انسان در صراط مستقیم الهی است» (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴).

از آنچه نقل شد و ده‌ها بیان دیگر از ایشان، به روشنی معلوم می‌گردد که توجه به فرهنگ مهدوی، اساس نظری و بنیاد موجه‌ساز انقلاب اسلامی است. بدون توجه و تقویت فرهنگ انتظار و امید به آینده مهدوی، نه تنها گام نهادن در راه تمدن نوین اسلامی در عصر غیبت ممتنع است بلکه انقلاب اسلامی نیز پایه‌ای‌ترین بنیاد تئوریک و نظری خود را از دست می‌دهد؛ به عبارتی هر فعالیت فکری و فرهنگی در فضای انقلاب اسلامی باید ربطی وثیق با مسئله مهدویت پیدا کند و هدف نهایی آن باید تقویت روحیه انتظار در میان شیعیان باشد.

نتیجه‌گیری

معنای بنیادین و موجه‌ساز انقلاب اسلامی چه در کلام حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه و چه در اندیشه مقام معظم رهبری، انتظار ظهور و مقدمه‌سازی برای تحقق ملک و دولت مهدوی است؛ تمامی راهبردها، سیاست‌ها و اقدامات انقلاب اسلامی باید برای زمینه‌سازی ظهور باشد و

۱. برای دیدن مضامین مشابه رک: بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین (علیه‌السلام)، ۱۳۹۶/۲/۲۰؛ بیانات در دیدار مردم قم، ۱۳۹۱/۱۰/۱۹؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان، ۱۳۸۷/۸/۲۵؛ بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت نیمه‌ی شعبان در مصلاهی تهران، ۱۳۸۱/۷/۳۰؛ بیانات در دیدار مسئولان و اقشار مختلف مردم، ۱۳۶۸/۱۲/۲۲ و...

تمدن نوین اسلامی در واقع، تمدنی است آماده و آماده‌ساز برای ظهور منجی بشریت. تمدن نوین اسلامی تمدنی است که در حدود امکانات عصر غیبت، خود را برای محقق کردن تمدن مهدوی آماده می‌نماید. عنصر اصلی این آمادگی عنصری ذهنی - قلبی است که در تعابیر رهبر معظم انقلاب، به آمادگی فرهنگی تعبیر می‌شود.

از منظر رهبر انقلاب برای نیل به تمدن نوین اسلامی، دو دسته اولویت وجود دارد، اقتصاد نیاز فوری و اولی کشور است اما طریقت دارد؛ امنیت نیز شرط ضروری حرکت تمدنی جمهوری اسلامی است اما آن نیز در نهایت طریقت خواهد داشت، آنچه اصیل بوده و دارای اولویت مطلق در حرکت تمدنی انقلاب اسلامی برای تحقق زمینه‌سازی ظهور است، فرهنگ است. از منظر ایشان فرهنگ ذخیره‌های اندیشه‌ای و ذهنی است، یعنی اعتقادات و اخلاقیات که در نهایت منجر به رفتار می‌شود، بخش عمده فرهنگ همان رفتار است اما رفتاری که ریشه در عقاید و ذهنیات دارد. ایشان فرهنگ و مؤلفه‌های فرهنگی را مؤثرترین حوزه در حرکت تمدنی می‌دانند، در استقرائی از بیانات ایشان فرهنگ به مؤلفه‌های فراوانی تقسیم می‌شود که همگی از نقش مهمی در حرکت تمدنی انقلاب ایفا می‌کنند، زیر شاخه‌هایی چون: فرهنگ توحید، ولایت و ایمان؛ اخلاق؛ فرهنگ عدالت، فرهنگ عبودیت و معنویت؛ فرهنگ مجاهدت، مقاومت و اخلاص؛ فرهنگ استقلال خواهی و آزادی خواهی؛ فرهنگ عقلانیت و خردورزی و... اما می‌توان به جرأت گفت فرهنگ انتظار مهدوی از پایه‌ای‌ترین مؤلفه‌های فرهنگی برای حرکت تمدنی انقلاب است. بدون توجه به فرهنگ انتظار، انقلاب اسلامی بی‌بنیاد و تمامی فعالیت‌های فرهنگی بی‌فایده خواهد شد و حرکت تمدنی نیز معنای خود را از دست می‌دهد. اصولاً حرکت تمدنی انقلاب اسلامی با محوریت معنای مقدمه‌سازی برای ظهور و انتظار سازنده و فعال شکل گرفته است و ذهنیت و تفکر غالب در میان انقلابیون همین ذهنیت و سپس رفتارهای متناسب با آن بوده است. لذا می‌توان در مقام توصیه، به تمامی سیاست‌گذاران توصیه نمود دلالت صریح منظومه فکری رهبری انقلاب، تأکید بر تعمیق مفاهیم حوزه مهدویت به عنوان اصلی‌ترین کنش فرهنگی - تمدنی انقلاب اسلامی است.

منابع

قرآن کریم

۱. ترابی، محسن؛ عزتی، امیرحسین؛ چهاردولی، عباس (۱۳۹۹ش)، «مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی و الزامات شکل‌گیری و ثمرات آن مبتنی بر بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، *مدیریت اسلامی*، شماره ۱۱۰.
۲. جوان، جواد؛ حیدری خراسانی، محمدجواد (۱۴۰۰ش)، «نگرشی بر تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (دام عزه) و حضرت آیت‌الله جوادی آملی (دامت افاضاته)»، *مطالعات دولت پژوهی در جمهوری اسلامی ایران*، سال هفتم، شماره ۳.
۳. جهان‌بین، فرزاد؛ معینی‌پور، مسعود (۱۳۹۳ش)، «فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای»، *مطالعات انقلاب اسلامی*، سال یازدهم، شماره ۳۹.
۴. حسینی، سیدعلی (۱۳۹۴ش)، «نگاهی به نسبت مهدویت، انقلاب اسلامی و تمدن نوین اسلامی»، *کیهان فرهنگی*، شماره ۳۵۰ و ۳۵۱.
۵. رجبی دوانی، محمدحسین؛ خزاعی، علی (۱۳۹۴ش)، «تمدن نوین اسلامی مؤلفه‌اثرگذار بر استحکام ساخت درونی نظام جمهوری اسلامی ایران»، *مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی*، دانشگاه شاهد.
۶. غلامی، رضا (۱۳۹۵ش)، «توصیفی نو از عقلانیت اسلامی و نقش آن در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی»، *علوم انسانی اسلامی صدر*، شماره ۱۸.
۷. فرزانه، محمدباقر؛ خیاط، علی؛ صفروپور، هادی (۱۳۹۷ش)، «تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، شماره ۱۱۸.
۸. فرمehینی فراهانی، محسن (۱۳۹۵ش)، «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی»، *مطالعات ملی*، شماره ۶۷.
۹. قربانی، سعید؛ دارا، جلیل (۱۳۹۸ش)، «بازشناسی نقش مؤلفه‌های فرهنگی حکومت اسلامی در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری، پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲.
۱۰. کرد فیروزجائی، اسداله (۱۳۹۹ش)، «بازشناسی و تحلیل پیش‌انگاره‌های تحقق تمدن

- نوین اسلامی با رویکرد کلامی با تأکید بر اندیشه امام خامنه‌ای، «مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۵».
۱۱. محمدی پویا، فرامرز؛ ترکاشوند، سینا (۱۳۹۹ش)، «تربیت زمینه‌ساز تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی)»، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۴۶.
۱۲. ملاشاهی، مریم (۱۳۹۴ش)، «اقتضائات تحقق تمدن نوین اسلامی»، مجموعه مقالات همایش ملی تمدن نوین اسلامی، دانشگاه شاهد.
۱۳. ملایی، حسن (۱۳۹۴ش)، «جایگاه و کارکردهای آموزه مهدویت و انتظار در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، از دیدگاه امام خامنه‌ای (دام ظلّه)»، فصل‌نامه پژوهش‌های مهدوی، سال سوم، شماره ۱۲.
۱۴. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۵ش)، صحیفه نور، تهران: بنیاد حفظ و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۱۵. نصر اصفهانی، محسن (۱۴۰۰ش)، «طراحی مدل تمدن‌سازی نوین اسلامی با نقش میانجی‌گری سرمایه اجتماعی براساس بیانات مقام معظم رهبری»، پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۳۶.
۱۶. بیانات رهبر معظّم انقلاب آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در: <https://farsi.khamenei.ir>

An attitude towards the ideology of freedom and justice in the Iranian Islamic revolution and the Soviet and French revolutions

Mohammad Zamani¹

Abbas Asadi Sisi²

Abstract

In all periods of world history, there have been revolutions all over the world, but these revolutions have occurred for different reasons, but in general, they can all be put in a common nature, but the Islamic Revolution of Iran, unlike all revolutions that are aimed at achieving the goals Material and with human ideology have taken place in Iran's Islamic revolution, not only material goals were considered, but it was based on divine goals. But the fundamental difference between these revolutions should be found in the definition that each ideology makes of the principle of freedom and the principle of justice. In this research, a comparison has been made between the principles of freedom and justice between the Iranian Islamic revolution and the French and Soviet revolutions as two symbols of the two systems of the West and the East and one of the biggest contemporary revolutions in the world, and the Soviet and French revolutions have two ideologies respectively. They were the origin of liberal and socialist discourse in the last century, but the Islamic revolution of Iran has presented a third discourse to contemporary humanity. In this discourse of freedom and justice, just as it negates the Marxist ideology that is associated with social justice with acts of violence and dictatorship, it also negates the liberal ideology that is unrestricted and bound by freedom, and in this discourse, individual freedom is placed next to social justice. This research or descriptive and analytical approach has been collected and organized using the library method

Keywords: Islamic revolution of Iran, Soviet revolution, French revolution, freedom, justice, socialism, liberalism

1. Graduated with a law degree from Mofid University of Qom and a fourth-level student of Qom Seminary (Responsible Author)
2. Third level student of Qom seminary and senior student of Islamic art specialized center

نگرشی به ایدئولوژی آزادی و عدالت در انقلاب اسلامی ایران و انقلاب شوروی و فرانسه

محمد زمانی^۱

عباس اسدی سیسی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۱۱

چکیده

در تمام ادوار تاریخ جهان انقلاب‌هایی در سراسر جهان رخ داده است اما این انقلاب‌ها هر چند به علل مختلفی رخ داده است لکن در کل، همه آنها را می‌توان در یک ماهیت مشترک قرار داد ولی انقلاب اسلامی ایران به خلاف تمامی انقلاب‌ها که برای رسیدن به اهداف مادی و با ایدئولوژی انسانی به وقوع پیوسته‌اند در انقلاب اسلامی ایران صرفاً اهداف مادی مدنظر نبود و اساس آن اهداف الهی را دنبال می‌کرد. اما اختلاف اساسی این انقلاب‌ها را باید در تعریفی که هر ایدئولوژی در اصل آزادی و اصل عدالت می‌کند، جستجو کرد. در این پژوهش مقایسه‌ای در اصل آزادی و عدالت در میان انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و شوروی به عنوان دو سمبل از دو نظام غرب و شرق و از بزرگ‌ترین انقلاب‌های معاصر جهان، صورت گرفته شده است و انقلاب شوروی و فرانسه دارای دو ایدئولوژی به ترتیب منشاء رواج گفتمان لیبرالیستی و سوسیالیستی در قرن گذشته شدند ولی انقلاب اسلامی ایران گفتمان سومی را به بشریت معاصر عرضه کرده است. در این گفتمان آزادی و عدالت هم‌چنان که ایدئولوژی مارکسیستی که به عدالت اجتماعی همراه با اعمال خشونت و دیکتاتوری است، نفی می‌کند، ایدئولوژی لیبرالیستی را که به آزادی بی‌قید و بند است را نفی می‌کند و در این گفتمان آزادی فردی در کنار عدالت اجتماعی قرار می‌گیرد. این پژوهش یا رویکرد توصیفی و تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و تنظیم شده است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی ایران، انقلاب شوروی، انقلاب فرانسه، آزادی، عدالت، سوسیالیسم، لیبرالیسم.

۱. فارغ‌التحصیل کارشناسی حقوق دانشگاه مفید قم و طلبه سطح چهار حوزه علمیه قم (نویسنده مسئول).

۲. طلبه سطح سه حوزه علمیه قم و دانشجوی ارشد مرکز تخصصی هنر اسلامی.

ویژگی خاص انقلاب ایران در مقایسه با انقلاب‌های بزرگ دیگر جهان، مثل شوروی و فرانسه پایه‌گذاری آن بر مبنای دین اسلام هست که این دین جامع‌نگر و جهان‌شمول است. این انقلاب با هدف احیای ارزش‌های اسلامی، انسانی و حاکمیت بخشیدن به دین خداوند، جدا از هرگونه گرایش و تأثیرپذیری از مکتب‌های بشری به انجام رسید. در هر پدیده مقایسه موارد مشابه می‌تواند در شناخت هر چه بیشتر آنها مفید واقع شود. در تاریخ جهان انقلاب‌هایی رخ داده و ممکن است بین این انقلاب‌ها تشابهات فراوانی وجود داشته باشد. برخی از محققین غربی که پدیده، انقلاب را بررسی می‌کردند متوجه شدند که بین انقلاب شوروی و انقلاب‌های فرانسه و دیگر انقلاب‌ها شباهت‌هایی وجود دارد. اما انقلاب اسلامی خط بطلان بر نظریات این مکتب کشید، هرچند در بعضی موارد انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها وجه تشابه دارد. ولی در کل تفاوت‌های بسیاری با آنها دارد. در این نوشتار انقلاب فرانسه و شوروی را به عنوان دو سبب از دو نظام غرب و شرق و دو ایدئولوژی متفاوت شناخته شده، با انقلاب اسلامی ایران که ایدئولوژی مذهبی (شیعه) و دینی (اسلام) دارد مقایسه کرده و به تفاوت‌های اساسی در ایدئولوژی آنان یعنی اصل آزادی و اصل عدالت خواهیم پرداخت.

اهمیت و ضرورت این موضوع به این جهت مهم است که هر حکومت دارای یک هویت و یک هدف و آرمانی است و دارای یک تعریفی از اصل آزادی و اصل عدالت بر مبنای ایدئولوژی خود می‌باشد. و ما به وسیله شناخت انقلاب که پایه‌ریزی یک حکومت است می‌فهمیم نگرش آن با توجه به ایدئولوژی خود نسبت به آزادی و عدالت در میان مردم چگونه است و برای درک درست از هر پدیده‌ای، باید آن را با موارد مشابه مقایسه کنیم تا متوجه بشویم که تفاوت‌های آنها در چیست تا دید کامل‌تری نسبت به آن پیدا و در مسیر درستی به سمت آن گام برداریم. در این پژوهش نگرش انقلاب اسلامی ایران را با دو انقلاب شوروی و فرانسه در مورد اصل آزادی و اصل عدالت با توجه به ایدئولوژی آنان مقایسه کنیم تا به درستی مفاهیم آزادی و عدالت در انقلاب اسلامی ایران را به جهانیان معرفی کنیم.

پژوهش حاضر درصدد پاسخگویی به این سؤال است که نگرش انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها با توجه به ایدئولوژی در اصل آزادی و اصل عدالت چیست؟

فرضیه مقاله این است که انقلاب اسلامی ایران ویژگی‌های منحصر بفرد خود را دارد چرا که مبنای انقلاب دین اسلام بوده و با هدف احیای ارزش‌های اسلامی از جمله اصل آزادی و اصل

عدالت می‌باشد و همین امر باعث تفاوت آن با دیگر انقلاب‌ها از جمله شوروی و فرانسه شده است چرا که ایدئولوژی آنان سبب تعریفی دیگر از اصل آزادی و اصل عدالت شده است. هدف از نگارش پژوهش حاضر شناخت اصل آزادی و اصل عدالت در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران و رسیدن به ریشه‌های اصلی به وجود آمدن این نگرش در انقلاب و تفاوت‌های آن با ایدئولوژی دیگر انقلاب‌ها در مسئله آزادی و عدالت از جمله انقلاب‌های شوروی و فرانسه که نماد انقلاب‌های شرق و غرب، می‌باشد.

در ارتباط با پیشینه مقاله؛ اشخاصی کتاب‌ها و مقالات ارائه داده‌اند که می‌توان به کتاب منوچهر محمدی، کتابی به نام انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و روسیه (۱۳۹۱) و مقاله آقای مثل علی کاظمی تحت عنوان بررسی تطبیقی انقلاب اسلامی با انقلاب‌های بزرگ دنیا (۱۳۸۸) و مقاله آقایان علی شیرخانی و جعفر ساسانی تحت عنوان مقایسه پیامدهای سیاسی انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر دگرگونی ساختار سیاسی (۱۳۹۸) اشاره کرد ولی به خاطر این‌که اولاً کتب و مقالات تمام ابعاد پرداخته و به طور تخصصی به تفاوت دو انقلاب آن‌هم در مسئله اصل آزادی و اصل عدالت پرداخته نشده است و ثانياً پژوهش حاضر درصدد بررسی هر دو انقلاب شرق و غرب که سمبل آنها شوروی و فرانسه می‌باشد، را پرداخته است و ثالثاً به روز بودن مباحث این مقاله نگرشی را به مخاطب عرضه داشته است.

این پژوهش در سه گفتار به بررسی انقلاب اسلامی ایران و تفاوت آن با سایر انقلاب‌ها پرداخته به این صورت که در گفتار اول به کلیات و مفاهیم در چهار بند؛ بند اول ایدئولوژی و بند دوم اصل آزادی و در بند سوم اصل عدالت بند چهارم و در گفتار دوم به تفاوت اصل آزادی و اصل عدالت در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب شوروی (نماد انقلاب شرق) در دو بند؛ بند اول تفاوت اصل آزادی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب شوروی و بند دوم تفاوت اصل عدالت در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب شوروی و در گفتار سوم به تفاوت انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه (نماد انقلاب غرب) در دو بند؛ بند اول تفاوت اصل آزادی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و بند دوم تفاوت اصل عدالت در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه می‌پردازد.

این پژوهش یا رویکرد توصیفی و تحلیلی و با استفاده از روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری و تنظیم شده است.

مفهوم‌شناسی

۱. ایدئولوژی

واژه ایدئولوژی ترکیبی از «ایده» و «لوژی» است و در نخستین کاربرد به معنای دانش «ایده‌شناسی» یا «علم مطالعه ایده‌ها» بود (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ۹۲). در تاریخ تمدن غرب از ایدئولوژی تعاریفی ارائه شده است. برخی از تعاریف رائج عبارتند از:

- فرایند تولید معانی، علائم و ارزش‌ها در زندگی اجتماعی؛
- مجموعه‌ای از اندیشه‌های مختص گروه یا طبقه خاص؛
- اندیشه‌هایی که مشروعیت بخشیدن به قدرت سیاسی حاکم را یاری می‌دهند؛
- ارتباطاتی که منظمًا تحریف می‌شوند؛
- اشکالی از تفکر که بر اثر منافع اجتماعی برانگیخته می‌شوند؛
- ترکیب گفتمان و قدرت؛
- مجموعه باورهای عمل‌محور؛
- فرایندی که از طریق آن زندگی اجتماعی به واقعیت طبیعی بدل می‌شود (تری ایگلتون، ۱۳۸۱ش: ۱۹-۲۰).

منوچهر محمدی در کتاب *تحلیلی بر انقلاب اسلامی* می‌نویسد:

ایدئولوژی عنصر متغیری است که به جدایی بین گروه‌های اجتماعی منجر می‌گردد، به عبارت دیگر ساخت ارزشی هر یک از گروه‌ها می‌باشد. بدون وجود ایدئولوژی مشترک گروه‌های پراکنده اجتماعی هرگز قادر به اتحاد با یکدیگر نیستند و در نتیجه تنش‌های موجود در جامعه بدون تأثیر بر ساخت اجتماعی مضمحل و ناپدید خواهند شد. اما زمانی که آن دسته از افرادی که علائق خفته‌شان آشکار شده به سلاح ایدئولوژی نیز مسلح شوند و اگر آن ایدئولوژی ماهیت همگانی‌تر و قابلیت قبول و درک وسیع‌تری پیدا نماید، می‌تواند از محدوده میدان خود فراتر رفته و سایر گروه‌های اجتماعی را به خود جلب نموده و در نهایت ایدئولوژی‌های رقیب را از صحنه خارج کند. در چنین حالتی جامعه به دو گروه مشخص و متقابل تقسیم می‌گردد: یک گروه وسیعی که با پیروی از ایدئولوژی مسلط انقلاب معتقد به تغییر نظام سیاسی - اجتماعی حاکم بوده و درصدد واژگونی ارزش‌های مسلط می‌باشند و دسته دیگر شامل گروهی که در مقابل حرکت جدید مقاومت کرده و برای حفظ نظام و ارزش‌های حاکم تلاش می‌کنند. ایدئولوژی، نیازهای روحی افراد آشفته و ناراضی جامعه را با دو برنامه پاسخ می‌دهد: الف: چگونه باید نظام سیاسی موجود را تغییر داد (تخریب)؛ ب: و به جای آن چه چیزی را جایگزین

کرد(سازندگی)(محمدی، ۱۳۷۷ش: ۵۵).

مارکس ایدئولوژی را به معنای اندیشه‌ای دانست که در ارتباط با رفتار اجتماعی و سیاسی طبقه حاکم و برای توجیه وضعیت موجود سازمان می‌یابد. وی ایدئولوژی را اندیشه‌ای کاذب می‌دانست. این اندیشه کاذب شامل مجموعه عقاید، باورها و اعتقاداتی می‌شود که به عمل اجتماعی جهت‌ی خاص می‌دهد(پارسانیا، ۱۳۸۵ش: ۴۳).

اما برخی از متفکران اسلامی همچون استاد مطهری ایدئولوژی را مساوی مکتب دانسته‌اند. ایشان در تعریف ایدئولوژی می‌گویند:

ایدئولوژی یک تئوری کلی، طرح جامع و هماهنگ و منسجم است که هدف اصلی آن کمال انسان و تامین سعادت همگانی است و در آن خطوط اصلی و روش‌ها، بایدها و نبایدها، خوب‌ها و بدها، هدف‌ها و وسیله‌ها، نیازها و دردها و درمان‌ها، مسئولیت‌ها و تکلیف‌ها مشخص باشد و منبع الهام تکالیف و مسئولیت‌ها برای تمام افراد باشد. از نظر ایشان ایدئولوژی با مفهوم قرآنی شریعت یکی است. نیاز به ایدئولوژی همواره در جوامع بوده است و هر چه انسان بیشتر رشد کرده نیاز به این فلسفه زندگی افزون‌تر شده است. رشد و تکامل علمی و عقلی بشر عواطف و پیوندهای احساسی انسان‌ها را تضعیف نموده است و در این شرایط آنچه به بشر امروز و به طریق اولی به بشر فردا آرمان مشترک می‌دهد و ملاک خیر و شر برای او می‌گردد یک فلسفه زندگی انتخابی، آگاهانه، آرمان‌خیز، مجهز به منطق و به عبارت دیگر یک ایدئولوژی جامع است (مرتضی، ۱۳۷۸ش: ج ۲، ۵۸-۵۷).

شهید مطهری ایدئولوژی را به دو نوع تقسیم نموده است: ایدئولوژی انسانی و ایدئولوژی گروهی؛ ایدئولوژی انسانی یعنی ایدئولوژی‌هایی که مخاطب آن نوع انسان است نه یک گروه یا طبقه خاص. و در مقابل ایدئولوژی‌های گروهی داعیه‌رهایی و نجات و پیشرفت گروهی خاص را دارند. هر کدام از این ایدئولوژی‌ها مبتنی بر نوعی نگاه ویژه درباره انسان است. ایدئولوژی انسانی مانند ایدئولوژی اسلامی به فطرت و امری مشترک میان همه انسان‌ها معتقد است. همان وجدان فطری صلاحیت دعوت، مخاطب شدن و حرکت را به انسان می‌دهد. ایدئولوژی گروهی معتقد است شعور و وجدان انسان تحت تأثیر عوامل محیطی و فرهنگی شکل می‌گیرد. انسان مطلق صرف نظر از عوامل تاریخی یا اجتماعی خاص نه شعور دارد و نه وجدان و نه صلاحیت دعوت و خطاب. فلسفه‌های قومی و ملی چنین دیدی نسبت به انسان دارند. خاستگاه این فلسفه‌ها منافع طبقاتی و یا احساسات قومی و نژادی و فرهنگ قومی است

از سوی دیگر بدیهی است که تنها یک ایدئولوژی آن هم ایدئولوژی انسانی و نه گروهی، ایدئولوژی یگانه و نه مبتنی بر تقسیم و تجزیه انسان، ایدئولوژی فطری و نه سودگرایانه می‌تواند ماهیت انسانی داشته باشد و بر مبنای ارزش‌های انسانی تکیه کند (همان: ۶۱).

چالش‌های ایدئولوژیک دو ابر قدرت شرق و غرب باعث شد: اولاً درک عمیق‌تری نسبت به ایدئولوژی ایجاد شود، ثانياً نگرانی و تنفر از ایدئولوژی بیشتر گردد. در نتیجه در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ نظریه‌ای با عنوان پایان ایدئولوژی شکل گرفت (کچوئیان، ۱۳۷۶ش: ۶).

۲. آزادی

در لغت برای آزادی معانی متعددی گفته‌اند؛ از جمله، آن را به قدرت انتخاب، رهایی، ضد بندگی (دهخدا، ۱۳۸۵ش: ج ۱، ۷۷) و استقلال در عمل و از آمیختگی رها شدن (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ۲۲۴) معنا کرده‌اند. در اصطلاح نیز معانی بسیاری برای آزادی بیان شده؛ مانند: فقدان موانع در راه تحقق آرزوهای انسان، سلب مانع ترقی و تکامل (مطهری، ۱۳۸۱ش: ج ۱، ۱۳۱)، داشتن حق انجام هر عملی تا حدی که حق دیگران مورد تجاوز قرار نگیرد. مصون ماندن از اراده مستبدانه دیگران (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۴ش: ج ۱، ۱۶۴) و... می‌باشد. تفسیر درست آزادی، به انسان‌شناسی بستگی دارد و آن نیز به جهان‌شناسی وابسته است و با تفاوت این دو، تفسیر آزادی نیز متعدد و متفاوت می‌شود (موسوی خمینی، ۱۳۵۶ش: ج ۱، ۲۹).

آزادی، از امانت‌ها و موهبت‌های الهی است که خدای متعالی در انسان به ودیعه نهاده (طباطبائی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ۳۷۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۵۶ش: ج ۱، ۲۹) تا به واسطه آن، به حیات اصیل در حوزه انسان گام نهد؛ خود را از قیدهای درونی و بیرونی خلاص کند و از بردگی نفس، به بندگی حق نائل شود (موسوی خمینی، ۱۳۵۶ش: ج ۱، ۳۰)؛ پس خداوند، آفریدگار انسان و همه شئون او از جمله آزادی است و انسان در برابرش، نه تکوینی و نه تشریحی آزاد نیست (طباطبائی، ۱۳۷۵ش: ج ۱، ۶۸).

آزادی در نگاه مقام معظم رهبری: آزادی خیلی مهم است. مهم‌ترین بخش نظریه آزادی در اسلام، آزادی از این چهارچوب ماده است. نگاه مادی می‌گوید شما یک روز دنیا آمدید، چند سال هم زندگی می‌کنید، بعد هم معدوم می‌شوید، همه ما محکوم به معدوم شدن هستیم. در این قفس مادی، یک آزادی‌هایی به شما می‌دهند؛ آزادی شهوت، آزادی غضب، آزادی ظلم،

همه جور آزادی؛ این آزادی نیست. آزادی، آزادی اسلامی است؛ اسلام ما را در چهارچوب ماده محصور نمی‌کند «خلقتکم للبقاء لا للفناء» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۸ ش: ج ۱، ۲۷۲). شما برای ماندن خلق شده‌اید، آفریده شده‌اید، نه برای از بین رفتن. ما معدوم نمی‌شویم، از بین نمی‌رویم. مولوی می‌گوید: «وقت مردن آمد و جستن ز جو ...» «کل شیء هالک الا وجهه» (قصص: ۸۸) مردن، آخر کار نیست؛ مردن شروع یک مرحله جدید، [و در واقع] مرحله اصلی است (دیدار با دانشجویان در ماه مبارک رمضان، ۱۴۰۲/۱/۲۹).

۳. عدالت

عدل در لغت و اصطلاح، معانی مختلفی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: «نهادن هر چیزی به جای خود»، «حد متوسط میان افراط و تفریط در قوای درونی» (معین، ۱۳۵۱ ش: واژه عدل)، «به تساوی تقسیم کردن» (لویس معلوف، ۱۳۷۵ ش: ماده عدل)، «رعایت برابری در پاداش و کیفر دادن به دیگران، اگر عمل نیک است پاداش، و اگر بد است کیفر داده شود» (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴ ش: ج ۱، ۳۲۵). عدالت، لفظی است که با معنایی وسیع در کلیه شئون آدمی حضور مؤثر دارد. قانون عدالت یک قانون کلی و عمومی است و هر نوع دآوری و حکومت را چه در امور بزرگ و چه کوچک شامل می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴ ش: ۲۶۶). عدل ضد ظلم و جور و هم معنی قسط است، ریشه و مشتقات عدل نزدیک به سی بار در قرآن ذکر شده و این تکرار اشاره دارد به این که قرآن درباره عدل توجه فراوانی دارد (شرباصی، ۱۳۹۴ ش: ج ۱، ۴۳). معنای عرفی عدل: رعایت حقوق دیگران در برابر ظلم و تجاوز به کار می‌رود از این رو عدل را به معنی اعطاء کل ذی حق حقه گرفته‌اند (فؤادیان دامغانی، ۱۳۸۲ ش: ۲۷).

در فرهنگ علوم سیاسی آمده است؛ عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی جای داده شود که سزاوار آن است. به عبارت دیگر هر فرد براساس کار، امکانات فکری و ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار شود. همچنین عدالت اجتماعی یعنی کاربرد مفهوم عدل توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی که در یک جامعه انباشته شده است (آقابخشی و افشاری راد، ۱۳۷۴ ش: ۳۱۷).

شهید مطهری از واژه عدالت و ظلم، که درباره انسان به کار می‌رود، چنین ترسیمی ارائه

داده است:

ما افراد بشر، فردی از نوع خود را که نسبت به دیگران قصد سوئی ندارد، به حقوق آنها تجاوز نمی‌کند، هیچ‌گونه تبعیضی میان افراد قائل نمی‌گردد، در آنچه مربوط به حوزه حکومت و اداره او است، با نهایت بی‌طرفی، به همه به یک چشم نگاه می‌کند، در مناقشات و اختلافات افراد دیگر، طرفدار مظلوم و دشمن ظالم است؛ چنین کسی را دارای نوعی از کمال (یعنی عدالت) می‌دانیم و روش او را قابل «تحسین» می‌شماریم و خود او را (عادل) می‌دانیم (مطهری، ۱۳۹۹ش: ۴۵).

در مقابل آن، فردی را که نسبت به حقوق دیگران تجاوز و در محدوده قدرت خود میان افراد تبعیض قائل و بی‌تفاوت نسبت به ستمگران است، چنین کسی را دارای نوعی نقص به نام «ظلم» و خود او را «ظالم» می‌دانیم و روش او را لایق «تقبیح» می‌شماریم.

در دیدگاه شهید مطهری، «عدالت اجتماعی» عبارت است از: «ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان، و رفع موانع برای همه به طور یکسان» (مطهری، ۱۳۸۱ش: ج ۶، ۵۷). بر این پایه، عدالت اجتماعی، برابری و مساوات همگان نیست و جامعه به تعبیر استاد مطهری شبیه «پیکر» نیست که اجزاء آن اراده استقلالی نداشته باشند، بلکه عدالت اجتماعی «رعایت استحقاق» است، نه «اشتراک مطلق!» (مطهری، ۱۴۰۳ش: ۷۷).

در نتیجه عدالت اجتماعی اسلام، اگرچه تفاوت پذیرفته شده، اما تبعیض مردود است. برابری همه انسان‌ها، صرف نظر از تعلقات قومی و نژادی و طبقاتی مدنظر قرار گرفته شده است و هر انسانی به صرف انسان بودن حقوقی دارد. همه از حق حیات، مالکیت، آزادی، حق بیان برخوردارند و نقض این حقوق ظلم است. عدم ولایت انسان بر انسان اصل، اصل لاضرر، اصل انصاف و دیگر اصول همه از اصل عدالت پایه می‌گیرند.

۴. انقلاب

انقلاب در لغت برگشتن از حالی به حالی، دگرگون شدن، تغییر و تحول است و در اصطلاح رایج جهان (تلاش عده‌ای برای واژگون کردن حکومت و ایجاد حکومتی نو) به منظور تغییرات اساسی و بنیادین در تمام نهادها، مناسبات ساختار سیاسی و اجتماعی و جایگزینی سازمان نوین و مطلوب در چهارچوب اهداف و آرمان‌های خاص (حقیقت و جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۲ش: ۱۵).

شهید مطهری در تعریف انقلاب آن را یک تغییر بنیادی و اساسی در جامعه می‌داند به

گونه‌ای که جامعه از پایه و اساس دگرگون شود؛ یعنی طغیان و عصیان مردم یک ناحیه یا سرزمین به حدی برسد که نوعی نفی و طرد کامل وضع موجود و تلاش برای برقراری وضع مطلوب باشد. از دیدگاه وی می‌توان ریشه هر انقلاب را در دو چیز دانست نارضایتی کامل از وضع موجود + آرمان یک وضع مطلوب. انقلاب به این روش از یک مکتب و ایدئولوژی ارزشی برخوردار است و این ایدئولوژی متناسب با انقلاب مکتبی است که عنصر انکار و نفی وضع نامطلوب در متن تعلیماتش قرار دارد و از خصوصیات اسلام هم این است که به پیروانش حس پرخاشگری و مبارزه نامطلوب را می‌دهد (مطهری، ۱۳۶۴ ش: ۱۴۱-۱۴۲) به عبارتی همان جهاد و امر به معروف و نهی از منکر در احکام فقهی اسلام که اگر انسان از شرایط موجود ناراضی بود نباید تسلیم شرایط شود بلکه باید حداکثر تلاش خود را برای برقراری وضع مطلوب و ایدئال خود به کار ببرد. در این صورت است که انقلابی متناسب با آرمان‌ها و ایدئال‌های مطلوب و ارزش‌های والای انسانی شکل می‌گیرد (امانی توانی، ۱۳۹۳ ش: ۳۶).

مقایسه تطبیقی دیدگاه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب شوروی

در گفتار دوم به مقایسه اصل آزادی و اصل عدالت در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب شوروی بدین شکل که در بند اول تفاوت اصل آزادی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب شوروی و در بند دوم تفاوت اصل عدالت در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب شوروی پرداخته می‌شود.

۱. آزادی

اصل آزادی همان طور که در گفتار قبل گفته شد یعنی رهایی و رها شدن ولی این مفهوم آزادی در تفسیرش بستگی به جهان بینی شخص دارد که چگونه به آن بنگرد اگر به صورت مادی نگاه کنیم هر نوع رهایی را می‌توان در این اصل آزادی بگنجاند ولی اگر با جهان بینی الهی نگاه کنیم آن اصل آزادی را ظرفی برای محتوای الهی می‌بینیم یعنی آزادی در چارچوب الهی تفسیر می‌کنیم. پس با این اوصاف به تفاوت اصل آزادی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب شوروی می‌پردازیم.

الف) ایدئولوژی در ایجاد انقلاب: انقلاب کمونیستی شوروی ایده مقابله دولت را با دین پیش کشید، اساس ایدئولوژی در شوروی مارکسیسم بود که این ایدئولوژی نیز در انقلاب نقشی نداشت بلکه انقلاب کارگری محسوب می‌شد ولی در شکل‌گیری نظام بعد از انقلاب و تحولات

بعدی نقش اساسی را به عهده داشته است. اما انقلاب ایران مجدداً ایده تلفیق دین و دولت را رسمیت بخشیده که امروز در قالب جمهوری اسلامی نمود پیدا کرده است. داشتن مکتب الهی و اسلامی یکی از ویژگی‌های اساسی انقلاب اسلامی ایران است. انقلاب اسلامی ایران مثل انقلاب اکتبر شوروی یک انقلاب کارگری نبود بلکه در انقلاب اسلامی تأکید بر ایدئولوژی اسلام با تکیه بر تعالیم مکتب تشیع بود که در تشکیل مبارزات مردمی و نهایتاً سقوط نظام شاهنشاهی و نیز در شکل‌گیری تحولات بعد از انقلاب با تکیه بر اصل ولایت فقیه نقش زیربنایی داشته است.

ب) پذیرش ایدئولوژی دینی در پس از انقلاب: در انقلاب شوروی با عناد و ضدیت شدید با دین برخورد می‌کردند و دین را افیون توده‌ها معرفی نمودند. در نظام اسلامی ایران اقلیت‌ها و پیروان دیگر مذاهب آزادند به آئین و معتقدات خویش پایبند باشند و به برنامه و راه و روش خود عمل نمایند. در انقلاب اسلامی ایران بازگشت به دین و اسلام روح و اساس انقلاب است و در واقع اصلی‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی بعد دینی آن است و همین ویژگی یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های در جهان می‌باشد.

مارکسیست‌ها انسان را در مقابل جبر تاریخی مقهور می‌دانند ولی اسلام حاکمیت مطلق بر جهان و انسان را از آن خدا می‌داند و خداوند است که انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است. و اسلام انتهای سرنوشت بشر را جهانی دیگر می‌داند و آن جهان را سرای باقی می‌داند اما مارکسیست‌ها همه چیز را در ماده خلاصه و در دنیا تمام می‌کنند و مارکسیست‌ها انگیزه اصلی و زیربنای بشر را نیازهای مادی می‌دانند. اما تلقی اسلام از انسان هر دو بعد مادی و معنوی آن است. و اصالت هم با نیازهای معنوی است.

به طور کلی می‌توان گفت که این دو مکتب اختلاف‌های اساسی دارند. در اسلام جهان بینی بر محوریت الهی می‌چرخد و توحید در تمام ابعاد محور و مبنای تفکرات در انقلاب اسلامی است و این دقیقاً در مقابل مارکسیسم که جهان بینی، ماتریالیستی و ماده‌گرایی می‌باشد. حضرت امام علیه السلام در این مورد چنین می‌فرمایند:

انقلاب ما متکی بر معنویات و خداست و آنهایی که با ما موافقت آنهایی هستند که با خط توحیدی موافقت (موسوی خمینی، ۱۳۸۲ ش: ج ۲۱، ۱۵۴).

انقلاب اسلامی یک پدیده منحصر به فرد است چرا که تمام انقلاب‌ها می‌خواستند یک جامعه بهتر از نظر مادی برای انسان بسازند و هدف آنها تولید ثروت بیشتر و توزیع این ثروت

در میان مردم بود ولی انقلاب ایران دارای اهدافی متعالی تر می باشد و هدف انقلاب ایران برقراری نظام الله و حاکمیت خدا می باشد.

مارکسیسم - لنینیسم در ایران علیرغم فعالیت و تلاش زیاد به دو دلیل ناموفق بود:

۱. ماهیت الحادی و اساس مادیگری مارکسیسم - لنینیسم با طبیعت جامعه ایرانی و اعتقادات عمیق مذهبی مردم ایران در تضاد جدی بود و نمی توانست مقبولیت عام داشته باشد.

۲. وابستگی شدید مارکسیست ها به مسکو با توجه به سوابق تلخ روابط تاریخی ایران و شوروی موجب می شد که نه تنها آنها را گروهی غیرمستقل و وابسته به بیگانه شناخته بلکه خود نیز بازیچه دست سیاست های بین المللی شوروی شود تلقی گردند.

و اما اسلام به عنوان یک مذهب و مکتب الهی در اعماق قلب ها و روح های اقشار وسیع جامعه نفوذ تاریخی داشت. مذهبی که در روستاها و شهرها در میان طبقات فقیر و غنی، کارگر، کشاورز و کارمند، دانشجو و روشنفکر حداقل به راه و رسم زندگی افراد و احوال شخصیه آنها حاکم بود. جامعه ای که حداقل ۹۸٪ به صورت سنتی مسلمان هستند و اکثر آنها به دستورات کتاب آسمانی اعتقاد داشته و به احکام آن عمل می کنند آمادگی زیادتری برای پذیرفتن ایدئولوژی مزبور به عنوان ایدئولوژی تحول و تغییر سیاسی - اجتماعی و از جمله انقلاب داشتند (محمدی، ۱۳۷۷ ش: ۱۲۲-۱۲۴).

اما ویژگی هایی که ایدئولوژی اسلام را از سایر مکاتب سیاسی جدا می نماید عبارت است از:

۱. واقعیت و هستی مساوی با ماده و طبیعت نیست (ماده پرتوی از واقعیت مطلق غیرمادی است). جهان مادی پدیده ای است که از هستی و واقعیت مطلق سرچشمه می گیرد و دارای مبدأ و مدبری عالم، حکیم و قادر می باشد که بر تمام روابط و عوامل طبیعی حاکم است و همه عالم و عوامل طبیعی و حرکت ها و فعل و انفعالات در ماده، فعل خداوند و مظهر و تجلی گاه اراده اوست. در جهان بینی الهی جهان هستی تحت سرپرستی و ولایت الهی قرار دارد و موجودات مادی با ولایت و تدبیر خداوند از نقص به سوی کمال در حرکتند و بازگشت همه به سوی اوست.

۲. در این جهان بینی انسان تنها دارای بعد مادی نیست بلکه بعد معنوی هم دارد و این انسان به سوی کمال مطلق یعنی آفریننده هستی در حرکت است و کمالش در لقاء الله است. انسان موجودی ابدی و جاودانی است و با مرگ فانی و نابود نمی شود و عوامل دیگری در پیش

دارد که در آن عوالم آثار و نتایج اعمال زندگی این جهان خود را خواهد یافت.

۳. انسان موجودی است آزاد و مسئول که با اختیار حرکت تکاملی خود را به پایان می‌رساند و چون آزاد است گاهی حرکت به سوی الله را انتخاب می‌کند و گاهی به سوی شیطان حرکت می‌کند (محمدی، ۱۳۷۷ش: ۱۵۲).

سلب اصل آزادی مردم در قبل از انقلاب اسلامی ایران از جمله علل عمده بروز انقلاب در رژیم پهلوی شد مثل بی‌توجهی به ارزش‌های دینی و مذهبی و مبارزه با هویت فرهنگی و باورهای مردم بود که سبب از بین رفتن آزادی مردم در انتخاب دین و مذهب و عقائد شد. رژیم پهلوی نه تنها بی‌اعتنا بود بلکه به طرق مختلف سعی در از بین بردن ارزش‌های عموم جامعه و جایگزینی آنها با ارزش‌هایی که برای جامعه بیگانه بود، می‌کرد. مثلاً مبارزه با حجاب و ترویج بی‌حجابی و اجبار کردن کشف حجاب توسط رضا شاه و حکومت پهلوی با برگزاری کانون‌ها و تبلیغات به ترویج سبک زندگی غربی پرداخت (ملاک میرزایی، ۱۴۰۱ش: ۲۲). همچنین رژیم پهلوی با گسترش فساد و ابتذال در جامعه، ایجاد مراکز فحشا و فساد در جامعه، استفاده ابزاری از زنان و استفاده از آنان در فعالیت‌های اجتماعی نامناسب، بی‌بند و باری، تشکیل مجالس عیش و نوش، تبلیغ اعتیاد به مواد مخدر و مشروبات الکلی و ایجاد مراکز قمار بود (فولادزاده، ۱۳۶۹ش: ج ۱، ۲۰۳-۳۱۹). رژیم پهلوی با اتکاء به ساواک و نیروهای وفادار به خود، مخالفان خود را حذف و به نوعی آزادی مردم را سلب می‌کرد.

۲. عدالت

در وهله اول اصل عدالت را در ایدئولوژی شوروی که بر مبنای سوسیالیسم شکل گرفته مورد بررسی قرار می‌دهیم سپس به نقد آن بر اساس ایدئولوژی اسلام می‌پردازیم. مفهوم سوسیالیسم را می‌توان به عنوان جنبش‌هایی برای مالکیت اجتماعی و کنترل اقتصاد تعریف کرد. کسانی که طرفدار سوسیالیسم هستند، معمولاً از مالکیت اجتماعی، کنترل اجتماعی یا اجتماعی شدن ابزار تولید به عنوان ویژگی مثبت متمایز یک سیستم اقتصادی سوسیالیستی بحث می‌کنند. سوسیالیست در ماهیت خود شامل لغو مالکیت خصوصی سرمایه است (اسکات، ۱۹۹۴م: ۷-۸). هدف سوسیالیسم، ایجاد نظم اجتماعی و اقتصادی مبتنی بر برابری است، به معنی آن که تمامی افراد جامعه و از هر نوع قشر و طبقه‌ای سهمی برابر و مساوی در سود داشته باشند. جنبش‌های طبقه کارگر به دنبال توزیع عادلانه‌تر درآمد و شرایط

بهبتر زندگی کردن برای طبقات کارگر بودند.

نقد مارکس بر اقتصاد سرمایه‌داری «کاپیتالیسم»: از نظر اقتصادی نظریه ارزش کار مطرح کرد یعنی یک محصول با میزان کاری که صرف آن شده، مشخص می‌شود. قبل از سرمایه‌داری، محصولات به علت فایده‌ای که برای خریداران داشتند، داد و ستد می‌شدند اما تحت کاپیتالیسم هدف از تولید کالا پول و سود است و کار کارگر نیز به کالایی قابل خرید و فروش تبدیل شده است اما قیمت آن به اندازه محصولی که به وسیله همین کار تولید شده است، نیست. به علاوه پیشرفت شرایط تولید سبب می‌شود کالاهای بیشتری به بازار برسد ولی سرمایه‌داران مجبورند حقوق کارگر را پائین نگه دارند تا کماکان از ارزش اضافی بهره‌مند شوند. این امر باعث می‌شود کارگر توانایی خرید کالاهای بیشتر را نخواهد داشت و نتیجتاً، تولید سودآور نخواهد بود. و در آخر نظام سرمایه‌داری به بحران تولید بیش از اندازه یا مازاد عرضه وارد می‌شود که دو نتیجه خواهد داشت؛ اولاً، شرکت‌های قوی‌تر بعضی رقبا را از میدان خارج می‌کنند و طبیعتاً بخشی از ابزار تولید را نابود می‌کنند و دوماً، کاهش حقوق و افزایش شدید بیکاری به وجود می‌آورد و پس از مدتی، وضع به حالت پیشین خود بازخواهد گشت اما مشکلات ساختاری باقی می‌مانند و نظام سرمایه‌داری کماکان مستعد بحران خواهد ماند و در آینده، هر بحران بعدی از قبلی هم شدیدتر خواهد بود تا جایی که منجر به سقوط و نابودی این نظام شود (نیومن، ۲۰۰۵م: ۲۵-۲۷). پس ریشه سوسیالیسم عبارتند از: اقتصاد و ساز و کار تولید اقتصادی، سوسیالیست مخالف فردیت انسان و موافق انسان به منزله عضو از پیکره اجتماعی است.

اولین بار در مجله تعاونی لندن در سال ۱۸۲۷ در مقاله‌ای پریشی مطرح کرد که: «مالکیت سرمایه آیا بهتر است در تملک فرد باشد، یا در مالکیت عمومی؟» کسانی که که مورد دوم را انتخاب می‌کردند را «سوسیالیسم» نامیدند (همان).

اتحاد جماهیر شوروی تا پیش از فروپاشی در سال ۱۹۹۱ از برخی جهات دومین اقتصاد بزرگ دنیا بعد از ایالات متحده آمریکا بود (ری، ۲۰۲۱م: ۲۳) اما یکی از علت فروپاشی آن را می‌توان همین نقد دانست که متخصصین بازار اقتصاد معتقدند که اقتصادها به قدری پیچیده‌اند که هیچ کنترل، مدیریت و حاکمیت مرکزی قادر به مهار و در بر گرفتن آنها نیست، بلکه فقط در سایه هماهنگی نامتمرکز ایجاد شده توسط بازارهاست که اقتصاد می‌تواند به خوبی عمل کند. استیون هورویتز معتقد است که سوسیالیسم نه تنها شکست خورده بلکه در

هر صورت محکوم به شکست است. به عقیده او نه تنها شکست سوسیالیسم ارتباطی با بدذاتی یا حماقت آمران و عاملان قدرت ندارد بلکه اجرای اقتصاد سوسیالیستی به خاطر نیاز به اطلاعات بسیار زیاد برای عملکردی بهتر از بازار فراتر از توان انسان است (هورویتز، ۱۳۸۸ش: ۲۰).

نتیجه اصل عدالت در مفهوم مارکسیستی، توزیعی است که از راه اجتماعی کردن ابزار تولید به دست می‌آید. در این مفهوم، عدالت اجتماعی بر چهار ارزش کلیدی یعنی: مذهب، خانواده، دولت و مالکیت می‌تازد. خانواده را تضعیف، مذهب را تعطیل و دولت را در برابر شورا تحقیر، و مالکیت را از بین می‌برد اما ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران مفاهیمی چون مالکیت، خانواده و دولت و مذهب را اصل و اساس حرکت‌های خود می‌دانند.

در دیدگاه متفکران و فلاسفه اسلامی، «عدالت اجتماعی» عبارت است از: «ایجاد شرایط برای همه به طور یکسان، و رفع موانع برای همه به طور یکسان» (مطهری، ۱۳۸۱ش: ج ۶، ۵۷). بر این پایه، عدالت اجتماعی، برابری و مساوات همگان نیست، و جامعه شبیه «بیکر» نیست که اجزاء آن اراده استقلالی نداشته باشند، بلکه عدالت اجتماعی «رعایت استحقاق» است، نه «اشتراک مطلق!» (مطهری، ۱۴۰۳ش: ۶۲) چیزی که «هایک» هم بر آن تأکید می‌کند و تساوی مطلق یا عدالت اجتماعی در مفهوم مدرن سوسیالیستی را ناقض اصول عدالت و آزادی، و آن را «راهی به سوی بردگی» می‌نامد (کالدول، ۱۳۸۹ش: ۱۰).

شهید صدر، عدالت اجتماعی را، بعد اجتماعی و سیاسی عدل می‌داند، و وسطیت و اعتدال در دورن جامعه را بنیان عدل جمعی معرفی می‌کند و می‌گوید: «عدالت اجتماعی، تبلور عدل الهی در جامعه است. چیزی که پیامبران منادی آن بودند. صدر ریشه‌های عدالت را هم در فطرت و هم در تکوین جست‌وجو می‌کند» (جمشیدی، ۱۳۸۰ش: ۵۸۷). از دیدگاه اسلامی، «ایجا شرایط و رفع موانع برای همه به طور یکسان» در عرصه‌های مختلف قدرت، ثروت، معرفت و منزلت‌های اجتماعی همان عدل جمعی است.

برای روشن شدن اصل آزادی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران باید وضعیت و شرایطی قبل از انقلاب را مورد بررسی قرار دهیم. در رژیم پهلوی اولاً شکاف طبقاتی و فقدان عدالت اجتماعی اگرچه با بالا رفتن قیمت نفت قدرت پولی و اقتصادی رژیم افزایش چشمگیری پیدا کرد ولی عدم وجود برنامه‌های عمرانی در کشور و اقتصادی صحیح بر نارضایتی‌های مردم افزود، عقب افتادگی کشور، محدودیت قشر عظیمی از مردم، نبود فضای آموزشی بهداشت

مناسب، بی‌سواد، عدم حمایت از تولیدات داخلی از شاخصه‌های شکاف طبقاتی در آن زمان است. و این‌طور شاه با وابستگی کامل به بیگانگان در تأمین رضایت قدرت‌های بیگانه به ویژه انگلیس و آمریکا بود، نفوذ انگلیس و به تبع آن آمریکا، در دستگاه اداری و نظامی، در واقع شاه تاج و تخت خود را مدیون آنها دانسته و دوام و بقای آن را نیز وابسته به حمایت آنها می‌دید (عمید زنجانی، ۱۳۷۶ش: ۳۱۱-۳۲۶) و می‌توان به فساد دستگاه اداری کشور اشاره کرد و رشوه‌خواری بر سیستم اداری حاکم بود و بوروکراسی شدید سبب شده بود که دستگاه اداری کارآیی و توان اجرایی خویش را از دست داده و سبب نارضایتی مردم شود.

خداوند در آیه شریفه ۲۵ سوره مبارکه حدید^۱ می‌فرماید:

انبیاء را فرستادیم و کتاب و میزان را با آنها همراه کردیم تا انسان به قسط به پا خیزد.

انقلاب اسلامی ایران با همین هدف یعنی مبارزه با ظلم و برقراری عدالت و اجرای قوانین الهی، رفع تبعیض‌ها و برقراری آزادی صورت گرفت که همه به عنوان اهداف انقلاب در سخنان امام خمینی رحمته‌الله علیه وجود دارد و برای رسیدن به آن هدف اساسی هست که می‌فرماید:

ما مؤظفیم توحید را برقرار و آثار شرک را از زندگی بشر بزدایم.

امام خمینی رحمته‌الله علیه در رابطه با حفظ و رمز بقای انقلاب اسلامی و نیز تفاوت آن با سایر انقلاب‌ها می‌فرماید:

بنابراین شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه انقلاب‌ها جداست: هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه الهی و هدیه غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ش: ج ۲۱، ۴۰۱).

ایدئولوژی انقلاب، استراتژی‌ها و روش‌های رسیدن به هدف را مشخص می‌سازد. به عبارت دیگر، آئین نامه اجرایی مکتب فکری انقلاب است. هدف ایدئولوژی شکل دادن، بسیج، هدایت، سازمان‌دهی و توجیه اشکال خاص، راه کارها و نحوه اعتراض به دیگران تلقی می‌شود. ایدئولوژی هر انقلابی در چگونگی پیروزی آن، نوع حکومت جایگزین و حتی مراحل و تحولات پس از پیروزی، نقش مؤثری دارد. انقلاب‌هایی که ایدئولوژی واحدی را گسترش می‌دهند، به ویژه اگر این ایدئولوژی با تاریخ و فرهنگ آن کشور پیوند خورده باشد، انقلاب

۱. «لقد أرسلنا رسلنا بالبينات وأنزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط».

زودتر فراگیر می‌شود و بسیج قوی‌تر توده‌ها را به دنبال می‌آورد؛ در نتیجه، این انقلاب‌ها سریع‌تر به پیروزی می‌رسند و پس از پیروزی، بی‌ثباتی‌های کمتری را از سر می‌گذرانند. انقلاب اسلامی ایران، نمونه بارز این‌گونه انقلاب‌هاست که به رغم روبه‌رو شدن با رژیم مقتدر، از آن‌جا که پشتوانه آن یک ایدئولوژی واحد منسجم بود که از دل فرهنگ مردم شیعی ایران برخاست، در مدت زمانی اندک به پیروزی رسید. در انقلاب شوروی نیز به دلیل ضعف ناشی از فروپاشی حاکمیت دولت در اثر شکست در جنگ جهانی اول، انقلاب به سرعت پیروز شد؛ اما به دلیل نبود ایدئولوژی واحد و عدم پیوند آن با تاریخ و فرهنگ شوروی، سرانجام با کشتارهای وسیع مواجه گشت و زمینه‌های فروپاشی نهایی اتحاد جماهیر شوروی و بلوک شرق را فراهم ساخت (رامین، ۱۳۹۲ش: ۵۶-۵۷).

مقایسه تطبیقی دیدگاه انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه

در گفتار سوم به مقایسه اصل آزادی و اصل عدالت در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه بدین شکل که در بند اول تفاوت اصل آزادی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه و در بند دوم تفاوت اصل عدالت در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه می‌پردازیم.

۱. آزادی

اصل آزادی همان‌طور که در گفتار قبل گفته شد، بستگی به جهان‌بینی شخص دارد که یا به صورت مادی نگاه می‌کند و یا به صورت جهان‌بینی الهی، یعنی اصل آزادی را ظرفی برای امیال و آرزوهای خود می‌بیند یا محتوای الهی. پس با این اوصاف به تفاوت اصل آزادی در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه می‌پردازیم.

الف) ایدئولوژی در ایجاد انقلاب: انقلاب فرانسه اساس ایدئولوژی، لیبرالیسم بود که هرچند در پیشبرد انقلاب فرانسه نقشی نداشت ولی در شکل‌گیری نظام بعد از انقلاب نقش اساسی داشته و در واقع شاخه‌ای از اومانیسیم و انسان‌محوری است که آزادی‌خواهی را تبلیغ می‌کند. لیبرالیسم گرچه در پیشبرد ابعاد اقتصادی و سیاسی در ظاهر تا حدودی موفق بوده ولی در ترویج ارزش‌های مثبت اخلاقی و فضائل انسانی با شکست مواجه شده است، اما انقلاب ایران مجدداً ایده تلفیق دین و دولت را رسمیت بخشیده که امروز در قالب جمهوری اسلامی نمود پیدا کرده است. داشتن مکتب الهی و اسلامی یکی از ویژگی‌های اساسی آن است. انقلاب

اسلامی ایران مادی‌گرا نبود و به دنبال آزادی بی‌قید و شرط نبود بلکه در انقلاب اسلامی تأکید بر ایدئولوژی اسلام با تکیه بر تعالیم مکتب تشیع بود که در تشکیل مبارزات مردمی و نهایتاً سقوط نظام شاهنشاهی و نیز در شکل‌گیری تحولات بعد از انقلاب با تکیه بر اصل ولایت فقیه نقش زیربنایی داشته است.

ب) پذیرش ایدئولوژی دینی در پس از انقلاب: انقلاب فرانسه به ایده‌جدایی دین از سیاست و دولت رسمیت بخشید. رهبران انقلاب فرانسه گام‌هایی در جهت جدایی کامل سیاست از دین یعنی سکولاریسم برداشتند. اما در نظام اسلامی ایران اقلیت‌ها و پیروان دیگر مذاهب آزادند به آئین و معتقدات خویش پایبند باشند و به برنامه و راه و روش خود عمل نمایند. در انقلاب اسلامی آزادی به آن معنی که در غرب مطرح است وجود ندارد. در اسلام انسان موجودی آزاد است اما نه به معنی رها و لا قید و بی‌بند و بار بلکه به معنی مختار و انتخابگر در این مکتب انسان موجودی است که آزادانه در سرنوشت خویش باید تصمیم‌گیری نماید. در جمهوری اسلامی افراد جامعه در محدوده قوانین اسلامی و با توجه به مصالح جامعه هم آزادی مذهبی وجود دارد و هم آزادی سیاسی، هم آزادی بیان و هم آزادی عقیده. در انقلاب اسلامی ایران بازگشت به دین و اسلام روح و اساس انقلاب است و در واقع اصلی‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی بعد دینی آن است و همین ویژگی یکی از مهم‌ترین تفاوت‌های انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌های در جهان می‌باشد.

برای روشن شدن اصل آزادی در ایدئولوژی انقلاب فرانسه به مفهوم لیبرالیسم که محور ایدئولوژی انقلاب فرانسه است می‌پردازیم.

مفهوم لیبرالیسم: واژه لیبرالیسم در مفهوم غربی آن به معنای دفاع از آزادی فرد در مقابل سلطه جمع و یا دیکتاتوری دولت‌ها و حکام می‌باشد. لیبرالیسم نظریه یا سیاستی است که خواهان حفظ آزادی‌های فردی در برابر تسلط دولت‌ها می‌باشد. مرز آزادی‌های فردی نیز اصل عدم تزامم یکدیگر است.

لیبرالیسم سیاسی بر اندویدوالیسم (اصالت فرد و نفی حاکمیت هر نوع نظام و جبر اجتماعی) و لیبرالیسم اقتصادی بر «یوتیلیتاریانیسم» (اصالت فایده) و لیبرالیسم مذهبی بر اعتقاد به حق هر کس در انتخاب راه پرستش خداوند یا بی‌ایمانی قرار دارد. پایه فلسفی لیبرالیسم بر راسیونالیسم (اصالت فکر و اندیشه) و نفی هر نوع سرچشمه و مبدأ آگاهی و معرفت غیرعقل و اندیشه استوار است (محمدی، ۱۳۷۷ش: ۱۵۲). اندیشه لیبرال باور به برابری و

آزادی فردی و مالکیت خصوصی دارد و آزادی خواهی و آزادی فردی را مهم‌ترین هدف سیاسی خود می‌داند. لیبرالیسم به طور کلی تابع حکومت نیست بلکه در امور عمومی بتوانند قوه مجریه حکومت را از طریق یک هیئت قانون‌گذاری که آزادانه انتخاب شده باشند کنترل کنند. لیبرالیسم به پیروی از جان لاک به وضعیت طبیعی و قانون طبیعت اعتقاد داشته و براساس این نظریه هیچ‌کس نباید به سلامتی، زندگی و اموال دیگران آسیبی برساند. آزادی حق طبیعی هر انسان است و فقط وظیفه احترام به حقوق برابر دیگران، آن را محدود می‌کند و هیچ‌کس تابع دیگری نیست و قوانین باید محدودیت‌ها را به صورت برابری برای همه وضع کند و قوانین فقط به اندازه‌ای محدود شود که امنیت و نظم لازم برای اعضای جامعه جهت انجام مسائل شخصی‌شان را فراهم کند (شاروت، ۲۰۰۳ م: ۱۸۴-۱۸۵).

جان لاک، آدام اسمیت، جان استوارت میل، بارون دو مونتسکیو همگی لیبرال محسوب می‌شوند. مکتب فکری آنها را با نام‌های مختلفی مثل قرارداد اجتماعی یا قانون طبیعی مدرن یاد می‌کنند و مهم‌ترین شاخصه نوین آن، تلاش برای تشریح یک نظم مشروع اجتماعی و سیاسی است. کتاب *قرارداد اجتماعی* کتابی از ژان ژاک روسو برای مشروعیت بخشیدن برای تسلط حکومت بر اشخاص می‌باشد یعنی قرارداد اجتماعی ناظر بر تنظیم قراردادی میان افراد آزاد برای بنیاد نهادن اصول سیاسی، مدنی، یا اخلاقی در یک اجتماع (ادگار، اندرو و سچ ویک، پیتر، ۱۳۸۷ ش: ۲۱۱). قرارداد اجتماعی عبارت است از توافق قراردادی بین افراد جامعه، این قرارداد در حالت طبیعی به این صورت است که شخص در تمام امور و مقدرات خود، در مقابل اراده عام که مأمور اجرای تمام امور زندگی است متعهد می‌شود. روسو گوید:

انسان با قرارداد اجتماعی آزادی اجتماعی خود را به دست می‌آورد و آزادی طبیعی خود را از دست می‌دهد (صلیبا و صانعی، ۱۳۶۶ ش: ۴۷۱).

مونتسکیو از ایده تفکیک قوا یعنی قوه مجریه، قوه مقننه، قوه قضایی دفاع می‌کنند، نظامی که طراحی شده تا قدرت حکومت را به طور مساوی در بخش‌های اجرایی، قانون‌گذاری و قضایی توزیع کند. کانت و جان استوارت معتقد بودند هرکس باید مجاز باشند که آزادانه دست به انتخاب‌های خویش بزنند بدون این‌که کوچک‌ترین ترسی از دخالت دولت یا افراد دیگر داشته باشند (ویکی پدیا، ۱۹۸۸ م: ۴). فیلسوف لیبرال جان گری، بنیادهای مشترک در اندیشه لیبرال را در فردگرایی، مساوات خواهی می‌شمارد و منظور از عنصر فردگرا، برتری اخلاقی بشر در برابر فشار جمع‌گرایی اجتماع و منظور از عنصر مساوات‌خواه، همین برتری را برای همه

افراد بشر قائل است (گری، ۱۳۸۴ش: ۱۲).

تبلور لیبرالیسم با انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه مشاهده می‌گردد و فلاسفه‌ای همچون بنیامین کنستانت، مونتسکیو، جان لاک، امانوئل کانت و جان استوارت میل در رابطه با ابعاد مختلف لیبرالیسم و... مطالبی را به رشته تحریر درآورده‌اند (محمدی، ۱۳۷۷ش: ۱۵۲).

جدایی دین از سیاست در کشورهای غربی یک امر معمولی شده، با این حال هنوز هم در لیبرال دموکراسی‌های کنونی اختلاف نظرهایی وجود دارد که مرز آزادی‌های مذهبی و جدایی دین و سیاست تا چد حدی است؟! این مسئله‌ای است که هنوز هم دادگاه‌ها و قانون‌گذاران با آن درگیری‌هایی دارند. به طور مثال ممنوعیت حجاب اسلامی در فرانسه، مواردی بحث‌برانگیز در کشورهای سکولار بوده‌اند (ولترستورف، ۲۰۰۷م: ۲۸۲-۲۸۶).

لیبرال‌ها زمینه جدایی کلیسا از دولت و دین از سیاست را نیز فراهم آوردند. لیبرال‌ها معتقدند که هرگونه نظم اجتماعی و سیاسی ناشی از رفتارها و اعمال انسانی است نه ناشی از یک اراده الهی. و بسیاری از لیبرال‌ها آشکارا با عقاید دینی و مذهبی دشمنی می‌ورزند، اما بیشتر مخالفت ایشان با دخالت دین در امور سیاسی حول این بحث بود که ایمان به خودی خود می‌تواند کامیابی را برای افراد به ارمغان آورد و نیازی به حمایت یا اداره توسط دولت ندارد (جی گولد، ۲۰۰۲م: ۴).

اما اصل آزادی در انقلاب اسلامی ایران جایگاه ویژه‌ای در آرمان‌های انقلابی داشته است. انقلاب اسلامی، بر مبنای آموزه‌های دین مبین اسلام، که به هر دو جنبه وجودی انسان توجه می‌نماید، آزادی را تنها یکی از نیازهای بشر می‌داند که توجه به آن نباید موجب طرد توجه به سایر جنبه‌ها گردد. شهید سید محمدباقر صدر، آرمان‌های بشری را در سه دسته نام می‌برد:

الف) آرمان‌های پست که گزینش آنها دو علت دارد: ۱. علتی که جنبه روانی دارد یعنی انس، عادت (بقره: ۱۷۱؛ مائده: ۱۰۴)؛ ۲. سلطه و حاکمیت طاغوت‌ها و قدرت‌طلبان (قصص: ۳۸).

ب) آرمان‌هایی که محصول آرزوهای جامعه است، آینده‌نگری‌شان نیز کم برد است. در این آرزو بینی یک خطر بزرگ هست: چون زاده تصور ذهنی است محدودیت آن به زودی آشکار و سبب رکود و جمود در حرکت می‌شود. زیرا محدود، برای او تبدیل به کمال مطلوب و آئین گشته و خطا از همین جا برخاسته که از محدود برای خود مطلق ساخته است. برای مثال، انسان اروپایی در آغاز عصر جدید از آزادی غایت مطلوبی ساخت، چرا که در آن هنگام زیر انواع قیود خم شده بود. آری باید قیود را از پیش پای اندیشه برداشت، ولی آزادی جز چارچوبه‌ای

بیش نیست و محتوی و مضمون می‌خواهد. آزادی چارچوبه‌ای است برای ارزش‌های دیگر، ولی خود به تنهایی انسان‌ساز نیست. انسان اروپایی راه انحرافی رفته و از آزادی کمال مطلق ساخته است. آزادی ظرف است نه مظهر، چارچوبه است و به محتوا نیاز دارد و چنان‌که می‌بینیم از این بی‌بندوباری، غرب چه مایه‌خواری بر سر بشریت آورده است. (ج) آرمان‌های پاک و بلند الهی: که محصول آدمی و ذهن او نیست و در خارج و نفس‌الامر وجود دارد. هر قدر آرمان متعالی‌تر باشد، هدف نیک‌تر و پردوام‌تر و هر قدر آرمان پست و محدود باشد، غایت نیز خردتر ناچیزتر خواهد بود (صدر، ۱۳۹۳ش: ۷۹).

حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه در این مورد چنین می‌فرمایند:

انقلاب ما متکی بر معنویات و خداست و آنهایی که با ما موافقند آنهایی هستند که با خط توحیدی موافقند.

امام در بخشی از وصیت‌نامه سیاسی - الهی خویش فرمودند:

بی‌تردید رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است؛ و رمز پیروزی را ملت می‌داند و نسل‌های آینده در تاریخ خواهند خواند که دو رکن اصلی آن: انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی؛ و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد (موسوی خمینی، ۱۳۸۹ش: ج ۲۱، ۳۸۱).

۲. عدالت

همان‌طور که در گفتار اول در بند سوم گفته شد، عدالت در لغت «میان‌ه‌روی، برابری، تساوی، دادگری و انصاف» (مهیار، ۱۳۷۶ش: ۲۶۵) معنا شده است و در اصطلاح به معنای قرار دادن هر چیز در جای خویش و حق را به حقدار رساندن و ایفای اهلیت و رعایت استحقاق‌هاست (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳ش: ۳۵۴). پس با این اوصاف به تفاوت اصل عدالت در ایدئولوژی انقلاب اسلامی ایران با انقلاب فرانسه می‌پردازیم.

اولین دولت مدرنی که بر پایه اصول لیبرالی بنیان نهاده شد، ایالات متحده آمریکا (۱۷۶۵-۱۷۸۳) بود که در اعلامیه استقلال خود اعلام کرد: تمام انسان‌ها برابر آفریده شده‌اند و توسط خالق شان از یک سری حقوق (زندگی، آزادی و مالکیت) بهره‌مند شده‌اند. و چند سال بعد این بار انقلاب فرانسه (۱۷۸۹-۱۷۸۹) بود که بر میراث اشرافی‌گری این کشور با شعار آزادی، برابری و برادری، غلبه کرد و تبدیل به اولین کشور در تاریخ شد که حق رأی فراگیر برای همه مردان قائل شد. اعلامیه حقوق مردم و شهروندان اولین بار در فرانسه در سال ۱۷۸۹ تدوین شد و

بعدها تبدیل به سندی بنیادین هم برای لیبرالیسم و هم برای حقوق بشر شد. اعلامیه حقوق بشر و شهروند یکی از اسناد بنیادین انقلاب فرانسه و تاریخ حقوق بشر است. اولین بند این منشور می‌گوید:

انسان‌ها آزاد به دنیا آمده‌اند و آزاد با حقوق برابر باقی خواهند ماند. تفاوت‌های اجتماعی تنها در صورتی که صلاح همگانی در میان باشد، می‌توانند وضع شوند (ویکی پدیا، ۱۹۸۸م: ۲).

در لیبرالیسم، برابری به معنی رسیدن به عدالت نیست، بلکه به دنبال برخورداری برابر افراد از حقوق اساسی لیبرال است، که از طریق آن هر شخص در موقعیتی که باشد بتواند بر زندگی خود مسلط شود و تابع هیچ‌کس نباشد. اما ایدئولوژی اسلام و انقلاب اسلامی ایران، بر مبنای دیدگاهی همه‌جانبه از نقاط مثبت همه انقلاب‌های معاصر برخوردار است. آزادی، برابری، استقلال و رشد و پیشرفت همه‌جانبه فرهنگی اقتصادی سیاسی که همه اینها در قالب بزرگ‌تر حکومت دینی مبتنی بر اصل ولایت فقیه قرار می‌گیرند، آرمان‌های انقلاب اسلامی را تشکیل داده‌اند. بنابراین انقلاب فرانسه و انقلاب اسلامی ایران از نظر مبانی در نقطه مقابل یکدیگر و در حالیکه در یکی اومانیزم یا انسان‌محوری و توجه به عقل ابزاری و مادی در مرکز قرار می‌گیرد.

اساس حکم و حکومت در قرآن برقراری قسط و عدل در جامعه است و فلسفه ی بعثت انبیاء نیز استقرار عدالت بوده است عدالت را می‌توان در چهارعرصه قابل تبیین دانست: الف) در تکوین و نظام خلقت؛ ب) در تشریح و قانون‌گذاری؛ ج) تدبیر و نظام اجرایی؛ د) منش و روش زندگی فردی و اجتماعی (اخوان کاظمی، ۱۳۸۱ش: ۲۳-۲۴). برقراری عدالت از جمله اهدافی بوده است که خداوند نظام تکوین و تشریح را بر مبنای آن بنیان نهاده است؛ چنان‌که می‌فرماید:

﴿لقد أرسلنا رسلنا بالبينات وأنزلنا معهم الكتاب والميزان ليقوم الناس بالقسط﴾ (حدید: ۲۵):

همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات (به خلق) فرستادیم و برایشان کتاب و میزان (عدل) نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند.

انقلاب اسلامی ایران معتقد است که این انقلاب به دست صاحب اصلی خود یعنی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشريف می‌رسد و در زمان و حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف عدالت در تمامی جهان برقرار

می‌شود وی زمین را پر از عدل و قسط می‌کند که آثار آن در تمامی نقاط جهان نمایان گردد. بنابراین، گسترش عدالت در سراسر جهان یک از بزرگ‌ترین اهداف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه میباشد در روایت منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است:

... آن قائم ما که در آخر الزمان قیام میکند و زمین را پر از عدل و داد می‌گرداند چنانچه از ستم و ظلم پر باشد از نسل تو و فرزندت حسین است (مجلسی، ۱۳۶۳ ش: ۲۸۸).

و در حدیث دیگر نیز چنین فرموده‌اند:

اگر از عمر دنیا تنها یک ساعت باقی مانده باشد خداوند آن ساعت را به قدری طولانی می‌نماید تا مردی از نسل من هم‌نام من و هم‌کنیه من، قیام کند. او زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد همان‌گونه که از ظلم پر شده است پس بر همه مخلوقات تبعیت از او واجب است (ابن بابویه، ۱۳۵۳ ش: ۲، ۳۷۲-۳۷۳).

جامعه آرمانی وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه، همان جامعه آرمانی انبیاء عجل الله تعالی فرجه و اوصیای آنهاست و به تبع آن، عدالت آرمانی جامعه مهدوی همان عدالت آرمانی جامعه نبوی است. تنها این تفاوت وجود دارد که جامعه مهدوی، اوج بعثت انبیاست و در واقع ثمره تمامی آن تلاش‌هاست در جامعه مهدوی به برکت عدالت مهدوی، انسان خیزش و جهشی دوباره از خاک به افلاک دارد. در جامعه موعود حتی تعاریف انسان، عدالت، لذت و مانند آن هم عوض می‌شوند. به عبارتی دیگر، ممکن است انسان به دنبال لذت باشد ولی این لذت چیزی جز لذت عبودیت نیست. در جامعه مهدوی تمامی ابعاد زندگی انسان آهنگ عدالت در جهت عبودیت می‌گیرد (اسلامیه، ۱۳۸۶ ش: ۴، ۱۵۹).

عدالت در ابعاد مختلف آن که شامل عدالت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، قضایی و حقوقی می‌باشد از آرمان‌هایی بوده که بشر همواره در پی آن است به عبارتی همگان دوست دارند در تمامی جهان عدالت به بهترین نحو اجرا شود ولی وقتی از سوی مسئولان و حکمرانان یک دولت، عدالت اجرا شود ارزشمندتر خواهد بود؛ هرچند که تاکنون هیچ حکمرانی نتوانسته است عدالت را آن‌گونه که شایسته آن است اجرا کند جز در حکومت‌های کوتاه مدت پیامبران و ائمه معصومین علیهم السلام (امانی توانی، ۱۳۹۳ ش: ۶۲-۶۴).

نتیجه‌گیری

همه انقلاب‌های گذشته تقریباً روند مشابه‌ای را طی کرده‌اند و این روند در آیند هم باز تکرار می‌شود و این یک امر طبیعی و اجتناب‌ناپذیر است. اما انقلاب اسلامی خط بطلان بر این

نظریات کشید، اگرچه در بعضی موارد انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها وجه تشابه دارد، در عین حال انقلاب اسلامی ایران به خاطر شرایط و اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی خاص خود، آن را با دیگر انقلاب‌ها متفاوت می‌کرد. در این پژوهش ایدئولوژی اصل عدالت و اصل آزادی در انقلاب اسلامی ایران با انقلاب‌های شوروی و فرانسه که به عنوان دو سمبل از دو نظام غرب و شرق و دو ایدئولوژی متفاوت شناخته شده، مقایسه شد.

آزادی و عدالت در انقلاب‌های مارکسیستی عدالت اجتماعی، با اعمال خشونت و دیکتاتوری آزادی فرد را از بین می‌برند، همچنین آزادی لیبرالیستی منجر به بی‌عدالتی‌ها و به فاصله طبقاتی و تبعیض می‌شود ولی اسلام این دو نوع آزادی را نفی می‌کند و آزادی فردی در اسلام همراه با عدالت اجتماعی است. اسلام همان‌طور که آزادی مارکسیستی را که به مساوات و برابری بدون توجه به خصوصیات و استعداد‌های فردی را نیز که حالت جبری و تحمیلی دارد را نفی می‌کند و آن را نمی‌پذیرد. آزادی بی‌قید و بند لیبرالیسم را هم نمی‌پذیرد. بلکه اسلام روح برادری را ترویج می‌کند.

در دو انقلاب شوروی و فرانسه به ترتیب ایدئولوژی سوسیالیستی و لیبرالیستی برای مردم آنها نامأنوس بود چرا که با بنیان‌های عقیدتی عامه مردم که غالباً مذهبی بود در تعارض بود لذا این دو ایدئولوژی، لیبرالیستی (آزادی فردی) و سوسیالیستی (عدالت اجتماعی) هرگز نتوانستند خمیر مایه لازم را در ایجاد وحدت و توده‌های مردم خود فراهم کنند و تنها به عنوان ایدئولوژی طبقه خاص روشنفکر باقی ماندند. در حالی که مکتب اسلام که از هزار و چهارصد سال قبل به ایران وارد شده بود و با مردم مأنوس بوده و اغلب مردم به آن اعتقاد داشته و با آن زندگی کرده و در تار و پود زندگی آنها نفوذ و رسوخ کرده بود.

انقلاب اسلامی ایران نه تنها ویژگی‌های منحصر به فردی دارد بلکه تحول بزرگی را در انقلاب‌ها جهان به وجود آورد. و می‌توان گفت انقلاب اسلامی از تمام انقلاب‌ها از جمله انقلاب شوروی و فرانسه بزرگ‌تر است چرا که هرچند همه آنها به وسیله مردم پیروز شدند اما بعد از آن که انقلاب مردم کنار زده شدند؛ در نتیجه این شد که این دو انقلاب به سرعت از مسیر مردمی اولی خودشان منحرف شدند؛ اما در جمهوری اسلامی، مردم کنار زده نشدند. و می‌توان رمز پیروزی انقلاب اسلامی ایران تنها در سه رکن خلاصه کرد، رکن اول مردم، رکن دوم مکتب (ایدئولوژی) و رکن سوم رهبری.

منابع

قرآن کریم

۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۵۳ش)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تهران: اسلامیه.
۴. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۱ش)، *عدالت در نظام سیاسی اسلام*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۵. اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳ش)، *عدالت در اندیشه‌های سیاسی اسلام*، قم: بوستان کتاب.
۶. ادگار، اندرو؛ سج ویک، پیتر (۱۳۸۷ش)، *مفاهیم بنیادی نظریه‌های فرهنگی*، ترجمه: مهران مهاجر و محمد نبوی، بی‌جا: بی‌نا.
۷. اسکات، آرنولد (۱۹۹۴م)، *فلسفه و اقتصاد سوسیالیسم بازار: مطالعه انتقادی*، بی‌جا: انتشارات دانشگاه آکسفورد.
۸. اسلامیه، حمیدرضا (۱۳۸۶ش)، *دکترین عدالت در جامعه مهدوی و جامعه‌های الحادی*، *مجموعه مقالات سومین همایش بین‌المللی دکترین مهدویت*، قم: مؤسسه آینده روشن (پژوهشکده مهدویت).
۹. امانی توانی، فاطمه (۱۳۹۳ش)، *مهدویت در ایران معاصر*، بی‌جا: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۰. ایگلتن، تری (۱۳۸۱ش)، *درآمدی بر ایدئولوژی*، ترجمه: اکبر معصوم بیگی، تهران: آگه.
۱۱. آقابخشی، علی؛ افشاری راد (۱۳۷۴ش)، *فرهنگ علوم سیاسی*، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
۱۲. پارسانیا، حمید (۱۳۸۵ش)، *سنت، ایدئولوژی، علم*، قم: بوستان کتاب.
۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۸ش)، *غرر الحکم و درر الکلم*، بی‌جا: دارالکتاب الاسلامی.
۱۴. حقیقت، صادق و جمعی از نویسندگان (۱۴۰۲ش)، *انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن*، مبانی، بی‌جا: بی‌نا.
۱۵. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵ش)، *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴ق)، *مفردات*، بی‌جا: دارالشامیه.
۱۷. رامین، فرح (۱۳۹۲ش)، *آخرین انقلاب؛ انقلابی آخر*، قم: انتشارات مؤسسه آینده

- روشن (پژوهشکده مهدویت).
۱۸. صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۳ش)، *سنت‌های تاریخ در قرآن*، ترجمه: سیدجمال موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۹. صلیبا، جمیل؛ صناعی دره بیدی، *منوچهر (۱۳۶۶ش)*، فرهنگ فلسفی، تهران: انتشارات حکمت، اول.
۲۰. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۷۵ش)، *تفسیر المیزان*، بی‌جا: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۶ش)، *گزیده ریشه‌های انقلاب اسلامی*، تهران: طوبی.
۲۲. فوادیان دامغانی، رمضان (۱۳۸۲ش)، *سیمای عدالت در قرآن و حدیث*، بی‌جا: لوح محفوظ.
۲۳. فولادزاده، عبدالامیر (۱۳۶۹ش)، *شاهنشاهی پهلوی در ایران*، قم: کانون نشر اندیشه اسلامی.
۲۴. کالدول، بروس (۱۳۸۹ش)، «هایک و سوسیالیسم»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ترجمه: محسن رنجبر.
۲۵. کچوئیان، حسین (۱۳۷۶ش)، *پایان ایدئولوژی*، تهران: کیهان.
۲۶. گری، جان (۱۳۸۴ش)، *لیبرلیزم*، ترجمه: علیرضا حسینی بهشتی، بی‌جا: بقعه.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳ش)، *مهدی موعود (ترجمه جلد سیزده بحارالانوار)*، ترجمه: علی دوانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. محمدی، منوچهر (۱۳۷۷ش)، *تحلیلی بر انقلاب اسلامی*، تهران: امیرکبیر.
۲۹. محمدی، منوچهر (۱۳۹۱ش)، *انقلاب اسلامی در مقایسه با انقلاب فرانسه و روسیه*، بی‌جا: بی‌نا.
۳۰. مطهری، مرتضی (۱۳۶۴ش)، *پیرامون جمهوری اسلامی*، تهران: صدرا.
۳۱. مطهری، مرتضی (۱۳۷۸ش)، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا.
۳۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۱ش)، *یادداشت‌ها*، تهران: صدرا.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۹۹ش)، *عدل الهی*، تهران: صدرا.
۳۴. مطهری، مرتضی (۱۴۰۳ش)، *بررسی اجمالی اقتصاد اسلامی*، بی‌جا: انتشارات حکمت.
۳۵. معلوف، لویس (۱۳۷۵ش)، *المنجد*، بی‌جا: انتشارات اسلامی.
۳۶. معلوف، لویس (۱۳۷۹ش)، *المنجد*، بی‌جا: دار المشرق.
۳۷. معین، محمد (۱۳۵۱ش)، *فرهنگ لغت*، تهران: امیرکبیر.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۴ش)، *یکصد موضوع اخلاقی در قرآن و حدیث*، تهران: دارالکتب

الاسلامی.

۳۹. ملاک میرزایی، صادق؛ سلیمانیان، مسلم؛ یاری، سیاوش (۱۴۰۱ش)، *بررسی پیامدهای سیاست کشف حجاب رضا شاه بر هویت اسلامی زنان*، بی جا:

۴۰. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۵۶ش)، *ولایت فقیه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.

۴۱. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.

۴۲. مهیار، رضا (۱۳۷۶ش)، *فرهنگ ابجدی عربی به فارسی*، بی جا: انتشارات اسلامی.

۴۳. نیومن، مایکل (۲۰۰۵م)، *سوسیالیسم: مقدمه‌ای بسیار کوتاه*، بی جا: انتشارات دانشگاه آکسفورد.

۴۴. ویکی پدیا (۱۹۸۸م)، *بودزیسم کی نزدیک ترین ساحل تاریکی: اثبات سیاست فضایل*، بی جا: انتشارات دانشگاه کرنل.

۴۵. هورویتز، استیون (۱۳۸۸ش)، «چرا سوسیالیسم محکوم به شکست است؟»، *روزنامه دنیای اقتصاد*، ترجمه: حسن افروزی.

۴۶. سایت مقام معظم رهبری: Khamenei.ir

The role of media literacy in accompanying young people with the Islamic revolution

Dr. Fatemeh Akbari¹

Asiyeh Akhond²

Hossein Ali Khademi³

Abstract

The present article is about the role of media literacy in accompanying young people with the Islamic revolution, which pursues the important goal that media literacy - as one of the indispensable tools of the age of communication, which has the power to criticize the media, skill in content production, fair access to the media and the ability to control It creates media consumption and critical thinking in the youth - what is its role in accompanying the youth as one of the important pillars of the revolution? In what dimensions is this effect? and how actions affect. The findings of this research, obtained from the library method and based on the descriptive-analytical method, show that media literacy is effective in three fields of insight, increasing insight and awareness, a tendency to direct the attitudes of young people towards the great ideals of the revolution, and action by strengthening continuous participation in elections and Preserving cultural independence plays a key role and brings them together with the revolution

Keywords: Media literacy, the role of insight, the role of attitude, the role of action, the Islamic revolution, accompanying the youth

1. Doctorate in Islamic Studies, Islamic Revolution(Responsible Author)

2. Lecturer and researcher at Al-Zahra University

3. Ph.D. student of Media Management, Azad University, Tehran West Branch

نقش سواد رسانه‌ای در همراهی جوانان با انقلاب اسلامی

فاطمه اکبری^۱

آسیه آخوند^۲

حسین علی خادمی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۹

چکیده

مقاله حاضر با موضوع نقش سواد رسانه‌ای در همراهی جوانان با انقلاب اسلامی است که به دنبال این هدف مهم است که سواد رسانه‌ای - به عنوان یکی از لوازم لاینفک عصر ارتباطات که قدرت نقد رسانه‌ها، مهارت در تولید محتوا، دسترسی عادلانه به رسانه‌ها و توانایی کنترل مصرف رسانه‌ای و تفکر انتقادی را در جوانان ایجاد می‌کند - چه نقشی در همراهی جوانان به عنوان یکی از ارکان مهم انقلاب دارد؟ این تأثیر در چه ابعادی است؟ و چگونه اعمال تأثیر می‌کند. یافته‌های این پژوهش حاصل از شیوه کتابخانه‌ای و براساس روش توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد که سواد رسانه‌ای با اثربخشی در سه حوزه بینشی با بصیرت‌افزایی و آگاهی‌بخشی، گزینشی با سوق و جهت دادن نگرش‌های جوانان به آرمان‌های کلان انقلاب و کنشی با تقویت حضور مستمر در انتخابات و حفظ استقلال فرهنگی نقش کلیدی خود را ایفا نموده و آنان را با انقلاب همراه می‌نماید.

واژگان کلیدی

سواد رسانه‌ای، نقش بینشی، نقش نگرشی، نقش کنشی، انقلاب اسلامی، همراهی جوانان.

مقدمه

در دنیای امروز به کسی با سواد رسانه‌ای گفته می‌شود که از شاخص‌ها و معیارهای سواد رسانه‌ای برخوردار باشد. تا از یک سو قدرت تفکیک و شناسایی رسانه‌ها و تولیدات و

۱. دکتری معارف اسلامی گرایش انقلاب اسلامی (نویسنده مسئول).

۲. مدرس و پژوهشگر جامعه الزهراء (ع).
۳. دانشجوی دکتری مدیریت رسانه دانشگاه آزاد واحد تهران غرب.

خوراک‌های فکری آنها و از سوی دیگر توانایی تأثیرگذاری متقابل و خط‌دهی و جهت‌دهی به عنوان یک مخاطب را داشته باشد (ماهتانی، میشل، مخاطب تأثیرگذار و رسانه تأثیرپذیر، ترجمه فرزاد مرادی، مجله سروش، شماره ۱۱۳۱، ۱۱۹۳۷). زیرا نوعی مهارت و درک شناختی و معرفتی است، که مخاطب را در عصر حاضر به شناخت تولیدات متنوع رسانه‌ای در زمینه‌های مختلف وسایل ارتباط جمعی می‌رساند، زیرا از یک سو رسانه‌ها با تمام انواعش در تمام ابعاد زندگی بشر وارد و اثرات نامطلوبی از جمله ایجاد فاصله و شکاف بینشی، گرایشی و کنشی که بین جوانان با انقلاب اسلامی ایجاد شد و همچنین تنوع و تخصصی شدن رسانه‌های جدید، لزوم ارتقای مهارت‌های سواد رسانه‌ای را دوچندان می‌سازد.

اهمیت و ضرورت تحقیق

مهم‌ترین هدف دشمنان انقلاب اسلامی سرنگونی انقلاب اسلامی است لذا با تمام توان و با انواع ترفندها سعی در تهدید، تخریب، تضعیف ارکان انقلاب (رهبری، مردم) به خصوص مردمی بودن آن را دارند و می‌کوشد جدایی بین انقلاب و مردم به ویژه جوانان که اوایل انقلاب را درک نکرده‌اند ایجاد کند. و برای رسیدن به خواسته پلید خویش بر روی گسترش استفاده از فضای مجازی، شبکه‌های اجتماعی سایبری، شبکه‌های متنوع ماهواره‌ای فارسی زبان با برنامه‌های متنوع تمرکز نموده است تا از این طریق جوانان را که موتور پیشران نظام اسلامی هستند از انقلاب جدا کنند و در مقابل آن قرار دهند.

از آن جایی که مقیاس نفوذ دشمن در جامعه به خصوص در جوانان گسترده است و دلیل این امر استقبال گسترده و روزافزون جوانان کشور ما از شبکه‌های اجتماعی خارجی بدون زیرساخت‌های متناسب با آن است که باعث تأثیرپذیری بیشتر بر روی جوانان شده که و خود عاملی تهدیدآمیز برای رکن سوم انقلاب یا همان نقش حمایتی مستمر مردم از حدوث تا بقای انقلاب است و آن را با بحران مواجه کرده است به نظر می‌رسد دوران کنونی، دوران حساسی برای انقلاب است. زیرا امکان دارد جدایی، تفرقه و بدبینی در بین جوانان و نظام رخ دهد؛ از این رو ضرورت اتخاذ راهکارهایی برای مصونیت بخشی جوانان در برابر پیام‌های رسانه‌ای به خصوص رسانه‌های بیگانه کاملاً احساس می‌شود.

به نظر می‌رسد سواد رسانه‌ای را می‌توان به عنوان یک جزء لازم در تربیت سیاسی جوانان در جهت ارتقای مهارت‌های تفکر نقادانه برای درک موضوعات پیچیده و تربیت شهروندان

مسئول به خصوص در حمایت از انقلاب نقش اساسی داشته باشد.

اهمیت سواد رسانه‌ای و تأثیر آن در حوزه‌های مختلف زندگی بشر در عصر اطلاعات و رسانه‌ها سبب شده تا کتاب، مقالات و پایان‌نامه‌ها و سخنرانی‌های زیادی با موضوع نقش سواد رسانه‌ای بر مسائل مختلفی مورد توجه پژوهشگران و نویسندگان و اساتید و اندیشمندان انجام شود که هر کدام در جای خود ارزشمند و درخور توجه است که تنها دو یا سه مقاله نزدیک به موضوع مقاله حاضر قرابت داشت که عبارتند از: مقاله "نقش سواد رسانه‌ای سیاسی و رسانه‌های ارتباط جمعی در کارایی سیاسی و ارائه راهکارهای عملیاتی (مطالعه موردی دانشگاه شهید چمران اهواز)" تألیف محمدی فر و همکاران، مقاله "پیامدهای جامعه‌شناختی سواد رسانه‌ای بر آگاهی از حقوق شهروندی و دموکراسی خواهی" تألیف رستگاری و همکاران اشاره کرد. که تنها دو مقاله مرتبط با موضوع مقاله شناخته شد که کمک شایانی تبیین موضوع دارد اما زاویه نگاه مقاله حاضر با آن دو متفاوت است که این نوآوری مقاله را نشان می‌دهد.

بنابراین سؤال اساسی این مقاله این است که آیا سواد رسانه‌ای در همراهی جوانان با انقلاب تأثیر دارد؟ به عبارت دیگر سواد رسانه به عنوان یک مهارت چگونه جوانان را با انقلاب همراه می‌سازد؟ ابعاد تأثیرگذاری سواد رسانه‌ای کدامند؟ برای دستیابی به این امر مهم ابتدا مفهوم‌شناسی کرده بعد به نقش سواد رسانه در همراهی جوانان با انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

مفهوم‌شناسی

چیستی سواد رسانه‌ای

با پیدایش و گسترش انقلاب تکنولوژی در دهه ۱۹۸۰، جهان به مرحله جدیدی گام نهاد، که در آن رسانه‌ها، ضمن گام برداشتن در مسیر تکامل و تنوع، به یکی از اجزای اصلی جوامع بشری تبدیل شده‌اند که تمام جنبه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، علمی، اخلاقی، اعتقادی و... انسان را تحت تأثیرات مثبت و تقویت‌کننده و منفی و تضعیف‌کننده قرار می‌دهد که برای بهره‌برداری آگاهانه و فعالانه از این رسانه‌ها، و مصونیت از پیامدهای مخرب آنها باید سواد جدیدی به نام سواد رسانه ایجاد کرد.

سواد رسانه‌ای علاوه بر توانایی ملحوظ در سواد سنتی، که همان توان خواندن و نوشتن بود، توانایی تحلیل و ارزشیابی پیام‌ها و قدرت تولید و انتقال اطلاعات به دیگران در قالب‌های مختلف و با ابزار گوناگون را در انسان پدید می‌آورد. این‌گونه از سواد؛ با توانمند کردن انسان بر

درک نحوه کار رسانه‌ها و نحوه معنی‌سازی آنها، ماهیت و اهداف تولید پیام رسانه‌ها و تأثیرات و تکنیک‌های رسانه‌های گوناگون، او را از مصرف‌کنندگی صرف خارج کرده و در برابر اثرات رسانه‌ها مقاوم می‌سازد (کانسیداین، ۱۳۷۹ش: ۲-۳).

در حقیقت سواد رسانه‌ای نگاه مخاطب را عمیق، دقیق، و موشکافانه می‌سازد زیرا در کنار آموختن خواندن ظاهر پیام‌های رسانه‌ای از رسانه‌های مختلف، می‌کوشد خواندن سطرهای نانوشتۀ رسانه‌های نوشتاری، تماشای پلان‌های به نمایش درنیامده و یا شنیدن صداهای پخش نشده از رسانه‌های الکترونیک را به مخاطبان بیاموزد. و باطن و درون پیام‌های رسانه را برملا و روشن می‌سازد.

نقش سواد رسانه‌ای بر جوانان در همراهی انقلاب اسلامی

درک درست نقش سواد رسانه‌ای را بر همراهی جوانان با انقلاب مستلزم شناخت انواع اثربخشی رسانه‌هاست که عبارتند از:

اثرات شناختی: که از رایج‌ترین اثر رسانه است که با کاشت عقاید و اطلاعات بر ادهان و تفکر و بینش و شناخت اثر می‌گذارد؛

اثرات نگرشی: رسانه توانایی دارد به صورت کوتاه‌مدت و بلندمدت انگیزه‌ها و نگرش و امیال ما را جهت‌دهی نماید؛

اثرات عاطفی: رسانه مدیریت عواطف مثبت و منفی ما را در جهت نیل به خواسته‌های خود به دست می‌گیرد؛

اثرات رفتاری: رسانه با مدیریت بینش و گرایش ما در مسیر تحقق اهداف خویش ما را به انجام رفتارهایی خاص در حوزه فردی، سیاسی و اجتماعی و... وا دارد.

تا بدین جا نسبت به سواد رسانه‌های و مسائل آن آشنایی مختصری ایجاد شد. در ادامه به نقش و تأثیر سواد رسانه بر همراهی جوانان با انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. به عبارت دیگر چگونگی تأثیر دانش رسانه‌ای را بر بینش (شناخت)، نگرش (انگیزش)، عاطفه و کنش (رفتار) جوانان جامعه مورد بررسی قرار می‌دهد.

نقش بینشی و شناختی

۱. آگاهی بخشی سواد رسانه‌ای

معرفت و شناخت امری بسیار مهم و ضروری است زیرا شناخت منجر به عمل متناسب با آن

می‌شود. در حقیقت چیزهایی که انسان باید بداند و چیزهایی که باید براساس آنها عمل کند از هم جدا نیستند. و آگاهی و درک یک امر بر کیفیت عمل انسان اثر می‌گذارد. در حقیقت ایجاد، تکامل و استمرار یک پدیده از جمله انقلاب اسلامی در گرو شناخت جامع و کامل از مبانی، اصول، اهداف و روش‌های آن است؛ زیرا اعتقادات، باورها و آرمان‌ها اساس حرکت هر جامعه به شمار می‌آیند و هر انسانی براساس باورهای اعتقادی و فرهنگی و ملی خود به زندگی‌اش شکل می‌دهد. از این رو شهید مطهری در این باره می‌نویسد: راه آینده انقلاب، به واسطه شناخت «ماهیت» آن مشخص می‌شود، و انقلاب آن‌گاه دوام می‌یابد و حفظ می‌گردد که نیروهای انقلابی، به درستی ماهیت آن را بشناسند؛ چراکه نمی‌توان از انقلابی حفاظت کرد و به آن تداوم بخشید که ماهیتش بر ما مجهول است. وقتی ماهیت انقلاب بر ما مجهول باشد، ما نمی‌توانیم دریابیم که آن استحال و تغییر سیرت روی داده است یا خیر. بنابراین، گام نخست عبارت است از شناخت «ماهیت انقلاب» (مطهری، ۱۳۹۴: ش: ۸۳) که دشمن این شناخت را نشانه رفته است.

رسانه‌ها منافع و اهداف متعدد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی خاصی را دنبال می‌کنند یکی از این اهداف، دشمنی و تبلیغات علیه کشورهای دیگر، به ویژه جمهوری اسلامی ایران با هدف باز داشتن جوانان از یاری انقلاب و در نهایت نابودی انقلاب است. بررسی تاریخ نشان می‌دهد دشمن از طرق گوناگون درصدد تحقق اهداف خصمانه برآمده است که به مدد الهی و رهبری شایسته امام خمینی رحمته‌الله علیه و مقام معظم رهبری و یاری و پشتیبانی مستمر جوانان دچار خطای محاسباتی شده و متوقف شده است. اما دشمن عقب‌نشینی نکرده است بلکه اخیراً دست به جنگ و تهاجم ترکیبی و شناختی زده است که هدف آن تصرف افکار و اندیشه و عقاید و عقلانیت ملت‌هاست.

اگر همه این انواع عملیات با هم ترکیب شود، به فشار افکار عمومی منجر می‌شود و ادراک مخاطب عمومی آماج و مورد هدف قرار می‌گیرد تا بر ادراک مسئولان کشور هدف فشار آورده و در نهایت منجر به تغییر محاسبات شود (<https://farsi.khamenei.ir/others-> [dialog?id=51805](https://farsi.khamenei.ir/others-)).

بنابراین سواد رسانه‌ای شناخت و آگاهی جوانان را ارتقا داده و آنها را در برابر سلطه و هژمونی ناشی از حضور سنگین و اشباع‌کننده که از طریق آموزش تدریجی و تبلیغات توسط رسانه‌ها بر توده‌های جامعه تحمیل می‌گردند مقاوم نموده و حاکمیت رسانه‌ای را پس زده و

انقلاب خود را حفظ می‌نمایند (مهرداد، هرمز، ۱۳۸۰ش: ۶۵).

زیرا افرادی که از سطوح سواد رسانه‌ای برخوردار شوند؛ دارای مهارت بررسی و تجزیه و تحلیل پیام‌های رسانه‌ای هستند و آنها را چشم بسته نمی‌پذیرند بلکه درباره آنها تحقیق و جستجو می‌کنند تا به صحت و درستی آنها اطمینان یابند و اهداف و مقاصد پشت پرده و مخفی رسانه‌ای را کشف کنند. در واقع این افراد رسانه‌ها را کنترل می‌کنند نه این‌که رسانه‌ها آنها را کنترل کنند و در مقابل تبلیغات و ارزش‌های رسانه‌ای فعال هستند. این آگاهی و مطلع بودن جوانان عامل مهمی در اقتدار انقلاب اسلامی ایران است زیرا جوانان آگاه همیشه حامی و پشتیبان انقلاب هستند و در همه مراحل و شرایط سخت و آسان انقلاب‌شان را همراهی می‌کنند.

۲. بصیرت‌زایی سواد رسانه‌ای و پابندی به اصول انقلاب و اسلام

باتوجه به تحولات سیاسی - اجتماعی امروز جهان اسلام و از جمله ایران اسلامی، یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه ما مسئله بصیرت است. منظور از «بصیرت» دیدن با چشم نیست؛ بلکه نوعی بینش عمیق درباره حق و حقیقت است که در رفتارهای فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بروز و نمود دارد و موجب می‌شود انسان در همه عرصه‌ها، به‌ویژه عرصه اجتماعی سیاسی، رفتاری همسو با حق داشته باشد.

از جمله عوامل بصیرت‌زا سواد رسانه‌ای است؛ زیرا تهاجم رسانه‌ای نرم دشمن بیش از پیش شدت گرفته و درصدد ایجاد نفوذ، تحریف، تخریب و تفرقه بین همراهان و حامیان انقلاب با انقلاب است و در چنین عرصه‌ای بصیرت امری ضروری است که سواد رسانه این امر را محقق می‌سازد و بدین جهات حضرت امام خمینی علیه السلام به بصیرت فرا می‌خواند و می‌فرماید: دشمن و شرق و غرب تا شما را از هویت اسلامی‌تان بیرون نبرند آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با آنها رنجور شوید همیشه و با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید و اگر آرام‌گذاری لحظه‌ای آرام‌تان نمی‌گذارند (موسوی خمینی، ۱۳۵۶ش: ج ۲۱، ۱۰۹).

و رهبری معظم هم بر آن تأکید دارند (بیانات مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۱۳۸۸/۵/۲۱). چرا که در سایه سواد رسانه‌ای افراد دارای مهارت و قدرت تجزیه و تحلیل داده‌ها و پیام‌های سره از ناسره می‌باشند که علاوه بر درک مفهوم و معنای ظاهری پیام‌های رسانه‌ای به کنه و عمق آنها نیز راه می‌یابد و تصمیم‌عقلانه و آگاهانه می‌گیرد و آن را می‌پذیرد

یا رد می‌کند و علاوه بر این احساس مسئولیت کرده افراد دیگر را نیز آگاه می‌کند و کمک می‌کند تا در جنگ روایت‌ها، جوانان به بیراهه نروند بلکه روایت درست و حق را برگزینند و با تمام وجود از آن دفاع کنند مثل شهید آرمان‌الله‌وردی. و روایت‌های نادرست را طرد کنند و باطل بودن‌شان را فریاد زنند.

نقش نگرشی

نگرش در لغت به معنای ایستار، طرز رفتار، طرز تلقی، پنداشت، طرز تفکر براساس مفروضات پیشین (آذربایجانی، ۱۳۸۲ش: ۱۳۶) و در اصطلاح عبارت است از: آمادگی برای واکنش ویژه نسبت به یک فرد، شیء، فکر یا وضعیت و پدیده (رضائیان، ۱۳۷۹ش: ۲۰۲). رسانه‌های جمعی اعم از سمعی و بصری و نوشتاری و چاپی و... به گونه‌های هدفمند نگرش‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی - اجتماعی، مذهبی و ورزشی افراد جامعه را در مسیر دلخواه خود با هدف تأمین اهداف‌شان جهت می‌دهند: یعنی گاه اهداف رسانه‌ها اقتضا دارد نگاه جوانان به امری مثبت، بینابین و گاه منفی و بد باشد لذا در راستای اهداف خود وارد عمل می‌کنند و با سرمایه‌گذاری طولانی و با به کارگیری نظریه برجسته‌سازی اهمیت بیشتری به بعضی از موضوعات می‌دهند و جوانان ناخودآگاه نیز به آن اهمیت داده و بدان توجه می‌کنند زیرا فرضیه برجسته‌سازی مدعی است هرچه رسانه بر یک امر تأکید بیشتر داشته و به آن اهمیت دهد همگان نیز برای آن اهمیت قائل شده و از این راه می‌توانند بر مخاطبان خود تأثیر دلخواه خود را بگذارند و علایق آنها را با اهداف خود همسو نمایند (دهقان طرزجانی، ۱۳۸۷ش: ۲۴). اما سواد رسانه‌ای اهداف شوم و سلطه‌گر را خنثی کرده و نگرش جوانان را در جهت مثبت جهت‌دهی می‌کند و آنها را از انحراف باز می‌دارد که از این قرارند:

الف) سواد رسانه تقویت‌کننده میل به مصرف تولیدات داخلی و قطع وابستگی اقتصادی

رسانه‌های جمعی متعدد در بازه زمانی طولانی اما هدفمند در راستای بازاریابی برای کالاهای تولیدی خود هستند و با تبلیغ محصولات خود در کشورهای مختلف با قالب‌های متنوع و تخریب و تضعیف کالاهای داخلی کشورهای هدف درصدد تحقق خواسته‌های خود هستند. که این امر منافع زیادی برای آنان و پیامدهایی چون تعطیلی صنعت، بیکاری، مصرف‌گرایی و وابستگی همه‌جانبه برای کشورهای هدف دارد. که برای رهایی و نجات از این عوارض سوء، باید راه حل متناسب که سواد رسانه‌ای است را ارائه نمود.

سواد رسانه‌ای به افراد گوشزد می‌کند که با شناخت دشمن و بصیرت نسبت به اهداف پشت پرده تبلیغات گسترده آنها از سفره رسانه‌ها آگاهانه، فعالانه و هوشمندانه بهره ببرند و آثار بلندمدت اثرات آن را در نظر بگیرید و با تجزیه و تحلیل تبلیغات از ظواهر امر و اهداف آنها به عمق نیات و مقصودشان نفوذ کنند و لایه‌های درونی را رصد نمایند: و تنها در این صورت است که از خطرات تبلیغات رسانه دشمن از جمله مصرف‌گرایی صرف در امان می‌مانند و نسبت به مصرف کالاهای داخلی احساس مسئولیت می‌کنند چرا که مصرف داخلی سبب رشد تولید، افزایش اشتغال، کاهش بیکاری، توسعه سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، رشد صادرات و کاهش واردات و خودکفایی و استقلال اقتصادی می‌شود. و این امر مهم حاصل "نگاه به درون" اعتماد جوانان به خود و کشورشان است که همان اقتصاد مقاومتی نام دارد از این رو سواد رسانه لازمه تحقق اقتصاد مقاومتی است که رهبر انقلاب بر آن تأکید و می‌فرمایند:

ما عرض کردیم اقتصاد مقاومتی یعنی اگر ما به نیروی داخلی، به ابتکار جوان‌ها، به فعالیت‌ها ذهن‌ها و بازوها در داخل تکیه کنیم و اعتماد کنیم، از فخر و منت دشمنان خارجی خودمان را رها خواهیم کرد (بیانات رهبری در دیدار با جوانان استان ایلام، ۱۳۹۳/۲/۲۳).

ب) سواد رسانه تقویت‌کننده گرایش‌های مذهبی و دینی

رسانه‌ها، به جهت ویژگی‌های ممتازی که نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار در فرایند تربیت و تقویت یا تضعیف گرایش‌های مذهبی و دینی انسان دارند، دارای اهمیت به سزایی هستند. قدرت رسانه‌ها نسبت به سایر عوامل تأثیرگذار در فرایند تربیت و جهت‌دهی گرایش‌های دینی انسان، آن قدر مهم است که برخی معتقدند رسانه‌ها قادرند نسل جدیدی در تاریخ انسان پدید آورند، نسلی که از لحاظ رفتار و افکار و نحوه تعامل با هم‌نوعان خود، با نسل‌های پیشین تفاوت داشته باشند.

مارشال مک لوهان، یکی از مشهورترین جامعه‌شناسان کانادایی و از بزرگ‌ترین متخصصان مسئله ارتباطات جمعی، چنان اهمیتی برای وسایل ارتباط جمعی قائل است که آن را حتی مهم‌تر از اندیشه دینی یعنی محتوای این ارتباط می‌داند (قائم‌مقامی، ۱۳۵۶ش: ۲۸-۲۹). از این رو دشمن از طریق انبوه شبکه‌های ماهواره‌ای، سایت‌های اینترنتی و به خصوص شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی به دنبال تغییر اعتقادات و ذائقه، گرایش و علایق مذهبی جوانان ما به خصوص در عرصه سبک زندگی است و آنها می‌خواهند که جوانان ما از

سبک زندگی اسلامی - ایرانی دور شده و به سمت و سوی سبک زندگی و ارزش‌های تمدن غربی متمایل شوند.

اگرچه انسان‌ها می‌توانند از این ابزارهای فرهنگی مدرن و جدید در راه رسیدن به تعالی و تربیت صحیح استفاده کنند، اما نباید از این نکته غفلت ورزند که این وسایل می‌تواند انسان‌ها را به انحراف، فساد و انحطاط سوق دهد. امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌فرماید:

این دستگاه‌ها که مریبان فرهنگی جامعه امروزند، باید وسیله تربیت ملت باشند، یعنی نه تنها نباید با اشاعهٔ ابتذال مانع رشد فرهنگی و ضد تربیتی شوند، بلکه باید مربی بوده و جامعه را تربیت کنند (موسوی خمینی، ۱۳۵۶ش: ج ۱۶، ۸۳).

البته رسانه‌ها زمانی می‌توانند بی‌خطر و مفید واقع شوند که از یک سو مخاطبان در بهره‌گیری از آن توانمند باشند یعنی بدانند و آگاه باشند که هر آنچه رسانه‌ها به نمایش می‌گذارند و مطرح می‌کنند واقعیت ندارد و ممکن است بخشی از آنها درست و بخشی نادرست باشد در نتیجه آنها را بدون تجزیه و تحلیل نپذیرند بلکه باید دست به گزینش و انتخاب بزنند. و از سوی دیگر مخاطبان باید بدانند که همه پیام‌ها و آموزش‌های رسانه‌ای دارای آثار و نتایج سیاسی و اجتماعی و فرهنگی است برای شناخت و بررسی آثار و نتایج رسانه‌ها باید راه‌ها و شیوه‌هایی را که برای نمایش، انعکاس و بازآفرینی واقعیات در رسانه‌های جمعی به کار می‌رود را کشف و بررسی کرد. علاوه بر این باید بدانند چه کسی، به وسیله چه کسانی، چگونه و چرا و با چه اهدافی به تصویر کشیده می‌شوند که این توانمندی‌ها، همان سواد رسانه‌ای است که مخاطبان و اقشار جامعه را از انحراف از مسیر دین و مذهب حفظ کرده و آنها را در امور دینی و گرایش‌های مذهب اصیل خود راسخ‌تر می‌گرداند زیرا شناخت دقیق و جامعی از رسانه به دست آورده و اهداف و کارکردهایش را شناخته و گوهرهای دینی و معنوی خویش را شناخته و درصدد حفظ آن برمی‌آیند و این از آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران است در نتیجه جوانان با این ویژگی مثبت، انقلاب خود را در رسیدن به سایر آرمان‌ها و اهداف بهتر یاری می‌کنند.

ج) سواد رسانه تقویت‌کنندهٔ حس اعتماد به نفس (خودباوری)

یکی از رموز موفقیت هر فردی در زندگی، داشتن روحیه خودباوری و اعتماد به نفس است. اعتماد به نفس به معنای خوداتکایی و نقطه مقابل آن، اعتماد به دیگران است. عدم اعتماد به نفس مساوی است با ربونی، خواری، ناتوانی، حقارت، وابستگی، تخدیر روح، فلجی فکر، مایوس متکی به دیگران و ناتوان از استفاده صحیح از امکانات و توانمندی‌های خود است و

نقطهٔ مقابل اعتماد به نفس و خودباوری یعنی ارزش‌ها و اخلاقیات متجلی، عامل پیشرفت و توسعه پایدار، همراه و همدل، مصمم و باراده، مستقل و خودکفا هستند.

از این رو امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌فرماید:

شما قوانین اسلام و آثار اجتماعی و فواید آن را بنویسید و نشر کنید. روش و طرز تبلیغ خودتان را تکمیل کنید توجه داشته باشید که شما وظیفه دارید حکومت اسلامی تأسیس کنید اعتماد به نفس داشته باشید و بدانید که از عهدهٔ این کار بر می‌آید استعمارگران از ۴۰۰-۳۰۰ سال پیش زمینه تهیه کردند. از صفر شروع کردند تا به این جا رسیدند ما هم از صفر شروع می‌کنیم. از جنجال چند غریزده و سرسپردهٔ نوکرهای استعمار هراس به خود را ندهید (موسوی خمینی، ۱۳۵۶ ش: ۱۵).

و نیز رهبر معظم انقلاب اعتماد به نفس ملی را بیش از پیش یک ضرورت و عامل اصلی ادامهٔ پیشرفت‌های کشور توصیف نمود و تضعیف اعتماد به نفس ملی را حیلۀ دشمن برای مقابله با کشور و جبران ناکامی‌های خود برشمرد و جوانان به ویژه نخبگان را به تقویت و رشد این امر مهم برای مقابله با توطئه‌های دشمن فرا خواند (بیانات رهبری در جمع دانشجویان یزد، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳). از این رو باید در ایجاد، تقویت و گسترش آن کوشید.

یکی از عوامل تأثیرگذار بر خودباوری و ارتقای اعتماد به نفس سواد رسانه‌ای است که مهارتی برای اندیشیدن به شیوهٔ انتقادی و به تعبیری تفکر انتقادی که مخاطب چه بیننده باشد، چه شنونده، چه خواننده مهارتی پیدا کند که هر پیامی را منفعلانه قبول نکند و در برابر پیام‌ها قدرت تصمیم‌گیری، مقاومت و انتقاد داشته باشد. به عبارت دیگر سواد رسانه‌ای به افراد استقلال فکری و اندیشه‌ای و عملی هدیه می‌دهد در نتیجه مانع از همسو شدن با خواست دشمنان انقلاب اسلامی می‌شود تا این‌که سبک زندگی و ارزش‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... بیگانگان را بپذیرد و متکی بر دیگران باشد، و منتظر باشد که دیگران برای او بینش‌ها و نگرش‌ها و گرایش‌های خاصی را رقم بزنند و او بی‌اراده آنها را قبول و به اجرا در آورد که به نوعی تیشه بر ریشه زدن اعتماد به نفس ملی است.

نقش‌کنشی و رفتاری

رفتارهای هر جامعه براساس اعتقادات، باورها و چگونگی اندیشه افراد آن جامعه شکل می‌گیرد. با تغییرات اساسی در این مبانی، الگوهای رفتاری در حوزه‌های گوناگون تغییر می‌کند. در واقع نهادهای رفتاری در هر جامعه، براساس نوع باورها و اعتقادات و چگونگی

فکر و اندیشه در آن جامعه پدید می‌آیند. بدیهی است که با تحول هر نوع باور و اندیشه‌ای، الگوهای رفتاری جدید براساس باورها و اندیشه‌های نو، جانشین الگوهای پیشین می‌گردد (ریاحی، ۱۳۹۰ش: ۱۷۲-۱۷۳).

عوامل زیادی بر دگرگون شدن رفتارها و جایگزین کردن رفتارهای جدید در جامعه دخیل هستند رسانه‌ها از جمله آنها هستند؛ زیرا رسانه‌ها قدرت بالایی در جهت‌دهی رفتار جوانان و تغییر و جایگزینی رفتارها دارند با تصویر و فیلم‌ها و تبلیغات متعدد و هدفمند تلاش می‌کند تا به مخاطب القا کند چه کاری انجام دهد و چه کاری درست است و چه کاری نباید انجام دهد و چه کاری غلط است در مقابل سواد رسانه‌ای این هدف رسانه‌ها را مهار و کنترل می‌کند و به یاری عوامل متعدد دیگر نقش کنشی و رفتاری مهمی را ایفا می‌کند که عبارتند از:

الف) حضور در انتخابات و انتخاب فرد اصلح

امام خمینی رحمته‌الله علیه خاستگاه و منشأ مردمی و عدم تعلق آن به طایفه‌ای خاص را از ویژگی‌های ممتاز انقلاب اسلامی می‌دانند و معتقدند از خصوصیات مهم انقلاب دولتی نبودن، حزبی نبودن، فرقه‌ای نبودن، ارتشی نبودن و مربوط نبودن به کودتا می‌دانند و از این لحاظ انقلاب اسلامی را انقلابی ملتی، مردمی و تکامل‌گرا می‌داند که بر مشارکت وسیع جوانان در صحنه سیاسی و «پشتوانه قوی مردمی» استوار است. ایشان معتقد است ویژگی مهم انقلاب این است که این انقلاب توسط خود مردم و جوانان عادی خصوصاً طبقه مستضعف و بدون وجود عوامل خارجی و صرفاً با توکل به خداوند انجام شده است.

با توجه به بیانات امام خمینی رحمته‌الله علیه انتخابات، از ابزار تحقق مردم‌سالاری و از مؤلفه‌های مشارکت سیاسی است؛ به عبارت دیگر، محور اصلی مشارکت سیاسی، مشارکت انتخاباتی است. یکی از معیارهای سنجش دموکراسی در جوامع مختلف انتخابات است؛ چرا که مردم، جوانان واجد شرایط می‌توانند به صورت مستقیم نظر خود را درباره تصمیمات مهم ابراز نمایند. حال با این شرایط میزان مشارکت مردم و جوانان جوامع مختلف در انتخابات نمایانگر خرسندی آنها از روند پیشرفت دموکراسی و در عین حال رضایت آنها از سیستم حاکمیتی می‌باشد و عوامل متعددی این امر مهم را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

عوامل متعددی این رفتار مشارکت سیاسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد که رسانه‌ها یکی از مهم‌ترین آنهاست زیرا از یکسو دشمنان نظام اسلامی ایران از مدت‌ها قبل از انتخابات از طریق

رسانه‌های متعدد دست به کار می‌شود و از افراد، گروه‌ها و احزاب خاص داخلی، که همسو با اهداف و خواسته‌های شومشان هستند و تأمین‌کننده و پیش‌برنده برنامه‌های آنها هستند حمایت می‌کنند و در مقابل نیروها و اشخاص و گروه‌ها و احزاب که در تقابل با اهداف آنهاست را تخریب و تضعیف و حذف می‌کنند. گاهی اصل انتخابات را تضعیف می‌کنند گاه انتخابات را زیر سؤال می‌برند و ادعای تقلب می‌کنند و گاه آن را بی‌فایده تلقی می‌کنند و گاه با افشاگری و بی‌اخلاقی‌ها نامزدها را در تقابل هم قرار می‌دهند و مردم را نسبت به انتخابات بدبین می‌کنند و مشارکت پائین می‌آید.

از سوی دیگر رسانه‌هایی هستند که از روی دشمنی و عناد و عده‌ای نیز با غلتیدن در دام و سوسه‌های مادی، شهرت، قدرت و ثروت از کارکردهای اصلی خود دور شده و سر از ناکجا آباد، باندبازی و بده بستان‌های سیاسی در می‌آورند این دسته از رسانه‌ها در فصل انتخابات، نقش و رسالت اطلاع‌رسانی و آموزشی و فرهنگ‌سازی و تشویقی خود را فراموش کرده و بیشتر در گردونه عناد، قدرت و سیاست می‌چرخند که با دستکاری در واقعیت‌ها، وارد کارزار سیاسی بازی شده و جریان سیال و روان جامعه را به سمتی غیرمنطقی سوق می‌دهند.

امام خمینی علیه السلام نیز به خطراتی از این دست اشاره می‌کنند و همه را به هوشیاری فرا می‌خوانند و می‌فرمایند:

باید دانشگاه‌ها متوجه باشند که اگر چنانچه افرادی در دانشگاه هستند که شیطنت دارند می‌کنند، اینها را باید توجه کنند که گول اینها را نخورند. خودشان دخالت در امور انتخابات بکنند انتخابات سرنوشت شمایی که در آن جا هستید را تعیین می‌کند یک امری که سرنوشت آحاد ملت در دست اوست وظیفه آحاد ملت است که در آن دخالت کنند مربوط به یک قشری دون قشری نیست همه باید در این دخالت بکنند و این شیطنت‌های که الان دارند می‌کنند به طوری که به من گفته‌اند برای مایوس کردن بعضی از جوان‌های ماست این شیطنت را خنثی کنید و فعال وارد بشوید در انتخابات. می‌خواهید خودتان کسانی را تعیین کنید و انتخاب کنید، می‌خواهید ببینید هر قشری که می‌پسندید حرف‌های آنها را و کاندیدای آنها را. شما هم با آنها باشید. در هر صورت ما باید از کید این خائنین هیچ وقت غافل نشویم (موسوی خمینی، ۱۳۵۶ش: ج ۱۸، ۳۶۸-۳۶۹).

این خطر تا زمانی که جوانان از سواد رسانه‌ای برخوردار نباشند جامعه را تهدید می‌کند اما زمانی که جوانان جامعه سواد رسانه را آموزش ببینند و رسانه‌های متعهد و مطمئن و صادق در امر رسانه را از غیر آن بشناسند و مهارت‌هایی مرتبط و حاصل از سواد رسانه‌ای را کسب کنند در

برابر این دسته از رسانه‌ها و تبلیغات و زد و بندهایی رسانه‌ای آگاه می‌شوند و به عمق اهداف و جوسازی آن پی می‌برند و با دیدی منتقدانه به تجزیه و تحلیل آنها می‌پردازند و با دیدی دقیق و عمیق به مسائل تبلیغات مرتبط با انتخابات می‌نگرند و اشخاص واجدالشرايط را شناسایی و در انتخابات حد اکثری شرکت و فرد اصلح را گزینش و به کرسی قدرت می‌نشانند؛ و با این عمل خود در پشتیبانی حکومت و تداوم انقلاب نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند؛ زیرا به فرموده رهبری، مردم اداره‌کننده واقعی کشور هستند و می‌فرمایند:

امروز شاید در بین ملت‌های دنیا، ملتی مانند ایران نباشد که از هیچ قدرتی خارجی فرمان نبرد و ملاحظه آنها را نکند و خودش تصمیم بگیرد و راه خودش را انتخاب کند و مستقل باشد. در داخل ایران هم در امور کشور در دست خود مردم و جوانان است. بحمدالله بساط حکومت‌های استبدادی و زورگو از این کشور برچیده شده است. آنها قرن‌های متمادی بر کشور و ملت ما حاکمیت داشتند و جوانان کمترین دخالتی در امور خودشان نداشتند (بیانات رهبری در مراسم بیعت جوانان چهارم و بخش‌های تابعه، ۱۳۶۸/۴/۱۸).

ب) حضور مستمر و همیشگی در صحنه و پشتیبانی از ولایت فقیه

شرکت همه اقشار و افراد جامعه در مسائل و امور مملکتی و نظارت بر کارهای مسئولان و گوشزد نمودن اشتباهات آنان، عامل تداوم و استمرار انقلاب اسلامی ایران است. باقی بودن جوانان انقلابی در صحنه، برای دفع توطئه‌های بیگانگان و نگهبانی از ثمرات انقلاب و خون شهیدان ضروری است. وقتی انقلاب از متن جوانان باشد، نمی‌توان آن را شکست داد. استقامت و حضور همیشگی جوانان در صحنه، مستلزم آگاهی، هوشیاری و بیداری ملت راجع به عوامل ضد انقلاب و توطئه‌ها، شرارت‌ها و مفاسد آنان می‌باشد. مظهر حضور همیشگی جوانان در صحنه، شرکت در انتخابات، راهپیمایی‌ها و حضور در مراکز آگاهی‌بخش و پایگاه‌ها و کانون‌های اصلی مبارزه است. حضور در مساجد و شرکت گسترده جوانان در نمازهای وحدت‌آفرین جمعه، نیز از نشانه‌های حضور جوانان به شمار می‌آید؛ زیرا شرکت گسترده جوانان در تظاهرات و راهپیمایی‌ها و برپایی نماز جمعه، باعث آگاهی ملت از مسایل سیاسی و دینی روز می‌شود.

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه براساس آیه شریفه «کلکم راع و کلکم مسئول» مسئولیت حفظ انقلاب را همگانی می‌داند و معتقد است مشارکت مردم به خصوص جوانان و حضور دائم آنان در صحنه موجب افزایش درجه خلوص قدرت و استحکام انقلاب اسلامی می‌گردد. ایشان استقامت و

حضور همیشگی در صحنه را مستلزم آگاهی و هوشیاری و بیداری ملت نسبت به عوامل ضد انقلاب و توطئه‌ها، شرارت‌ها و مفاسد آنان می‌داند.

بنابراین یکی از مصادیق بارز همراهی و حمایت جوانان از انقلاب اسلامی حضور همیشگی و مستمر ملت ایران در صحنه است که لازمه آن آگاهی و هوشیاری و بیداری می‌باشد که سواد رسانه‌ای به عنوان یکی از این عوامل این آگاهی بخشی را بر عهده دارد و ملت و جوانان را از مخاطبینی منفعل و دریافت‌کننده محض اطلاعات و پیام‌ها خارج کرده و آنها را وادار می‌کند تا نسبت به هر آنچه دریافت می‌کنند بی‌تفاوت نباشند بلکه آن را تجزیه و تحلیل کرده و آن را مورد انتقاد و کنکاش جدی قرار داده و در نهایت تصمیم به پذیرش یا رد آن اقدام کنند و افراد یک جامعه با چنین توانمندی و آگاهی قادر هستند حضور دائمی داشته و در حوادث و مقاطع حساس مختلف مانند نهم دی ایفای نقش کرده و بار دیگر انقلاب خود را تأیید و حقانیت آن را به رخ جهانیان بکشانند و برنامه‌های شوم دشمنان داخلی و خارجی انقلاب را خنثی کنند.

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه رمز پیروزی انقلاب را در حضور جاودان و حماسی ملت بیان می‌کند:

شما دیدید که یک اجتماعی، یک وحدت کلمه، چه معجزه‌ای برای ما آورد و قدرت‌های بزرگ را در هم شکست و آنها هم احساس کردند که یک همچو احساس قدرتی در اسلام است که یک مملکتی که هیچ ندارد و هیچ قدرت نظامی ندارد، بر همه قدرت‌های نظامی غلبه کرد. زن و مردش در خیابان‌ها در کوچه‌ها ریختند و مخالفت کردند و پیش بردند الان نویسنده‌های شان، گویندگان شان، تبلیغات دامنه‌دارشان، در ایران و در خارج ایران برای این است که نگذارند این اجتماع محفوظ بماند و ایجاد تفرقه می‌کنند به راه‌های مختلف. از هر راهی که عقل شان می‌رسد، شیطنت شان اقتضا می‌کند از آن راه مشغول به تبلیغات می‌شوند و خرابکاری (موسوی خمینی، ۱۳۵۶ش: ج ۱، ۵۳۴).

از جمله حضور پررنگ در صحنه در سال‌های اخیر قیام نه دی ۸۸ است که بار دیگر جوانان ایران به خیابان‌ها آمده و بار دیگر اهداف و نقشه‌های دشمنان داخلی و خارجی را خنثی نمودند و انقلاب را حمایت کرده و حقانیت نظام اسلامی را به همگان ثابت نمودند که به فرموده مقام معظم رهبری در آن حادثه بی‌نظیر دست‌اندرکار نبود و قدرت فکری که شاکله اصلی نظام است، جوانان را به خیابان‌ها کشاند و آن حادثه بی‌نظیر پدید آمد (بیانات رهبری در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۹۵/۱۰/۰۷).

ج) استقلال فرهنگی جوانان

تهاجم فرهنگی تلاش برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته یک گروه یا یک جامعه برای تحمیل

باورها، ارزش‌ها و اعتقادات، اخلاقیات و رفتارهای مورد نظر خویش بر سایر گروه‌ها و جوامع است که در آن عناصری از فرهنگ یک قوم بدون هیچ اجبار و الزامی به قوم دیگر منتقل می‌شود.

تهاجم فرهنگی حرکتی است مرموزانه، حساب شده و همواره با برنامه‌ریزی دقیق و با استفاده از شیوه‌ها و ابزار و امکانات متعدد و متنوع برای سست کردن باورها، دگرگونی ارزش‌ها، انحراف ریشه‌ها، تغییر و تبدیل ادب و سنن و نابودی اصول اخلاقی حاکم بر یک جامعه است (بیانات رهبری، ۱۳۷۱/۰۵/۲۱).

یکی از ابزار تهاجم، رسانه‌های جمعی هستند که استکبار جهانی با در اختیار گرفتن مالکیت رسانه‌ای بین‌المللی جمعی. همچنین تسلط بر محتوای رسانه‌های جمعی کشورها مانند رادیو، تلویزیون و مطبوعات سعی در بی‌ارزش جلوه دادن فرهنگ، آئین و آداب و رسوم ملی جوامع و ارائه الگوهای نادرست به آن جوامع را دارند و برنامه‌های رادیو و تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، کتاب، نشریات و خلاصه همه مجاری ارتباطی را در مسیر تهاجم به کار می‌گیرد که سعی می‌کند برنامه‌هایی خود را در پوشش زیبا و آشنایی از جنس جمعیت، فرهنگ، نژاد بومی یا ارائه‌های پژوهشی و داعیه‌های بشری پنهان کند و اثر پیام خود را افزایش دهد و راه را بر امکان تبیین ماهیت سازوکارهای خود ببندد.

این مدل تهاجم آن قدر دقیق و آهسته و در قالب‌های متنوع ارائه می‌شود که ناخودآگاه تضعیف نفس هویت فرهنگی و ملی، پذیرش سلطه فکری و فرهنگ بیگانه، تغییر باورها و رفتارها براساس ارزش‌های مهاجمان، دگرگونی روش‌ها و آداب و رسوم زندگی فردی و اجتماعی منطبق با الگوی بیگانه را به دنبال دارد که منجر به استیلا سیاسی و اقتصادی آنها می‌شود. مقاومت در برابر تهاجمات فرهنگی خصمانه رسانه‌ای ابزار و سازوکارهای خاص خود را می‌طلبد زیرا به فرموده رهبر انقلاب فرهنگ مهاجم بیگانه از راه نمایش‌ها و برنامه‌های سرگرم‌کننده بیش از گفتگوی رویارویی بر ذهن و عمل جوانان اثر می‌گذارد که از این اثرگذاری ناخواسته، هوشیارانه و خردمندانه جلوگیری شود (حکم انتصاب دکتر لاریجانی به سمت رئیس صدا و سیما، ۱۳۷۲/۱۱/۲۴) که دست خالی بودن و مجهز نبودن به این ابزارهای کارآمد جامعه را دچار وابستگی فرهنگی و نگه داشت جوانان از همراهی و حمایت و صیانت از فرهنگ خودی و انقلاب می‌کند.

سواد رسانه‌های قوی و کارآمد در برابر تهاجم فرهنگی و حراست از فرهنگ خودی است

این ابزار مهم مخاطبان و گروه هدف تهاجم را نسبت به اهداف و تاکتیک‌های دشمن آگاه و واکنش‌دهنده می‌کند و آنان را به گونه‌ای بر سفره رسانه‌ها می‌نشانند که هرچه در آن بود را مصرف نمی‌کنند بلکه قبل از هر گونه انتخاب، اقدام به تحقیق و تفحص همه‌جانبه، مقایسه و سنجش آنها با مبانی فرهنگ خودی و نیز بررسی آثار و نتایج آن کرده و به نقد آنها پرداخته و مطالب حق و باطلی که با هم در آمیخته شده تا شبهه‌ای را القا کنند از هم تفکیک نموده سپس آگاهانه و هوشمندانه مواردی را انتخاب و مصرف می‌کنند که مفید فایده و هماهنگ و در راستای فرهنگ دینی و اسلامی آنان باشد. در نتیجه جوانان با حراست و صیانت فرهنگ خویش و مقاومت آگاهانه در برابر فرهنگ و ارزش‌های نادرست و غیرخودی انقلاب خود را به بهترین نحو همراهی کرده و بهترین آینده را برای خود و دیگران رقم می‌زنند.

د) ایجاد، تقویت و حفظ وحدت بین آحاد مسلمانان و ملت در عرصه داخلی و خارج

اتحاد و همدلی میان جوانان و نظام در حکومت اسلامی واقعیتی ملموس و حقیقی است. این وحدت به مثابه بند تسبیح تمامی انسان‌ها را به یکدیگر مرتبط و آنان را به سان دانه‌های یک شانه می‌نماید و همگی افراد انسان را همچون یک پیکر می‌بیند که این وحدت مبنای عقلی و دینی دارد و در کتب روایی به تفضیل آمده است.

قرآن کریم نیز برای برای اتحاد و وحدت ارزش زیادی قائل است و می‌فرماید:

﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...﴾ (آل عمران: ۱۰۳).

و نیز می‌فرماید:

﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

عَظِيمٌ﴾ (آل عمران: ۱۰۵).

اما دشمنان اسلامی این وحدت را تحمل نکرده و به سود خود نمی‌دانند به همین دلیل درصدد تفرقه‌اندازی و گسستن این اتحاد هستند و در این راه به هرگونه ابزاری از جمله رسانه‌های جمعی و گروهی توسل جسته‌اند. البته این تلاش دشمن از همان آغاز پیروزی انقلاب اسلامی وجود داشته است. از این رو امام خمینی رحمته‌الله علیه مکرر بر آن تأکید نموده و جوانان را به هوشیاری در برابر آنها دعوت کرده‌اند:

دست‌های اجنبی در کار است تا دوباره ما را به وضع اولیه برگرداند؛ تفرقه بین صفوف ایرانیان بیندازد و وظیفه ماست که از این نهضت پاسداری کنیم، وحدت کلمه را به کار بندیم و شما با وحدت کلمه توانستید با دست خالی بر قدرت‌های بزرگ پیروز

شوی (موسوی خمینی، ۱۳۵۶ش: ج ۷، ۱۸).

امروز نیز دستگاه‌های تبلیغاتی غرب با سوءاستفاده از فن‌آوری ارتباطات، عملیات روانی و تبلیغی، قدرت نرم و جنگ رسانه‌ای و شناختی و ترکیبی، وحدت جهان اسلام را نشانه گرفته‌اند. در این عرصه قدرت‌های بزرگ از راه تسلط بر شبکه‌های ارتباطی و رسانه‌های جمعی، عادات و آداب خود را در دیگر کشورها رواج می‌دهند تا با تضعیف فرهنگ‌های ملل دیگر، اندیشهٔ ایجاد جهانی تک فرهنگی را محقق سازند.

اشاعهٔ تفکرهای متنوع اعم از مذاهب و ادیان، مکتب‌های زمینی و مادی، ملیت‌ها و قومیت‌ها از طریق رسانه‌های سنتی و مدرن، ادیان و مذاهب را در معرض یک رقابت کاذب قرار داده و عامل مهمی برای تفرقه و تشتت بین پیروان مذاهب به خصوص در جهان اسلام و در بین جوانان مسلمان هر کشور شده است. در این برهه متأسفانه بسیاری از رسانه‌های جهان اسلام نیز در دام شگردهای حرفه‌ای نظریه‌پردازان حوزهٔ ارتباطات و مدیریت رسانه‌ای غرب گرفتار شده و حرکت مستقلی را برای مقابله با این وضعیت صورت ندادند. در واقع ایجاد شکاف بین جوانان از طریق ایجاد اختلاف و نفاق میان مذاهب اسلامی و ملت‌های مسلمان با ابزار رسانه‌ای سنتی نظیر مطبوعات، رادیو و تلویزیون و رسانه‌های مدرن نظیر سامانه‌های اینترنتی، سینما، تئاتر، انیمیشن و رسانه‌های مجازی اجرا می‌شود.

غرب بودجه‌های بسیاری را برای تقویت این سیاست در نظر گرفته که در قالب تبلیغات گسترده عملیاتی شده است. واقعیت این است که همان‌گونه که ایجاد تفرقه میان مذاهب و مسلمانان از طریق رسانه‌های سنتی و مدرن ممکن است، برای مقابله با عوامل تفرقه و حرکت به سوی تقریب مذاهب اسلامی و وحدت میان جوانان مسلمان هر کشور نیز باید از همین رسانه‌ها استفاده کرد. یعنی ما نیز همانند آنها از عنصر رسانه البته شایسته و درست در جهت اهداف خود استفاده کنیم و علاوه بر این با آموزش سواد رسانه‌ای به جوانان آنها را در برابر تبلیغات فرقه‌انداز دشمن مقاوم نمائیم.

سواد رسانه این مهارت، فرایندهای شناختی، نگاه انتقادی و موشکافانه را به جوانان و مخاطبان می‌دهد که آنها شگردهای دشمن برای ایجاد اختلافات داخلی و گل‌آلود کردن فضای کشور و بهره‌جستن به نفع خود را شناخته و نیز لایه‌های زیرین و پنهانی اهداف سوء آنها را کشف کرده و خنثی می‌نمایند؛ و به راحتی پیام‌های رسانه‌ای که زیر پوستی اختلافات قومی، زبانی و فرهنگی را رشد و شکل می‌دهند را نمی‌پذیرند و به آنها دامن نمی‌زنند و در دام

آنها گرفتار نمی‌شوند و در مقابل وحدت خود را در عین داشتن تفاوت‌های فرهنگی و سلیق سیاسی و تنوع قومیتی و زبانی وحدت خویش را حفظ نموده و با وحدت و یکدلی انقلاب اسلامی را به نحو شایسته همراهی و حمایت می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

برای دستیابی به نقش سواد رسانه‌ای در همراهی جوانان با انقلاب اسلامی ایران، مقاله در قالب دو فصل کلی بررسی شده است؛ فصل اول به طور کامل به مفهوم سواد رسانه‌ای و مبحث اصول، عناصر، ویژگی، رویکردها و ضرورت آموزش آن پرداخته شد و در فصل دوم به تبیین نقش سواد رسانه در قالب سه عنوان نقش بینشی، نگرشی و گرایشی می‌پردازد بدین صورت که سواد رسانه‌ای در بعد بینشی سبب آگاهی بخشی و بصیرت‌زایی شده و افراد آگاه، مطلع و بصیر بهتر انقلاب را همراهی می‌کنند و پیام‌های رسانه‌های گوناگون منفی و نادرست را نپذیرفته و آنها را نقد می‌کنند و رابطه‌های فعالی با رسانه‌ها دارند. و سواد رسانه‌ای در بعد نگرشی علایق جوانان و سلیق آنها را در مسیر مثبت جهت‌دهی می‌نماید و مخاطبان را در برابر اهداف دشمن که سعی در همسو کردن و جهت‌دهی نگرش ملت ما با خواسته‌های خصمانه و پلید خود دارند واکسینه کرده و اعتماد به نفس و حس خودباوری، تقویت گرایش‌های مذهبی و میل و علاقه به مصرف تولیدات داخلی را در آنها تقویت کرده و آنها را آماده برای همراهی با انقلاب در سایه این مؤلفه‌ها می‌نماید و در بعد گرایشی با مصونیت بخشی اندیشه و باورها و نیز نگرش‌ها، گرایش‌های مثبتی را برای مخاطبان رقم می‌زند به گونه‌ای که آنها را از مخاطبین منفعل تبدیل به انسان‌هایی فعال می‌کند که لایه‌های نهانی پیام‌های تبلیغاتی دشمن برای باز داشتن آنها از حمایت و همراهی انقلاب را درک کرده و در مسیر مخالف دشمنان و موافق انقلاب حرکت می‌کنند، و با حضور در انتخابات گوناگون و حضور مستمر در صحنه و حفظ اتحاد و همبستگی ملی و حفظ استقلال فرهنگی خود، انقلاب را به نحو احسن همراهی می‌کنند.

منابع

قرآن کریم

۱. آذربایجانی، مسعود و دیگران (۱۳۸۲ش)، *روان‌شناسی اجتماعی بانگ‌ریش به منابع اسلامی*، تهران: انتشارات سمت.
۲. پاتر، دبلیو جیمز (۱۳۶۸ش)، «تعریف سواد رسانه‌ای»، ترجمه: لیلا کاووسی، *فصل‌نامه رسانه*.
۳. پاتر، دبلیو جیمز (۱۳۹۱ش)، *بازشناسی رسانه‌های جمعی با رویکرد سواد رسانه‌ای*، ترجمه: امیر یزدیان، پیام آزادی و منا نادعلی، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۴. دهقان طرزجانی، محمود (۱۳۸۷ش)، *نظریه‌های تبلیغات*، تهران: انتشارات دانشکده صداوسیما.
۵. رضائیان، علی (۱۳۷۹ش)، *مدیریت رفتار سازمانی*، تهران: انتشارات سمت.
۶. ریاحی، محمدرضا (۱۳۹۰ش)، *ایران و آمریکا: توسعه تضاد در بستر قدرت نرم رسانه*، تهران: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
۷. شکرخواه، یونس (۱۳۸۵ش)، «سواد رسانه‌ای»، *مجله رسانه*، شماره ۴.
۸. طلوعی، علی (۱۳۹۱ش)، *سواد رسانه‌ای درآمده‌ی بر شیوه‌ی یادگیری و سنجش*، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
۹. قاسمی، طهمورث (۱۳۶۸ش)، «سواد رسانه‌ای رویکردی جدید به نظارت»، *فصل‌نامه رسانه*.
۱۰. قاسمی، طهمورث (۱۳۸۵ش)، «سواد رسانه‌ای رویکردی جدید به نظارت»، *فصل‌نامه مطالعاتی و تحقیقاتی وسایل ارتباط جمعی*، شماره ۶۸.
۱۱. قائم‌مقامی، فرهنگ (۱۳۵۶ش)، *آموزش یا استعمار فرهنگی*، بی‌جا: نشر جاویدان.
۱۲. کانسیداین، دیوید (۱۳۷۹ش)، *درآمده‌ی بر سواد رسانه‌ای*، ترجمه: ناصر بلیغ، تهران: صداوسیما جمهوری اسلامی ایران (اداره کل تحقیق و توسعه صدا).
۱۳. گروهی از نویسندگان (۱۳۹۵ش)، *جنگ نرم، نفوذ و سواد رسانه‌ای؛ گروه فرهنگ و هنر دینی*، قم: مرکز پژوهش و سنجش افکار (اداره کل پژوهش‌های اسلامی رسانه).
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۴ش)، *نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر*، تهران: صدرا، چهل و نهم.

۱۵. معین، محمد (۱۳۷۵ش)، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر.
۱۶. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۵۶ش)، ولایت فقیه: حکومت اسلامی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته‌الله علیه.
۱۷. مهرداد، هرمز (۱۳۸۰ش)، مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی، تهران: فاران، اول.
۱۸. نصیری، بهاره (۱۳۹۱ش)، «اهمیت آموزش سواد رسانه‌ای در قرن بیست و یکم»، مطالعات رسانه‌ای، سال هفتم، شماره ۱۸.